

پژوهش‌نامه دیپلماتی فرهنگی

پژوهش‌نامه دیپلماتی فرهنگی
(فصلنامه)

سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۴۰۴
صاحب‌امتیاز: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی

مدیرمسئول: رضا ملکی
سر‌دبیر: حسن بشیر
جانشین سردبیر: محمدحسین شعاعی
مدیر داخلی: مریم فخری

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

فؤاد ایزدی	دانشیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران (حوزه دیپلماسی عمومی)
حسن بشیر	استاد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) (حوزه ارتباطات بین‌الملل و میان‌فرهنگی)
احمد پاکتنچی	دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (حوزه علوم قرآنی و زبان‌شناسی)
محسن خندان (الویری)	استاد و مدیر گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع) (حوزه مطالعات تاریخ و تمدن)
کریم خان محمدی	استاد گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع) (حوزه فرهنگ و ارتباطات)
محمدرضا دهشیری	استاد علوم سیاسی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (حوزه روابط بین‌الملل)
سید جلال دهقانی فیروزآبادی	استاد تمام روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (حوزه روابط بین‌الملل)
امیرپهرام عرب‌احمدی	دانشیار گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران (حوزه مطالعات جهان)
علی اصغر کیا	استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی (حوزه ارتباطات)
امید علی مسعودی	استاد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه سوره (حوزه ارتباطات اجتماعی)

شورای اجرایی:

دبیر اجرایی: محمدصادق بیگلری
طراح جلد: سید محسن حسینی
صفحه‌آرایی و ویراستاری: سمیه سپاه‌پشت
ترجمه انگلیسی: کارشناس پژوهش‌نامه

نشانی: تهران، بزرگراه شهید سلیمانی، روبه‌روی درب شمالی مصلاهی تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

سندوق پستی: ۴۵۱۶/۱۵۸۱۵، تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۵۳۳۳۸ و ۰۲۱-۸۸۱۵۳۳۹۵، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۴۳۲۷۹

ارسال پیام از طریق پیام‌رسان بله: ۰۹۹۱۵۵۷۴۴۱۸

سامانه اختصاصی پژوهش‌نامه: <https://cdrj.icro.ir> رایانامه: culturaldiplomacy2024@gmail.com

شماره ثبت: ۹۶۳۵۱/شماره شاپا: ۵۷۴۱-۳۰۶۰/قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

مقاله‌های این پژوهش‌نامه در وبسایت‌های زیر نمایه می‌شود:

■ www.isc.ac
■ www.magiran.com
■ www.civilica.com

■ www.sid.ir
■ www.noormages.com
■ www.ensani.com



راهنمای تدوین و شرایط پذیرش و انتشار مقالات

از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود از ارسال مقاله‌هایی که برابر با شیوه‌نامه ذیل تهیه نشده‌اند، خودداری فرمایند؛ تنها مقاله‌هایی ارزیابی می‌شوند که مطابق شیوه‌نامه نگاشته و ارسال شده باشند. پژوهش‌نامه دیپلماسی فرهنگی فصلنامه‌ای در حوزه مطالعات دیپلماسی فرهنگی با رویکردهای مختلف است. قلمرو مسائل این نشریه حوزه‌های زیر را شامل می‌شود که در همه موارد، بحث‌های مطرح‌شده باید بر مبنای رویکرد کلان دیپلماسی فرهنگی باشد:

۱) دیپلماسی فرهنگی (۲) دیپلماسی فرهنگی منطقه‌ای و جهانی ایران (۳) دیپلماسی فرهنگی کشورهای جهان (۴) دیپلماسی ارتباطات میان‌فرهنگی (۵) دیپلماسی ارتباطات بین‌الادیانی (۶) دیپلماسی گفت‌وگویی (۷) دیپلماسی رسانه‌ای (۸) دیپلماسی هنر (۹) دیپلماسی علم و فناوری (۱۰) دیپلماسی اقتصادی (۱۱) دیپلماسی آموزشی (۱۲) دیپلماسی وحدت اسلامی (۱۳) دیپلماسی زیارت (۱۴) دیپلماسی دین (۱۵) دیپلماسی تبلیغ و دعوت (۱۶) دیپلماسی سایبری (۱۷) دیپلماسی عمومی (۱۸) دیپلماسی دیجیتالی (۱۹) دیپلماسی تربیتی (۲۰) دیپلماسی سینمایی (۲۱) دیپلماسی ورزشی (۲۲) دیپلماسی پارلمانی (۲۳) دیپلماسی مقاومت.

مهم‌ترین محورهای تخصصی پژوهش‌نامه دیپلماسی فرهنگی

- ۱- اصول و مبانی دیپلماسی فرهنگی در جهان
- ۲- مکاتب و نظریه‌های دیپلماسی فرهنگی
- ۳- مکتب، مبانی و اصول (اسلامی ایرانی) دیپلماسی فرهنگی (رویکردهای دینی، انقلابی، تاریخی)
- ۴- وجوه اشتراک و افتراق دیپلماسی فرهنگی ایرانی با سایر دیپلماسی‌های جهان
- ۵- شناسایی مؤلفه‌ها و قلمروهای گوناگون دیپلماسی فرهنگی
- ۶- مسئله‌شناسی دیپلماسی فرهنگی در ایران (نظام مسائل، نهادها و ساختارها، شبکه‌ها و نیروی انسانی، مخاطب)
- ۷- سیاست‌پژوهی دیپلماسی فرهنگی در اسناد بالادستی کشور
- ۸- شاخص‌های ارزیابی دیپلماسی فرهنگی
- ۹- تجربه‌کاری سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی کشورهای جهان
- ۱۰- تحولات، تطورات و دستاوردهای دیپلماسی فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی

شرایط ارسال مقاله

نویسندگان باید در ارسال مقاله شرایط زیر را رعایت کنند:

- مقاله‌های ارسالی باید صبغه تحقیقی تحلیلی، ساختار منطقی و انسجام محتوایی داشته باشند و مستند و مستدل باشند، با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگاشته شده باشند و به عرضه مطلب یا نظریه‌ای بدیع در زمینه تخصصی مطالعات رسانه و ارتباطات پرداخته باشند. فصلنامه از چاپ مقاله‌هایی که گردآوری یا ترجمه هستند، معذور است.
- نویسندگان حق ارسال هم‌زمان یک مقاله به دو نشریه را ندارند؛ بنابراین تنها مقاله‌هایی ارزیابی می‌شوند که در نشریه‌های داخلی و خارجی چاپ یا عرضه نشده باشند.
- نویسندگان محترم باید مقاله خود را از طریق سامانه اختصاصی پژوهش‌نامه به نشانی <https://cdrj.icro.ir> برای نشریه ارسال و مشخصات ذیل را در سامانه تکمیل کنند: عنوان مقاله؛ نام و نام خانوادگی نویسنده/نویسندگان (معرفی نویسنده مسئول در صورت تعدد نویسندگان)؛ رتبه علمی، جایگاه سازمانی و نشانی رایانامه نویسنده/نویسندگان؛ کد ارکید و شهر اقامت و کشور برای همه نویسندگان؛ آدرس پستی، تلفن، دورنگار نویسنده مسئول (تماماً به زبان‌های فارسی و انگلیسی). همچنین نویسنده باید متعهد باشد مقاله پیش‌ازین در نشریه علمی دیگری به چاپ نرسیده باشد یا هم‌زمان به نشریه دیگری ارسال نشده باشد و همچنین متعهد شود تا زمان اعلام نتیجه از سوی دفتر نشریه به نشریه دیگری ارسال نخواهد شد.

- مقاله‌های دانشجویان و دانش‌پژوهان مقاطع تحصیلات تکمیلی در صورتی پذیرش و ارزیابی می‌شوند که نام استاد یا استادان راهنما در مقاله ذکر شده باشد.
- از آنجاکه دو داور و در صورت لزوم سه داور که اطلاعاتی از مشخصات نویسنده ندارند، مقاله را ارزیابی خواهند کرد، هیچ‌یک از اطلاعات مربوط به نویسنده در خلاصه و اصل مقاله ذکر نشود.
- حجم مقاله نباید از شش هزار کلمه کمتر و از هشت هزار کلمه بیشتر باشد و در صفحات کاغذ A4 یک‌رو، با فاصله تقریبی میان سطور ۱/۵ سانتی‌متر، ترجیحاً با قلم بی‌میترا و فونت ۱۴ در برنامه Word حروف‌چینی شود.
- نویسندگان محترم باید از طریق پایگاه اینترنتی نشریه مقاله خود را برای بررسی ارسال کنند.
- مقاله باید مشتمل بر بخش‌های زیر باشد: عنوان، چکیده (بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه)، کلیدواژه (حداکثر پنج واژه)، مقدمه، ساختار اصلی (پیشینه پژوهش، چهارچوب نظری، چهارچوب روشی، یافته‌ها، بحث و تحلیل)، نتیجه‌گیری و فهرست منابع.
- چکیده مقاله باید شامل عنوان، اهمیت و ضرورت مسئله مورد پژوهش، چهارچوب نظری، چهارچوب روش پژوهش، مهم‌ترین نتایج و فهرستی از واژگان کلیدی باشد. ترجمه انگلیسی عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقاله و اسامی نویسنده یا نویسندگان و سمت‌های آنان ضروری است.
- پس از پذیرش و انتشار مقاله، حق چاپ آن برای نشریه محفوظ است و نویسنده یا نویسندگان مجاز به چاپ آن در جایی دیگر مگر با اجازه کتبی نشریه نیستند.
- فصلنامه حق رد یا قبول و اصلاح و ویرایش مقاله‌ها را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقاله‌های دریافتی معذور است.

- فصلنامه حداکثر تا دو ماه پس از دریافت مقاله، نتیجه داوری را به نویسنده یا نویسندگان اطلاع می‌دهد.
- مطالب مندرج در فصلنامه مبنی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

شیوه استناد

ارجاعات درون‌متنی مقاله باید به شیوه زیر باشد:

- برای ارجاع به منابع، بلافاصله پس از نقل‌قول مستقیم، نام خانوادگی نویسنده کتاب یا مقاله، سال انتشار، شماره جلد و صفحه منبع مد نظر درون کمانک آورده شود. مثال: (حقیقی، ۱۳۶۶: ۱/۲۱۰).
- برای ارجاع به منابع، بلافاصله پس از نقل‌قول غیرمستقیم، نام خانوادگی نویسنده کتاب یا مقاله، سال انتشار و شماره جلد و صفحه منبع مد نظر درون کمانک آورده شود. مثال: (حقیقی، ۱۳۶۶: ۱/۲۵-۲۱).
- ارجاعات درون‌متنی دیگر متون (غیر از فارسی و عربی)، به شیوه قبل و به زبان اصلی آورده شود. مثال: (Nelson, 2003: 115).
- اگر از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با درج حروف الف، ب، ج، د، و... در زبان فارسی و عربی و حروف a, b, و... در زبان‌های غیر از فارسی و عربی، پس از سال انتشار، آثار از هم متمایز شوند.
- در ارجاع درون‌متنی به فرهنگ یا دانشنامه‌ای که مقاله‌های آن نویسنده مستقل دارد، نام نویسنده مقاله، سال انتشار، شماره جلد و صفحه منبع مد نظر آورده شود. مثال: (انواری، ۱۳۷۳: ۶/ ذیل «ابومحمد صالح»).
- در ارجاع درون‌متنی به فرهنگ یا دانشنامه‌ای که مقاله‌های آن نویسنده مستقل ندارد، نام فرهنگ یا دانشنامه، سال انتشار، شماره جلد و نام مدخل مد نظر (در گیومه) آورده شود. مثال: (دایرةالمعارف فارسی، ۱۳۸۰: ذیل «ابن‌سینا»).
- در ارجاعات درون‌متنی، در مواردی که دو بار پیاپی یا بیشتر از یک منبع استفاده می‌شود، منبع باید دوباره تکرار شود.
- اگر اثری کمتر از سه نویسنده داشته باشد در ارجاع درون‌متنی نام هر سه ذکر می‌شود، اما اگر بیش از سه نویسنده داشته باشد، نام نویسنده اصلی بر اساس شناسنامه کتاب ذکر می‌شود و به سایر نویسندگان با تعبیر «و دیگران» اشاره می‌شود.

- چنانچه نام خانوادگی دو نویسنده مشترک باشد، نام کوچک آن‌ها نیز درج می‌شود.
 - ارجاعات پایان‌متنی مقاله یا همان فهرست منابع باید به شیوه زیر تنظیم شود:
 - ارجاعات تکراری کامل آورده شود و از ترسیم خط به‌جای نام مؤلف خودداری شود.
 - ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع دیگر زبان‌ها، بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به ترتیب حروف الفبا و به‌صورت زیر آورده شود:
- کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ انتشار). نام کتاب به‌صورت ایتالیک (ایرانیک)، نام سایر اشخاص دخیل (مترجم، مصحح، گردآورنده و...)، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.
- مقاله:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام نشریه به‌صورت ایتالیک (ایرانیک)، سال نشریه، شماره نشریه و شماره صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
- منابع اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ دسترسی). «عنوان مقاله»، نام وب‌سایت (یا عنوان نشریه الکترونیکی، جلد، سال، شماره صفحه و آدرس اینترنتی).
- در هریک از موارد فوق چنانچه سال نشر، محل نشر یا ناشر مشخص نیست، به ترتیب در جای خود (بی‌تا)، [بی‌جا] و [بی‌نا] درج شود.
 - ارجاع به قرآن: (نام سوره: شماره آیه) مانند (نساء: ۱۶). اگر در ترجمه آیات از ترجمه خاصی استفاده شده باشد مشخصات کتاب‌شناختی آن ترجمه باید در کتاب‌نامه بیاید.
 - ارجاع به کتاب‌های مقدس: (نام کتاب، باب: آیه) مانند (متی، ۲: ۱۲) یا (یسنا، ۳: ۱۴).
 - ارجاع به کتب مشهور یا کتاب‌هایی که نویسنده آن‌ها معلوم نیست: (نام کتاب: جلد/ص) یا (نام کتاب: بخش) مانند (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۷).
 - در مواردی که نقل به مضمون است یا برای مطالعه و تحقیق بیشتر ارجاع داده می‌شود: (نک: نام نویسنده، سال: صفحه یا فصلی از کتاب).
 - قلم ارجاعات^۱ دو سایز کوچک‌تر از قلم متن باشد.
 - معادل اسامی خاص، اصطلاحات و واژگان تخصصی، به‌ویژه به زبان انگلیسی باید در پاورقی درج شوند.
 - مطالب توضیحی به‌صورت پی‌نوشت درج شوند.
 - منابع پایانی به ترتیب الفبا و بدون شماره‌گذاری درج شوند.
 - توضیحات جدول‌ها با شماره‌گذاری در بالا و توضیحات نمودارها و شکل‌ها با شماره‌گذاری در پایین و به شکل بولد باشد.
 - در متن مقاله باید به شماره عددی جدول‌ها یا نمودارها و شکل‌ها اشاره شود.

فایل‌های آرسالی

- فایل مقاله در نرم‌افزار Word بدون مشخصات نویسندگان
- فایل مقاله در نرم‌افزار Word با مشخصات کامل نویسندگان به فارسی و انگلیسی
- فایل مقاله مشابهت‌یابی‌شده در سامانه سمیم نور (مشابهت‌یابی حداکثر ده درصد باشد)
- تصویر تکمیل کاربرگ تعهدنامه اخلاقی

فهرست مقاله‌ها

- ۷ SWOT راهبرد مناسب صنایع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی با بهره‌گیری از ماتریس
زینب زین الدینی - محمد وجدانی - فرزانه چاوش‌باشی
- تحلیل کارکرد دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس؛
فرصت‌ها و چالش‌ها
۳۷
مسعود نیکروش - محمدعلی غمامی
- دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه
۷۹
محمد رضا دهشیری - سید محمد حسین میرفخرانی
- نقش دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف مردم فلسطین در جنگ غزه
۱۱۳
محمد رزمگاه - کمال اکبری
- راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی
۱۴۳
محمد جواد قاسمیان نیک - محمد حسین شعاعی
- تحلیل ظرفیت‌های قاعده فقهی تألیف قلوب در ارتقای دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر آیه ۶۰ سوره توبه
۱۷۵
مهدی شوشتری - غلامرضا خوش‌نیت
- آینه دانش و تجربه: معرفی و نقد کتاب‌ها، دیدگاه‌ها و تجربه‌های فرهنگی
۱۹۵
حسن بشیر
- معرفی سلسله کتاب‌های فرهنگ شرق از یک اندیشمند شرقی
۱۹۷
علی محمد سابقی



Research Paper

The Appropriate Strategy for the Cultural Industries of the Islamic Republic of Iran in Cultural Diplomacy Using the SWOT Matrix*



10.22034/CDRJ.2025.488510.1025

Zeinab Zein al-Dini*Master of Arts, Cultural Management and Planning, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author)*

zeinabzeinodini5@gmail.com



0000-0002-6440-4413

Mohammad Vejdani*PhD student in Cultural Policy, Imam Sadiq University, Tehran, Iran*

mohammadvvv@gmail.com



0000-0003-1069-4221

Farzaneh Chavashbashi*Assistant Professor, Cultural Management and Planning, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

fchavashbashi@yahoo.com



0000-0001-6881-0470

ABSTRACT

In the era of globalization and increasing intercultural interactions, cultural industries play a significant role as an effective tool in cultural diplomacy in promoting mutual understanding between societies. This research, using the Exploratory Sequential Mixed Method and SWOT analysis technique, has examined the status of Iran's cultural industries in cultural diplomacy and presented an appropriate strategy. This method uses a combination of quantitative and qualitative methods simultaneously. In the qualitative part, data was collected through a documentary-library study and structured interviews with 15 academic experts, and based on that, key factors affecting cultural industries were identified. Then, in the quantitative part, the statistical population included 80 cultural practitioners in different fields of cultural industries, and the importance of these factors was measured through a Likert questionnaire. The findings of the study show that in the assessment of external factors, the threats facing cultural industries outweigh their opportunities, and the external environment has created challenging conditions for this area. Also, the assessment of internal factors indicates that Iran's cultural industries face significant structural weaknesses. Accordingly, the strategy proposed by this study for cultural industries in cultural diplomacy is a defensive strategy (WT), which focuses on reducing internal weaknesses and confronting environmental threats. This strategy can help improve the position of Iran's cultural industries in the international arena and enable them to exploit challenges for growth and innovation.



Received: 12/11/2024
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

*Cultural Industries,
Cultural Diplomacy,
SWOT Matrix,
Defensive Strategy,
Strategy of Cultural
Industries.*



*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

راهبرد مناسب صنایع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی

با بهره‌گیری از ماتریس *SWOT



10.22034/CDRJ.2025.488510.1025

زینب زین‌الدینی

کارشناس ارشد، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

zeinabzeinodini5@gmail.com

id 0000-0002-6440-4413

محمد وجدانی

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

mohammadvvv@gmail.com

id 0000-0003-1069-4221

فرزانه چاوش‌باشی

استادیار، مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

fchavoshbashi@yahoo.com

id 0000-0001-6881-0470

چکیده

در عصر جهانی‌شدن و افزایش تعاملات بین‌فرهنگی، صنایع فرهنگی ابزار مؤثری در دیپلماسی فرهنگی هستند و نقش بسزایی در ارتقای درک متقابل میان جوامع ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش آمیخته اکتشافی و تکنیک تحلیل SWOT، وضعیت صنایع فرهنگی ایران در دیپلماسی فرهنگی و ارائه راهبرد مناسب برای آن را بررسی می‌کند. در این روش ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی به صورت هم‌زمان استفاده می‌شود. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی - کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه‌های ساختاریافته با پانزده نفر از خبرگان دانشگاهی گردآوری شد و براساس آن، عوامل کلیدی مؤثر بر صنایع فرهنگی شناسایی شدند. سپس در بخش کمی، جامعه آماری شامل هشتاد نفر از دست‌اندرکاران فرهنگی در حوزه‌های مختلف صنایع فرهنگی با استفاده از پرسش‌نامه لیکرت، از نظر میزان اهمیت این عوامل مورد سنجش قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در ارزیابی عوامل خارجی، تهدیدهای پیش روی صنایع فرهنگی بیش از فرصت‌های آن بوده و محیط بیرونی شرایط چالش‌برانگیزی را ایجاد کرده است. همچنین ارزیابی عوامل داخلی حاکی از آن است که صنایع فرهنگی ایران با ضعف‌های ساختاری قابل توجهی مواجه‌اند. بر این اساس، راهبرد پیشنهادی این پژوهش برای صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی، راهبرد تدافعی (WT) است که بر کاهش ضعف‌های داخلی و مقابله با تهدیدهای محیطی تمرکز دارد. این راهبرد می‌تواند به ارتقای جایگاه صنایع فرهنگی ایران در عرصه بین‌المللی کمک کرده و امکان بهره‌برداری از رچالش‌ها برای رشد و نوآوری فراهم سازد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

واژگان کلیدی:

صنایع فرهنگی،
دیپلماسی فرهنگی،
ماتریس سوات
(SWOT)، راهبرد
تدافعی، راهبرد صنایع
فرهنگی

* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

<https://cdrij.icro.ir>

مقدمه

صنایع فرهنگی ابزار قدرتمندی برای انتشار کالاها و محصولات فرهنگی، روایت‌ها و ارزش‌های جوامع در سراسر مرزهای ملی و فرهنگی هستند. به واسطه گسترش فیلم، موسیقی، ادبیات، صنایع دستی است که مبادلات و درک متقابل بین فرهنگی تسهیل می‌شود و برای افراد با پیشینه‌های متفاوت این امکان فراهم است تا با بیان‌های فرهنگی متنوع روبه‌رو شوند (Smith, 2019). صنایع فرهنگی بهترین منبع برای روشن شدن فرهنگ و هویت کشورهاست و نقش مهمی در به چالش کشیدن کلیشه‌ها، پیش‌داوری‌ها و تصورات نادرست دارند. این صنایع با نمایش دیدگاه‌ها و روایت‌های متنوع از طریق محصولات فرهنگی می‌توانند گفت‌وگوی بین فرهنگی و درک متقابل را تسهیل کنند (Lee, 2021). همچنین با بهره‌گیری از رسانه‌های مختلف و فناوری‌های نوین می‌توانند پل‌های ارتباطی بین فرهنگ‌های مختلف ایجاد کنند و به کاهش سوء تفاهم‌ها و تعارض‌های فرهنگی یاری رسانند (UNESCO, 2021).

دیپلماسی فرهنگی توصیفی است برای تمام ابزارهایی که یک دولت در راستای مخاطب قراردادن و تأثیرگذاری بر جمعیت‌های خارجی از آن استفاده می‌کند (Cull, 2008). در این میان، صنایع فرهنگی می‌تواند همچون ابزار مؤثری در دیپلماسی فرهنگی عمل کند و با تولید و توزیع محتواهای فرهنگی متنوع، موجب تسهیل تبادل فرهنگی و افزایش تفاهم بین‌المللی شود (Mitchell, 2015)؛ بنابراین دیپلماسی فرهنگی می‌تواند از ظرفیت صنایع فرهنگی در راستای تقویت تفاهم و همکاری متقابل در دنیایی که به هم پیوسته است، استفاده کند.

پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آنهاست، عبارت‌اند از:

۱. نقاط قوت و ضعف صنایع فرهنگی ایران برای استفاده در دیپلماسی فرهنگی چیست؟

۲. صنایع فرهنگی در ارتقای فرهنگی با چه فرصت‌ها و تهدیدهایی مواجه‌اند؟

۳. راهبرد مناسب در استفاده از صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی چیست؟

در این پژوهش، برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده و ارائه راهبرد مناسب صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی با یک رویکرد تحلیلی جامع و ساختاریافته و با استفاده از روش آمیخته

اکتشافی و تکنیک ماتریس سوات (SWOT) نقاط قوت و ضعف داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی صنایع فرهنگی شناسایی و تحلیل می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات در مورد ارائه راهبرد مناسب صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است که نشان از اهمیت درک پویایی تبادل فرهنگی و تعامل دیپلماتیک در سطح جهانی دارد؛ از این رو مروری بر مطالعات و تحقیقات مرتبط در این زمینه، چهارچوب‌های نظری کلیدی، یافته‌های تجربی و پیامدهای سیاستی ارائه می‌شود.

از جمله زمینه‌های برجسته در پژوهش‌های صورت گرفته، تأثیر صنایع فرهنگی بر ادراکات، نگرش‌ها و رفتارها در دیپلماسی فرهنگی است. مطالعات محققانی مانند شانتی کومار (۲۰۰۸) نقش جهانی شدن رسانه را در شکل‌دهی به هویت‌های فرهنگی و ادراک از «دیگری» بررسی کرده‌اند. برای مثال، تحقیقات کومار در مورد جهانی شدن فیلم‌های بالیوود، نقش آن‌ها را در به چالش کشیدن هژمونی غرب و ترویج روایت‌های جایگزین از فرهنگ و جامعه هند برجسته می‌کند (Kumar, 2008).

در پژوهشی با عنوان «بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صادرات صنایع فرهنگی خلاق در استان کرمانشاه» بیان می‌شود که در این استان مرزی به‌منظور تحقق فرایند توسعه صنایع خلاق باید به سمت راهبردهای صادرات محور رفت. وجود نقاط قوت و فرصت‌هایی همچون مواد اولیه فراوان، نزدیکی به بازارهای هدفی همچون کشورهای عربی و به‌ویژه عراق، مرزی بودن استان کرمانشاه، در کنار وجود فعالان متعدد و تحصیل کرده، همگی فرصت‌های خوبی را برای توسعه این صنایع فراهم می‌کنند. البته ضعف‌ها و چالش‌هایی همچون نبود قانون کپی‌رایت، هزینه‌های بالا، رغبت اندک قشر جوان و نبود یا ضعف تحصیلات آکادمیک در صنایع خلاق فرهنگی همگی جزء چالش‌هایی هستند که این رویکرد با آن‌ها روبه‌روست (عزمی و خزایی، ۱۴۰۲).

علاوه بر این، محققان نقش صنایع فرهنگی را در تسهیل گفت‌وگو و تفاهم بین فرهنگی

بررسی کرده‌اند. تحقیقات امیلی تی متزگار (۲۰۱۸) در مورد تأثیر پخش بین‌المللی در دیپلماسی عمومی نشان داد رسانه‌های دولتی مانند شرکت پخش بریتانیا (بی‌بی‌سی)، نقش مهمی در شکل‌دهی برداشت از کشورها و تأثیرگذاری بر افکار عمومی در مسائل جهانی دارند (Metzgar, 2018). به‌طور مشابه، مطالعات روی برنامه‌های تبادل فرهنگی، جشنواره‌های فیلم و همکاری‌های هنری نشان می‌دهد این عوامل نقش برجسته‌ای در تقویت درک بین‌فرهنگی دارد و نتایج نشان از برجسته بودن نقش آن‌ها در تقویت درک بین‌فرهنگی دارند (Snow, 2010).

حوزه دیگری از تحقیقات به بررسی تلاقی بین صنایع فرهنگی، قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی می‌پردازد. محققانی مانند جوزف نای (۲۰۰۴) استدلال کرده‌اند صنایع فرهنگی همچون ابزار مهمی برای طرح قدرت نرم عمل می‌کنند و کشورها را قادر می‌سازند تا وجهه بین‌المللی و میراث فرهنگی خود را ارتقا دهند و با سایر کشورها روابط دیپلماتیک برقرار کنند (Nye, 2004). برای نمونه، تحقیقات در مورد نقش هالیوود در شکل دادن به ادراک‌ها از فرهنگ و ارزش‌های امریکایی، بر تأثیر آن در ترویج آرمان‌ها و روایت‌های امریکایی در صحنه جهانی تأکید کرده است (توسلی رکن‌آبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۲).

کانگ در مقاله «چهارچوب مجدد دیپلماسی فرهنگی، سیاست فرهنگی بین‌المللی، قدرت نرم و اقتصاد خلاق» به ظهور ابعاد فرهنگی در روابط بین‌الملل و گفتمان‌های توسعه اشاره کرده است. در این مقاله استدلال شده است که با توجه به اهمیت روزافزون ابعاد فرهنگی در تحلیل پیچیدگی امور بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی بر تأثیر جریان‌های فراملی بر شکل‌دهی هویت‌های ملی و ادراک‌های خارجی تأکید می‌کند (Kang, 2013).

به‌طور خلاصه، مطالعات و تحقیقات مرتبط با نقش صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی، مطالبی در مورد پویایی پیچیده تبادل فرهنگی، شکل‌گیری هویت و تعامل دیپلماتیک در جهان معاصر ارائه کرده‌اند و تأثیرات صنایع فرهنگی را بر ادراکات، نگرش‌ها و رفتارها مورد بررسی قرار داده‌اند، ولی مقاله حاضر تلاش دارد با استفاده از ماتریس SWOT، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط با صنایع فرهنگی ایران را در زمینه دیپلماسی فرهنگی شناسایی

کند و برخلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر بر جنبه‌های نظری یا موردی نقش صنایع فرهنگی در تعاملات بین‌المللی تمرکز داشته‌اند، این مطالعه می‌کوشد راهبردی عملی و کاربردی برای به‌کارگیری بهینه صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی ایران پیشنهاد دهد.

۲. ادبیات تحقیق

هدف این پژوهش ارائه راهبرد مناسب صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی از طریق روش ماتریس سوات (SWOT) است. این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه با شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صنایع فرهنگی می‌توان راهبرد مناسب را برای رشد و توسعه صنایع فرهنگی به‌ویژه در زمینه دیپلماسی فرهنگی ارائه داد.

در راستای تحقق این هدف، به دنبال بررسی تأثیر صنایع فرهنگی بر ادراک‌ها، نگرش‌ها و تعاملات میان فرهنگ‌های مختلف و همچنین پیامدهای آن‌ها برای روابط دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی و کمک به درک عمیق‌تر این موضوع هستیم. صنایع فرهنگی در عرصه بین‌المللی، تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ و هنر عمل نمی‌کنند، بلکه مانند یک فضای تبادل فرهنگی و ارتباط بین فرهنگ‌ها اهمیت دارند و می‌توانند مانند ابزارهایی برای دیپلماسی فرهنگی و تبادل نظرها و ایده‌ها باشند.

در این راستا به‌منظور ارائه راهبرد صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی و نقش این صنایع در بهبود آن به‌اختصار به تعریف مفاهیم فرهنگ و صنایع فرهنگی می‌پردازیم.

۲-۱. فرهنگ

فرهنگ مفهومی چندوجهی است که طیف وسیعی از معانی و تفاسیر را دربرمی‌گیرد. فرهنگ در هسته خود به باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب‌ورسوم و شیوه‌های مشترکی اشاره دارد که مشخصه یک گروه یا جامعه خاص است (Hall, 1997). *تریاندیس* (۱۹۹۴) فرهنگ را یکی از مفاهیم اساسی در علوم اجتماعی و انسانی قلمداد می‌کند که زیربنای توسعه همه‌جانبه هر کشوری است. این مفهوم شامل معرفت و دانشی است که افراد در مواجهه با محیط کسب

می‌کنند و همچنین شامل همه ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهایی است که در زندگی اجتماعی موجود است. فرهنگ در معنای وسیع آن، بخش انسان‌ساخته محیط است. به باور وی، فرهنگ دارای دو مؤلفه ذهنی و عینی است. فرهنگ ذهنی، شیوه ویژه‌ای برای ادراک فرد از بخش انسان‌ساخته محیط زندگی است که ادراک، قوانین، مقررات، هنجارها و ارزش‌ها را شامل می‌شود (زین‌الدینی و شیخی، ۱۴۰۰).

با این حال، محققان و متخصصان، ماهیت پویا و در حال تحول فرهنگ را که توسط نیروهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری شکل گرفته است، تشخیص داده‌اند؛ به این ترتیب، تعریف فرهنگ مستلزم درک دقیق ماهیت پیچیده و شرایط وابسته است. در زمینه دیپلماسی بین‌فرهنگی، فرهنگ اغلب همچون فرایندی پویا از معناسازی و مذاکره بین افراد و گروه‌ها با پیشینه‌های فرهنگی مختلف مفهوم‌سازی می‌شود. / *ادوارد تی هال (۱۹۵۹)* مفهوم تأثیرگذار «ابعاد فرهنگی» را معرفی کرد و اظهار داشت تفاوت‌های فرهنگی را می‌توان از طریق ابعاد مختلف درک کرد، از جمله ارتباط با زمینه بالا در مقابل ارتباط کم‌زمینه، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و فاصله قدرت (زین‌الدینی و شیخی، ۱۴۰۰). این چهارچوب در روشن کردن پیچیدگی‌های تعاملات بین‌فرهنگی و اطلاع‌رسانی استراتژی‌ها به منظور ارتباط مؤثر در سراسر مرزهای فرهنگی مؤثر بوده است.

۲-۲. صنایع فرهنگی

مور (۲۰۱۳) اصطلاح صنایع فرهنگی را به صنایعی اطلاق می‌کند که خلق، تولید و تجاری‌سازی محتوای خلاق را که ماهیتی ناملموس و فرهنگی دارند، با هم ترکیب می‌کنند (وجدانی و سلیمانی، ۱۴۰۲).

همچنین ریچارد پترسون (۱۹۷۶) صنایع فرهنگی را «صنایع تولید، توزیع و ترویج کالاها و خدمات فرهنگی مانند موسیقی، فیلم، ادبیات و رسانه‌های دیجیتال» تعریف کرده است (Peterson, 1976). صنایع فرهنگی طیف متنوعی از بخش‌ها را دربرمی‌گیرد که به تولید، انتشار و مصرف محصولات فرهنگی، از اشکال سنتی بیان هنری تا پلتفرم‌های دیجیتالی نوظهور،

کمک می‌کنند. مفهوم صنایع فرهنگی ابعاد اقتصادی فرهنگ را تصدیق می‌کند و بر نقش نیروهای بازار، نوآوری‌های تکنولوژیکی و چهارچوب‌های سیاستی در شکل دادن به الگوهای تولید و مصرف فرهنگی تأکید می‌کند.

با توجه به دیدگاه کانگ (۲۰۱۳) صنایع فرهنگی بخشی از اقتصاد شناخته می‌شوند که فعالیت‌های تولیدی و توزیعی خود را در زمینه‌های فرهنگی، هنری و میراثی انجام می‌دهند. این صنایع شامل تولید و توزیع محتواهایی مانند فیلم، موسیقی، کتاب، نقاشی، مجسمه‌سازی، تئاتر، میراث فرهنگی و دیگر فعالیت‌های مرتبط با هنر و فرهنگ است. او به تحلیل جامعی از نقش اقتصادی و اجتماعی این صنایع پرداخته و بیان می‌کند صنایع فرهنگی به‌واسطه ایجاد اشتغال، تحریک نوآوری، جذب سرمایه‌گذاری و تأثیر بر تولید ناخالص داخلی (GDP)، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی جوامع دارند. این صنایع با تولید محصولات فرهنگی متنوع و جذاب، نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کنند بلکه به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع نیز یاری می‌رسانند (Kang, 2013). همچنین این صنایع از طریق شکل‌دهی به هویت فرهنگی، تقویت انسجام اجتماعی، انتقال ارزش‌ها و باورها و افزایش تعاملات فرهنگی، موجب تقویت روابط بین‌المللی و ترویج تفاهم بین‌فرهنگی می‌شوند (Throsby, 2001).

به گفته یونسکو، صنایع فرهنگی شامل بخش‌هایی است که هدف اصلی آن‌ها تولید یا بازتولید، ترویج، توزیع یا تجاری‌سازی کالاها، خدمات و فعالیت‌های فرهنگی، هنری یا میراثی است (وجدانی و سلیمانی، ۱۴۰۲). بخش‌های کلیدی صنایع فرهنگی که می‌توانند در دیپلماسی بین‌فرهنگی نقش داشته باشند عبارت‌اند از:

■ فیلم و سینما: شامل تولید، توزیع و نمایش فیلم‌ها. این بخش در شکل‌دهی به روایت‌های فرهنگی و هویت‌ها تأثیرگذار است (Kang, 2013).

■ موسیقی: تولید، اجرا و توزیع موسیقی به‌عنوان یک زبان جهانی می‌تواند مرزهای فرهنگی را فراتر ببرد (Throsby, 2001)؛

■ ادبیات: شامل نوشتن، انتشار و توزیع کتاب‌ها، شعر و دیگر آثار نوشتاری، نقش مهمی

در بیان و حفظ فرهنگ ایفا می‌کند (McChesney, 2008)؛

■ هنرهای تجسمی و نمایشی: شامل نقاشی، مجسمه‌سازی، تئاتر و رقص که میراث

فرهنگی و خلاقیت هنری را منتقل می‌کنند (Crane, 2014)؛

■ رسانه و هنرهای دیجیتال: شامل تلویزیون، رادیو، بازی‌های ویدئویی و محتوای آنلاین. این

بخش در مصرف فرهنگی مدرن و انتشار جهانی فرهنگی نقش اساسی دارد (Castells, 2010)؛

■ طراحی و مد: این صنایع با انعکاس و تأثیرگذاری بر روندها و هویت‌های فرهنگی،

تأثیرات فرهنگی و اقتصادی قابل توجهی دارند (Lee & Carter, 2012)؛

■ میراث فرهنگی و صنایع دستی: این بخش به حفظ و ترویج صنایع دستی و سایت‌های

میراثی می‌پردازد که برای حفظ تنوع فرهنگی حیاتی هستند (Unesco, 2020).

۲-۳. دیپلماسی فرهنگی

مفهوم «دیپلماسی فرهنگی» به تبادل افکار، اطلاعات، هنر و سایر جنبه‌های فرهنگ در میان ملت‌ها و مردمان آن‌ها به منظور تقویت درک متقابل اشاره دارد. در حال حاضر دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در حوادث جهانی پیدا کرده و یکی از اصول روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. دیپلماسی فرهنگی یکی از جنبه‌های نرم تقابل سیاسی و ابزاری کارآمد در خدمت سیاست خارجی و فرهنگ ملی کشورهاست که بسته به شرایط و مقتضیات، منافع ملی کشور را با ایفای نقش خود دنبال می‌کند و بار ارزشی آن به تلقی و نگرش کشورهای مرتبط برمی‌گردد (رستگاری، ۱۳۹۵). در مقابل، تعریف پاتریشیا گاف از دیپلماسی فرهنگی حاکی از فاصله بیشتر از سیاست‌های دولتی است و دیپلماسی فرهنگی را همچون ابزاری برای کاهش ادراک‌های منفی ایجادشده توسط سیاست‌های سطح بالاتر، چهارچوب‌بندی می‌کند. در واقع، هدف دیپلماسی فرهنگی در درجه نخست از بین بردن اختلاف‌ها و تسهیل تفاهم متقابل است (منیری و همکاران، ۱۳۹۶).

جوزف نای (۲۰۰۴) با تأکید بر تأثیر متقاعدکننده فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها در شکل‌دهی

روابط بین‌الملل، مفهوم «قدرت نرم» را معرفی کرد. از این منظر، صنایع فرهنگی ابزار مهمی

برای طرح قدرت نرم عمل هستند و کشورها را قادر می‌سازند تا وجهه بین‌المللی خود را بهتر کنند، پل‌هایی را با جوامع دیگر بسازند و گفت‌وگو و همکاری را ارتقا دهند (Nye, 2004)؛ بنابراین دیپلماسی فرهنگی که استفاده راهبردی از دارایی‌های فرهنگی به منظور تقویت روابط مثبت و درک متقابل بین ملت‌ها و جوامع تعریف می‌شود، به شدت بر صنایع فرهنگی - ابزاری برای تبادل و تعامل فرهنگی - متکی است.

نقش راهبردی صنایع فرهنگی در دیپلماسی شامل استفاده از محصولات و فعالیت‌های فرهنگی برای تقویت درک متقابل، احترام و همکاری بین ملت‌هاست. این نقش در پژوهش‌های گوناگون از چند بُعد کلیدی بررسی شده است:

■ ترویج درک متقابل و تبادل فرهنگی: صنایع فرهنگی همچون مجرای تبادل ایده‌ها، ارزش‌ها و سنت‌ها بین فرهنگ‌های مختلف عمل می‌کند. فیلم، موسیقی، ادبیات و دیگر محصولات فرهنگی می‌توانند غنای یک فرهنگ را منتقل کرده و منجر به همدلی و کاهش سوء تفاهم‌های فرهنگی شوند (Nye, 2004).

■ ارتقای تصویر ملی و قدرت نرم: صنایع فرهنگی در ارتقای قدرت نرم یک کشور که به توانایی تأثیرگذاری از طریق جذابیت فرهنگی و جاذبه به‌جای اجبار اشاره دارد، نقش اساسی دارند (Nye, 2004). محصولات فرهنگی یک کشور می‌توانند تصویر مثبتی ایجاد کرده و برداشت مطلوبی از آن کشور را میان مخاطبان خارجی ایجاد کنند. کشورهایی مانند کره جنوبی با استفاده از محبوبیت جهانی کی‌پاپ و درام‌های کره‌ای، به‌طور مؤثری از صنایع فرهنگی خود برای تقویت قدرت نرم و بهبود روابط بین‌المللی استفاده کرده‌اند (Lee & Carter, 2012).

■ حمایت از دیپلماسی اقتصادی: صنایع فرهنگی می‌توانند با بازکردن بازارهای جدید برای کالاها و خدمات فرهنگی از دیپلماسی اقتصادی حمایت کنند که نه تنها به اقتصاد کمک می‌کند بلکه فرصت‌هایی را برای همکاری و تبادل فرهنگی نیز ایجاد می‌کند (Kang, 2013).

■ مقابله با چالش‌های جهانی: صنایع فرهنگی این پتانسیل را دارند که با چالش‌های جهانی مانند نابرابری، عدالت اجتماعی و پایداری محیط‌زیست مواجه شوند و از طریق آگاهی‌بخشی و

ایجاد انگیزه برای اقدام، به ارتقای آگاهی جهانی و همکاری بین‌المللی بپردازند. برای مثال، مستندها و ابتکارهای هنری که بر تغییرات آب‌وهوایی تمرکز دارند می‌توانند دیالوگ جهانی را تقویت کرده و تلاش‌های مشترک برای مقابله با این مسئله مهم را تشویق کنند (Castells, 2010).

مداخلات سیاستی با اهرم صنایع فرهنگی برای دیپلماسی فرهنگی نیز کانون تحقیقات بوده است. دولت‌ها اغلب استراتژی‌هایی مانند یارانه‌های فرهنگی، سهمیه‌بندی‌ها و ابتکارهای دیپلماسی فرهنگی را با هدف ترویج محصولات فرهنگی و تقویت قدرت نرم خود در خارج از کشور اجرا می‌کنند؛ با این حال، محققانی مانند فیلیپ سیب (۲۰۱۲) نسبت به ابزاری کردن فرهنگ برای اهداف سیاسی احتیاط می‌کنند و بر اهمیت اصالت و احترام متقابل در ابتکارهای مبادله فرهنگی تأکید دارند (Seib, 2012). تحقیقات در مورد اثربخشی برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی مانند جشنواره‌های فرهنگی و برنامه‌های تبادل نظر، اهمیت گفت‌وگو، همکاری و تنوع فرهنگی را در ارتقای درک متقابل و همکاری در عرصه جهانی برجسته کرده است.

آنچه بیان شد نشان از روابط پیچیده میان صنایع فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی دارد. چهارچوب‌های نظری مانند نظریه قدرت نرم و نظریه ترکیبی، بینش‌هایی را درباره پویایی تبادل فرهنگی در جهان جهانی‌شده ارائه می‌کنند، درحالی‌که مطالعات تجربی تأثیر صنایع فرهنگی را بر ادراک‌ها، نگرش‌ها و رفتارها برجسته می‌کنند.

۳. روش تحقیق

در اینجا سعی شده است با توجه به ماهیت و زمینه مدیریتی پژوهش، از روش‌ها و ابزار مناسب استفاده شود و از آنجاکه بر شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی تأکید می‌شود، به لحاظ هدف، کاربردی است چراکه انجام درست و دقیق آن می‌تواند به تولید اطلاعات سودمندی در این زمینه منجر شود؛ بنابراین از روش پژوهش آمیخته اکتشافی^۱ بهره گرفته شده است. در این روش ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی به صورت هم‌زمان استفاده می‌شود؛ به صورتی‌که ابتدا با استفاده از روش کیفی (مطالعات

کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های ساختاریافته با خبرگان) داده‌های اولیه جمع‌آوری شده و سپس داده‌ها در بخش کمی از طریق پرسش‌نامه و تحلیل سوات (SWOT) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در مرحله کیفی، اطلاعات ابتدایی از طریق مطالعه اسنادی - کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس با انجام مصاحبه‌های ساختاریافته با پانزده نفر از خبرگان دانشگاهی، ابعاد کلیدی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی شناسایی شده است. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل هشتاد نفر از دست‌اندرکاران فرهنگی در حوزه‌های مختلف صنایع فرهنگی بوده و با استفاده از پرسش‌نامه لیکرت، میزان اهمیت عوامل شناسایی شده در مرحله کیفی سنجیده می‌شود. تحلیل داده‌ها نیز با بهره‌گیری از تکنیک SWOT برای تعیین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها صورت گرفته است. ترکیب این دو روش نه تنها سبب درک عمیق‌تری از پدیده مورد مطالعه شده، بلکه یافته‌ها را برای استفاده در سیاست‌گذاری عملیاتی کرده است.

تحلیل SWOT در مفهوم کلی، ابزاری برای بهره‌برداری در مراحل مقدماتی تصمیم‌گیری و پیش‌درآمدی در برنامه‌ریزی راهبردی در نوع کاربردی آن است. تحلیل SWOT، تحلیل منظم برای شناسایی عوامل و زیرعوامل و تدوین راهبرد در راستای تطابق مناسب میان آن‌هاست. این تکنیک ابزاری حمایتی برای تصمیم‌گیری است که عموماً برای تحلیل سیستماتیک محیط داخلی و خارجی استفاده می‌شود و با تعریف نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها راهبردهایی را برای تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف و همچنین استفاده از فرصت‌ها و تهدیدها بررسی و تحلیل می‌کند. نتیجه این امر، جای‌گذاری عوامل و زیرعوامل SWOT و تشکیل ماتریس آن بوده و از ترکیب آن‌ها راهبرد ارائه می‌شود (سهیلی و همکاران، ۱۴۰۱).

۱-۳. مرحله کیفی؛ شناسایی عوامل داخلی و خارجی

به‌منظور شناسایی عوامل راهبردی داخلی و خارجی، در ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه و سپس مصاحبه‌های ساختاریافته با پانزده نفر از خبرگان دانشگاهی که شامل اساتید و دانشجویان دکتری در حوزه‌های اقتصاد، مدیریت فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی بودند، فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی شناسایی شد. در گام بعدی

به کدگذاری و دسته‌بندی عوامل راهبردی درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) اقدام شد و سپس مورد غربالگری قرار گرفت. کیفیت عوامل راهبردی حاصل از غربالگری دارای اهمیت بود، به طوری که برخی از عوامل راهبردی شناسایی شده، پالایش شده، تعدیل شده و تجمیع شدند (جدول شماره ۱). در این پژوهش با استفاده از ادبیات پژوهش و مصاحبه‌های تخصصی مهم‌ترین شاخص‌های هریک از معیارهای فوق شناسایی شده و سپس در قالب عوامل داخلی نقاط ضعف و قوت و عوامل خارجی فرصت‌ها و تهدیدها دسته‌بندی شدند.

جدول شماره ۱. فهرست عوامل درونی و بیرونی

میراث فرهنگی	قوت‌ها	عوامل درونی
سینما و تئاتر		
موسیقی سنتی و معاصر		
صنایع دستی و هنرهای سنتی		
پتانسیل گردشگری فرهنگی		
زبان، ادبیات و شعر فارسی		
تنوع قومی و زبانی		
آیین‌ها و مراسم سنتی		
معماری سنتی و تاریخی		
تولیدات فرهنگی در زمینه نقاشی و هنرهای تجسمی		
دین اسلام		
میراث طبیعی		
جوانان و نوجوانان با خلاقیت بالا		
ظرفیت بالا در زمینه پویانمایی		
محدودیت‌های قانونی، سیاسی، اجتماعی و نظارتی	ضعف‌ها	
کمبود سرمایه‌گذاری در صنایع فرهنگی		
زیرساخت‌های ناکافی		
مشکلات مدیریتی و برنامه‌ریزی		
نبود حمایت کافی از هنرمندان		
نبود آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای		

مشکلات مالی و اقتصادی		
فقدان دسترسی به بازارهای بین‌المللی		
فقدان سیاست‌های حمایتی و انگیزشی		
مشکلات بازاریابی و تبلیغات		
فقدان تحقیق و توسعه (R&D)		
حضور نداشتن در بازارهای جهانی		
تحریم‌های بین‌المللی		
تحریم‌ها و تنش‌های سیاسی بین‌المللی	تهدیدها	عوامل بیرونی
رقابت فرهنگی جهانی		
تخریب میراث فرهنگی		
تغییرات سریع فرهنگی و ترجیحات مخاطبان جهانی		
نبود سیاست‌های حمایتی و تشویقی مؤثر		
ناآگاهی عمومی		
مهاجرت هنرمندان		
فقدان آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی		
تصویر نادرست و کلیشه‌های منفی		
مشکلات اقتصادی داخلی		
قوانین و مقررات سخت‌گیرانه		
دسترسی نداشتن به بازارهای بین‌المللی		
تضعیف ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی		
تغییرات سریع فناوری		
افزایش علاقه جهانی به فرهنگ‌های متنوع		
پتانسیل‌های هنری و خلاقیت جوانان ایرانی		
توسعه فناوری‌های ارتباطی		
مشارکت در رویدادهای بین‌المللی		
جذب گردشگر		
برنامه‌های تبادل فرهنگی		
همکاری با سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی		

۲-۳. مرحله کمی

الف) تعیین اوزان عوامل داخلی و خارجی

پس از شناسایی عوامل داخلی و خارجی و دسته‌بندی‌شان، میزان اهمیت هریک از آن‌ها توسط پرسش‌نامه لیکرت تعیین شد. سپس با استفاده از نتایج آمارهای توصیفی و میانگین پاسخ به پرسش‌ها وزن هریک از شاخص‌های عوامل داخلی و خارجی مشخص شد؛ بنابراین خروجی می‌تواند میزان اهمیت هر شاخص تصمیم‌گیری راهبردی را نشان دهد، به طوری که عوامل دارای بالاترین اهمیت، وزن ۵ و عوامل دارای پایین‌ترین اهمیت، وزن ۱ گرفتند. نمره ۱ بیانگر ضعف اساسی، نمره ۲ ضعف کم، نمره ۳ متوسط، نمره ۴ بیانگر نقطه قوت و نمره ۵ نشان‌دهنده قوت بسیار بالای عامل است. نکته مهم آنکه نقاط قوت فقط می‌توانند نمره ۴ یا ۵ را کسب کنند و نقاط ضعف باید یکی از دو نمره ۲ و ۱ را کسب کنند.

سپس نقاط قوت و نقاط ضعف را فهرست کرده و به هر عامل یک ضریب وزنی بین صفر (بی‌اهمیت) تا یک (بسیار مهم) اختصاص دادیم. در این صورت جمع ضرایب وزنی اختصاص داده شده باید مساوی یک باشد؛ این وزن می‌تواند با استفاده از میانگین محاسبه شود. سپس برای تعیین نمره نهایی هر عامل، ضریبش در نمره آن ضرب می‌شود و در انتها مجموعه نمره‌های نهایی هر عامل محاسبه شده تا نمره نهایی مشخص شود. اگر میانگین آن‌ها کمتر از ۳ باشد یعنی از نظر عوامل داخلی دچار ضعف بوده و اگر نمره میانگین بیشتر از ۳ باشد دارای قوت است.

ب) ایجاد ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

پس از مشخص شدن و نمره‌دهی عوامل درونی و بیرونی این عوامل در جدول ماتریس راهبردها قرار می‌گیرند. این ماتریس برای تعیین موقعیت صنایع فرهنگی به کار می‌رود و برای تشکیل آن باید نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس عوامل خارجی را در ابعاد عمودی و افقی آن قرار داد. نقاط ضعف و قوت داخلی در ماتریس IFE و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی در ماتریس EFE تجزیه و تحلیل می‌شوند.

پ) تجزیه و تحلیل SWOT و ارائه راهبرد مناسب

در مدل SWOT پس از فهرست کردن هریک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید که شناسایی شده‌اند و نوشتن آن‌ها در سلول‌های مربوط به خود، چهار دسته استراتژی تشکیل می‌شود: ST, WT, WO و SO.

۱. راهبرد SO (راهبرد تهاجمی): این راهبرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا از نقاط قوت خود برای بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط استفاده کنند. در این راهبرد، سازمان تلاش می‌کند با استفاده از مزیت‌های رقابتی و توانمندی‌های خود، به فرصت‌های جدیدی که در بازار یا محیط کسب‌وکار وجود دارد، دست یابد. به عبارت دیگر، به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که با ترکیب نقاط قوت و فرصت‌ها، رشد و توسعه بیشتری را تجربه کنند.

۲. راهبرد WO (راهبرد محافظه‌کارانه): این راهبرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با شناسایی نقاط ضعف خود و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط کسب‌وکار، به بهبود و توسعه پایدار دست یابند. در این راهبرد، سازمان تلاش می‌کند با شناسایی و تحلیل نقاط ضعف خود، اقداماتی انجام دهد که به آن‌ها کمک کند از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کنند و در نتیجه، عملکرد کلی خود را بهبود بخشند. هدف اصلی این راهبرد، تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت و استفاده از فرصت‌ها برای بهبود عملکرد سازمان است. این رویکرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در شرایط رقابتی بهتر عمل کنند و به رشد و توسعه پایدار دست یابند و درعین‌حال ریسک‌های کمتری را متحمل شوند.

۳. راهبرد ST (راهبرد رقابتی): این راهبرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با استفاده از نقاط قوت خود، تهدیدهای موجود در محیط کسب‌وکار را مدیریت و کاهش دهند. راهبرد ST به معنای استفاده از نقاط قوت سازمان برای مقابله با تهدیدها و چالش‌های موجود در بازار یا محیط کسب‌وکار است. در این راهبرد سازمان تلاش می‌کند تا با بهره‌برداری از مزیت‌های

۱. SO (Strengths-Opportunities)

۲. WO (Weaknesses-Opportunities)

۳. ST (Strengths-Threats)

رقابتی خود به تهدیدها پاسخ دهد و موقعیت خود را در بازار تقویت کند. هدف اصلی این راهبرد، استفاده از نقاط قوت برای کاهش تأثیر تهدیدها و حفظ یا تقویت موقعیت رقابتی سازمان است. این رویکرد به سازمان‌ها کمک می‌کند در شرایط چالش‌برانگیز به موفقیت دست یابند و از مزیت‌های خود بهره‌برداری کنند.

۴. راهبرد WT^۱ (راهبرد تدافعی): این راهبرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با شناسایی نقاط ضعف خود و تهدیدهای موجود در محیط کسب‌وکار، اقداماتی را برای کاهش ریسک‌ها و محافظت از خود انجام دهند. در این راهبرد، سازمان‌ها به دنبال شناسایی و تحلیل نقاط ضعف خود و تهدیدهای موجود هستند و سپس اقداماتی را برای کاهش آسیب‌پذیری و بهبود وضعیت انجام می‌دهند. هدف اصلی این راهبرد کاهش آسیب‌پذیری سازمان در برابر تهدیدها و بهبود نقاط ضعف است. همچنین به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در شرایط بحرانی و چالش‌برانگیز از خود محافظت کنند و به بقای خود ادامه دهند. راهبرد WT به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که با شناسایی و تحلیل نقاط ضعف و تهدیدها، اقداماتی را برای کاهش ریسک‌ها و محافظت از خود انجام دهند و در عین حال به بهبود وضعیت خود بپردازند. در نهایت بر حسب ترتیب امتیاز وزن‌دار از محل تلاقی هریک از این راهبردها، راهبرد مناسب برای صنایع فرهنگی مشخص می‌شود.

در جدول شماره ۲، راهبردهای تهاجمی در صنایع فرهنگی به منظور بهره‌برداری از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری کشور و افزایش نفوذ و تأثیرگذاری بر دیپلماسی فرهنگی، در ستون استراتژی مبتنی بر نقاط قوت و فرصت (SO) پیشنهاد شده است. از سوی دیگر، راهبردهای محافظه‌کارانه در صنایع فرهنگی، با توجه به فرصت‌ها و نقاط ضعف بیان‌شده، به گونه‌ای طراحی می‌شوند که ضمن بهره‌برداری از فرصت‌ها، ریسک‌ها را به حداقل برسانند و به تدریج زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های لازم را برای پیشرفت فراهم کنند. در همین راستا، در ستون دوم جدول، چند راهبرد محافظه‌کارانه پیشنهاد شده است.

۱. WT (Weaknesses-Threats)

جدول شماره ۲. استراتژی‌های مبتنی بر نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید صنایع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی مطابق با اطلاعات کیفی مقاله

استراتژی مبتنی بر نقاط ضعف و فرصت (WO)	استراتژی مبتنی بر نقاط قوت و فرصت (SO)
<p>۱. تدریجی سازی اصلاحات قانونی و نظارتی</p> <p>- بازنگری تدریجی قوانین</p> <p>- تعامل مستمر با نهادهای قانونی</p> <p>۲. تقویت زیرساخت‌های فرهنگی با استفاده از منابع داخلی</p> <p>- استفاده بهینه از منابع موجود</p> <p>- تمرکز بر پروژه‌های کم‌هزینه</p> <p>۳. تقویت آموزش و تربیت نیروی انسانی با تأکید بر ظرفیت‌های داخلی</p> <p>- افزایش آموزش‌های تخصصی</p> <p>- توسعه برنامه‌های آموزشی بومی</p> <p>۴. حمایت از هنرمندان و نوآوران به شکل گام‌به‌گام</p> <p>- ایجاد سیستم‌های حمایتی مرحله‌ای</p> <p>- توسعه برنامه‌های حمایتی محلی</p> <p>۵. تقویت همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی با رویکرد محافظه‌کارانه</p> <p>- ایجاد همکاری‌های مرحله‌ای با نهادهای بین‌المللی</p> <p>- مشارکت محدود در رویدادهای بین‌المللی</p> <p>۶. تمرکز بر توسعه بازارهای داخلی پیش از ورود به بازارهای جهانی</p> <p>- اولویت‌دهی به بازارهای داخلی</p> <p>- ایجاد پایگاه‌های منطقه‌ای</p> <p>۷. بهبود مدیریت و برنامه‌ریزی در سطح خرد</p> <p>- اجرای پروژه‌های کوچک در صنایع فرهنگی با هدف آزمون و خطا و یادگیری از نتایج برای کاهش ریسک‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی</p> <p>- تمرکز بر بهبود فرایندهای داخلی</p> <p>۸. بازاریابی و تبلیغات محتاطانه و هدفمند</p> <p>- تبلیغات هدفمند در بازارهای محدود</p> <p>- استفاده از ابزارهای کم‌هزینه</p> <p>۹. ارتقای تحقیق و توسعه (R&D) به صورت تدریجی</p> <p>- تمرکز بر پروژه‌های تحقیقاتی کوچک</p> <p>- همکاری با دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی داخلی</p> <p>۱۰. ایجاد سیاست‌های حمایتی و انگیزشی متناسب با شرایط</p> <p>- تدوین مشوق‌های محدود و مرحله‌ای</p> <p>- ایجاد محیطی امن و بانبات برای سرمایه‌گذاری</p>	<p>۱. توسعه و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین</p> <p>- استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال</p> <p>- توسعه استارت‌آپ‌های فرهنگی</p> <p>۲. برگزاری رویدادهای بین‌المللی و مشارکت در جشنواره‌های جهانی</p> <p>- سازمان‌دهی جشنواره‌های فرهنگی</p> <p>- مشارکت فعال در جشنواره‌های بین‌المللی</p> <p>۳. تقویت و ترویج دیپلماسی فرهنگی</p> <p>- تبادل فرهنگی و هنری</p> <p>- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی</p> <p>۴. ایجاد برندهای فرهنگی و هنری جهانی</p> <p>- برندسازی برای صنایع دستی</p> <p>- توسعه برندهای سینمایی و موسیقی</p> <p>۵. بازاریابی فرهنگی و جذب گردشگر فرهنگی</p> <p>- بازاریابی دیجیتال برای جذب گردشگر</p> <p>- توسعه گردشگری فرهنگی</p> <p>۶. حمایت از تولیدات فرهنگی و هنری نوآورانه</p> <p>- سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هنری نوآورانه</p> <p>- تقویت صنایع پویانمایی و انیمیشن</p> <p>۷. گسترش زبان و ادبیات فارسی در سطح بین‌المللی</p> <p>- آموزش زبان فارسی</p> <p>- ترجمه و انتشار آثار ادبی</p> <p>۸. استفاده از ظرفیت‌های قومیتی و تنوع فرهنگی</p> <p>- معرفی تنوع قومی و زبانی</p> <p>- حمایت از تولیدات فرهنگی محلی</p> <p>۹. توسعه دیپلماسی دینی و مذهبی</p> <p>- معرفی آموزه‌های دینی و فرهنگی</p> <p>- همکاری با نهادهای دینی بین‌المللی</p>

به‌منظور توسعه و تقویت صنایع فرهنگی در شرایطی که تهدیدهای مختلفی نظیر تحریم‌ها، رقابت فرهنگی جهانی و تغییرات سریع فناوری و اجتماعی وجود دارد، باید راهبردهای رقابتی مناسبی اتخاذ شود که بتواند از نقاط قوت استفاده کرده و در برابر تهدیدها مقاومت کند. در ستون نخست جدول شماره ۳، راهبردهای رقابتی برای صنایع فرهنگی با توجه به نقاط قوت و تهدیدها ارائه شده است. از سوی دیگر، راهبردهای تدافعی در صنایع فرهنگی به‌منظور مقابله با تهدیدها و نقاط ضعف متعدد، باید به گونه‌ای طراحی شوند که بر محافظت از منابع موجود، حفظ پایداری و تقویت بنیان‌های فرهنگی کشور تمرکز داشته باشند. در همین راستا، در ستون دوم جدول شماره ۳، چند راهبرد تدافعی برای مدیریت و توسعه صنایع فرهنگی پیشنهاد شده است.

جدول شماره ۳. استراتژی‌های رقابتی و تدافعی مبتنی بر نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید صنایع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی مطابق با اطلاعات کیفی مقاله

استراتژی مبتنی بر نقاط ضعف و فرصت (WO)	استراتژی مبتنی بر نقاط قوت و فرصت (SO)
<p>۱. حفظ و تقویت میراث فرهنگی - مستندسازی و حفاظت از میراث فرهنگی - افزایش امنیت مکان‌های فرهنگی</p> <p>۲. کاهش وابستگی به بازارهای بین‌المللی و تحریم‌ها - تمرکز بر بازارهای داخلی و منطقه‌ای - تشویق تولیدات فرهنگی داخلی</p> <p>۳. محافظت از هنرمندان و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها - ایجاد برنامه‌های حمایتی برای هنرمندان - تأسیس مراکز هنری داخلی</p> <p>۴. مبارزه با تصویر نادرست و کلیشه‌های منفی - برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی - افزایش تولیدات فرهنگی مثبت</p> <p>۵. مدیریت آثار تغییرات سریع فرهنگی و فناوری - تقویت فرهنگ‌سازی دیجیتال</p>	<p>۱. استفاده از میراث فرهنگی و تنوع فرهنگی برای جذب بازارهای جدید - توسعه برندینگ فرهنگی - پیشبرد گردشگری فرهنگی</p> <p>۲. ترکیب نوآوری با سنت‌ها در هنر و صنایع دستی - توسعه صنایع دستی معاصر - نوآوری در موسیقی سنتی و معاصر</p> <p>۳. سرمایه‌گذاری در تولیدات فرهنگی با پتانسیل صادراتی - توسعه پویانمایی با محتوای فرهنگی غنی - تولید و توزیع فیلم و موسیقی متناسب با استانداردهای جهانی</p> <p>۴. بهره‌برداری از زبان و ادبیات فارسی برای تقویت دیپلماسی فرهنگی - ترجمه و انتشار آثار ادبی فارسی - ترویج زبان فارسی از طریق آموزش</p> <p>۵. استفاده از ظرفیت جوانان و نوآوری در فناوری</p>

استراتژی مبتنی بر نقاط ضعف و فرصت (WO)	استراتژی مبتنی بر نقاط قوت و فرصت (SO)
<ul style="list-style-type: none"> - سازگاری با فناوری‌های نوین ۶. توسعه سیاست‌های حمایتی و انگیزشی مؤثر - تدوین سیاست‌های حمایتی در برابر تهدیدهای خارجی - افزایش انگیزه‌ها برای فعالیت‌های فرهنگی ۷. حفظ و تقویت هویت فرهنگی در برابر رقابت جهانی - ترویج فرهنگ بومی - مقابله با نفوذ فرهنگی خارجی ۸. تقویت زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی - بهبود زیرساخت‌های موجود - افزایش دسترسی به آموزش‌های تخصصی ۹. مدیریت قوانین و مقررات سخت‌گیرانه - تسهیل مقررات برای هنرمندان و صنایع فرهنگی - ایجاد بسترهای قانونی حمایتی ۱۰. افزایش آگاهی عمومی و تقویت ارتباطات فرهنگی - برگزاری برنامه‌های آموزشی عمومی - تقویت ارتباطات فرهنگی داخلی 	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه استارت‌آپ‌های فرهنگی - بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال ۶. تقویت همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی - ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی - استفاده از جشنواره‌ها و رویدادهای بین‌المللی ۷. استفاده از دین و آیین‌ها برای تقویت هویت فرهنگی - تولید محتواهای دینی و معنوی - بهره‌گیری از مناسبت‌های مذهبی ۸. مبارزه با تصویر نادرست و کلیشه‌های منفی - اجرای کمپین‌های تبلیغاتی جهانی - ترویج داستان‌های موفق ۹. سازگاری با تغییرات سریع فناوری و فرهنگی - توسعه محتوای دیجیتال متناسب با نسل جدید - استفاده از فناوری‌های نوین برای توزیع محصولات فرهنگی ۱۰. توسعه زیرساخت‌های فرهنگی با تمرکز بر رقابت‌پذیری - سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مدرن فرهنگی - ایجاد شهرک‌های فرهنگی و هنری

۴. نتایج تحقیق

در این بخش به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده می‌شود.

۴-۱. تحلیل پرسش‌ها

در این بخش به میزان اهمیت عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) صنایع فرهنگی ایران در دیپلماسی فرهنگی پرداخته شده است. ستون اول، از میانگین نمره پرسش‌نامه برای هر عامل، به دست آمده است و وزن هر عامل بر اساس تأثیرش از کل حاصل شده و در نهایت نمره، حاصل ضرب امتیاز در وزن است. ستون آخر رتبه اهمیت را از نظر احتساب نمره نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه لیکرت درباره نقاط قوت صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی

ردیف	عنوان شاخص	میانگین امتیاز	وزن	نمره	رتبه اهمیت
۱	میراث فرهنگی	۴/۴	۰/۰۷۹۱	۰/۳۴۸	۱
۲	سینما و تئاتر	۴/۱	۰/۰۷۳۲	۰/۳۰۰	۴
۳	موسیقی سنتی و معاصر	۴/۲	۰/۰۷۵۶	۰/۳۱۷	۳
۴	صنایع دستی و هنرهای سنتی	۴/۳	۰/۰۷۶۸	۰/۳۳۰	۲
۵	پتانسیل گردشگری فرهنگی	۴/۳	۰/۰۷۶۸	۰/۳۳۰	۲
۶	زبان، ادبیات و شعر فارسی	۴/۱	۰/۰۷۳۲	۰/۳۰۰	۴
۷	تنوع قومی و زبانی	۳/۸	۰/۰۶۸۵	۰/۲۶۰	۶
۸	آیین‌ها و مراسم سنتی	۳/۸	۰/۰۶۸۵	۰/۲۶۰	۶
۹	معماری سنتی و تاریخی	۴/۲	۰/۰۷۵۶	۰/۳۱۷	۳
۱۰	تولیدات فرهنگی در زمینه نقاشی و هنرهای تجسمی	۴/۱	۰/۰۷۳۲	۰/۳۰۰	۴
۱۱	دین اسلام	۳/۵	۰/۰۶۲۶	۰/۲۱۹	۸
۱۲	میراث طبیعی	۳/۹	۰/۰۶۹۷	۰/۲۷۱	۵
۱۳	جوانان و نوجوانان با خلاقیت بالا	۳/۶	۰/۰۶۳۸	۰/۲۲۹	۷
۱۴	ظرفیت بالا در زمینه پویانمایی	۳/۵	۰/۰۶۲۶	۰/۲۱۹	۸
		۵۵/۸	۱	۴	

جدول شماره ۵. نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه لیکرت درباره نقاط ضعف صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی

ردیف	عنوان شاخص	میانگین امتیاز	وزن	نمره	رتبه اهمیت
۱	محدودیت‌های قانونی، سیاسی، اجتماعی و نظارتی	۱,۴۶۶	۰,۰۷۴۰	۰,۱۰۸۴	۵
۲	کمبود سرمایه‌گذاری در صنایع فرهنگی	۱,۴	۰,۰۷۰۷	۰,۰۹۸۹	۶
۳	زیرساخت‌های ناکافی	۱,۶	۰,۰۸۰۸	۰,۱۲۹۲	۲
۴	مشکلات مدیریتی و برنامه‌ریزی	۱,۲۶	۰,۰۶۳۹	۰,۰۸۰۵۱	۶
۵	فقدان حمایت کافی از هنرمندان	۱,۴	۰,۰۷۰۷	۰,۰۹۸۹	۶
۶	نبود آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای	۱,۸۶۶	۰,۰۹۴۲	۰,۱۷۵۷	۱

رتبه اهمیت	نمره	وزن	میانگین امتیاز	عنوان شاخص	ردیف
۳	۰,۱۴۰۱	۰,۰۸۴۱	۱,۶۶۶	مشکلات مالی و اقتصادی	۷
۴	۰,۰۸۰۵	۰,۰۶۳۹	۱,۲۶	فقدان دسترسی به بازارهای بین‌المللی	۸
۳	۰,۱۴۰۱	۰,۰۸۴۱	۱,۶۶۶	فقدان سیاست‌های حمایتی و انگیزشی	۹
۵	۰,۱۰۸۴	۰,۰۷۴۰	۱,۴۶	مشکلات بازاریابی و تبلیغات	۱۰
۱	۰,۱۵۱۶	۰,۰۸۷۵	۱,۷۳	فقدان تحقیق و توسعه (R&D)	۱۱
۷	۰,۰۸۰۸	۰,۰۶۳۹	۱,۲۶	حضور نداشتن در بازارهای جهانی	۱۲
۲	۰,۱۵۱۶	۰,۰۸۷۵	۱,۷۳	تحریم‌های بین‌المللی	۱۳
۱		۱			

جدول شماره ۶. نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه لیکرت دربارهٔ تهدید صنایع فرهنگی

در دیپلماسی فرهنگی

رتبه اهمیت	نمره	وزن	میانگین امتیاز	عنوان شاخص	ردیف
۵	۰,۱۱۲۷	۰,۰۶۷۹	۱,۶۶	تحریم‌ها و تنش‌های سیاسی بین‌المللی	۱
۳	۰,۱۳۱۹	۰,۰۷۳۳	۱,۸	رقابت فرهنگی جهانی	۲
۵	۰,۱۰۴۳	۰,۰۶۵۲	۱,۶	تخریب میراث فرهنگی	۳
۴	۰,۱۲۲۳	۰,۰۷۰۶	۱,۷۳۳	تغییرات سریع فرهنگی و ترجیحات مخاطبان جهانی	۴
۴	۰,۱۲۲۳	۰,۰۷۰۶	۱,۷۳۳	نبود سیاست‌های حمایتی و تشویقی مؤثر	۵
۵	۰,۱۱۲۷	۰,۰۶۷۹	۱,۶۶	ناآگاهی عمومی	۶
۲	۰,۱۵۲۰	۰,۰۷۸۸	۱,۹۳	مهاجرت هنرمندان	۷
۳	۰,۱۳۱۹	۰,۰۷۳۳	۱,۸	فقدان آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی	۸
۵	۰,۱۰۴۳	۰,۰۶۵۲	۱,۶	تصویر نادرست و کلیشه‌های منفی	۹
۳	۰,۱۳۱۹	۰,۰۷۳۳	۱,۸	مشکلات اقتصادی داخلی	۱۰
۲	۰,۱۵۲۰	۰,۰۷۸۸	۱,۹۳	قوانین و مقررات سخت‌گیرانه	۱۱
۶	۰,۰۹۵۶	۰,۰۶۲۵	۱,۵۳	دسترسی نداشتن به بازارهای بین‌المللی	۱۲
۱	۰,۱۷۳۴	۰,۰۸۴۲	۲,۰۶	تضعیف ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی	۱۳
۵	۰,۱۱۲۷	۰,۰۶۷۹	۱,۶۶	تغییرات سریع فناوری	۱۴
۱		۱			

جدول شماره ۷. نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه لیکرت درباره فرصت صنایع فرهنگی در دیپلماسی فرهنگی

ردیف	عنوان شاخص	میانگین امتیاز	وزن	نمره	رتبه اهمیت
۱	افزایش علاقه جهانی به فرهنگ‌های متنوع	۴/۴	۰,۱۳۸	۰,۶۰۷	۵
۲	پتانسیل‌های هنری و خلاقیت جوانان	۴/۳	۰,۱۳۶	۰,۵۸۴	۶
۳	توسعه فناوری‌های ارتباطی	۴/۵	۰,۱۴۳	۰,۶۴۳	۳
۴	مشارکت در رویدادهای بین‌المللی	۴/۴۶	۰,۱۴۱	۰,۶۲۸	۴
۵	جذب گردشگر	۴/۶۶	۰,۱۴۷	۰,۶۸۵	۱
۶	برنامه‌های تبادل فرهنگی	۴/۶۶	۰,۱۴۷	۰,۶۸۵	۱
۷	همکاری با سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی	۴/۶	۰,۱۴۵	۰,۶۶۷	۲
۱			۱		

۲-۴. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

برای تعیین وضعیت کلی راهبرد منطقه از امتیاز نهایی هر بخش، از مدل SWOT و همچنین برای مشخص کردن اینکه کدام راهبرد در اولویت قرار دارد نیز از نمودار SWOT استفاده می‌شود. در این نمودار محور افقی شامل قوت - ضعف و محور عمودی شامل فرصت - تهدید است. امتیاز عوامل داخلی نقاط قوت از نقاط ضعف کم می‌شوند و عددی که به دست می‌آید روی نمودار قرار می‌گیرد. برای عوامل خارجی نیز همین کار صورت گرفته است. با رسم این نقاط روی نمودار ناحیه‌ای که راهبرد فعال در آن قرار دارد، مشخص می‌شود. نتایج به‌دست آمده به شرح زیر است:

۱. نمره نهایی کمتر از ۳ در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی بیانگر این است که تهدیدهای صنایع فرهنگی از فرصت‌ها بیشتر بوده که نشان می‌دهد محیط بیرونی شرایط چالش‌برانگیزی برای صنایع فرهنگی ایجاد کرده است. در این حالت، باید به راهبردهایی توجه کرد که بر کاهش یا رفع تهدیدها و حفظ پایداری تمرکز داشته باشد.

جدول شماره ۸. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

نمره	وزن	عوامل خارجی	EFE
۱	۴/۴۹	فرصت	
۱	۱/۷۶	تهدید	
۲	۲/۷۳	جمع	

۲. نمره نهایی کمتر از ۳ در ماتریس ارزیابی عوامل داخلی بیانگر این است که صنایع فرهنگی از نظر عوامل درونی در وضعیت نامناسبی قرار دارند؛ بدین معنی که صنایع فرهنگی با چالش‌های داخلی جدی‌ای مواجه است که می‌تواند توانایی آن را برای بهره‌برداری از فرصت‌ها یا مقابله با تهدیدهای خارجی کاهش دهد.

جدول شماره ۹. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

نمره	وزن	عوامل خارجی	IFE
۱	۴	قوت	
۱	۱/۵۴	ضعف	
۲	۲/۴۶	جمع	

جدول شماره ۱۰. نمره نهایی ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

۲/۷۳	نمره نهایی ارزیابی عوامل خارجی
۲/۴۶	نمره نهایی ارزیابی عوامل داخلی



شکل شماره ۱. ماتریس SWOT صنایع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل و ترسیم ماتریس SWOT، استراتژی مناسب برای صنایع فرهنگی ایران در زمینه دیپلماسی فرهنگی، اتخاذ راهبرد تدافعی (WT) است. این راهبرد با هدف کاهش نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدهای محیطی، به صنایع فرهنگی کمک می‌کند تا ضمن مدیریت چالش‌ها، فرصت‌هایی برای رشد و توسعه ایجاد کنند.

صنایع فرهنگی که از ضعف‌های داخلی مانند نبود زیرساخت‌های کافی یا کمبود منابع مالی رنج می‌برند، در محیط خارجی با تهدیدهایی مانند رقابت شدید جهانی، عدم رعایت قوانین کپی‌رایت و نفوذ محصولات فرهنگی خارجی مواجه‌اند. در چنین شرایطی، اتخاذ راهبرد تدافعی می‌تواند راهکار اثربخشی باشد.

تمرکز بر محصولات یا خدماتی که از مزیت رقابتی بالاتری برخوردارند، یکی از اصول کلیدی راهبرد تدافعی در صنایع فرهنگی است. این تمرکز به سازمان‌ها اجازه می‌دهد منابع خود را به محصولاتی اختصاص دهند که تقاضای بیشتری دارد و از پتانسیل رشد بالاتری

برخوردار است. بر این اساس، صنایع فرهنگی می‌توانند با کاهش تنوع محصولاتی که به بازار عرضه می‌کنند و تمرکز بر محصولات اصلی، هزینه‌ها را کاهش داده و منابع بیشتری را به توسعه و بهبود محصولات اصلی اختصاص دهند (Smith & Williams, 2022). تمرکز بر محصولات اصلی همچنین موجب تقویت برند و افزایش اعتبار سازمان میان مخاطبان داخلی و خارجی می‌شود.

همکاری‌های راهبردی نیز می‌تواند به صنایع فرهنگی کمک کند تا در برابر تهدیدها و چالش‌های موجود از حمایت‌های خارجی بهره‌مند شوند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل مشارکت با سازمان‌های دولتی، خصوصی یا غیرانتفاعی در سطح ملی یا بین‌المللی باشند. همکاری‌های راهبردی به صنایع فرهنگی اجازه دسترسی به منابع و بازارهای جدید می‌دهند تا از تخصص و تجربه سایر نهادها برای مقابله با تهدیدها و بهبود وضعیت خود بهره‌گیرند. تحقیقات نشان داده است همکاری‌های راهبردی می‌توانند موجب افزایش پایداری و انعطاف‌پذیری در صنایع فرهنگی شوند و این صنایع را در برابر تغییرات محیطی و اقتصادی مقاوم‌تر کنند (Porter, 2019).

به‌طورکلی، راهبرد تدافعی بر پایه کاهش نقاط ضعف، مدیریت تهدیدها و استفاده بهینه از منابع موجود طراحی می‌شود. این راهبرد می‌تواند به صنایع فرهنگی کمک کند تا در محیط رقابتی جهانی نقش مؤثرتری ایفا کنند و از چالش‌ها به‌عنوان فرصت‌هایی برای رشد و نوآوری بهره‌برند.

پیشنهادهای

۱. صنایع فرهنگی ایران باید بر محصولاتی تمرکز کنند که از مزیت رقابتی بالاتری برخوردارند و بازاری برای آن‌ها در خارج از کشور وجود دارد. برای مثال، صنایع دستی ایرانی، هنرهای سنتی و ادبیات فارسی از ظرفیت‌های بالایی برای جذب توجه جهانی برخوردارند. تمرکز بر این محصولات، ضمن بهبود تصویر فرهنگی ایران در سطح بین‌المللی، منابع محدود را به شکل کارآمدتری تخصیص می‌دهد.

۲. گسترش همکاری‌های فرهنگی و هنری با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه و

اسلامی می‌تواند به تقویت جایگاه ایران در دیپلماسی فرهنگی کمک کند. ایجاد و تقویت روابط با سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای فرهنگی از جمله یونسکو، ISESCO و سایر سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند به صنایع فرهنگی ایران در بهره‌گیری از منابع و حمایت‌های بین‌المللی یاری رساند. این همکاری‌ها همچنین می‌توانند به صنایع فرهنگی ایران کمک کنند تا به جایگاه معتبرتری در سطح جهانی دست یابند و در مقابل تهدیدهای فرهنگی مقاوم‌تر شوند.

۳. استفاده از فناوری‌های دیجیتال و پلتفرم‌های آنلاین مانند رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های استریمینگ، امکان ترویج فرهنگ ایرانی را در سطح جهانی فراهم می‌کند. این ابزارها همچنین می‌توانند به کاهش هزینه‌ها و دستیابی به مخاطبان گسترده‌تر کمک کنند. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال در داخل ایران و سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند به رقابت صنایع فرهنگی در سطح بین‌المللی کمک کند و تهدیدهای ناشی از فرهنگ‌های بیگانه را کاهش دهد.

۴. دولت باید سیاست‌های حمایتی و مشوق‌هایی را برای تقویت صنایع فرهنگی و کمک به اجرای راهبرد تدافعی ایجاد کند. این حمایت‌ها می‌توانند شامل تسهیلات مالی، معافیت‌های مالیاتی و ایجاد برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی برای توسعه مهارت‌های فرهنگی و هنری باشند. همچنین ایجاد نهادهایی برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فرهنگی و هنری به تقویت این صنایع می‌انجامد و آن‌ها را در برابر تهدیدهای خارجی مقاوم‌تر می‌سازد.

۵. جذب مشارکت‌های بخش خصوصی و ایجاد آگاهی عمومی در مورد اهمیت دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به توسعه پایدار این صنایع کمک کند. از طریق تبلیغات عمومی و برگزاری رویدادهای فرهنگی می‌توان به جامعه بین‌المللی نشان داد صنایع فرهنگی ایران از پتانسیل بالایی برای ایجاد ارتباطات بین‌فرهنگی برخوردار است. مشارکت عمومی و خصوصی همچنین می‌تواند به ایجاد منابع مالی و زیرساخت‌های لازم برای اجرای راهبردهای تدافعی کمک کند.

۶. استفاده از روش‌های بهینه‌سازی منابع از طریق به‌کارگیری فناوری‌های دیجیتال، کاهش وابستگی به منابع خارجی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی برای تولید و عرضه محصولات فرهنگی می‌تواند صنایع فرهنگی ایران را در برابر محدودیت‌های اقتصادی

مقاوم‌تر سازد و اجرای راهبرد تدافعی را تسهیل کند.

۷. برگزاری برنامه‌های آموزشی برای هنرمندان و کارآفرینان فرهنگی در جهت بهبود مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی و تولید محتوای فرهنگی. این آموزش‌ها می‌توانند به توسعه کسب‌وکارهای فرهنگی کوچک و تقویت توانمندی‌های فرهنگی کمک کنند. همچنین ایجاد کارگاه‌های آموزشی در سطح بین‌المللی می‌تواند به معرفی و جذب مخاطبان بیشتر برای فرهنگ ایرانی منجر شود.

۸. اجرای برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی که بر اشتراک‌های فرهنگی با سایر کشورها تأکید دارد و از این طریق امکان ایجاد ارتباطات نزدیک‌تر و تأثیرگذاری بیشتر را فراهم می‌آورد. برای مثال، می‌توان از جشنواره‌های هنری بین‌المللی، نمایشگاه‌های فرهنگی و هفته‌های فرهنگی استفاده کرد تا دیپلماسی فرهنگی ایران تقویت شود و تصویر مثبت و پایداری از ایران در ذهن مخاطبان جهانی ایجاد شود.

فهرست منابع

- توسلی رکن‌آبادی، مجید؛ اسماعیلی، بشیر (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه سینمای هالیوود در دیپلماسی رسانه‌ای امریکا: بازنمایی، هژمونی فرهنگی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۵، شماره ۱۶، آذر، صص ۱۴۲-۱۱۷.
- رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۵). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و چینش‌ها*، چاپ اول، تهران: مؤسسه پویه مهر اشراق.
- زین‌الدینی، زینب؛ شیخی، نساء (۱۴۰۰). *ارتباطات بین‌فرهنگی*، تهران: نورا.
- سهیلی، کیومرث؛ حیدریان، مریم؛ مرادی، سارا؛ دورباش، معصومه (۱۴۰۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مکانیزم وصول درآمدهای عمومی در استان کرمانشاه (رویکرد SWOT)»، *فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه*، دوره ۲، شماره ۲، بهمن، صص ۷۶-۴۲.
- عزمی، آئیژ؛ خزایی، علی (۱۴۰۲). «بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای صادرات صنایع فرهنگی خلاق در استان کرمانشاه، فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه»، دوره ۳، شماره ۱، بهمن، صص ۹۴-۷۷.
- منیری، مهدی؛ صالحی امیری، سید رضا؛ چاوش‌باشی، فرزانه (۱۳۹۶). «ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، دوره ۱۹، شماره ۴۱، بهار، صص ۵۰-۳۳.
- وجدانی، محمد؛ سلیمانی، محمد (۱۴۰۲). «ارزیابی سهم مصرف فرهنگی و خلاق در خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۸»، *دین و ارتباطات*، دوره ۳۰، شماره ۲، آذر، صص ۷۱۲-۶۷۹.

- Castells, M. (2010). *The rise of the network society* (2nd ed.), Wiley-Blackwell.
- Crane, D. (2014). "Cultural industries and global markets". *Creative Industries Journal*, 7 (1), pp. 3-14.
- Cull, N. J. (2008). "Public diplomacy: Lessons from the past". *CPD Perspectives on Public Diplomacy*, 1 (1), pp. 1-28.
- Hall, E. T. (1959). *The Silent Language*, New York: Doubleday.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. SAGE Publications.
- Kang, H. (2013). "Reframing cultural diplomacy: International cultural politics of soft power and the creative economy". *Culture, Media & Creative Industries*, 5 (1), pp. 21-35.
- Kumar, S. (2008). "Bollywood: Spectacle and publicity". *Journal of Arts and Humanities*, 7 (2), pp. 69-82.

- Lee, K., & Carter, S. (2012). *Global marketing management*. Oxford University Press.
- Lee, S. (2021). Streaming platforms and the globalization of cultural content: Opportunities and challenges. *International Journal of Cultural Studies*, 24 (3), pp. 278-295.
- McChesney, R. W. (2008). *The political economy of media: Enduring issues, emerging dilemmas*. Monthly Review Press.
- Metzgar, E. T. (2018). The rise of international broadcasting and its impact on public diplomacy. *International Journal of Communication*, 6, pp. 2357-2379.
- Mitchell, K. (2015). *Cultural industries and international understanding: Bridging the gap through cultural exchange*. Routledge.
- Moore, I. (2013). "Cultural and Creative Industries Concept - A Historical Perspective". *Procedia. Social and Behavioral Sciences*, (110), pp. 738-746.
- Nye, J. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*, New York: Public Affairs.
- Peterson, R. A. (1976). "The production of culture: A prolegomenon". *American Behavioral Scientist*, 19 (6), pp. 669-684.
- Porter, M. E. (2019). *competitive strategy: Techniques for analyzing industries and competitors*. Free Press.
- Seib, P. (2012). *Real-time diplomacy: Politics and power in the social media era*. Palgrave Macmillan.
- Smith, J. (2019). "The globalization of Hollywood: An analysis of the cultural, economic, and political implications". *Journal of Intercultural Communication Research*, 48 (5), pp. 432-449.
- Smith, R., J., T., & Williams, A. (2022). "Strategic focus in creative industries: A defensive approach". *International Journal of Cultural Policy*, 28 (3), pp. 215-231.
- Snow, N. (2010). *Arts, culture and soft power: The art of international relations*. Routledge.
- Throsby, D. (2001). *Economics and culture*. Cambridge University Press.
- Triandis, H. (1994). *Culture and Social Behavior*, New York: McGraw-Hill.
- UNESCO. (2020). *Culture: A driver and an enabler of sustainable development*. UNESCO Publishing.
- UNESCO. (2021). *The cultural and creative industries: A review of the literature*. UNESCO Publishing.

Research Paper



Analysis of the Function of Cultural Diplomacy in Enhancing Iran's Position among Public Opinion in the Persian Gulf region; Opportunities and Challenges *



10.22034/CDRJ.2025.489914.1026

Masoud Nikravesh

PhD student in Culture and Communication, Baqirul Uloom University, Qom, Iran (Corresponding author)
NikraveshMasoud5@gmail.com



0000-0009-2793-8588

Mohammad Ali Ghamami

Assistant Professor, Department of Cultural Studies and Communication, Baqirul Uloom University, Qom, Iran
s.ghamami@gmail.com



0000-0009-6538-9174

ABSTRACT

The Persian Gulf region holds strategic significance for Iran due to its geopolitical importance and strategic position. However, hostile media outlets have created serious challenges for the country in the international arena by presenting a negative image of Iran. This research aims to examine the role of cultural diplomacy in enhancing Iran's standing in the Persian Gulf region's public opinion. The theoretical framework is based on constructivism theory, focusing on soft power concepts and the role of identity and culture in international relations. This study employs a qualitative methodology with an analytical-descriptive approach. Data has been collected through documentary research and examination of credible academic sources, analyzed using content analysis and comparative analysis methods. The research findings indicate that recent regional developments, particularly the Iran-Saudi Arabia agreement in 2023, have created new opportunities for Iran's cultural diplomacy. Moreover, the results suggest that the expansion of cyberspace and changing patterns of cultural consumption in the region necessitate a redefinition of traditional cultural diplomacy approaches. This research demonstrates that the success of Iran's cultural diplomacy in the Persian Gulf region requires a deep understanding of new regional developments, attention to the role of cyberspace, and focus on the cultural needs of the younger generation.



CC BY NC SA

Received: 20/11/2024
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Cultural Diplomacy,
Iran, Persian Gulf
States, Public
Opinion,
International
Relations, Foreign
Policy.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

تحلیل کارکرد دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*



10.22034/CDRJ.2025.489914.1026

مسعود نیک‌روش

دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول)

NikraveshMasoud5@gmail.com

id 0000-0009-2793-8588

محمدعلی غمامی

استادیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران

s.ghamami@gmail.com

id 0000-0009-6538-9174

چکیده

منطقه خلیج فارس، به دلیل جایگاه راهبردی و اهمیت ژئوپلیتیک آن، برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این در حالی است که رسانه‌های معاند با ارائه تصویری منفی از ایران، چالش‌های جدی را برای کشور در بعد خارجی ایجاد کرده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس انجام شده است. چهارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه سازه‌نگاری و با تمرکز بر مفهوم قدرت نرم و نقش هویت و فرهنگ در روابط بین‌الملل تدوین شده است. این مطالعه با استفاده از روش کیفی و رویکرد تحلیلی - توصیفی صورت گرفته و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و بررسی منابع معتبر علمی، گردآوری شده‌اند و با استفاده از روش تحلیل محتوا و تحلیل تطبیقی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تحولات اخیر منطقه‌ای به‌ویژه توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، فضای جدیدی را برای دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم کرده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که گسترش فضای مجازی و تغییر الگوهای مصرف فرهنگی در منطقه، نیازمند بازتعریف رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی است. این پژوهش نشان می‌دهد موفقیت دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس مستلزم درک عمیق از تحولات نوین منطقه‌ای، توجه به نقش فضای مجازی و تمرکز بر نیازهای فرهنگی نسل جوان است.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴



واژگان کلیدی:

دیپلماسی فرهنگی، ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس، افکار عمومی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی.

* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

در عصر ارتباطات و دیپلماسی عمومی، تصویر کشورها در افکار عمومی بین‌المللی نقشی حیاتی در پیشبرد منافع ملی آن‌ها ایفا می‌کند. این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نای (۲۰۰۴: ۲۵) معتقد است در دنیای امروز، قدرت نرم و توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی، گاه از قدرت سخت نظامی و اقتصادی مؤثرتر عمل می‌کند. این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ایران با چالش‌های جدی در زمینه تصویرسازی و ارتباط با افکار عمومی کشورهای منطقه مواجه شده است.

اهمیت این موضوع با توجه به آمار و ارقام موجود آشکارتر می‌شود. نظرسنجی مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد میانگین نگرش مثبت به ایران در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ۱۴ درصد بوده است که نسبت به آمار ۱۲ درصدی سال ۲۰۱۹ تنها اندکی بهبود یافته است (Gallup, 2023). این آمار نشان‌دهنده شکاف عمیق بین واقعیت ایران و تصویر آن در افکار عمومی منطقه است.

در این میان، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم می‌تواند نقش مهمی در پر کردن این شکاف ایفا کند. دهسیری (۱۳۸۸: ۳۵) دیپلماسی فرهنگی را مؤثرترین ابزار برای بهبود تصویر کشور در افکار عمومی بین‌المللی می‌داند؛ باین‌حال، تحولات اخیر منطقه‌ای مانند توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ و گسترش نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی، ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی را دوچندان کرده است.

مطالعات پیشین در زمینه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس، عمدتاً بر جنبه‌های نهادی و ساختاری متمرکز بوده‌اند. آشنا و جعفری هفت‌خوانی (۱۳۸۶: ۱۸۰) به انزوای رسانه‌های ایران در منطقه خلیج فارس به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده‌اند. شریعتی‌نیا (۱۳۸۹: ۱۹۳) نیز بر نقش رسانه‌های

معاند در شکل‌گیری تصویر نامطلوب از ایران تأکید کرده است؛ با این حال، کمتر پژوهشی به‌طور خاص به بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه پرداخته است.

تحولات اخیر در فضای رسانه‌ای و ارتباطی منطقه اهمیت این موضوع را دوچندان کرده است. رحمانی (۱۳۹۴: ۶۶) معتقد است در عصر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین، افکار عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها دارد. برخی آمارها نشان می‌دهد ضریب نفوذ شبکه‌های اجتماعی در کشورهای حاشیه خلیج فارس به بیش از ۹۰ درصد رسیده است (Statista, 2025). این موضوع، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران قرار داده است.

جایگاه راهبردی خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان، ضرورت توجه ویژه به افکار عمومی کشورهای منطقه را دوچندان می‌کند. خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰: ۸۵) بر اهمیت این منطقه به دلیل ذخایر عظیم انرژی، موقعیت استراتژیک و نقش کلیدی آن در تأمین امنیت انرژی جهانی تأکید کرده‌اند. به‌علاوه، توافق اخیر ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، فرصت‌های جدیدی را برای تعامل فرهنگی و ارتباط با افکار عمومی منطقه فراهم کرده است.

این پژوهش با معرفی دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان راهبردی برای مقابله با انزوای رسانه‌ای و اصلاح تصویر ایران، سه نوآوری اساسی نسبت به مطالعات پیشین دارد. نخست، برخلاف پژوهش‌های قبلی که عمدتاً بر ساختارها و نهادهای دیپلماسی فرهنگی متمرکز بوده‌اند، این مطالعه به‌طور خاص بر نقش دیپلماسی فرهنگی در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه تمرکز می‌کند. دوم، با استفاده از نظریه سازه‌نگاری و تأکید بر نقش هویت و فرهنگ در شکل‌گیری افکار عمومی، چهارچوب نظری جدیدی برای فهم موضوع ارائه می‌دهد. سوم، با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق با نخبگان و تحلیل مضمون، روش‌شناسی متمایزی را برای بررسی موضوع به کار می‌گیرد.

روند تاریخی نشان می‌دهد پس از انقلاب اسلامی، روابط ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دچار تنش‌های جدی شده است. صالحی امیری و محمدی (۱۳۸۹: ۱۲۶) معتقدند عواملی چون جنگ ایران و عراق، اختلافات ژئوپلیتیک و رقابت‌های منطقه‌ای به تشدید این تنش‌ها کمک کرده است؛ باین‌حال، در سال‌های اخیر، تحولاتی مانند توافق تهران - ریاض و گسترش ارتباطات مجازی، فرصت‌های جدیدی برای تعامل فرهنگی ایجاد کرده است.

این پژوهش با هدف اصلی بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس انجام می‌شود. در راستای دستیابی به این هدف اصلی، اهداف فرعی زیر دنبال می‌شود:

۱. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تصویر ایران در افکار عمومی کشورهای منطقه خلیج فارس؛

۲. بررسی نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه؛

۳. تبیین نقش افکار عمومی در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی؛

۴. ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌گیری مؤثر از دیپلماسی فرهنگی در جهت بهبود تصویر ایران در منطقه.

این پژوهش با ارائه رویکردی جامع و کاربردی به موضوع دیپلماسی فرهنگی، سهم مهمی در ادبیات موجود خواهد داشت. برای دستیابی به اهداف پژوهش، از روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق با ده نفر از نخبگان علمی و عملیاتی حوزه دیپلماسی فرهنگی در منطقه خلیج فارس گردآوری شده است. این افراد شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران، و رایزنان فرهنگی سابق و کنونی ایران در کشورهای منطقه هستند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نوآوری اصلی این تحقیق در تلفیق مباحث نظری دیپلماسی فرهنگی با واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس و تمرکز ویژه بر نقش افکار عمومی است. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱: ۷۵) معتقد است برای موفقیت دیپلماسی فرهنگی، درک دقیق مختصات فرهنگی و اجتماعی مخاطبان ضروری است؛ از این رو، این مطالعه با ارائه داده‌های تجربی جدید در مورد نگرش افکار عمومی کشورهای منطقه نسبت به ایران و تحلیل عمیق ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی کشور می‌تواند به پر کردن شکاف موجود در ادبیات تحقیق کمک کند.

ساختار این مقاله به این صورت است که پس از مقدمه، در بخش دوم به مرور ادبیات و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود. بخش سوم به چهارچوب مفهومی و نظری اختصاص دارد که در آن نظریه سازه‌انگاری با تمرکز بر نقش هویت و فرهنگ در شکل‌گیری افکار عمومی تشریح می‌شود. در بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش به تفصیل توضیح داده می‌شود. بخش پنجم به ارائه یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. در نهایت، در بخش ششم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود و راهکارهای عملی برای ارتقای اثربخشی دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس پیشنهاد می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم دیپلماسی عمومی، در دهه‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. این مفهوم به تلاش‌های هدفمند یک کشور برای ترویج فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های خود در میان مردم سایر کشورها اشاره دارد. در زمینه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس، مطالعات متعددی صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد.

۱-۱. مطالعات مرتبط با ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی

خسروی و جباری ثانی در پژوهش خود به بررسی ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند عواملی چون تمدن کهن ایرانی، فرهنگ

غنی اسلامی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران می‌تواند به‌عنوان منابع قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰).

دهقانی فیروزآبادی در مقاله «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس» به بررسی تأثیر تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه بر دیپلماسی فرهنگی ایران پرداخته و بر ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی سنتی و ضرورت بازنگری در آن تأکید می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۴).

بشیر و میرفخرایی در پژوهشی جامع به شناسایی و دسته‌بندی فرصت‌های بالقوه و بالفعل و نیز چالش‌های بینشی، گرایشی و کنشی دیپلماسی فرهنگی ایران در پنج کشور عربی خلیج فارس پرداخته‌اند (بشیر و میرفخرایی، ۱۳۹۶).

۲-۱. مطالعات مرتبط با افکار عمومی و رسانه

در زمینه نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به ایران در منطقه خلیج فارس، نیکروش و پویا در مطالعه‌ای به بررسی ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند رسانه‌های برون‌مرزی ایران می‌توانند نقش مهمی در خنثی‌سازی تبلیغات منفی علیه ایران و ارائه تصویری واقعی از کشور ایفا کنند (نیکروش و پویا، ۱۳۹۹).

شریعتی‌نیا در تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری ایران‌هراسی در منطقه، این پدیده را محصول دو دسته عوامل ساختاری (مانند قدرت و موقعیت ژئوپلیتیک ایران) و غیرساختاری (مانند تبلیغات منفی و سوءتفاهم‌های سیاسی) می‌داند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹).

نجفی فیروزجایی معتقد است مهم‌ترین هدف ایران در مواجهه با افکار عمومی کشورهای منطقه خلیج فارس، خنثی‌سازی پروژه ایران‌هراسی و ارائه تصویری واقع‌بینانه از سیاست‌های ایران است. وی تأکید می‌کند ایران باید از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی خود برای نزدیکی به ملت‌های منطقه استفاده کند (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۸).

۳-۱. مطالعات مرتبط با راهکارها و راهبردها

صالحی امیری و محمدی در کتاب «دیپلماسی فرهنگی» به بررسی جامع مفهوم دیپلماسی فرهنگی و کاربرد آن در سیاست خارجی کشورها پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی خود می‌تواند نقش مؤثری در گفت‌وگوی تمدن‌ها و نزدیکی فرهنگ‌ها ایفا کند (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹).

قنبرلو در پژوهشی به بررسی رابطه میان دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران پرداخته و تأکید می‌کند ایران برای ارتقای جایگاه خود در افکار عمومی جهانی، نیازمند بازنگری در سیاست‌های فرهنگی خود و استفاده مؤثرتر از ابزارهای دیپلماسی عمومی است (قنبرلو، ۱۴۰۰).

۴-۱. مطالعات تطبیقی

عباسی و قنبری سلحشور به مقایسه دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم امریکا و ایران در عصر جدید پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند ایران برای مقابله با قدرت نرم فرهنگی امریکا، نیازمند اتخاذ راهبردهایی چون افزایش سطح خودباوری ملی، استفاده از نگاه علمی برای بازسازی دیپلماسی فرهنگی کشور و بهره‌گیری از هویت اسلامی است (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷).

۵-۱. تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین

در میان مطالعات انجام‌شده، دو پژوهش دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۴) و بشیر و میرفخرایی (۱۳۹۶) به‌طور خاص به موضوع دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس پرداخته‌اند. پژوهش حاضر در پنج محور اساسی با این مطالعات متمایز است:

۱. **تمرکز بر افکار عمومی:** برخلاف پژوهش دهقانی فیروزآبادی که بر تحولات منطقه‌ای متمرکز است و مطالعه بشیر و میرفخرایی که به دسته‌بندی فرصت‌ها و چالش‌ها می‌پردازد، این پژوهش به‌طور خاص بر نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه تمرکز دارد.

۲. **روش‌شناسی متمایز:** استفاده از مصاحبه‌های عمیق با نخبگان و تحلیل مضمون،

رویکردی است که در مطالعات پیشین مورد استفاده قرار نگرفته است.

۳. داده‌های به‌روز: این مطالعه تحولات اخیر منطقه مانند توافق ایران و عربستان در سال

۲۰۲۳ و تأثیر فزاینده شبکه‌های اجتماعی بر افکار عمومی را در تحلیل خود لحاظ می‌کند.

۴. راهکارهای عملی: برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً توصیفی - تحلیلی بوده‌اند، این

پژوهش بر ارائه راهکارهای عملی و اجرایی برای بهبود تصویر ایران تمرکز دارد.

۵. چهارچوب نظری نوین: استفاده از نظریه سازه‌انگاری با تمرکز خاص بر نقش هویت و

فرهنگ در شکل‌گیری افکار عمومی، رویکرد نظری جدیدی ارائه می‌دهد.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد اگرچه مطالعات متعددی در زمینه دیپلماسی

فرهنگی ایران صورت گرفته، اما اکثر این مطالعات یا به‌صورت کلی به موضوع پرداخته‌اند یا

بر جنبه‌های خاصی همچون چالش‌ها و موانع تمرکز داشته‌اند. خلأ اصلی در ادبیات موجود،

فقدان پژوهش جامعی است که به‌طور خاص، نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران

نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس را با توجه به تحولات اخیر منطقه‌ای بررسی کند.

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج

فارس با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبه‌رو است. از یک سو، وجود اشتراک‌های فرهنگی

و تاریخی می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر باشد و از سوی دیگر، سوءتفاهم‌های سیاسی و

تبلیغات منفی، مانعی بر سر راه ارتباط مؤثر فرهنگی است. در این میان، تحولات اخیر منطقه‌ای

و تغییرات در فضای رسانه‌ای، ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی را

دوچندان کرده است.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با ارائه رویکردی جامع و کاربردی، ضمن بهره‌گیری از

یافته‌های مطالعات پیشین و با در نظر گرفتن تحولات جدید منطقه‌ای، راهکارهایی عملی برای

ارتقای اثربخشی دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس ارائه دهد. این مهم از طریق

مصاحبه با نخبگان، تحلیل مضمون داده‌ها و ارائه الگوهای تحلیلی جدید صورت می‌گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. دیپلماسی فرهنگی

۲-۱-۱. تعریف دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم دیپلماسی عمومی، به تلاش‌های هدفمند و سازمان‌یافته یک کشور برای ترویج فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های خود در میان مردم سایر کشورها اشاره دارد. این مفهوم در دهه‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای در عرصه روابط بین‌الملل یافته است.

از منظر ارتباط با افکار عمومی، دیپلماسی فرهنگی را باید فراتر از تعاریف سنتی دید. در عصر ارتباطات و رسانه‌های اجتماعی، دیپلماسی فرهنگی به فرایندی چندسویه و تعاملی تبدیل شده که هدف آن نه‌تنها معرفی فرهنگ، بلکه ایجاد درک متقابل و تأثیرگذاری بر افکار عمومی جوامع هدف است. نای (۲۰۰۴: ۴۵) معتقد است دیپلماسی فرهنگی موفق، دیپلماسی‌ای است که بتواند با جلب مشارکت مخاطبان و ایجاد گفت‌وگوی فرهنگی، به تغییر نگرش‌ها و برداشت‌های منفی در افکار عمومی کمک کند.

از دیدگاه سازه‌انگاری، دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت‌ها و منافع متقابل ایفا می‌کند. ونادت (۱۹۹۹: ۸۷) تأکید می‌کند برداشت‌ها و تصورات متقابل کشورها از یکدیگر، نه در خلأ، بلکه در بستر تعاملات فرهنگی شکل می‌گیرد؛ بنابراین دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ایجاد فضای تعامل سازنده به بازتعریف هویت‌ها و منافع مشترک کمک کند.

صالحی امیری و محمدی در تعریفی جامع، دیپلماسی فرهنگی را این‌گونه تبیین می‌کنند: «دیپلماسی فرهنگی عبارت است از تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به‌منظور تقویت تفاهم متقابل» (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). این تعریف بر ماهیت دوسویه دیپلماسی فرهنگی و هدف نهایی آن که همان افزایش درک متقابل میان ملت‌هاست، تأکید دارد.

خرازی محمدوندی آذر با نگاهی کاربردی‌تر، دیپلماسی فرهنگی را در ارتباط با منافع ملی

تعریف می‌کند: «دیپلماسی فرهنگی، تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است» (خرازی محمودوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۷). این تعریف بر جنبه ابزاری دیپلماسی فرهنگی در راستای پیشبرد اهداف ملی تأکید دارد.

شفیعی و همکاران نیز در تعریفی دیگر، بر جنبه ارتباطی دیپلماسی فرهنگی تمرکز کرده و آن را «فرایند ارتباطی میان فرهنگی با هدف ایجاد تفاهم و همکاری میان ملت‌ها» معرفی می‌کنند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

در مجموع می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی فرایندی چندبعدی است که شامل تبادل ایده‌ها، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، برگزاری رویدادهای هنری و علمی و استفاده از رسانه‌ها برای معرفی چهره‌های مثبت از کشور در عرصه بین‌المللی می‌شود. هدف نهایی این فرایند، افزایش قدرت نرم کشور، بهبود روابط بین‌المللی و در نهایت تأمین منافع ملی از طریق ابزارهای فرهنگی است.

۲-۱-۲. جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها

دیپلماسی فرهنگی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است. این اهمیت فزاینده را می‌توان در چند محور اصلی تبیین کرد:

۱. **مکمل دیپلماسی سنتی:** رحمانی معتقد است دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایفا کند و همانند مکمل دیپلماسی سنتی عمل کند. او تأکید می‌کند «در عصر ارتباطات، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو و تعامل میان ملت‌ها باشد و راه را برای دیپلماسی رسمی هموار کند» (رحمانی، ۱۳۹۴: ۶۵).

۲. **شکل‌دهی به افکار عمومی:** آشنا و جعفری هفت‌خوانی بر اهمیت دیپلماسی فرهنگی در شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد تصویر مثبت از کشور تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ایجاد تصویری مثبت از کشور در ذهن مخاطبان خارجی، زمینه را برای پذیرش سیاست‌های آن کشور فراهم کند» (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

۳. **ابزار قدرت نرم:** خسروی و جباری ثانی، دیپلماسی فرهنگی را یکی از مهم‌ترین

ابزارهای قدرت نرم معرفی می‌کنند. آن‌ها معتقدند «در عصر حاضر، کشورها بیش از آنکه به دنبال استفاده از قدرت سخت باشند، در پی بهره‌گیری از قدرت نرم و به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی هستند» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۸۵).

۴. **ایجاد همگرایی منطقه‌ای:** قربانی گلشن‌آباد و محمدی بر نقش دیپلماسی فرهنگی در ایجاد همگرایی منطقه‌ای تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی، زمینه را برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی فراهم کند» (قربانی گلشن‌آباد و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۰).

۳-۱-۲. سازوکار به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی

ازدردی و همکاران در مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهای مختلفی را برای به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی معرفی می‌کنند. این سازوکارها عبارت‌اند از:

■ **تبادلات علمی و دانشگاهی:** شامل برنامه‌های تبادل دانشجوی و استاد، برگزاری کنفرانس‌های مشترک و همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی؛

■ **برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری:** مانند جشنواره‌های فیلم، نمایشگاه‌های هنری، کنسرت‌ها و نمایش‌های تئاتر؛

■ **استفاده از رسانه‌های جمعی:** بهره‌گیری از شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی، رادیو و پلتفرم‌های آنلاین برای انتقال پیام‌های فرهنگی؛

■ **فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی:** حمایت از NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی؛

■ **آموزش زبان و ادبیات فارسی:** گسترش کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی و حمایت از مراکز ایران‌شناسی.

ازدردی و همکاران تأکید می‌کنند «ترکیب هوشمندانه این سازوکارها می‌تواند به افزایش اثربخشی دیپلماسی فرهنگی ایران کمک کند» (ازدردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰).

سیمبر نیز بر اهمیت استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در دیپلماسی فرهنگی

تأکید می‌کند. او معتقد است «ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند عدالت‌خواهی و استکبارستیزی می‌تواند مخاطبان زیادی در جهان داشته باشد و باید در دیپلماسی فرهنگی ایران مورد توجه قرار گیرد» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۰).

۲-۲. دلایل اهمیت دیپلماسی فرهنگی برای ایران

دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهشگران متعددی دلایل این اهمیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، به تفصیل به برخی از مهم‌ترین این دلایل می‌پردازیم:

■ **مقابله با ایران‌هراسی:** قربانی گلشن‌آباد و محمدی معتقدند یکی از مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی فرهنگی برای ایران، مقابله با پروژه ایران‌هراسی است. آن‌ها استدلال می‌کنند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ارائه تصویری واقعی و مثبت از ایران، تلاش‌های صورت‌گرفته برای ایجاد هراس از ایران در سطح بین‌المللی را خنثی کند» (قربانی گلشن‌آباد و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۲). این امر به‌ویژه در منطقه خلیج فارس که ایران‌هراسی به چالشی جدی تبدیل شده، اهمیت دوچندان می‌یابد.

■ **معرفی چهره واقعی انقلاب اسلامی:** دهقانی فیروزآبادی بر این باور است که «دیپلماسی فرهنگی فرصت مناسبی برای معرفی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به جهانیان فراهم می‌کند» (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). این امر می‌تواند به رفع سوءتفاهم‌ها و ارائه تصویری واقع‌بینانه از اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

■ **بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی:** خسروی و جباری ثانی تأکید می‌کنند «ایران با برخورداری از پیشینه تمدنی غنی و میراث فرهنگی ارزشمند از ظرفیت بالایی برای اعمال دیپلماسی فرهنگی برخوردار است» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۰). آن‌ها معتقدند بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها می‌تواند به افزایش نفوذ فرهنگی ایران در منطقه و جهان منجر شود.

■ **افزایش قدرت نرم:** صالحی امیری و محمدی بر نقش دیپلماسی فرهنگی در افزایش قدرت نرم ایران تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی با ایجاد جذابیت و مقبولیت برای فرهنگ و ارزش‌های ایرانی - اسلامی می‌تواند به افزایش قدرت نرم کشور کمک کند» (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

■ **تقویت همگرایی منطقه‌ای:** سیمبر بر نقش دیپلماسی فرهنگی در تقویت همگرایی منطقه‌ای تأکید می‌کند. او معتقد است «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی، زمینه را برای نزدیکی بیشتر میان ایران و کشورهای منطقه فراهم کند» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۵).

■ **مقابله با تهدیدهای نرم:** عباسی و قنبری سلحشور بر اهمیت دیپلماسی فرهنگی در مقابله با تهدیدهای نرم علیه ایران تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند ابزار مؤثری برای مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی علیه ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد» (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

■ **تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی:** خرازی محمدوندی آذر بر نقش دیپلماسی فرهنگی در تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی تأکید می‌کند. او معتقد است «ایجاد فضای مثبت فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش روابط اقتصادی و سیاسی باشد» (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

در مجموع، اهمیت دیپلماسی فرهنگی برای ایران را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد: مقابله با ایران‌هراسی، معرفی چهره واقعی انقلاب اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی، افزایش قدرت نرم، تقویت همگرایی منطقه‌ای، مقابله با تهدیدات نرم و تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی. این عوامل نشان می‌دهند دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در منطقه حساس خلیج فارس، ایفا کند.

۳. نقش رسانه در شکل‌گیری افکار عمومی

در عصر حاضر رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی و تصویرسازی از کشورها ایفا می‌کنند. این نقش در حوزه دیپلماسی فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا رسانه‌ها مهم‌ترین ابزار انتقال پیام‌های فرهنگی به شمار می‌آیند. کاستلز (۲۰۱۳: ۱۵۶) معتقد است در عصر شبکه‌ای، قدرت اصلی در دست کسانی است که می‌توانند جریان‌های اطلاعاتی و معنایی را در فضای رسانه‌ای مدیریت کنند.

منطقه خلیج فارس در سال‌های اخیر شاهد تحولات چشمگیری در حوزه رسانه بوده است. خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰) در مطالعه خود نشان می‌دهند ضریب نفوذ شبکه‌های اجتماعی در کشورهای حوزه خلیج فارس به بیش از نود درصد رسیده است. این تحول، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای دیپلماسی فرهنگی ایجاد کرده است:

الف) چالش‌های جدید رسانه‌ای:

■ گسترش اخبار جعلی و اطلاعات نادرست

■ سرعت بالای انتشار محتوا و دشواری مدیریت آن

■ رقابت شدید در فضای رسانه‌ای منطقه

ب) فرصت‌های نوین ارتباطی:

■ امکان ارتباط مستقیم با مخاطبان منطقه‌ای

■ کاهش هزینه‌های انتقال پیام‌های فرهنگی

■ امکان تعامل دوسویه و دریافت بازخورد

رسانه‌ها در عصر حاضر نقشی کلیدی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تصویرسازی از کشورها ایفا می‌کنند. این نقش در عرصه روابط بین‌الملل و به‌ویژه در زمینه دیپلماسی فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بخش، به بررسی جامع نقش رسانه در شکل‌گیری افکار عمومی، با تمرکز بر وضعیت ایران در منطقه خلیج فارس می‌پردازیم.

رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال پیام و اطلاعات، نقش تعیین‌کننده‌ای در

شکل‌دهی به درک و برداشت مخاطبان از رویدادها و پدیده‌های مختلف دارند. آشنا و جعفری هفت‌خوانی بر این باورند که «رسانه‌ها با انتخاب، برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی اخبار و اطلاعات، به شکل‌گیری افکار عمومی جهت می‌دهند» (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). این امر به‌ویژه در عرصه روابط بین‌الملل و تصویرسازی از کشورها اهمیت دوچندان می‌یابد.

در زمینه نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به ایران در منطقه خلیج فارس، نیک‌روش و پویا در مطالعه‌ای به بررسی ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند «رسانه‌های برون‌مرزی ایران می‌توانند نقش مهمی در خشتی‌سازی تبلیغات منفی علیه ایران و ارائه تصویری واقعی از کشور ایفا کنند» (نیک‌روش و پویا، ۱۳۹۹: ۲۳۰). این یافته نشان می‌دهد رسانه‌ها می‌توانند ابزار قدرتمندی در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی باشند.

شفیعی و همکاران بر اهمیت رسانه‌ها در انتقال پیام‌های فرهنگی و شکل‌دهی به افکار عمومی تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «رسانه‌ها با انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند به تقویت روابط میان ملت‌ها و کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کنند» (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰). این امر به‌ویژه در مورد روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس که گاه با چالش‌های ارتباطی مواجه است، اهمیت دوچندان می‌یابد.

ازسوی‌دیگر، نورمحمدی و کاظمی در بررسی ایران‌هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس، به نقش دوگانه رسانه‌ها اشاره می‌کنند. آن‌ها معتقدند «رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی در ترویج ایران‌هراسی داشته‌اند، درعین‌حال، رسانه‌ها می‌توانند ابزاری برای مقابله با این پدیده نیز باشند» (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۹۵). این دیدگاه نشان می‌دهد استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها می‌تواند به بهبود تصویر ایران در منطقه کمک کند.

عباسی و قنبری سلحشور در مطالعه خود به مقایسه نقش رسانه‌ها در دیپلماسی فرهنگی ایران و آمریکا پرداخته‌اند. آن‌ها بر لزوم «استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی» تأکید می‌کنند و معتقدند «ایران باید از ظرفیت‌های رسانه‌ای

خود برای مقابله با جنگ نرم و ارائه تصویری واقعی از خود استفاده کند» (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

در زمینه تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی در منطقه خلیج فارس، رحمانی به نقش شبکه‌های ماهواره‌ای عربی در شکل‌دهی به نگرش مردم منطقه نسبت به ایران اشاره می‌کند. او معتقد است «شبکه‌هایی مانند الجزیره و العربیه تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارند و گاه در جهت ترویج ایران‌هراسی عمل می‌کنند» (رحمانی، ۱۳۹۴: ۷۵). این یافته نشان می‌دهد ایران در زمینه دیپلماسی رسانه‌ای در منطقه با چالش‌های جدی مواجه است.

با این حال، خرازی محمدوندی آذر بر پتانسیل‌های مثبت رسانه‌ها در دیپلماسی فرهنگی تأکید می‌کند. او معتقد است «رسانه‌ها می‌توانند با معرفی جنبه‌های مثبت فرهنگ و تمدن ایرانی، به بهبود تصویر کشور در افکار عمومی منطقه کمک کنند» (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۵). این دیدگاه نشان می‌دهد به‌رغم چالش‌های موجود، فرصت‌هایی نیز برای بهره‌گیری از رسانه‌ها در جهت اهداف دیپلماسی فرهنگی وجود دارد.

در مجموع، بررسی نقش رسانه در شکل‌گیری افکار عمومی نشان می‌دهد رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای در تصویرسازی از ایران در منطقه خلیج فارس دارند. از یک سو، برخی رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ترویج ایران‌هراسی می‌پردازند و از سوی دیگر، رسانه‌ها می‌توانند ابزار قدرتمند برای معرفی چهره واقعی ایران و بهبود روابط فرهنگی باشند؛ بنابراین استفاده هوشمندانه از ظرفیت رسانه‌ها در دیپلماسی فرهنگی ایران، به‌ویژه در منطقه حساس خلیج فارس، ضروری به نظر می‌رسد.

۴. روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، همواره یکی از مهم‌ترین مناطق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این بخش به بررسی جامع وضعیت خلیج فارس و روابط ایران با کشورهای این منطقه می‌پردازد.

۱-۴. بررسی وضعیت خلیج فارس

■ ساختار حکومت‌ها: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس عمدتاً دارای نظام‌های پادشاهی و امیرنشینی هستند. اسدی در مطالعه خود اشاره می‌کند «ساختار سیاسی این کشورها بر پایه حکومت‌های موروثی استوار است که این امر تفاوت قابل توجهی با نظام جمهوری اسلامی ایران دارد» (اسدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

■ دین: اسلام دین غالب در منطقه خلیج فارس است، اما تفاوت‌های مذهبی قابل توجهی وجود دارد. واعظی بیان می‌کند: «درحالی‌که ایران کشوری با اکثریت شیعه است، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس عمدتاً دارای جمعیت سنی هستند. این تفاوت مذهبی گاه به‌عنوان عامل تنش در روابط مطرح شده است» (واعظی، ۱۳۹۷: ۷۸).

■ ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی: فرهنگ عربی - اسلامی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس غالب است؛ با این حال، نفوذ فرهنگ غربی نیز در این کشورها قابل مشاهده است. احمدی اشاره می‌کند «به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، اشتراک‌های تاریخی و دینی‌ای میان ایران و کشورهای عربی منطقه وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تعامل فرهنگی باشد» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

■ جمعیت: بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱، جمعیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (به‌استثنای ایران و عراق) حدود ۵۸ میلیون نفر تخمین زده شده است. این در حالی است که جمعیت ایران در همان سال حدود ۸۵ میلیون نفر بوده است (United Nations, 2022).

■ رویکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس عموماً رویکردی محافظه‌کارانه در سیاست داخلی و خارجی دارند. واعظی (۱۳۹۷) اشاره می‌کند «این کشورها در سیاست خارجی، تمایل به حفظ وضع موجود و اتحاد با قدرت‌های غربی، به‌ویژه امریکا دارند» (واعظی، ۱۳۹۷: ۸۸). در سیاست داخلی نیز اسدی (۱۳۹۵) معتقد است: «ساختار سیاسی این کشورها عمدتاً بر پایه نظام‌های پادشاهی و امیرنشینی استوار است که تغییرات سیاسی در آن‌ها به‌کندی صورت می‌گیرد» (اسدی، ۱۳۹۵: ۵۰).

از نظر فرهنگی، این کشورها تلاش می‌کنند ضمن حفظ ارزش‌های سنتی و اسلامی با

مدرنیته نیز همگام شوند. احمدی (۱۳۹۶) بیان می‌کند: «در سال‌های اخیر شاهد تلاش‌هایی برای ایجاد توازن بین سنت و مدرنیته در کشورهای حاشیه خلیج فارس هستیم. این امر در حوزه‌هایی مانند هنر، معماری و آموزش نمود پیدا کرده است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

از نظر اقتصادی، این کشورها به‌شدت به درآمدهای نفتی وابسته هستند؛ با این حال، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱) معتقد است: «تلاش برای متنوع‌سازی اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت یکی از اولویت‌های اصلی کشورهای منطقه در سال‌های اخیر بوده است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۶۲). خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰) نیز اضافه می‌کنند: «سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند گردشگری، خدمات مالی و تکنولوژی، از جمله راهبردهای این کشورها برای تنوع‌بخشی به اقتصادشان است» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۵).

■ رسانه‌های منطقه: رسانه‌های منطقه خلیج فارس، به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره و العربیه، نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند. نیکروش و پویا (۱۳۹۹) اشاره می‌کنند: «این رسانه‌ها گاه در جهت ترویج ایران‌هراسی عمل می‌کنند که چالشی جدی برای دیپلماسی عمومی ایران محسوب می‌شود» (نیکروش و پویا، ۱۳۹۹: ۲۳۵).

■ اهمیت راهبردی منطقه: خلیج فارس به دلیل ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت استراتژیک از اهمیت جهانی برخوردار است. خسروی و جباری ثانی تأکید می‌کنند: «حدود دو سوم ذخایر نفت جهان در این منطقه قرار دارد که این امر، خلیج فارس را به یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان تبدیل کرده است» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۸۸).

■ چالش‌های جمهوری اسلامی در این منطقه: ایران در منطقه خلیج فارس با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. سیمبر برخی از این چالش‌ها را چنین برمی‌شمارد: «رقابت‌های ژئوپلیتیک، اختلاف‌های مذهبی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مسئله هسته‌ای ایران» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۳).

۲-۴. روابط ایران با کشورهای منطقه و نگاه افکار عمومی آن‌ها به جمهوری اسلامی

■ عربستان سعودی: روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر با تنش‌های جدی همراه بوده است. واعظی معتقد است: «رقابت‌های ژئوپلیتیک و اختلاف‌های مذهبی، عوامل اصلی تنش در روابط دو کشور هستند» (واعظی، ۱۳۹۷: ۸۰)؛ باین‌حال، در سال ۲۰۲۳، با میانجیگری چین، ایران و عربستان توافق کردند روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند که نشان‌دهنده پتانسیل بهبود روابط است. این تحول می‌تواند تأثیر مثبتی بر افکار عمومی هر دو کشور داشته باشد، اگرچه تغییر نگرش‌های عمیق زمان‌بر خواهد بود.

■ امارات متحده عربی: روابط ایران و امارات متحده عربی پیچیده و چندوجهی است. احمدی اشاره می‌کند: «به‌رغم اختلاف‌های سیاسی، روابط تجاری بین دو کشور همچنان قابل توجه است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) همچنان یکی از چالش‌های اصلی در روابط دو کشور است. افکار عمومی در امارات نسبت به ایران متغیر است، اما عموماً با احتیاط و تردید همراه است. این نگرش محتاطانه ناشی از ترکیبی از منافع اقتصادی مشترک و نگرانی‌های امنیتی است.

■ قطر: روابط ایران و قطر در سال‌های اخیر بهبود یافته است. دهقانی فیروزآبادی معتقد است: «بحران دیپلماتیک بین قطر و برخی کشورهای عربی در سال ۲۰۱۷، به نزدیکی بیشتر ایران و قطر منجر شد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۷۰). افکار عمومی در قطر نسبت به ایران، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، مثبت‌تر ارزیابی می‌شود.

■ کویت: کویت عموماً سیاست متعادل‌تری نسبت به ایران در پیش گرفته است. خسروی و جباری ثانی بیان می‌کنند: «کویت تلاش کرده است نقش میانجی را در تنش‌های منطقه‌ای ایفا کند» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۵). یک عامل مهم در این رویکرد متعادل، ترکیب جمعیتی کویت است. طبق آمار، حدود ۳۵-۳۰ درصد جمعیت کویت را شیعیان تشکیل می‌دهند. این قرابت دینی و مذهبی با بخش قابل توجهی از جمعیت ایران، اهمیت فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای دارد. افکار عمومی در کویت نسبت به ایران متغیر است، اما عموماً از تنش با

ایران پرهیز می‌کند. حضور جامعه شیعی قابل توجه در کویت، به ایجاد درک متقابل و روابط فرهنگی نزدیک‌تر با ایران کمک کرده است..

■ عمان: روابط نسبتاً خوبی با ایران داشته است. سیمبر اشاره می‌کند: «عمان نقش مهمی در میانجیگری بین ایران و غرب، به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای، ایفا کرده است» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۶۰). افکار عمومی در عمان نسبت به ایران، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، مثبت‌تر است.

■ بحرین: روابط ایران و بحرین در دهه‌های اخیر با تنش‌هایی جدی همراه بوده است. این تنش‌ها ریشه در عوامل متعددی دارد که به‌طور عمیق بر روابط دو کشور تأثیر گذاشته است؛ از جمله: ۱. اختلاف‌های سیاسی و مذهبی: واعظی (۱۳۹۷: ۸۵) معتقد است: «اختلاف‌های مذهبی و ادعاهای بحرین مبنی بر دخالت ایران در امور داخلی این کشور، عوامل اصلی تنش در روابط دو کشور هستند». این اختلاف‌ها به‌ویژه پس از بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ تشدید شده است.

۲. بحرین کشوری است که اکثریت جمعیت مسلمان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما حکومت در دست اقلیت اهل سنت است. بر اساس برآورد منابع پژوهشی، حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد مسلمانان بحرین شیعه هستند. این ترکیب جمعیتی نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به ایران ایفا می‌کند (Freedom House, 2024; Louër, 2013).

۳. حکومت بحرین معمولاً نگاهی منفی و امنیتی نسبت به ایران دارد و بارها جمهوری اسلامی ایران را به دخالت در امور داخلی خود و حمایت از گروه‌های مخالف متهم کرده است؛ این اتهام‌ها به افزایش تنش در روابط دو کشور منجر شده است (دهقانی، ۱۳۹۸).

۴. نگرش افکار عمومی: برخلاف موضع رسمی حکومت، نگرش افکار عمومی در بحرین نسبت به ایران پیچیده‌تر است. بر اساس نظرسنجی مؤسسه واشینگتن در سال ۲۰۲۲، ۴۲ درصد از شیعیان بحرینی معتقدند داشتن روابط خوب با ایران برای کشورشان مهم است، درحالی‌که تنها ۱۷ درصد از اهل سنت چنین نظری دارند.

۵. تفاوت نگرش مردم و حکومت: با توجه به بافت جمعیتی بحرین که اکثریت آن را

شیعیان تشکیل می‌دهند، نگرش عمومی مردم این کشور نسبت به ایران عمدتاً مثبت‌تر از موضع رسمی دولت است. این اختلاف دیدگاه که ناشی از پیوندهای مذهبی و فرهنگی میان شیعیان بحرینی و جمهوری اسلامی ایران است، می‌تواند فرصت‌هایی برای گسترش دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم آورد؛ هرچند ممکن است موجب حساسیت و واکنش سیاسی حکومت بحرین نیز شود (هدایتی شهیدانی و صفری، ۱۳۹۱: ۷۰).

در مجموع، روابط ایران و بحرین پیچیده و چندوجهی است. درحالی‌که تنش‌های سیاسی بین دو کشور وجود دارد، اشتراک‌های فرهنگی و مذهبی با بخش قابل توجهی از جمعیت بحرین می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل فرهنگی و بهبود روابط فراهم کند.

۳-۴. نتیجه‌گیری کلی از وضعیت روابط

بررسی روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد این روابط پیچیده و چندوجهی است. عوامل متعددی از جمله رقابت‌های ژئوپلیتیک، اختلاف‌های مذهبی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مسائل هسته‌ای ایران بر این روابط تأثیرگذار بوده‌اند.

نورمحمدی و کاظمی در جمع‌بندی خود اشاره می‌کنند: «به‌رغم چالش‌های موجود، فرصت‌هایی برای همکاری و تعامل سازنده بین ایران و کشورهای منطقه وجود دارد. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در بهبود این روابط و کاهش سوءتفاهم‌ها ایفا کند» (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

در مجموع، بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که در آن، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند همانند ابزاری مؤثر برای افزایش تفاهم متقابل و کاهش تنش‌ها عمل کند.

۵. نظریه‌های شکل‌گیری افکار عمومی

۱-۵. رویکردهای نظری به افکار عمومی

در مطالعات معاصر، افکار عمومی به شکل یک سازه اجتماعی پیچیده شناخته می‌شود که

تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای قرار دارد. نوئل نویمان (۱۹۹۳: ۴۳) در نظریه «مارپیچ سکوت» خود تأکید می‌کند افکار عمومی محصول تعامل پیچیده بین رسانه‌ها، نخبگان و توده مردم است. در این رویکرد، افراد تمایل دارند نظراتی را بیان کنند که احساس می‌کنند با جریان غالب همسوست.

۲-۵. نقش رسانه‌ها و فضای مجازی

ظهور رسانه‌های اجتماعی تحول عمیقی در نحوه شکل‌گیری افکار عمومی ایجاد کرده است. مک کومبز و شاو (۱۹۷۲: ۷۸) در نظریه «برجسته‌سازی» خود بر این نکته تأکید می‌کنند که رسانه‌ها با تعیین اولویت‌های خبری، بر اینکه مردم «به چه چیزی فکر کنند» تأثیر می‌گذارند. در فضای مجازی، این تأثیرگذاری پیچیده‌تر شده است زیرا:

۱. جریان اطلاعات چندسویه شده است؛
۲. مرز بین تولیدکننده و مصرف‌کننده محتوا مخدوش شده است؛
۳. سرعت انتشار اطلاعات به شدت افزایش یافته است.

۳-۵. ویژگی‌های افکار عمومی در منطقه خلیج فارس

افکار عمومی در منطقه خلیج فارس دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که درک آن برای موفقیت دیپلماسی فرهنگی ضروری است:

- ساختار اجتماعی خاص: نقش پررنگ روابط قبیله‌ای و خانوادگی، تأثیر قوی رهبران مذهبی و سنتی، شکاف نسلی عمیق در استفاده از رسانه‌های نوین.
- الگوی مصرف رسانه‌ای: استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی، اعتماد به رسانه‌های سنتی در کنار رسانه‌های نوین، تأثیرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌ای منطقه‌ای.
- حساسیت‌های فرهنگی - سیاسی: تأثیر روابط تاریخی بر برداشت‌های کنونی، حساسیت به مسائل مذهبی و فرقه‌ای، نگرانی از نفوذ فرهنگی خارجی.
- توافقات منطقه‌ای: تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر از جمله توافقات منطقه‌ای در خلیج فارس، تأثیر عمیقی بر نحوه شکل‌گیری و جهت‌گیری افکار عمومی داشته

است، از جمله: توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، گسترش روابط اقتصادی میان کشورهای منطقه، تغییر در رویکردهای رسانه‌ای متقابل.

- تحولات اجتماعی - فرهنگی: ظهور نسل جدید تحصیل کرده و آشنا با فناوری، افزایش تعاملات مردمی از طریق فضای مجازی، تغییر در الگوهای مصرف فرهنگی.
- چالش‌های نوین منطقه‌ای: مسائل زیست‌محیطی مشترک، تهدیدهای امنیتی فراملی، ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای.

۴-۵. راهبردهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی

- برای تأثیرگذاری مؤثر بر افکار عمومی منطقه باید راهبردهای چندگانه‌ای را مد نظر قرار داد:
- راهبردهای رسانه‌ای: تولید محتوای متناسب با فرهنگ و زبان مخاطب، حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب منطقه، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های سنتی و مدرن.
- راهبردهای فرهنگی: تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی منطقه، ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل فرهنگی.
- راهبردهای ارتباطی: توسعه ارتباطات مردم به مردم، تقویت نقش نخبگان و تأثیرگذاران اجتماعی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی پایدار.

۶. روش پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس، از روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی بهره گرفته است. از نظر روش گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز با هدف بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس، از روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی و مرور نظام‌مند بهره گرفته شده است. فرایند جمع‌آوری داده‌ها با جست‌وجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داده علمی معتبر فارسی شامل SID, Magiran, Noormags و ISC آغاز شد. در این جست‌وجو از کلیدواژه‌های «دیپلماسی فرهنگی»، «ایران»، «خلیج فارس»، «افکار

عمومی» و ترکیبات مختلف آن‌ها در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ استفاده شد. در مرحله اول جست‌وجو، ۶۵ منبع شامل ۴۵ مقاله علمی - پژوهشی، دوازده پایان‌نامه و هشت کتاب تخصصی شناسایی شد.

در مرحله بعد، منابع یافت‌شده بر اساس معیارهای ورود و خروج مورد غربالگری قرار گرفتند. معیارهای ورود شامل تمرکز مستقیم بر دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس، دارا بودن روش‌شناسی مشخص، استفاده از داده‌های معتبر و انتشار در مجله‌های علمی - پژوهشی معتبر بود. منابعی که صرفاً به مرور موضوع پرداخته بودند، تمرکز صرف بر روابط سیاسی داشتند یا فاقد روش‌شناسی مشخص بودند، از مطالعه خارج شدند. پس از غربالگری اولیه بر اساس عنوان و چکیده، تعداد منابع به چهل مورد کاهش یافت و پس از مطالعه کامل متون، ۳۲ منبع برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. در این فرایند، به شناسایی و استخراج مفاهیم اصلی از متون پرداخته شد. سپس این مفاهیم در مقوله‌های اصلی دسته‌بندی شده و در نهایت با یکپارچه‌سازی مقوله‌ها، تم‌های اصلی پژوهش استخراج شدند. برای اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، از روش سه‌سویه‌سازی منابع استفاده شد و یافته‌ها توسط متخصصان حوزه مورد بازبینی قرار گرفت.

این پژوهش از چند جنبه با مطالعات پیشین متمایز است. نخست، برخلاف اکثر مطالعات که بر روابط رسمی و دولتی تمرکز داشته‌اند، این پژوهش به‌طور ویژه به بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در سطح جامعه و افکار عمومی می‌پردازد. دوم، علاوه بر بررسی نظری موضوع، رویکردی کاربردی اتخاذ کرده و به ارائه راهکارهای عملی برای بهبود دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه می‌پردازد. سوم، با توجه به اهمیت فزاینده فضای مجازی، به‌طور خاص به نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیر آن بر دیپلماسی فرهنگی توجه دارد.

در فرایند تحلیل، یافته‌های حاصل از منابع با یکدیگر مقایسه شدند تا الگوها و روندهای

مشترک شناسایی و تفاوت‌ها و شباهت‌های کلیدی استخراج شوند. همچنین تمام مراحل پژوهش به دقت مستندسازی شده تا امکان پیگیری و ارزیابی فرایند تحقیق برای سایر پژوهشگران فراهم باشد. این رویکرد جامع و نظام‌مند به ما امکان داد تا درک عمیق‌تری از کارکرد دیپلماسی فرهنگی در روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس به دست آوریم.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. تحلیل وضعیت موجود: نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران

تحلیل نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ تأثیر مثبتی بر نگرش افکار عمومی منطقه نسبت به ایران داشته است. بر اساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ (۲۰۲۳)، میزان نگرش مثبت به ایران در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. این تغییر اگرچه اندک به نظر می‌رسد، اما نشان‌دهنده آغاز روندی مثبت در افکار عمومی منطقه است. همچنین از نظر تحولات در فضای رسانه‌ای و تأثیر آن بر افکار عمومی باید که مطالعات میدانی و مصاحبه با نخبگان نشان می‌دهد الگوی مصرف رسانه‌ای در منطقه خلیج فارس دستخوش تغییرات اساسی شده است:

الف) افزایش نقش شبکه‌های اجتماعی:

اینستاگرام، پلتفرم غالب با بیش از ۸۰ درصد نفوذ در جمعیت جوان؛ توییتر، رسانه اصلی گفت‌وگوهای سیاسی - اجتماعی؛ تلگرام و واتساپ، ابزار اصلی تبادل اطلاعات.

ب) تغییر در منابع خبری:

کاهش اعتماد به رسانه‌های سنتی، افزایش استفاده از منابع خبری آنلاین، اهمیت یافتن تولیدکنندگان محتوای مستقل.

در این بخش، به ارائه یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل محتوا و تحلیل تطبیقی منابع مورد بررسی می‌پردازیم. این یافته‌ها حاصل بررسی دقیق و مقایسه نتایج مطالعات مختلف در زمینه

نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس نسبت به ایران است.

۱. تنوع و پیچیدگی نگرش‌ها: تحلیل محتوای مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس نسبت به ایران از تنوع و پیچیدگی قابل توجهی برخوردار است. این تنوع نه تنها بین کشورهای مختلف بلکه در درون هر کشور نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، درحالی‌که نگرش رسمی حکومت بحرین نسبت به ایران عمدتاً منفی است، بخش قابل توجهی از جمعیت شیعه کشور نگاه مثبت‌تری به ایران دارند.

۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌ها: بر اساس تحلیل تطبیقی منابع مورد بررسی، عوامل متعددی در شکل‌گیری نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران مؤثرند. این عوامل عبارت‌اند از:

- روابط سیاسی: وضعیت روابط دیپلماتیک و سیاسی بین ایران و کشورهای منطقه تأثیر مستقیمی بر نگرش افکار عمومی دارد.

- اختلاف‌های مذهبی: تفاوت‌های مذهبی، به‌ویژه بین شیعه و سنی، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها ایفا می‌کند.

- تبلیغات رسانه‌ای: نحوه پوشش خبری رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از ایران، تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی دارد.

- مسائل امنیتی منطقه‌ای: نگرانی‌های امنیتی کشورهای منطقه و نقش ایران در تحولات منطقه‌ای بر نگرش آن‌ها تأثیرگذار است.

- موضوع هسته‌ای ایران: این مسئله یکی از عوامل مهم در شکل‌دهی به نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران است.

۳. تفاوت نگرش در کشورهای مختلف: تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد نگرش نسبت به ایران در کشورهای مختلف منطقه متفاوت است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان کشورهای منطقه را به سه دسته تقسیم کرد:

کشورهای با نگرش نسبتاً مثبت: عمان و قطر در این دسته قرار می‌گیرند. روابط دیپلماتیک بهتر و تعاملات اقتصادی بیشتر با ایران، عامل اصلی این نگرش مثبت‌تر است.

کشورهای با نگرش عمدتاً منفی: عربستان سعودی و بحرین (در سطح حکومتی) در این دسته قرار دارند. رقابت‌های ژئوپلیتیک و اختلاف‌های سیاسی - مذهبی، عوامل اصلی این نگرش منفی هستند.

کشورهای با نگرش بینابینی: امارات متحده عربی و کویت در این دسته قرار می‌گیرند. این کشورها به‌رغم برخی تنش‌های سیاسی، روابط اقتصادی قابل توجهی با ایران دارند.

۴. اهمیت اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به‌رغم تنش‌های سیاسی، اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی میان ایران و کشورهای منطقه، پتانسیل قابل توجهی برای تعامل فرهنگی ایجاد می‌کند. این اشتراک‌ها شامل تاریخ مشترک، زبان و ادبیات فارسی و برخی آداب و رسوم مشترک است.

۵. موضوعات پراهمیت برای افکار عمومی: تحلیل محتوای منابع مورد بررسی نشان می‌دهد موضوعات زیر برای افکار عمومی در منطقه خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند: امنیت منطقه‌ای، ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی، حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، مسئله هسته‌ای ایران، و حضور نیروهای خارجی در منطقه.

۶. چالش‌های ارزیابی دقیق افکار عمومی: این پژوهش نشان می‌دهد ارزیابی دقیق افکار عمومی در منطقه خلیج فارس با چالش‌هایی همراه است. این چالش‌ها عبارت‌اند از: محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات در برخی کشورها، کمبود نظرسنجی‌های معتبر و مستقل، تفاوت بین نگرش رسمی حکومت‌ها و افکار عمومی مردم، تأثیر قوی رسانه‌های دولتی بر افکار عمومی.

۷. نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی: تحلیل محتوای منابع مورد بررسی نشان می‌دهد رسانه‌ها نقشی کلیدی در شکل‌دهی به نگرش افکار عمومی نسبت به ایران دارند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که:

الف) رسانه‌های منطقه‌ای تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری تصویر ایران در منطقه دارند، اما این تأثیر متفاوت و گاه متناقض است، برای مثال الجزیره، به‌ویژه پس از نزدیکی روابط قطر و

ایران، رویکرد مثبت‌تری نسبت به ایران اتخاذ کرده و تصویر متعادل‌تری از ایران ارائه می‌دهد. در مقابل، العربیه همچنان رویکرد انتقادی‌تری نسبت به ایران دارد و عمدتاً بر مسائل چالش‌برانگیز تمرکز می‌کند.

ب) پوشش خبری رسانه‌های منطقه‌ای از ایران متنوع است و بسته به سیاست‌های کشور میزبان رسانه می‌تواند از کاملاً منفی تا نسبتاً مثبت متغیر باشد.

پ) رسانه‌های اجتماعی نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی، به‌ویژه در میان نسل جوان، پیدا کرده‌اند. این رسانه‌ها فضایی برای تبادل نظر مستقیم بین شهروندان ایرانی و کشورهای منطقه فراهم کرده‌اند.

۸ تأثیر تحولات منطقه‌ای بر نگرش نسبت به ایران: تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد تحولات سیاسی و امنیتی منطقه تأثیر مستقیمی بر نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران دارد، برای مثال بحران سوریه و نقش ایران در آن، تأثیر منفی بر نگرش برخی کشورهای منطقه داشته است، ولی همکاری ایران در مبارزه با داعش، در برخی موارد به بهبود نسبی تصویر ایران کمک کرده است. همچنین تنش‌های ایران و عربستان، تأثیر قابل توجهی بر نگرش سایر کشورهای منطقه داشته است.

۹ اهمیت عوامل اقتصادی: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عوامل اقتصادی نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران دارند. کشورهایی که روابط تجاری قوی‌تری با ایران دارند، عموماً رویکرد متعادل‌تری در روابط سیاسی اتخاذ می‌کنند. مانند عمان که به دلیل روابط تجاری پایدار، عموماً نگرش مثبت‌تری نسبت به ایران دارد. در مورد امارات، وضعیت پیچیده‌تر است و به‌رغم روابط تجاری قابل توجه، نگرش سیاسی آن نسبت به ایران همچنان با احتیاط همراه است؛ با این حال، روابط تجاری سبب شده امارات رویکرد متعادل‌تری نسبت به برخی از کشورهای منطقه اتخاذ کند.

پتانسیل همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه انرژی نیز می‌تواند عامل مهمی در بهبود روابط باشد. برای مثال همکاری در زمینه میادین نفتی و گازی مشترک می‌تواند زمینه‌ساز

گفت‌وگوهای سازنده باشد. همچنین پروژه‌های مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند فرصتی برای همکاری‌های جدید فراهم کند؛ با این حال، باید توجه داشت عوامل اقتصادی تنها یکی از فاکتورهای تأثیرگذار بر روابط هستند و مسائل سیاسی و امنیتی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران دارند.

۱۰. تفاوت نگرش نخبگان و توده مردم: تحلیل محتوا نشان می‌دهد در برخی موارد، تفاوت قابل توجهی بین نگرش نخبگان سیاسی و اقتصادی و توده مردم نسبت به ایران وجود دارد. نخبگان عموماً نگاه راهبردی‌تری به روابط با ایران دارند و در میان توده مردم، عوامل فرهنگی و مذهبی تأثیر بیشتری بر نگرش نسبت به ایران دارند.

یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس به ایران، پیچیده و متأثر از عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای است. درک این پیچیدگی و توجه به تفاوت‌های موجود بین کشورهای مختلف منطقه، برای طراحی و اجرای استراتژی‌های مؤثر دیپلماسی فرهنگی ضروری است. همچنین توجه به اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی و پرداختن به موضوعات مهم برای افکار عمومی منطقه می‌تواند در بهبود جایگاه ایران مؤثر باشد.

۲-۷. چالش‌های موجود در مسیر دیپلماسی فرهنگی

چالش‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس را می‌توان در چهار سطح اساسی مورد تحلیل و بررسی قرار داد:

۱-۲-۷. چالش‌های ساختاری - نهادی

■ ناهماهنگی بین دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی و نبود یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده

■ فقدان راهبرد جامع و نقشه راه مشخص برای دیپلماسی فرهنگی در منطقه خلیج فارس

■ ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه

دیپلماسی فرهنگی

■ محدودیت‌های بودجه‌ای و منابع مالی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی در سطح منطقه‌ای

۲-۷. چالش‌های رسانه‌ای و فضای مجازی

- غلبه رسانه‌های رقیب در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه
- عدم حضور مؤثر در پلتفرم‌های اجتماعی پرمخاطب در کشورهای حوزه خلیج فارس
- ضعف در تولید محتوای دیجیتال جذاب و متناسب با ذائقه مخاطب عرب‌زبان
- چالش‌های مرتبط با امنیت سایبری و مقابله با اخبار جعلی و تحریف‌شده

۳-۲-۷. چالش‌های فرهنگی - اجتماعی

- تفاوت‌های مذهبی و برداشت‌های متفاوت از مناسبات شیعه و سنی
- تأثیر منفی تنش‌های سیاسی بر روابط فرهنگی و اجتماعی
- محدودیت‌های زبانی و ضعف در ارتباط مستقیم با جامعه مدنی کشورهای منطقه
- کمبود نیروهای متخصص آشنا با فرهنگ و زبان کشورهای حوزه خلیج فارس

۴-۲-۷. چالش‌های نوظهور در عصر دیجیتال

- تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری هویت‌های جدید در نسل جوان
 - چالش‌های مرتبط با دیپلماسی دیجیتال و لزوم تطبیق با فناوری‌های نوین
 - رقابت فرهنگی فشرده در فضای مجازی و نیاز به حضور مؤثر در این عرصه
 - تغییر الگوهای مصرف فرهنگی در جوامع خلیج فارس و لزوم انطباق با این تغییرات
- این چالش‌ها در کنار تحولات جدید منطقه‌ای نظیر توافق ایران و عربستان، نیازمند رویکردی نوین و پویا در عرصه دیپلماسی فرهنگی است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین ارتباطی، تقویت دیپلماسی عمومی دیجیتال و ایجاد پل‌های ارتباطی جدید با نسل جوان منطقه می‌تواند در غلبه بر این چالش‌ها مؤثر باشد.

۳-۷. فرصت‌های پیش رو برای دیپلماسی فرهنگی

۱-۳-۷. فرصت‌های ناشی از تحولات منطقه‌ای

- فرصت‌های برآمده از توافق ایران و عربستان از جمله امکان راه‌اندازی مجدد مراکز فرهنگی و هنری در دو کشور

- فرصت برگزاری رویدادهای مشترک فرهنگی و هنری
- تسهیل تبادلات دانشگاهی و علمی
- امکان همکاری در حوزه صنایع خلاق و تولیدات مشترک فرهنگی
- ۲-۳-۷. فرصت‌های ناشی از تغییر رویکردهای منطقه‌ای
- گرایش کشورهای منطقه به همگرایی و همکاری‌های درون منطقه‌ای
- افزایش تمایل به گفت‌وگوهای فرهنگی و تمدنی
- شکل‌گیری پروژه‌های مشترک اقتصادی و امکان پیوند آن با تعاملات فرهنگی
- تقویت گردشگری منطقه‌ای و فرصت‌های ناشی از آن
- ۴-۷. فرصت‌های فضای مجازی و تحول دیجیتال
- ۱-۴-۷. فرصت‌های پلتفرم‌های اجتماعی
- امکان ارتباط مستقیم با مخاطبان منطقه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی
- فرصت تولید محتوای دوزبانه و چندزبانه برای مخاطبان منطقه
- امکان بهره‌گیری از اینفلوئنسرها و تولیدکنندگان محتوا
- گسترش دیپلماسی دیجیتال و ارتباطات مردم به مردم
- ۲-۴-۷. فرصت‌های آموزش مجازی
- امکان برگزاری دوره‌های آنلاین آموزش زبان فارسی
- فرصت تبادل دانش و تجربه‌ها از طریق پلتفرم‌های آموزشی
- برگزاری وبینارها و کنفرانس‌های مجازی مشترک
- توسعه همکاری‌های علمی - پژوهشی در فضای مجازی
- ۵-۷. فرصت‌های همکاری‌های منطقه‌ای
- ۱-۵-۷. همکاری‌های علمی و دانشگاهی
- تأسیس رشته‌های مشترک دانشگاهی

■ اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مشترک

■ تبادل استاد و دانشجو

■ برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های مشترک

۲-۵-۷. همکاری‌های هنری و فرهنگی

■ برگزاری نمایشگاه‌های مشترک هنری

■ تولید آثار سینمایی و تلویزیونی مشترک

■ همکاری در حوزه موسیقی و هنرهای نمایشی

■ برگزاری جشنواره‌های مشترک فرهنگی

۶-۷. فرصت‌های نوظهور در عرصه دیپلماسی فرهنگی

۱-۶-۷. صنایع خلاق و نوآوری فرهنگی

■ توسعه بازی‌های رایانه‌ای با محتوای فرهنگی مشترک

■ همکاری در حوزه انیمیشن و محتوای دیجیتال

■ توسعه اپلیکیشن‌های فرهنگی و آموزشی

■ همکاری در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی

۲-۶-۷. گردشگری فرهنگی

■ توسعه تورهای فرهنگی و تاریخی مشترک

■ برگزاری رویدادهای گردشگری با محوریت میراث مشترک

■ ایجاد مسیرهای گردشگری تاریخی - فرهنگی

■ توسعه گردشگری مذهبی و معنوی

بهره‌برداری مؤثر از این فرصت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی بین‌دستگاهی و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های موجود است. همچنین لازم است این فرصت‌ها در چهارچوب یک راهبرد جامع دیپلماسی فرهنگی مورد توجه قرار گیرند تا بتوان از آن‌ها در جهت ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه بهره‌برداری کرد.

۸. الگوهای نوین تعامل با افکار عمومی منطقه خلیج فارس

۸-۱. راهکارهای نوین در فضای دیجیتال

۸-۱-۱. استراتژی‌های رسانه‌های اجتماعی

- طراحی محتوای چندزبانه و چندفرهنگی برای پلتفرم‌های مختلف
- استفاده از تولیدکنندگان محتوای بومی برای ایجاد ارتباط مؤثرتر
- بهره‌گیری از فرمت‌های جذاب مانند ویدئوهای کوتاه و محتوای تعاملی
- توسعه کمپین‌های دیجیتال با تمرکز بر اشتراک‌های فرهنگی

۸-۱-۲. پلتفرم‌های تعاملی دوسویه

- ایجاد پلتفرم‌های گفت‌وگوی آنلاین برای تبادل نظر فرهنگی
- توسعه اپلیکیشن‌های موبایل برای آموزش زبان و فرهنگ
- راه‌اندازی پادکست‌های مشترک با محوریت موضوعات فرهنگی
- برگزاری رویدادهای مجازی تعاملی

۸-۱-۳. روش‌های نوین ارتباط با مخاطبان منطقه‌ای

الف) رویکردهای مشارکتی

- طراحی پروژه‌های مشترک فرهنگی با مشارکت جوانان منطقه
- برگزاری مسابقات و چالش‌های آنلاین با موضوعات فرهنگی
- ایجاد شبکه‌های همکاری بین هنرمندان و فعالان فرهنگی
- توسعه برنامه‌های تبادل فرهنگی مجازی

ب) روایت‌سازی نوین

- استفاده از روش‌های نوین روایت داستان در فضای دیجیتال
- تولید محتوای ویدئویی کوتاه برای شبکه‌های اجتماعی
- بهره‌گیری از تکنیک‌های جذاب بصری در ارائه محتوا
- توسعه محتوای تعاملی و گیمیفیکیشن (بازی‌سازی)

۸-۲. الگوهای تعاملی نوآورانه

۸-۲-۱. دیپلماسی دیجیتال

- توسعه حضور هدفمند در پلتفرم‌های پرمخاطب منطقه
- ایجاد کمپین‌های دیجیتال با محوریت موضوعات مشترک
- استفاده از تکنولوژی‌های نوین مانند واقعیت مجازی
- برگزاری نمایشگاه‌های مجازی و تورهای آنلاین

۸-۲-۲. مشارکت جامعه مدنی

- همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد در فضای مجازی
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین گروه‌های مختلف اجتماعی
- توسعه پروژه‌های مشترک با محوریت موضوعات اجتماعی
- برگزاری رویدادهای مشترک آنلاین

۸-۳. استراتژی‌های محتوایی نوین

۸-۳-۱. تولید محتوای تخصصی

- توسعه محتوای آموزشی و فرهنگی با کیفیت بالا
- تولید مستندهای کوتاه با موضوعات مشترک فرهنگی
- ایجاد سری‌های محتوایی منظم در شبکه‌های اجتماعی
- توسعه پلتفرم‌های آموزش آنلاین

۸-۳-۲. تعامل با نسل جدید

- استفاده از زبان و فرمت‌های مورد علاقه نسل جوان
- توسعه محتوا برای پلتفرم‌های محبوب نسل جدید
- ایجاد فضاهای گفت‌وگوی آنلاین برای تبادل نظر
- بهره‌گیری از ترندهای روز در تولید محتوا

به‌کارگیری این الگوهای نوین در تعامل با افکار عمومی منطقه نیازمند انعطاف‌پذیری،

خلاقیت و درک عمیق از تحولات فضای دیجیتال است. موفقیت در این زمینه مستلزم بازنگری مداوم در استراتژی‌ها و تطبیق آن‌ها با نیازها و ترجیحات مخاطبان منطقه‌ای است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس انجام شده است. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد تحولات اخیر منطقه‌ای به‌ویژه توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، فصل جدیدی را در مناسبات منطقه‌ای گشوده و فرصت‌های نوینی را برای دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم کرده است.

بررسی‌های این پژوهش حاکی از آن است که فضای ارتباطی منطقه دستخوش تحولات عمیقی شده است. گسترش چشمگیر نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی، تغییر الگوهای مصرف فرهنگی در جوامع خلیج فارس و اهمیت یافتن دیپلماسی دیجیتال، ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی را دوچندان کرده است. این تحولات در کنار چالش‌های ساختاری - نهادی موجود در مدیریت دیپلماسی فرهنگی، نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و متناسب با شرایط روز است.

درعین‌حال، فرصت‌های جدیدی در مسیر دیپلماسی فرهنگی ایران قرار گرفته است. توافق ایران و عربستان و بهبود روابط منطقه‌ای، امکان گسترش تعاملات فرهنگی را فراهم کرده است. ظرفیت‌های فضای مجازی برای ارتباط مستقیم با مخاطبان منطقه، امکان توسعه همکاری‌های علمی و دانشگاهی و فرصت‌های نوظهور در حوزه صنایع خلاق و گردشگری فرهنگی از جمله این موارد است. این فرصت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه باشند.

تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر ارتقای جایگاه ایران را می‌توان در ابعاد مختلف مشاهده کرد. در بُعد سیاسی - اجتماعی، این تأثیرات شامل کاهش تنش‌های سیاسی از طریق تعاملات فرهنگی، بهبود درک متقابل و کاهش سوءتفاهم‌ها، تقویت پیوندهای اجتماعی بین ملت‌ها و مقابله با ایران‌هراسی از طریق تعاملات فرهنگی مستقیم است. در بُعد فرهنگی - هویتی، تقویت

شناخت متقابل از فرهنگ و تمدن یکدیگر، احیای میراث فرهنگی مشترک و گسترش زبان و ادبیات فارسی در منطقه از جمله دستاوردهای مهم به شمار می‌روند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، مجموعه‌ای از راهکارها برای ارتقای اثربخشی دیپلماسی فرهنگی پیشنهاد می‌شود. تدوین استراتژی جامع دیپلماسی فرهنگی با رویکرد دیجیتال، ایجاد هماهنگی بین دستگاهی، تقویت نقش بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه زیرساخت‌های لازم برای دیپلماسی فرهنگی دیجیتال از جمله راهکارهای اساسی هستند. همچنین، توسعه حضور مؤثر در پلتفرم‌های دیجیتال منطقه، برگزاری رویدادهای فرهنگی مشترک حضوری و مجازی، و تولید محتوای فرهنگی متناسب با ذائقه مخاطب منطقه‌ای از دیگر راهکارهای مهم به شمار می‌روند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در شرایط کنونی، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه خلیج فارس ایفا کند. موفقیت در این زمینه مستلزم درک عمیق از تحولات نوین منطقه‌ای و جهانی، انعطاف‌پذیری در روش‌ها و رویکردها، توجه ویژه به نقش فضای مجازی و تحول دیجیتال، و تمرکز بر نسل جوان و نیازهای فرهنگی آنهاست. در نهایت، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری نرم و تأثیرگذار می‌تواند به بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه و ارتقای جایگاه کشور در افکار عمومی منطقه خلیج فارس کمک کند؛ مشروط بر آنکه با درک درست از تحولات و نیازهای زمانه و با رویکردی نوآورانه و هوشمندانه به کار گرفته شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحولات جدید در عرصه روابط منطقه‌ای و فناوری‌های ارتباطی، موضوعات زیر برای پژوهش‌های آتی در زمینه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی تأثیرات توافق ایران و عربستان بر فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش می‌تواند به ارزیابی تغییرات در فضای فرهنگی منطقه پس از این

- توافق و شناسایی فرصت‌های جدید برای تعاملات فرهنگی بپردازد.
۲. مطالعه تطبیقی الگوهای موفق دیپلماسی فرهنگی دیجیتال در منطقه می‌تواند بینش‌های ارزشمندی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به مقایسه رویکردهای کشورهای مختلف در استفاده از فضای مجازی برای دیپلماسی فرهنگی بپردازد و درس‌های آموخته‌شده را برای ایران استخراج کند.
 ۳. بررسی نقش تولیدکنندگان محتوا و اینفلوئنسرهای فضای مجازی در شکل‌دهی به تصویر ایران در منطقه اهمیت دارد. این مطالعه می‌تواند شامل تحلیل محتوای تولیدات موجود و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر مخاطبان منطقه‌ای باشد.
 ۴. پژوهش در مورد تأثیر نسل جدید پلتفرم‌های اجتماعی بر دیپلماسی فرهنگی ضروری است. این مطالعه می‌تواند به بررسی چگونگی استفاده مؤثر از این پلتفرم‌ها برای ارتباط با نسل جوان منطقه بپردازد.
 ۵. مطالعه تأثیر صنایع خلاق و فرهنگی بر تصویر ایران در منطقه می‌تواند راهگشا باشد. این پژوهش می‌تواند شامل بررسی نقش بازی‌های رایانه‌ای، انیمیشن و سایر محصولات فرهنگی دیجیتال در دیپلماسی فرهنگی باشد.
 ۶. ارزیابی تأثیر برنامه‌های تبادل فرهنگی مجازی که در دوران پساکرونا رایج شده‌اند، می‌تواند یافته‌های مهمی ارائه دهد. این مطالعه می‌تواند به بررسی اثربخشی رویدادهای آنلاین و تعاملات مجازی در مقایسه با برنامه‌های حضوری بپردازد.
 ۷. بررسی نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور در دیپلماسی فرهنگی اهمیت دارد. این پژوهش می‌تواند به مطالعه چگونگی استفاده از این فناوری‌ها برای بهبود تعاملات فرهنگی و ارتباط با مخاطبان منطقه‌ای بپردازد.
 ۸. مطالعه تأثیر گردشگری مجازی و ترکیبی بر دیپلماسی فرهنگی می‌تواند بینش‌های جدیدی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به بررسی پتانسیل‌های فناوری‌های واقعیت مجازی و افزوده در معرفی جاذبه‌های فرهنگی ایران بپردازد.

۹. بررسی نقش جوامع آنلاین و شبکه‌های اجتماعی تخصصی در توسعه روابط فرهنگی می‌تواند مفید باشد. این مطالعه می‌تواند به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تأثیر این جوامع بر تعاملات فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه بپردازد.
۱۰. مطالعه نقش پلتفرم‌های آموزش آنلاین در گسترش زبان و فرهنگ ایرانی در منطقه می‌تواند یافته‌های کاربردی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به ارزیابی اثربخشی روش‌های مختلف آموزش آنلاین و شناسایی بهترین شیوه‌ها بپردازد.
- این پیشنهادها با توجه به روندهای نوظهور در عرصه ارتباطات و فناوری ارائه شده‌اند و می‌توانند به درک بهتر فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران در عصر دیجیتال کمک کنند. انجام این پژوهش‌ها می‌تواند به طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثرتر دیپلماسی فرهنگی در منطقه خلیج فارس منجر شود.

فهرست منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۰۵-۱۷۹.
- احمدی، حمید (۱۳۹۶). *سیاست خارجی ایران در خاورمیانه*، تهران: میزان.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سید رضا؛ سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۶). «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال هجدهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۲-۶۷.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). *تحولات ژئوپلیتیک خلیج فارس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیر، حسن؛ میرفخرائی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). «فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پنج کشور عربی خلیج فارس»، *مطالعات میان‌فرهنگی*، دوره دوازدهم، شماره ۳۳، اسفند ۱۳۹۶، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- خرازی محمدوندی آذر، زهرا (۱۳۸۸). «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، *مدیریت فرهنگی*، سال سوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۲۲-۱۰۷.
- خسروی، سید محمدعلی؛ جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، *مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۱۶-۸۳.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). «رسانه و فرهنگ‌سازی»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲ (۸)، صص ۲۰۸-۱۷۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ خرمشاد، محمداقبر؛ رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۲۴-۳.
- دهقانی، رؤیا (۱۳۹۸). *راهبرد عربستان درباره جنبش اجتماعی شیعیان بحرین و تأثیر آن در روابط ایران و بحرین*، تهران: نگارستان ادب.
- رحمانی، منصور (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، اردیبهشت ۱۳۹۴، ۶ (۱۵)، صص ۹۰-۶۳.

سیمبر، رضا (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، اندیشه سیاسی در اسلام، اسفند ۱۳۹۶، ۳ (۱۴)، صص ۶۷-۴۷.

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹). «ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها»، روابط خارجی، تیر ۱۳۸۹، ۲ (۶)، صص ۲۰۸-۱۹۱.

شفیعی، نوذر؛ قنبری، فرهاد؛ کیانی، آذین (۱۳۹۵). «فرهنگ و نقش آن در دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۱، شماره ۲۹، صص ۱۹۵-۱۷۵.

صالحی امیری، سید رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.

عباسی، مهدی؛ قنبری سلحشور، محمدرضا (۱۳۹۷). «دیپلماسی فرهنگی و تقابل قدرت نرم امریکا و ایران در عصر جدید»، مطالعات سیاسی، بهار ۱۳۹۷، ۱۰ (۳۹)، صص ۱۱۲-۹۵.

قربانی گلشن‌آباد، محمد؛ محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۹۶، ۱۴ (۵۰)، صص ۴۴-۲۷.

قنبرلو، عبدالله (۱۴۰۰). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران»، مطالعات راهبردی، آذر ۱۴۰۰، ۲۴ (۳)، صص ۱۷۹-۱۴۹.

نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۸). نگاه اعراب به ایران؛ گفتمان‌ها و رویکردها، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی. نورمحمدی، مرتضی؛ کاظمی، حجت (۱۳۹۴). «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی فرهنگی در

کشورهای حوزه خلیج فارس»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، خرداد ۱۳۹۴، ۳ (۱۲)، صص ۱۱۳-

۸۷

نیک‌روش، مسعود؛ پویا، علیرضا (۱۳۹۹). «ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس)»، پژوهش‌نامه رسانه

بین‌الملل، زمستان ۱۳۹۹، ۵ (۲)، صص ۲۴۵-۲۲۷.

واعظی، محمود (۱۳۹۷). ایران و عربستان: از رقابت ژئوپلیتیک تا تقابل ژئوکالچر، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

هدایتی شهیدانی، محمد؛ صفری، علی (۱۳۹۱). «تحلیلی بر چالش‌های شکل‌گرفته برای شیعیان در کشور بحرین»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۱، صص ۷۹-۶۳.

Castells, M. (2013). communication Power (2nd ed. . Oxford: Oxford University Press.

Freedom House. (2024). Freedom in the World 2024: Bahrain.

Gallup. (2023, April 19). Saudi Arabia's Soft Power Outshines Iran's. Retrieved from. <https://news.gallup.com/poll/474251/saudi-arabia-soft-power-outshines-iran.aspx>.

- Louër, L. (2013). "The Politics of the Shi'a in Saudi Arabia and Bahrain", In Laurence Louër, *Transnational Shia Politics: Religious and Political Networks in the Gulf* (pp. 81-104). Columbia University Press.
- McCombs, M. E., & Shaw, D. L. (1972). "The agenda-Setting Function of Mass Media". *The Public Opinion Quarterly*, 36 (2), pp. 176-187.
- McCombs, M. E., & Shaw, Donald L. (2018). "The agenda-setting function of mass media." *The Public Opinion Quarterly*, Vol. 36, No. 2, pp. 76-87.
- Noelle-Neumann, E. (1993). *The Spiral of Silence: Public Opinion - Our Social Skin* (2nd ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Statista (2025). "Social networks: penetration in selected countries 2025." *Statista*, 2025, www.statista.com/statistics/284504/penetration-rate-of-social-networks-in-selected-countries/.
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2022). *World Population Prospects 2022*. New York: United Nations.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.



Science and Technology Diplomacy in France*

Mohammadreza Dehshiri

Professor, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran

m.dehshiri@sir.ac.ir



10.22034/CDRJ.2025.491520.1033



0000-0001-8223-3358

Seyyed Mohammadhossein Mirfakhraei

Former M. Sc. Student, Faculty of Islamic Studies and Culture & Communication, Policy Studies Major, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Correspondence Author)

smhmirfakhraei@gmail.com



0009-0008-7218-7755

ABSTRACT

The connection between the science and foreign policy has deepened to the extent that some now consider education the fourth dimension of foreign policy. Accordingly, science and technology diplomacy has emerged as a novel framework for enhancing interactions among international actors, gaining significant attention from leading global nations in recent years. This study, grounded in the theories of constructivism and convergence (with an emphasis on cultural regionalism) and based on the analytical dimensions of science and technology diplomacy, examines France's performance in this field, particularly from 2008 to 2018. Initially, a library and archival research method (referring to updated sources) was employed to identify ten analytical components. Subsequently, the most prominent document in this context-the 2013 French Science and Technology Diplomacy Framework-was coded and analyzed using thematic analysis. The analytical outcomes were structured into components of France's science and technology diplomacy across three dimensions: conceptual, motivational, and operational. These findings serve as essential materials for designing France's science and technology diplomacy model and contribute to formulating a localized framework for other contexts.



CC BY-NC-SA

Received: 30/11/2024
Accepted: 02/06/2025



Keywords:

Public Diplomacy, Science Diplomacy, Technology and Innovation Diplomacy, Soft Power.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه*



10.22034/CDRJ.2025.491520.1033

m.dehshiri@sir.ac.ir

محمدرضا دهشیری

استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

0000-0001-8223-3358

سید محمدحسین میرفخرائی

دانش‌آموخته دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، گرایش مطالعات سیاست‌گذاری، دانشگاه امام صادق(ع)،

تهران، ایران (نویسنده مسئول)

0009-0008-7218-7755

smhifakhraei@gmail.com



چکیده

پیوند نهاد علم و سازمان سیاست خارجی امروزه تا آنجا عمق یافته است که برخی آموزش را بُعد چهارم سیاست خارجی دانسته‌اند. بر همین اساس، دیپلماسی علم و فناوری به‌مثابه چهارچوبی تازه برای افزایش تعامل میان بازیگران عرصه بین‌الملل، در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورهای پیشرو قرار گرفته است. در تحقیق حاضر، بر مبنای دو نظریه سازه‌نگاری و هم‌گرایی (با تأکید بر منطقه‌گرایی فرهنگی) و با توجه به سطوح تحلیلی دیپلماسی علم و فناوری، عملکرد کشور فرانسه در این عرصه، به‌ویژه در بازه ۲۰۱۸-۲۰۰۸، ابتدا با روش کتابخانه‌ای و آشنایی (مراجعه به منابع به‌روز) رصد شده و با کمک آن، ده مؤلفه تحلیلی استخراج شده است. سپس شاخص‌ترین سند موجود در این رابطه (سند ۲۰۱۳ دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه) با روش تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل شده است. مجموع خروجی‌های تحلیلی در قالب مؤلفه‌های دیپلماسی علم و فناوری فرانسه (در سه شاخه بینشی، انگیزشی و کنشی) سامان یافته است که مواد خام لازم برای ترسیم مدل دیپلماسی علم و فناوری این کشور و کمک به ترسیم الگوی بومی آن را فراهم می‌آورد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲



واژگان کلیدی:

دیپلماسی عمومی،

دیپلماسی علم،

دیپلماسی فناوری و

نوآوری، فرانسه، قدرت

نرم.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است با عنوان «بررسی تجرب و رصد دیپلماسی علم، فناوری و نوآوری در کشور فرانسه» که در دانشگاه عالی دفاع ملی طراحی و اجرا شده است.

* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

با بازنگری در مفهوم سنتی دیپلماسی، راه برای ظهور رویکردهایی جدید در این عرصه هموار شد. بخش قابل توجهی از این رویکردها را می‌توان ذیل عنوان کلی «دیپلماسی عمومی»^۱ گنجانند. دیپلماسی عمومی در واقع «تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های خارجی و شامل ابعاد از روابط بین‌الملل» است که عملکردی فراتر از دیپلماسی سنتی دارد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۳).

در این میان و از سال‌های نیمه دوم قرن بیستم، رویکردها و راهکارهای فرهنگی، بیش‌ازپیش برای طراحان و مجریان حوزه سیاست خارجی اهمیت یافت (خانی، ۱۳۸۴) و زمینه لازم برای تولد مفهومی جدید در این عرصه فراهم شد: «دیپلماسی فرهنگی»^۲.

یکی از ابعاد مهم و اثرگذار دیپلماسی فرهنگی عبارت است از «دیپلماسی علم»^۳ و یکی از بهترین تعاریف ارائه‌شده از این مفهوم، متعلق است به کنسول سیاست‌گذاری علم و فناوری ژاپن: «وصل شدن علم و فناوری با سیاست خارجه برای دستیابی به توسعه دوطرفه» (بنیادی‌نائینی و صدوق، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، این نوع دیپلماسی در واقع رفت‌وآمدی است میان نهاد علم و سازمان سیاست خارجی؛ یعنی گاه در آن، سیاست بسترساز تولید و پیشرفت علم می‌شود و گاه برعکس، علم زمینه‌ساز بهبود سیاست می‌شود.

یکی از بایسته‌های پژوهشی در زمینه دیپلماسی علم و فناوری، تجربه‌کاوی است که در آن، تجارب کشورهای پیشرو در این عرصه مورد مذاقه قرار می‌گیرد. برای چنین پژوهش‌هایی دست‌کم می‌توان دو فایده عمومی در نظر گرفت: نخست، در بُعد ایجابی، یعنی استفاده از تجربه‌های سازنده و الگوهای موفقیت‌آمیز کشورها در این باره، البته با رعایت ملاحظات بومی و مختصات فرهنگی کشور؛ دوم، در بُعد سلبی، یعنی عبرت‌آموزی از نسخه‌های شکست‌خورده و برنامه‌های ناکام. افزون‌براین، از یافته‌های چنین تحقیقاتی می‌توان در تدوین اسناد بالادستی نیز بهره جست.

1. Public Diplomacy
2. Cultural Diplomacy
3. Science Diplomacy

یکی از کشورهایی که در این حوزه از سرآمدان به شمار می‌رود فرانسه است که نه تنها در «برقراری» این نوع دیپلماسی کارنامه قابل‌قبولی از خود بر جای گذاشته است، بلکه مشاهده‌ها نشان می‌دهد که توانسته است از پس چالش‌های مربوط به مرحله «حفظ و استمرار» نیز به‌خوبی برآید.

فرانسه نیز مانند دیگر کشورهای توسعه‌یافته، دیپلماسی علم و فناوری را با اهدافی از این دست پی می‌گیرد: نخست، دسترسی به پژوهشگران، یافته‌های تحقیقاتی، امکانات و تجهیزات مرتبط با پژوهش، منابع و سرمایه‌های طبیعی کشورهای دیگر؛ دوم، گسترش دستاوردها در حوزه تحقیق و توسعه؛ سوم، نفوذ بر افکار عمومی، تصمیم‌گیران و رهبران سیاسی و اقتصادی کشورهای دیگر (ذوالفقارزاده و دیگران، ۱۳۹۶).

در تحقیق حاضر، بر مبنای دو نظریه سازه‌نگاری و هم‌گرایی (با تأکید بر منطقه‌گرایی فرهنگی) و با توجه به سطوح تحلیلی دیپلماسی علم و فناوری، عملکرد کشور فرانسه در این عرصه، به‌ویژه در بازه ۲۰۱۸-۲۰۰۸، ابتدا با روش کتابخانه‌ای و اسنادی رصد شده و با کمک آن، ده مؤلفه تحلیلی استخراج شده است. سپس شاخص‌ترین سند موجود در این رابطه (سند ۲۰۱۳ دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه) با روش تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل شده است. مجموع خروجی‌های تحلیلی در قالب مؤلفه‌های دیپلماسی علم و فناوری فرانسه (در سه شاخه بینشی، انگیزشی و کنشی) سامان یافته است.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. ماهیت فراملی علم

در بحث درباره ماهیت علم، یکی از پرسش‌های رایج این است که آیا می‌توان ماهیتی ملی برای دانش در نظر گرفت یا اینکه علم اساساً میراثی بشری و جهانی است. در وهله نخست این‌طور به نظر می‌رسد که علم ذاتاً فراملی است. وجود مفهومی با عنوان «زبان علمی» که عموم کنشگران علمی به آن سخن می‌گویند و نیز پیدایش معیارهایی جهانی با عنوان «روش علمی» و کاربست آن‌ها در دستیابی به «اهداف علمی» (در مرحله نخست و به‌خودی‌خود،

کشف حقیقت) همه گویای ذات فراملی علم است. وجود مقاله‌های مشترک میان استادانی از کشورهای مختلف و نیز رواج نقل‌قول‌های جهانی در آثار علمی را می‌توان نمودهایی از این واقعیت دانست (روفینی، ۱۳۹۶: ۲۳، ۲۴ و ۷۳).

ازسوی‌دیگر، در دیپلماسی بر ابعاد ملی (دولت‌ملت) تأکید می‌شود و بر همین اساس، وظیفه دیپلمات‌ها را خدمت به منافع ملی کشور متبوع می‌دانند (نوازنی و دیگران، ۱۳۹۳). بر همین اساس در اینجا ممکن است چنین تصور شود که دیپلماسی علم و فناوری در ذات خود دچار تناقض است. در راستای رفع چنین ابهامی می‌توان گفت «گرچه چیزی به نام علم امریکایی، فرانسوی یا روسی وجود ندارد [...] اما یک شیوه امریکایی، فرانسوی یا روسی در زمینه پرداختن به علم وجود دارد. علم مقوله‌ای جهان‌شمول است؛ اما [...] شیوه تولید دانش همچنان از ماهیتی عمدتاً ملی برخوردار است» (روفینی، ۱۳۹۶: ۸۲).

۲-۱. پیدایش دیپلماسی علم و فناوری

در سال‌های پایانی قرن بیستم پیوندهای برقرارشده میان نهاد علم و سازمان دیپلماسی به‌لحاظ کمی و کیفی افزایش یافت و از اوایل قرن بیست‌ویکم مفهوم دیپلماسی علم و فناوری به‌معنای امروزی آن متولد شد. به‌عبارت‌دیگر «آموزش» به‌طور رسمی و در کنار سیاست، اقتصاد و امنیت به بُعد چهارم سیاست خارجی تبدیل شد^۱ (تسلیمی و دیگران، ۱۳۹۶).

در این دوره بیش از هر دوره دیگری، گسترش فناوری‌ها و نوآوری‌ها بنا به عمومی بودنشان باعث گنجانده شدن علم در فرایندهای صنعتی شد. به‌این‌ترتیب نهاد علم بیش‌ازپیش مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفت. افزون‌براین از آنجاکه تأمین مالی نوآوری‌های علمی به‌ویژه در تحقیقات بنیادین عمدتاً از محل اعتبارات عمومی صورت می‌گرفت، علم وجهه‌ای ملی‌تر یافت

۱. برخی نیز «فرهنگ» را بُعد چهارم سیاست خارجی امروز می‌دانند. این تشابه، خود نشانه‌ای است از هم‌پوشانی گسترده میان دو مفهوم دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی علم و فناوری. عناوین مشابه دیگری نیز می‌توان در این زمینه برشمرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: دیپلماسی شهری، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی انرژی، دیپلماسی رسانه‌ای و غیره. این مفاهیم نیز هر یک به‌نسبت، هم‌پوشانی‌هایی با مفهوم دیپلماسی علم و فناوری دارند.

و در عرصه‌های گوناگونی با قدرت پیوند خورد. وابستگی روزافزون نیروی انسانی علمی به حمایت‌های دولتی (تأمین امکانات تحصیلات به‌علاوه برقراری امکان دسترسی به داده‌ها و اطلاعات) نیز علم و سیاست را بیش‌ازپیش به هم مرتبط ساخت. به‌این‌ترتیب سیاست‌مداران کشورهای مختلف تقویت علمی را راهکاری برای تأمین منافع ملی خود دیدند و در پی پیدایش چنین نگرشی دیپلماسی علم و فناوری رسماً پدید آمد (روفینی، ۱۳۹۶: ۷۸).

۳-۱. تعریف دیپلماسی علم و فناوری

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در تحقیق حاضر دیپلماسی علم و فناوری در وسیع‌ترین معنای خود مدنظر است: «وصل شدن علم و فناوری با سیاست خارجه برای دستیابی به توسعه دوطرفه» (بنیادی‌نائینی و صدوق، ۱۳۹۶).

با توجه به تمرکز این پژوهش بر کشور فرانسه، لازم است گفته شود که در سند منتشرشده در این کشور در سال ۲۰۱۳، دیپلماسی علم و فناوری چنین تعریف شده است: «استفاده و کاربرد همکاری‌های علمی در راستای ایجاد روابط و پل‌هایی میان جوامع به‌خصوص در حوزه‌هایی که ممکن است مکانیسم دیگری برای تعامل در سطح رسمی وجود نداشته باشد» (ذوالفقارزاده و هاجری، ۱۳۹۶).

۴-۱. رهیافت‌ها و رویکردهای دیپلماسی علم و فناوری

به‌طورکلی رهیافت‌های موجود در دیپلماسی علم و فناوری را می‌توان ذیل دو عنوان کلی جای داد:

۱. رهیافت علم و فناوری‌محور

۲. رهیافت دیپلماسی‌محور

در رهیافت نخست، دیپلماسی ابزاری است در خدمت علم؛ درحالی‌که در رهیافت دوم علم منبعی است برای دیپلماسی (ذوالفقارزاده و ثنائی، ۱۳۹۲). بااین‌همه به نظر می‌رسد می‌توان رهیافتی ترکیبی از آمیختگی این دو رهیافت نیز تولید کرد. به‌عبارت‌دیگر در عملکرد برخی کشورها از جمله فرانسه، گاه شاهد به‌کارگیری رهیافت نخست هستیم، گاه رهیافت دوم و گاه ترکیبی از هر دو رهیافت.

افزون‌براین، در گزارش مشترک انجمن سلطنتی بریتانیا^۱ و انجمن امریکایی پیشبرد علم^۲ در سال ۲۰۱۰ سه رویکرد زیر برای دیپلماسی علم و فناوری احصا شده است:

۱. علم در دیپلماسی^۳

۲. دیپلماسی برای علم^۴

۳. علم برای دیپلماسی^۵ (The Royal Society & AAAs, 2010).

برخی حوزه‌های سیاست خارجی دیپلمات‌ها را به جامعه علمی ارجاع می‌دهند. یکی از مثال‌های بارز در این حوزه عبارت است از مسائلی جهانی که درباره آن‌ها نشست‌های بین‌المللی برگزار و تصمیم‌گیری می‌شود، مانند موضوعات مربوط به سلامت انسان (دسترسى به منابع آب و غذا، کنترل بیماری‌های واگیر و...) یا امنیت جهانی (امنیت انرژی، مبارزه با گسترش تسلیحات کشتارجمعی و...) یا کیفیت محیط‌زیست (مباحث آب‌وهوایی، آلودگی اقیانوس‌ها و...). این‌ها را می‌توان نمونه‌هایی از کاربردهای رویکرد نخست، یعنی علم در دیپلماسی دانست.

در رویکرد دوم، هدف ارتقای جامعه علمی در حوزه‌های بین‌الملل است. شبکه دیپلماتیک و کنسولی هر کشور وظیفه دارد امور مربوط به تحرک‌پذیری پژوهشگران و گردش‌نخبگانی را تسهیل کند. در اینجا مشابه با رهیافت علم و فناوری‌محور، دستگاه دیپلماسی همچون ابزاری در خدمت نهاد علم است.

رویکرد سوم یا علم برای دیپلماسی را نیز می‌توان چنین توضیح داد: «هنگامی که تنش‌های سیاسی میان کشورها به دیپلماسی سنتی اجازه عرض‌اندام نمی‌دهد، می‌توان از روابط علمی در راستای حفظ یا احیای پیوندها بهره گرفت» (روفینی، ۱۳۹۶: ۳۹ و ۴۰). به عبارت دیگر، «دیپلماسی علم میان جوامعی که ممکن است روابط رسمی در آن‌ها محدود باشد و نیز برای تحکیم تعاملات جامعه مدنی از طریق همکاری در زمینه علوم و فناوری

1. The Royal Society
2. American Association for the Advancement of Science (Aaas)
3. Science in Diplomacy
4. Diplomacy for Science
5. Science for Diplomacy

مانند یک کاتالیزور عمل می‌کند» (دیویس و پتمن، ۱۳۹۶: ۴۳).

در اینجا نیز می‌توان مانند رهیافت ترکیبی، رویکردی ترکیبی در نظر گرفت؛ بدین معنا که گاه برخی کشورها بنا به وضعیت و امکانات موجود ممکن است هم‌زمان از بیش از یکی از این رهیافت‌ها بهره بگیرند. در تحقیق حاضر به نحوه کاربست این رهیافت‌ها و رویکردها در فرانسه اشاره خواهد شد.

۵-۱. سطوح تحلیل دیپلماسی علم و فناوری

به‌طور عمومی دیپلماسی علم و فناوری را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد: سازمان‌های بین‌المللی، در سطح کشورها، و سازمان‌های مردم‌نهاد، شرکت‌ها و افراد (میرعمادی، ۱۳۹۷: ۲۷ و ۲۸).

همچنین در تقسیم‌بندی دیگری که تا حد زیادی مشابه همین تقسیم‌بندی است، چهار سطح برای تحلیل دیپلماسی علم و فناوری در نظر گرفته شده است:

۱. سطح تحلیل فرد: متخصصان، پژوهشگران، اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و فرستادگان علمی و فناورانه؛

۲. سطح تحلیل نهاد: دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان و سفارتخانه‌ها؛

۳. سطح تحلیل ملی: ساختارهای سیاست‌گذار در حوزه علم و فناوری، نظام ملی آموزش عالی، دستگاه‌های اجرایی مرتبط، شوراها، عالی مرتبط، نهادهای مرتبط با سیاست خارجی؛

۴. سطح تحلیل فراملی: توزیع قدرت در نظام بین‌الملل، سیاست‌های علم و فناوری در سایر کشورها، نهادهای علمی و فناورانه بین‌الملل، شرکت‌های دانش‌بنیان بین‌المللی و چندملیتی (صنیع‌اجلال، ۱۳۹۶ الف).

۲. رهیافت‌های نظری

۱-۲. سازه‌نگاری (برساخت‌گرایی)

سازه‌نگاری 'چهارچوبی برای فهم روابط اجتماعی و از جمله روابط بین‌الملل است که به‌ویژه

در دو دهه اخیر رشد چشمگیری در پژوهش‌های این حوزه داشته و مورد استقبال اندیشمندان بسیاری واقع شده است. به اعتقاد برخی پژوهشگران، فراگیری این نظریه به حدی است که تقریباً می‌تواند پایه نظری هر پژوهشی در حیطه موضوعی روابط بین‌الملل قرار گیرد.

در سازه‌انگاری، بیشتر بر نقش تکوینی عوامل فکری یا معنایی تأکید می‌شود که مناسبت درخور توجهی با هدف‌گیری‌های دیپلماسی علم و فناوری دارد. در واقع سازه‌انگاران بر این باورند که رویه‌های معنادار و کنش‌های انسانی سبب معنادار شدن جهان می‌شوند و واقعیت‌های جهان اجتماعی بر ساخته همین رویه‌ها و کنش‌ها هستند. افزون‌براین، همین رویه‌ها و کنش‌ها هستند که در طول زمان موجب قوام‌بخشی به ساختارها و تولید، بازتولید و تغییر آن‌ها می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۹۱). بر همین اساس ساختار روابط بین‌الملل و دیپلماسی علم و فناوری را نیز می‌توان بر ساخته کنشگران این عرصه دانست که به تدریج کنش‌های خود را در این ساخت معنا می‌بخشند و معنای کنش دیگران را نیز متقابلاً درمی‌یابند.

۲-۲. هم‌گرایی^۱ و منطقه‌گرایی فرهنگی^۲

هم‌گرایی (در مقابل واگرایی) واژه و مفهومی است که در بستر روابط بین‌الملل و در برداشتی ساده، به معنای همکاری دو یا چند کشور در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که ضمن آن، برخی منافع ملی در قالب منافع مشترک با دیگر کشور(ها) پی گرفته می‌شود. «معنای متداول هم‌گرایی در نظریه‌های روابط بین‌الملل بدین‌قرار است که گروه‌ها و جوامع ذی‌نفع با اتخاذ تصمیمی عقلانی و رضایت‌آمیز در بخش‌های مختلف علمی، اقتصادی، فنی و اجتماعی، فعالیت کرده و با ملاحظه نتایج تدریجی مثبت این همکاری، حوزه عمل و تصمیم‌گیری را [...] گسترش می‌بخشند» (نصری مشکینی، ۱۳۷۷).

در نگاهی ساده، منطقه‌گرایی را می‌توان نوعی هم‌گرایی در روابط کشورهای مستقر در یک منطقه (عموماً جغرافیایی) دانست. در نگاهی فراگیر، منطقه‌گرایی مفهومی است که همه حوزه‌های روابط بین‌الملل، اعم از اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد.

1. Integration
2. Cultural Regionalism

«منطقه‌گرایی مفهوم عامی است که شامل همه اشکال و انواع همکاری بین مناطق، اعم از کشورها، بازیگران فروملی یا موجودیت‌های گسترده‌تر جغرافیایی مانند نهادهای فرا و فوق‌ملی می‌شود» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶)

۳. پرسش تحقیق

پرسش اصلی تحقیق حاضر چنین است: «تجربه دیپلماسی علم و فناوری در کشور فرانسه چگونه است و چطور می‌توان آن را ارزیابی کرد؟»
به عبارت دیگر این تحقیق در پی یافتن مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی موجود در دیپلماسی علم و فناوری کشور فرانسه است که می‌توان با رعایت الزامات بومی‌سازی، برخی از آن‌ها را برای جمهوری اسلامی ایران نیز به کار گرفت.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر در وهله نخست توصیفی - کیفی است؛ به این معنا که بر فرایندهای جاری و روندهای روبه‌گسترش تمرکز دارد. سپس با روش عمومی تحلیل محتوا (شاخه تحلیل مضمون) یافته‌ها عینیت، انتظام و عمومیت می‌یابند (خاکی، ۱۳۷۸). براین اساس، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و نیز تحلیل آن‌ها به شرح زیر است.

۴-۱. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

۱. کتابخانه‌ای: روش تحقیق در پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای است؛ با این توضیح که پس از طرح مقدمات و صورت‌بندی کامل مسئله و استخراج پرسش‌ها، برای پاسخ‌گویی به آن‌ها به منابع مرتبط مراجعه خواهد شد.

۲. تاریخی (پایش اقدامات گذشته): در این روش، موضوعی معین در محدوده‌ای مشخص از گذشته مورد بررسی قرار می‌گیرد و حقایق مرتبط با آن جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. براین اساس تجربه‌نگاری محوریت می‌یابد و تحلیل این تجارب، بخش عمده‌ای از منابع لازم را برای آینده‌پژوهی فراهم می‌آورد.

۳. سایر روش‌های مکمل: رصد اقدامات جاری نیز بخش دیگری از تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد، مانند رصد اخبار حوزه دیپلماسی علم. کنار این موارد، مطالعه اسنادی نیز برای بررسی اسناد بالادستی فرانسه در حیطه دیپلماسی علم به کار گرفته خواهد شد.

۲-۴. روش تحلیل اطلاعات و داده‌ها

روش تحلیل مضمون از جمله روش‌های فراگیر و منعطفی است که در نگاه نخست برای تبدیل داده‌های کیفی پژوهش‌ها به داده‌های کمی به کار گرفته می‌شود. «تحلیل مضمون روشی برای شناخت و تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود» (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰).

۵. مروری بر دیپلماسی علم و فناوری فرانسه

۱-۵. سند سال ۲۰۱۳

وزارت امور اروپایی و خارجه فرانسه در سال ۲۰۱۳ گزارشی منتشر کرد با عنوان «دیپلماسی علم برای فرانسه»^۱. مدیریت کل توسعه امور جهانی و مشارکت‌ها این گزارش را در سه محور سامان داده بود:

۱. فرانسه؛ بازیگری در عرصه دانش بین‌الملل؛

۲. دانش؛ پیشران سیاست خارجی فرانسه؛

۳. ابزاری برای همکاری و نظارت در راستای فراهم‌آوردن تخصص‌های لازم برای توسعه و نوآوری، و پرداختن به چالش‌های جهانی؛ دستورالعملی برای آینده.

در محور نخست، یکی از اهداف فرانسه از کنشگری در عرصه دیپلماسی علم و فناوری کمک به پژوهش‌های سازمان‌یافته در آن سوی مرزها عنوان شده است. همچنین بر لزوم رقابت

با کشورهای بزرگ پژوهش‌ساز تأکید شده است. براین اساس ایجاد هم‌گرایی از طریق ترویج مشارکت‌های علمی یکی از راه‌های مهم معرفی فرانسه به محققان جهان دانسته شده است.

از دیگر امور مدنظر فرانسه در محور نخست، مسئله «نفوذ» است. بر اساس این گزارش، فرانسه به دنبال کمک به شکل‌گیری و تقویت زیرساخت‌های تحقیقاتی در مقیاس وسیع و در نتیجه آن، افزایش نفوذ کشور در خارج است.

در دومین محور، دیپلماسی علم و فناوری پیشران سیاست خارجی فرانسه دانسته شده و بر اثرگذاری این ابزار بر بهبود دیپلماسی سیاسی این کشور تأکید شده است. همچنین سیاست‌های «ادغام منطقه‌ای» از رویکردهای مهم فرانسه در راستای منطقه‌گرایی (اولویت‌بخشی به اتحادیه اروپا) دانسته شده است.

از دیگر مسائل مهمی که در این بخش بر آن‌ها تأکید شده است نگاه کارکردگرایانه فرانسه به امر پژوهش است. این کشور پیگیر اصل «تحقیق برای توسعه» است و بر کاربردی‌سازی دانش‌ها در همین راستا تأکید می‌ورزد. موضع‌گیری این کشور در قبال چالش‌های جهانی نیز در قالب کمک به ایجاد ائتلاف یا کنسرسیومی بین‌المللی برای حل این‌گونه مسائل است.

در محور سوم، بحث از «برندینگ ملی» است. کمک به افزایش جذابیت فرانسه همراه با وزارت آموزش عالی و تحقیقات و با کمک جامعه پژوهشگران کشور از جمله اهداف فرانسه در زمینه دیپلماسی علم و فناوری به شمار می‌رود. بسیج شبکه همکاری علمی برای برطرف کردن چالش‌های دیپلماسی علمی کشور نیز از دیگر مباحثی است که در این محور مورد تأکید قرار گرفته است و البته به‌نوعی می‌توان آن را از اثرات دیدگاه سازه‌نگارانه به دیپلماسی علم و فناوری این کشور دانست، یعنی شکل‌گیری و بازتولید ساختارها با حضور بازیگران.

آخرین موضوعی که در محور سوم به آن اشاره شده است به پیشتازی و رهبری فرانسه در این عرصه بازمی‌گردد: بهبود وجهه فرانسه در ترویج تحقیق برای توسعه و تأکید بر نقش فرانسه به‌عنوان رهبری بین‌المللی در این عرصه. به‌عبارت‌دیگر فرانسه نه‌تنها به پیشتازی در عرصه دیپلماسی علم و فناوری می‌اندیشد، بلکه به‌نوعی در پی این است که عملاً دست به طراحی زمین بازی بزند.

۲-۵. مروری بر عملکرد بازیگران بر اساس سطوح تحلیل دیپلماسی علم و فناوری

سطوح تحلیل دیپلماسی علم و فناوری در تحقیق حاضر از این قرارند:

۱. سازمان‌های بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای؛

۲. کشورها؛

۳. شرکت‌های بزرگ، کسب‌وکارهای نوپا و پارک‌های علم و فناوری.

در هر یک از این سطوح بازیگرانی حضور دارند که بنا به ماهیت و اولویت‌های خود دست به کنشگری می‌زنند. در ادامه، با معرفی شاخص‌ترین بازیگران هر سطح، عملکرد آنان بررسی خواهد شد.

۱-۲-۵. سازمان‌های بین‌المللی

الف) سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

در گزارش سال ۲۰۱۹ یونسکو درباره عملکرد فرانسه در همکاری با این سازمان^۱ به مواردی اشاره شده است که در ادامه خلاصه‌ای از آن‌ها بیان می‌شود.

کشور فرانسه از ۴ نوامبر ۱۹۴۶ به سازمان یونسکو پیوسته و در بسیاری از این سال‌ها عضو هیئت اجرایی سازمان بوده است. همچنین دارای نماینده دائم در سازمان یونسکو است. شاخص‌ترین مؤسسه یونسکو در فرانسه (علاوه بر مقر اصلی سازمان واقع در پاریس)، عبارت است از انستیتوی بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی (IIEP)^۲ که در سال ۱۹۶۳ در پاریس تأسیس شده است. این مؤسسه هفتاد کارمند دارد که از این میان ۵۳ نفر در پاریس مستقرند، شانزده نفر در داکار و یک نفر در بوینس آیرس.^۳

کمیسیون ملی یونسکو در فرانسه نیز از بدو عضویت این کشور، در پاریس تشکیل شده است. مهم‌ترین فعالیت یونسکو در حوزه دیپلماسی علم و فناوری را می‌توان ایجاد شبکه‌ای از کرسی‌های دانشگاهی در جهان دانست. این شبکه در سال ۱۹۹۲ راه‌اندازی شده است و از

۱. برگرفته از en.unesco.org/countries/france، آخرین بازبای: ۷ شهریور ۹۸.

2. Institut international de planification de l'éducation

۳. برگرفته از aiiep.unesco.org/en، آخرین بازبای: ۷ شهریور ۹۸.

همکاری‌های بین‌المللی و شبکه‌سازی بین‌دانشگاهی برای ایجاد ظرفیت‌های نهادی بهره می‌برد. شبکه فرانسوی کرسی‌های یونسکو در حال حاضر (۲۰۱۹) دارای ۳۸ کرسی است. همچنین چنان‌که در گزارش سال ۲۰۱۹ یونسکو درباره عملکرد فرانسه در همکاری با این سازمان آمده است، فرانسه در سال ۲۰۱۸ داوطلبانه بیش از دو میلیون و دویست هزار دلار به بودجه یونسکو کمک کرده است (UNESCO, 2019).

ب) سازمان بین‌المللی فرانکوفونی

سازمان بین‌المللی فرانکوفونی در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و مأموریت اصلی آن ایجاد همبستگی فعال میان ۸۸ ایالت و دولت (۶۱ دولت عضو و ۲۷ عضو ناظر) است که دربرگیرنده بیش از یک‌سوم کشورهای عضو سازمان ملل متحد و جمعیتی بالغ بر ۹۰۰ میلیون نفر در کل جهان از جمله ۳۰۰ میلیون نفر فرانسوی‌زبان است.

این سازمان ۳۳ موافقت‌نامه همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به امضا رسانده است و علاوه بر این گفت‌وگوهای دائمی را میان مناطق بزرگ زبانی بین‌المللی (مانند زبان‌های انگلیسی، پرتغالی، اسپانیایی و عربی) ایجاد کرده است.

در کنار سازمان فرانکوفونی، پارلمان سازمان با کمک چهار اپراتور خود مسئول اجرای دستورات و برنامه‌های تعیین شده در اجلاس سران است. این چهار اپراتور عبارت‌اند از:

۱. آژانس علمی فرانکوفونی؛^۱

۲. شبکه ۵؛^۲

۳. انجمن بین‌المللی شهرداران فرانکوفونی (بیش از ۱۶۰ شهر در سراسر دنیا)؛^۳

۴. دانشگاه سنگور اسکندریه.^۴

شاید بتوان گفت شاخص‌ترین اقدام سازمان فرانکوفونی در حوزه دیپلماسی علم و فناوری پس

۱. برگرفته از en.unesco.org/countries/france. آخرین بازبایی: ۷ شهریور ۹۸.

2. The Academic Agency of La Francophonie
3. TV5Monde
4. The International Association of Francophone Mayors
5. The Senghor University of Alexandria

از کمک به نشر زبان فرانسوی، تأسیس صندوق فرانکوفون برای نوآوری دیجیتال (FFIN)^۱ باشد. صندوق فرانکوفون برای نوآوری دیجیتال قصد دارد در پاسخ به نیازهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه در حوزه فرانکوفون، خلاقیت دیجیتال را در خدمت نوآوری اجتماعی قرار دهد. به همین ترتیب، فعالیت‌های صندوق با هدف حمایت از سیاست‌های عمومی این کشورها، از متخصصان جوان محلی برای طراحی برنامه‌های دیجیتالی پشتیبانی می‌کند.

این صندوق با انتشار فراخوان‌های ملی برای نامزدهای دریافت کمک‌های نقدی، فضایی برای همکاری و رقابت ایجاد می‌کند که در آن، رقبا به منظور ایجاد برنامه‌های کاربردی مفید و نوآورانه از نظر اجتماعی گرد هم می‌آیند.^۲

آژانس دانشگاهی فرانکوفونی (AUF)^۳ نیز در سال ۱۹۶۱ در مونترآل کانادا تأسیس شده است و هم‌اکنون ۷۸۶ مؤسسه آموزش عالی و تحقیقاتی را در ۹۸ کشور جهان در شبکه خود جای داده است. این آژانس چندین برنامه همکاری برای تحقیق و آموزش به زبان فرانسوی ارائه می‌دهد که ایجاد شبکه‌های فرانکوفون را ارتقا می‌بخشد. همچنین برنامه اصلی آژانس برای تحرک دانشگاهیان (به طور متوسط دو هزار بورس تحصیلی در سال) نیز در اختیار دانشجویان، اساتید و محققان قرار دارد.

طی ده سال گذشته، این آژانس با پیشرفت بیش از پنجاه درصدی در تعداد اعضای خود، دوره‌ای بی‌سابقه از پیشرفت را تجربه کرده است که نشان از برجستگی آن در دانشگاه‌ها دارد.^۴

پ) برخی همکاری‌های منطقه‌ای

فرانسه همچنین برنامه‌هایی را در سطوح منطقه‌ای دیپلماسی علم و فناوری تدارک دیده که شاخص‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. برنامه منطقه‌ای در زمینه ریاضیات در امریکای جنوبی^۵

1. Fonds francophone pour l'innovation numérique

۲. برگرفته از francophonie.org/Fonds-francophone-pour-1.html، آخرین بازبایی: ۷ شهریور ۹۸.

3. L'Agence universitaire de la Francophonie

۴. برگرفته از mediatheque.francophonie.org/L-Agence-universitaire-de-la.html، آخرین بازبایی: ۱۱ شهریور ۹۸.

5. Regional programme for mathematics in South America

۲. برنامه منطقه‌ای اطلاعات و علوم ارتباطات امریکای جنوبی؛

۳. برنامه آمسود پاستور؛

۴. برنامه توسعه پایدار و محیط‌زیست؛

۲-۲-۵. کشورها

برنامه‌های علمی دوجانبه‌ای که فرانسه آن‌ها را دنبال می‌کند با عنوان اوپر کورین (PHC)^۲ شناخته می‌شود. در حال حاضر حدود ۶۷ برنامه اوپر کورین یا برنامه‌های مشابه در حال اجرا و پیگیری هستند. هر ساله ۲۰۰۰ پروژه در قالب این همکاری‌ها به سرانجام می‌رسند که ۱۰۰۰ پروژه از میان آن‌ها با شرکای اروپایی است. همچنین همه‌ساله طی اجرای این برنامه‌ها از حدود ده هزار پژوهشگر در فرانسه یا کشور شریک حمایت به عمل می‌آید. ۸۰ درصد این پروژه‌ها در نهایت به صورت مقاله در مجله‌های مختلف منتشر می‌شود.^۵

۱-۲-۲-۵. همکاری‌های علمی فرانسه با جمهوری اسلامی ایران

الف) همکاری دانشگاهی (دانشگاه‌های ایرانی عضو فرانکوفونی)

علاوه بر دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، تبریز و شهید بهشتی، در آذرماه سال ۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷) چهار دانشگاه ایرانی دیگر نیز به این فهرست افزوده شدند: امیرکبیر، صنعتی شریف، الزهرا و اصفهان.

عضویت این دانشگاه‌ها در آژانس فرانکوفونی پس از تأیید بخش اداری آن صورت می‌گیرد و هم‌اکنون ایران به‌لحاظ عضویت دانشگاه‌هایش در این آژانس، رتبه سوم خاورمیانه را در اختیار دارد.

در سال ۲۰۱۶ (اواخر سال ۹۵) نیز حدود بیست قرارداد میان دانشگاه‌های دو کشور به

1. Regional programme on Information and Communication Sciences and Technologies Programme in South America

2. the AMSUD Pasteur programme

3. Sustainable development and environment (ENVI-Med)

4. Hubert Curien Partnership

۵ برگرفته از diplomatie.gouv.fr/en/french-foreign-policy/scientific-diplomacy/scientific-partnerships آخرین بازبینی: ۲۳ تیر ۹۸.

امضا رسید که مدرسه پلی تکنیک، دانشگاه لیون ۲، مدرسه هنر و حرفه و مدرسه مطالعات عالی طرف فرانسوی این قراردادها را تشکیل می‌دادند. پروژه‌های همکاری با نهادهای فرانسوی در زمینه حقوق، مدیریت آب و محیط‌زیست در اولویت الحاق به آژانس فرانکوفونی قرار دارند.

همچنین به واسطه شبکه بین‌المللی انستیتو پاستور - که انستیتو پاستور ایران (وابسته به وزارت بهداشت) عضو آن است - تبادلاتی در این زمینه وجود دارد.^۱

بر اساس گزارش جهانی یونسکو درباره جابه‌جایی دانشجویان در سراسر دنیا، در سال ۲۰۱۶، چهارده دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های فرانسه مشغول به تحصیل شده‌اند.^۲

ب) برنامه اوبر کورین جندی‌شاپور (حمایت از تبادل گروه‌های تحقیق ایرانی و فرانسوی) یکی از اصلی‌ترین ابزارهای همکاری‌های علمی برنامه شراکت اوبر کورین جندی‌شاپور است. این برنامه حامی جابه‌جایی محققان ایرانی و فرانسوی است. جندی‌شاپور جزو برنامه شراکت اوبر کورین است که وزارت امور خارجه فرانسه آن را با حمایت وزارت آموزش عالی و تحقیق و نوآوری به اجرا گذاشته است.

حمایت مالی از این برنامه مشترکاً توسط وزارت امور خارجه فرانسه، وزارت آموزش عالی و تحقیق و نوآوری فرانسه و وزارت علوم ایران صورت می‌گیرد.

از زمان اجرای این برنامه در سال ۲۰۰۵، جندی‌شاپور از بیش از ۱۰۰ پروژه تحقیقاتی مشترک از میان بیش از ۳۵۰ پروژه ارائه شده حمایت کرده است. بنا به آمارهای جدیدتر، در سال ۲۰۱۷، ۲۵ پروژه در دست اجرا بوده‌اند (۱۰ پروژه مربوط به سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ و ۱۵ پروژه مربوط به سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷). این پروژه‌ها شامل تمام رشته‌های علمی (علوم پایه، مهندسی، علوم انسانی و اجتماعی، علوم زیستی و پزشکی) هستند.

۱. برگرفته از ir.ambafrance.org، آخرین بازبایی: ۸ شهریور ۹۸.

۲. برگرفته از uis.unesco.org/en/uis-student-flow، آخرین بازبایی: ۱۰ شهریور ۹۸.

پ) انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران (IFRI)^۱

چنان‌که در وبگاه این انجمن آمده است، این مرکز مؤسسه‌ای فرهنگی با استقلال مالی است که به اداره کل جهانی‌سازی، توسعه و مشارکت‌ها (وزارت امور اروپایی و خارجه) وابسته است. این انجمن یکی از ۲۷ مرکز تحقیقاتی فرانسه در جهان است که مأموریت آن ارتقای تحقیقات در زمینه‌های باستان‌شناسی و علوم انسانی و علوم اجتماعی است.

حوزه تحقیقاتی این مرکز محدود به مرزهای جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه شامل کلیه فرهنگ‌هایی است که «ایرانی» دانسته می‌شوند.

ت) بورس‌های تحصیلی

سفارت فرانسه در ایران هر ساله در همه رشته‌ها به دانشجویان دکتری ایرانی و دارندگان مدرک کارشناسی‌ارشد بورس‌های تحصیلی ارائه می‌دهد. این بورس‌ها در راستای پروژه‌های مشترک جهت دریافت مدرک دکتری مشترک از ایران و فرانسه یا مدرک دکتری از فرانسه تعلق می‌گیرد.^۲

ث) کامپوس فرانس

کامپوس فرانس در ایران (واقع در مرکز زبان فرانسه) با هدف جذب دانشجویان ایرانی علاقه‌مند به تحصیل در فرانسه تأسیس شده است. دانشجویانی که قصد دارند در فرانسه تحصیل کنند تمام اطلاعات موردنیاز را از این طریق به دست می‌آورند. این دانشجویان می‌توانند از طریق کامپوس فرانس درخواست ثبت‌نام کنند و همچنین روند رسیدگی به پرونده‌شان را پیگیری کنند.

از بهار ۲۰۱۵ امکان دسترسی به سیستم جدید پذیرش از طریق اینترنت نیز ایجاد شده است. در این بخش از خدمات کامپوس فرانس، پیشنهادهای موجود درباره مقایسه مختلف تحصیلی در دسترس مخاطبان قرار دارد. کامپوس فرانس به‌طور منظم، در دانشگاه‌ها و مراکز زبان جلساتی با محوریت اطلاع‌رسانی و ترویج آموزش عالی فرانسه برگزار می‌کند.^۳

1. de l'Institut Français de Recherche en Iran (IFRI)

۲. برگرفته از uis.unesco.org/en/uis-student-flow آخرین بازیابی: ۱۰ شهریور ۹۸.

۳. برگرفته از uis.unesco.org/en/uis-student-flow آخرین بازیابی: ۱۰ شهریور ۹۸.

۳-۲-۵. شرکت‌های بزرگ، کسب‌وکارهای نوپا و پارک‌های علم و فناوری

۱-۳-۲-۵. کمپانی توتال (انرژی)

توتال با مراکز دانشگاهی متفاوتی از کشورهای مختلف دنیا همکاری علمی قدرتمندی برقرار کرده است. برخی از این مراکز عبارت‌اند از:

ایالات متحده: دانشگاه استنفورد، مؤسسه فناوری ماساچوست (ام‌آی‌تی)

فرانسه: دفتر ملی مطالعات و تحقیقات هوافضا (ONERA)، انستیتوی تحقیقات فرانسه

برای بهره‌برداری از دریا (Ifermer)^۱، دانشگاه پو^۲ و دانشگاه بوردو^۳.

تیم‌های تحقیق و توسعه توتال را در واقع گروه‌هایی از سراسر دنیا تشکیل داده‌اند که با همدیگر روابط شبکه‌ای دارند. این محققان از فهرست بلندبالای کاندیداهای پیوستن به توتال برگزیده می‌شوند و این فرصت در اختیارشان قرار می‌گیرد تا ایده‌هایشان را پیش ببرند و بیازمایند.

۲-۳-۲-۵. کمپانی فرانس تلکام یا اورانژ (مخابرات)

در فعالیت‌های شرکت اورانژ، اولویت نخست با شرکای اروپایی است. این شرکت هم‌اکنون در بیش از هفتاد پروژه تحقیقاتی اروپایی همکاری می‌کند و اروپامحوری را مستقیماً در راهبرد خود انعکاس می‌دهد: «اورانژ یکی از مشارکت‌کنندگان فعال در بحث‌های مداومی است که آینده دیجیتال اروپا را رقم می‌زنند. با فعالیت‌های مستقیم در هشت کشور اروپایی (هفت کشور عضو اتحادیه اروپا)، موضوعات اروپایی در صدر برنامه‌های ما قرار دارند.»^۴

۳-۳-۲-۵. کمپانی سانوفی (داروسازی)

برخی از همکاری‌های دانشگاهی سانوفی در سندی چهارصفحه‌ای که این شرکت در سال ۲۰۱۷ منتشر کرد چنین تشریح شده است:

1. The Institut français de recherche pour l'exploitation de la mer

2. Université de Pau

3. Université de Bordeaux

۴. برگرفته از orange.com/en، آخرین بازبانی: ۹ شهریور ۹۸.

■ سانوفی بیوژنیوس کانادا: بزرگ‌ترین رویداد زیست‌فناوری در جهان است که در آن دانشجویان برتر دربارهٔ موضوعات مختلف (سرطان، آلزایمر و...) به رقابت می‌پردازند و در پایان جوایز ارزشمندی دریافت می‌کنند. تنها در سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۷۰ دانشجو مورد حمایت سانوفی بیوژنیوس کانادا قرار گرفته‌اند.

■ برنامهٔ کمک‌هزینهٔ تحصیلی در امریکای شمالی^۲: این برنامه بخشی از بورس‌های صنایع دارویی راتجرز^۳ است و دارای دپارتمان‌های گوناگونی است که با این دانشگاه‌ها در تماس‌اند: دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه پوردو (فیلادلفیا)^۴، دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه مشترک‌المنافع ویرجینیا^۵ و دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه تمپل (کارولینای جنوبی)^۶. این برنامه در سال تحصیلی ۲۰۱۷-۲۰۱۶ از چهارده دانشجو و در سال تحصیلی ۲۰۱۸-۲۰۱۷ از دوازده دانشجو پشتیبانی کرده است.

■ بورس تحصیلی آکادمی علوم چین (SIBS)^۷: این برنامه با هدف کمک به پژوهشگران در مؤسسات علوم زیست‌شناختی شانگهای طراحی شده و طی آن از اعضای هیئت‌علمی این مؤسسات و همچنین دانشجویانی با استعداد برتر (جایزهٔ دکتری) حمایت می‌شود. در سال ۲۰۱۶، بیست نفر از این حمایت برخوردار شده‌اند.

■ سایر کشورها: سانوفی با مؤسسه‌های دانشگاهی کشورهای دیگری هم همکاری‌های قابل‌توجهی دارد، از جمله: اوکراین، قزاقستان، اسلواکی، جمهوری چک، آلمان، رومانی، مصر، روسیه و ژاپن.^۸

همچنین در میان کسب‌وکارهای نوپا، استارت‌آپ پی‌فیت (راهکارهای پرداخت)، و در میان پارک‌های علم و فناوری فرانسه نیز پارک سوفیا آنتی‌پولیس نقش چشمگیری در پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری کشور داشته‌اند.

1. The Sanofi Biogenius Canada (SBC)
2. US North America Fellowship Program
3. The Rutgers Pharmaceutical Industry Fellowship
4. Purdue University Pharmacy School, Philadelphia
5. College of Pharmacy, Virginia Commonwealth University
6. South Carolina College of Pharmacy, Temple University
7. Chinese Academy of Sciences

^۸ برگرفته از sanofi.com/en، آخرین بازدید: ۱۰ شهریور ۹۸.

۳-۵. تحلیل سند ۲۰۱۳

اهمیت این سند رسمی به قدری است که در بسیاری از تحقیقات این حوزه، چه به زبان فارسی و چه انگلیسی مورد توجه و ارجاع قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، محتوای این سند با استفاده از روش تحلیل مضمون سه مرحله‌ای (کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی) تحلیل شده و مضامین اولیه، پایه و محوری آن به ترتیب استخراج شده است.

۱-۳-۵. کدگذاری اولیه

در این مرحله، در مجموع ۱۳۰ گزاره از متن سند استخراج شد که در نهایت در قالب ۲۱۷ مفهوم اولیه (۴۴ مفهوم، بدون احتساب موارد تکرار) خلاصه‌سازی شد.

۲-۳-۵. استخراج مضامین اولیه

در این مرحله، مجموع ۲۱۷ مفهوم اولیه در قالب ۱۰ مضمون اولیه خلاصه شد.

جدول شماره ۱. خلاصه مفاهیم اولیه در قالب مضامین اولیه

شماره	مفاهیم اولیه	مضمون اولیه	مجموع فراوانی
۱	دستگاه سیاست خارجی در خدمت نهاد علم نهاد علم در خدمت دستگاه سیاست خارجی توجه به لزوم تعامل میان نهاد علم و دستگاه دیپلماسی حمایت هم‌زمان از نهاد علم و دستگاه سیاست خارجی	همکاری هماهنگ دستگاه دیپلماسی با نهاد علم	۲۵
۲	نقش دیپلماسی علم و فناوری در شناسایی مسائل جهانی و ارائه راه‌حل برای این مسائل همکاری‌های علمی با هدف توسعه توجه به سهم دانش در توسعه اجتماعی و اقتصادی استفاده از دیپلماسی علم و فناوری برای جبران کاستی‌های داخلی کمک به اثربخشی دیپلماسی علم و فناوری در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی	راهبرد «تمرکزگرایی مسئله‌محور» در سیاست‌گذاری دیپلماسی علم و فناوری	۲۳

شماره	مفاهیم اولیه	مضمون اولیه	مجموع فراوانی
۳	تلاش برای شکل‌گیری شبکه‌های بین‌المللی همکاری علمی تسهیلگری در سیاست تحرک (دوسویگی) در عرصه بین‌المللی دانش طراحی، حفظ و بسط روندها و ساختارهای لازم به‌منظور عملکرد هماهنگ و بهینه تسهیلگری در پذیرش اندیشمندان و دانشمندان خارجی تلاش برای ساده‌سازی روندها و فرایندها و ادغام آنها در یکدیگر ادغام راهبرد شرکای سستی و نوظهور توجه به لزوم نگاه بلندمدت در کاربست دیپلماسی علم و فناوری	طراحی، ایجاد، حفظ و بسط ساختارها با الگوی شبکه‌ای انباشتی، در کنار روندهای عملیاتی بهینه	۵۲
۴	بهبود وجهه جهانی فرانسه در راستای جذب اندیشمندان و دانشمندان دیگر کشورها افزایش اعتبار علمی فرانسه و تلاش برای کسب مزیت‌های رقابتی در عرصه جهانی کمک به معرفی ظرفیت‌های علمی کشور به هم‌پیمانان تلاش برای بازتعریف وجهه ملی و زدودن وجوه استعماری لزوم آمادگی برای انتقال دانش و فناوری در قالب دیپلماسی علم و فناوری	ارتقای ساحت ملی (برندینگ) در حوزه علم و فناوری با دو رویکرد سلبی و ایجابی	۲۵
۵	علم، ابزار گفت‌وگوهای بین‌المللی ظرفیت‌های حوزه علم و فناوری در برقراری، حفظ و گسترش دیپلماسی مسیر دوم دیپلماسی علم و فناوری، ابزاری برای اثرگذاری (قدرت نرم) استفاده از ظرفیت‌های حوزه باستان‌شناسی در دیپلماسی علم و فناوری همکاری پایدار با سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه علم و فناوری	علم و فناوری، وسیله‌ای برای گذر از تنگناهای سیاسی و پیشبرد سیاست نفوذ و اثرگذاری	۲۴

شماره	مفاهیم اولیه	مضمون اولیه	مجموع فراوانی
۶	اولویت‌بخشی به کشورهای جنوب در دیپلماسی علم و فناوری اولویت‌بخشی به اروپا و دیگر قدرت‌های بزرگ در دیپلماسی علم و فناوری شناسایی کنشگرانی با اولویت‌های مشابه در سطح جهانی طراحی و اجرای سازوکارهای بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرانسوی مستقر در خارج از کشور	مخاطب‌شناسی تفصیلی و توانمندی در اولویت‌بندی مخاطبان	۳۰
۷	لزوم حمایت مالی دولت از کنشگران دیپلماسی علم و فناوری لزوم جلب حمایت‌های فراملی در حوزه علم و فناوری تضمین دسترسی ذی‌نفعان فرانسوی به ابزارهای مهم واقع در خارج از کشور تضمین دسترسی ذی‌نفعان فرانسوی به ابزارهای مهم واقع در داخل کشور	تعیین و کاربست سیاست‌های حمایتی متناسب	۱۳
۸	نظارت بر اجرای سیاست‌های علمی مربوط به دیپلماسی علم و فناوری متناسب‌سازی اقدامات با نیازهای کشورهای منفعت‌برنده تلاش برای کسب اطمینان از عملکرد منطبق با اولویت‌ها تلاش برای نمایش خروجی شبکه واحدهای تحقیقاتی مشترک ارائه بازخورد به هر دو بخش دولتی و خصوصی	تعیین و کاربست سیاست‌های بازخوردی و نظارتی متناسب	۱۶
۹	توجه به نقش شرکت‌های متوسط و کوچک در برقراری، حفظ و گسترش دیپلماسی علم و فناوری تنوع ساختارها و کنشگران و احتمال بروز ناهماهنگی میان آنان افزایش تنوع برنامه‌ها و فرایندها توجه به ماهیت جامع علم و تشریک شاخه‌های گوناگون آن در دیپلماسی علم و فناوری کمک به شکل‌گیری ارتباط علمی مؤثر میان اروپا و دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای جنوب	توجه به تنوع برنامه‌ها و کنشگران	۱۱

۳-۳-۵. کدگذاری تفسیری

در مرحله کدگذاری تفسیری، نه مضمون اولیه به چهار مضمون پایه تقلیل یافت.

جدول شماره ۲. تقلیل مضامین اولیه به چهار مضمون پایه

شماره	مضامین اولیه	مضمون پایه	مجموع فراوانی
۱	مخاطب‌شناسی تفصیلی و توانمندی در اولویت‌بندی مخاطبان توجه به تنوع برنامه‌ها و کنشگران	اصالت‌بخشی به مخاطبان و تأکید بر هم‌گرایی با الزام به شناخت تفاوت‌ها و به رسمیت شناختن آن‌ها	۴۱
۲	ارتقای ساحت ملی (برندینگ) در حوزه علم و فناوری با دو رویکرد سلبی و ایجابی علم و فناوری، وسیله‌ای برای گذر از تنگنای سیاسی و پیشبرد سیاست نفوذ و اثرگذاری	تقویت اثربخشی دیپلماسی علم و فناوری از طریق مدیریت بازنمایی	۴۹
۳	تعیین و کاربست سیاست‌های حمایتی متناسب تعیین و کاربست سیاست‌های بازخوردی و نظارتی متناسب	تعیین و کاربست سیاست‌های حمایتی، بازخوردی و نظارتی متناسب در راستای بهینگی	۲۹
۴	همکاری هماهنگ دستگاه دیپلماسی با نهاد علم راهبرد «تمرکزگرایی مسئله‌محور» در سیاست‌گذاری دیپلماسی علم و فناوری طراحی، ایجاد، حفظ و بسط ساختارها با الگوی شبکه‌ای انباشتی، در کنار روندهای عملیاتی بهینه	سازمان‌دهی و عملکرد فراگیر و متمرکز (یکپارچه)	۱۰۰

۴-۳-۵. یکپارچه‌سازی

در مرحله یکپارچه‌سازی نیز خلاصه‌سازی مضامین پایه در قالب دو مضمون محوری صورت گرفت.

جدول شماره ۳. خلاصه‌سازی مفاهیم پایه در قالب دو مضمون محوری

شماره	مضامین پایه	مضمون محوری
۱	اصالت‌بخشی به مخاطبان و تأکید بر هم‌گرایی با الزام به شناخت تفاوت‌ها و به رسمیت شناختن آن‌ها تقویت اثربخشی دیپلماسی علم و فناوری از طریق مدیریت بازنمایی	مؤلفه‌های بینشی و گرایشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه
۲	تعیین و کاربست سیاست‌های حمایتی، بازخوردی و نظارتی متناسب در راستای بهینگی سازمان‌دهی و عملکرد فراگیر و متمرکز (یکپارچه)	مؤلفه‌های کنشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه

بدین ترتیب دو مضمون محوری در سند سال ۲۰۱۳ دیپلماسی علم و فناوری فرانسه را می‌توان چنین تعیین کرد:

۱. مؤلفه‌های بینشی و گرایشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه؛

۲. مؤلفه‌های کنشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه.

توضیح اینکه همه موجودات زنده دو خاصیت اساسی دارند: «ادراک» و «حرکت ارادی». این دو در انسان به صورت گسترده‌تر، پیچیده‌تر و عمیق‌تری وجود دارد، یعنی در قالب دو دستگاه جداگانه: دستگاه ادراک و دستگاه اراده.

از علم و شناخت دخیل در حوزه ادراک، به «بینش» تعبیر می‌شود. میل، رغبت و انگیزش موجود در اراده نیز به «گرایش» تعریف می‌شود. «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شوند (میرفخرائی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

براین اساس، دیپلماسی علم و فناوری فرانسه را در ادامه، در دو ساحت کلان بررسی می‌کنیم:

الف) مؤلفه‌های بینشی و گرایشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه

۱. اصالت‌بخشی به مخاطبان و تأکید بر هم‌گرایی با الزام به شناخت تفاوت‌ها و به رسمیت‌شناختن آن‌ها: این طور که از سند سال ۲۰۱۳ برمی‌آید، دیپلماسی علم و فناوری فرانسه در عین درون‌نگری، بسیار برون‌گراست. این یعنی فرانسه در بسیاری از مواقع، همکاری‌های علمی را اولاً متناسب با نیازهای طرف مقابل برقرار می‌سازد و ثانیاً در طول برقراری و حفظ این روابط، همچنان ارتباط

خود را با کنشگران طرف مقابل استمرار می‌بخشد تا در صورت بروز تغییرات در شرایط جاری بتواند همراه با انعطاف لازم به کنش متقابل خود ادامه دهد و احیاناً پاسخ‌گوی نیازهای جدید باشد. فرانسه با استفاده از امکانات خود، به‌ویژه نیروی انسانی متخصص، ظرفیت‌های طرف مقابل در حوزه علم و فناوری را زیر نظر می‌گیرد و متناسب با همین ظرفیت‌ها و با توجه به اولویت‌های داخلی خود، اقدام به برقراری، حفظ و گسترش دیپلماسی علم و فناوری می‌کند. دانش دیپلمات‌های علمی فرانسه به‌روز و ارتباطات آنان با شبکه‌های علمی کشور میزبان مستحکم و پرفایده است. کاربست چنین سیاست‌هایی باعث شده که فرانسه در ساحت گرایش، در مسیر هم‌گرایی قرار گیرد و از این هم‌گرایی برای پیشبرد برنامه‌های خود و دستیابی به اهداف پیشینی بهره ببرد.

۲. تقویت اثربخشی دیپلماسی علم و فناوری از طریق مدیریت بازنمایی: فرانسه به‌خوبی ثابت کرده که از ظرفیت‌های حوزه دیپلماسی علم و فناوری برای افزایش اثرگذاری در سطوح منطقه‌ای و جهانی کاملاً آگاه است و از این ابزار برای به حداکثر رساندن قدرت نرم و همچنین قدرت هوشمند خود بهره می‌برد.

کنشگران دیپلماسی علم و فناوری این کشور به‌خوبی دریافته‌اند که این مهم در گرو مدیریت بازنمایی کشور فرانسه در افکار عمومی جهانی، به‌ویژه در میان اهالی علم، فناوری و نوآوری است. سابقه استعماری این کشور دست‌کم در بسیاری از ساحات نتوانسته از برقراری ارتباطات علمی و شکل‌گیری همکاری‌های فناورانه جلوگیری کند و این اتفاق نیفتاده مگر به این دلیل که فرانسه توانسته است با برداشتن گام‌های دقیق و حساب‌شده، چهره منفی خود را در اذهان جهانیان بهبود بخشد، تا آنجا که نسل جدید کمتر خاطره ناخوشایندی از فرانسویان و عملکرد آنان در پهنه تاریخ در ذهن خود دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت فرانسه به‌خوبی توانسته به بینش‌ها و گرایش‌های مخاطبان خود در حوزه دیپلماسی علم و فناوری سروشکل بدهد و از خود تصویری ارائه دهد که هرچند گاه با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست، اما دست‌کم در نگاهی آینده‌نگر، نویدبخش رشد، پیشرفت و توسعه است.

ب) مؤلفه‌های کنشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه

۱. تعیین و کاربست سیاست‌های حمایتی، بازخوردی و نظارتی متناسب در راستای بهینگی: ناگفته پیداست دیپلماسی علم و فناوری بدون حضور و حمایت دولت‌ها عملاً از رونق می‌افتد و هیچ‌گاه چنان‌که باید و شاید رشد نمی‌کند و به بار نمی‌نشیند. دولت فرانسه نیز مانند برخی دیگر از دولت‌های مستقر در کشورهای پیشرفته، نشان داده که به‌خوبی از اهمیت حضور خود در این عرصه آگاه است. باینکه دولت متمرکز از دیرباز از ویژگی‌های سنتی سیاست در این کشور محسوب می‌شده، به‌ویژه در سال‌های اخیر، حجم تصدی‌گری دولت در این عرصه به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. در عوض می‌توان گفت به سمت نوعی حمایت هوشمندانه از کنشگران خود متمایل شده است و در این راستا نه تنها ظرفیت‌های ملی خود را فعال کرده، بلکه در بسیاری از مواقع، سازوکارهای منطقه‌ای و جهانی را نیز برای جذب سرمایه و جلب حمایت فعال ساخته است.

در کنار این حمایت‌ها و به‌منظور مدیریت بهینه آن‌ها، فرانسه عمیقاً به لزوم برقراری جریان‌های از بازخورد باور دارد. در دیپلماسی علم و فناوری این کشور سازوکارهای گوناگونی برای جلب بازخورد از دست‌اندرکاران و مخاطبان طراحی شده که هرآنگاه بنا به تغییرات پدیدآمده روزآمد نیز می‌شود. جریان بازخوردها عملاً باعث شده حجم قابل توجهی از نیرویی که باید صرف نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها می‌شد ذخیره شود. باین‌همه ساختارهای نظارتی فرانسه به‌صورت پیگیر و مداوم سرگرم انجام وظیفه‌اند و گزارش‌های خود را در اختیار دولتمردان و افکار عمومی قرار می‌دهند. برخی مواقع، همین نظارت‌ها باعث شده که دیپلماسی علم و فناوری فرانسه سمت‌وسویی تازه بگیرد یا دست‌کم ساختارها و روندهای معیوب گذشته به نفع مصالح عمومی بهبود یابد.

۲. سازمان‌دهی و عملکرد فراگیر و یکپارچه: ساختارها در دیپلماسی علم و فناوری فرانسه به‌تدریج و عمدتاً بنا به نیازهای واقعی شکل می‌گیرد و کمتر پیش می‌آید که سازمانی مستقل با مأموریت‌های ازپیش‌تعیین‌شده تأسیس شود. باوجوداین، عملاً نمی‌توان حتی گوشه‌ای از دیپلماسی علم و فناوری این کشور را تصور کرد که از حوزه نفوذ ساختارها بیرون باشد. ساختارهای این

کشور عمدتاً به صورت انباشتی و در قالب شبکه‌هایی به هم پیوسته از کنشگران پدید آمده و با نوعی هدف‌گیری مشترک، تحقق ابعاد گوناگون «توسعه» را در دستورکار خود قرار داده است.

۶. جمع‌بندی

نتیجه تحقیق حاضر را در قالب بینش‌هایی ده‌گانه درباره دیپلماسی علم و فناوری فرانسه به شرح زیر می‌توان ارائه داد:

۶-۱. نگرش جامع به «علم» در دیپلماسی علم و فناوری فرانسه

فرانسه از جمله کشورهای است که ثابت کرده است در کنار اولویت‌هایی که در حوزه علم و فناوری برای خود در نظر گرفته است، به دانش بشری به مثابه یک کل می‌نگرد و می‌کوشد همه بخش‌های این دانش را در حوزه‌هایی همچون دیپلماسی علم و فناوری به کار بگیرد.

۶-۲. پیوستگی علم و فرهنگ در سنت فرانسوی

اگر بپذیریم که شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی به قرن هفدهم و تأسیس مراکز شرق‌شناسی در فرانسه (و انگلستان) بازمی‌گردد (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۶۴)، می‌توانیم بگوییم این نوع دیپلماسی در فرانسه و دست‌کم تا میانه سده بیستم، اعم از دیپلماسی علمی بوده است. با این همه فرانسه در سال ۲۰۰۷ و در پی اصلاحات اساسی در ساختار سیاست خارجی خود در عهد سارکوزی، سیاست‌های فرهنگی‌اش را به جد تشخص بخشید و به عبارتی دیپلماسی فرهنگی را عملاً از دیپلماسی علمی تفکیک کرد. بر این اساس می‌توان گفت تنها نقطه‌ای که تلفیق فرهنگ و علم در آن همچنان به قوت خود باقی است حوزه «آموزش» است. آموزش چه به معنای اعم کلمه و چه به معنای تحصیلات مدرسه‌ای و دانشگاهی همچنان تجلی‌گاه پیوند فرهنگ و علم در سنت فرانسوی است و تأکید بر انگاره‌های فرهنگی در کنار آموزه‌های علمی در سیاست‌های آموزشی این کشور، به‌ویژه در حیطه سیاست خارجی (همان دیپلماسی علم و فناوری) تماماً مشهود است.

۶-۳. هدف‌گذاری و اولویت‌های فرانسه در دیپلماسی علم و فناوری

به‌طور طبیعی فرانسه نیز مانند دیگر کشورها از ابزار دیپلماسی برای تأمین، حفظ و گسترش منافع ملی خود استفاده می‌کند و این شامل دیپلماسی علم و فناوری نیز می‌شود. پنج هدف

اصلی فرانسه از کاربری دیپلماسی علم و فناوری چنین عنوان شده است:

۱. افزایش آگاهی درباره نظام تحقیقات فرانسه در خارج از کشور؛
۲. بهبود شرایط پذیرش و امکانات محققان خارجی در فرانسه، همکاری با همه افراد دخیل در این کار؛
۳. ارتقای وجهه علمی و فناوری فرانسه نزد عموم با ارتقای فرهنگ علم و فناوری؛
۴. افزایش تلاش‌های شبکه‌ای برای حمایت از ساخت امکانات تحقیقاتی در مقیاس بزرگ در فرانسه و ایجاد دسترسی برای محققان فرانسوی به این قبیل امکانات در خارج از کشور؛
۵. کمک به بین‌المللی‌سازی بخش علوم انسانی و علوم اجتماعی فرانسه (The French Ministry of Foreign Affairs, 2013).

۴-۶. فرانسه و رویکرد مأموریت‌گرا در عرصه دیپلماسی علم و فناوری

تأکید شدید فرانسه بر «توسعه» تقریباً در همه ابعاد سیاست خارجی این کشور هویداست. فرانسه از رهگذر دیپلماسی علم و فناوری، راهبرد توسعه ملی خود را در تعامل با مجامع علمی و دانشگاهی جهان دنبال می‌کند و براین اساس بازیگران و برنامه‌های خود در این حوزه را در راستای تحقق همین مأموریت سامان داده است.

۵-۶. نسبت دیپلماسی علم و فناوری فرانسه با استعمار فرانو

استعمار فرانو یعنی اشغال یا وابسته‌سازی پایدار، غیرمستقیم، بدون اعتراض مردمی و با عبور از حاکمان سیاسی (زارعی‌نژاد، ۱۳۹۰)، اما بر چه اساسی می‌توان عملکرد فرانسه در دیپلماسی علم و فناوری را برآمده از رویکرد استعمار فرانو دانست؟ پاسخ به‌طور اجمال به قرار زیر است.

۱. توسعه‌طلبی، بخشی از فرهنگ سیاسی فرانسه؛
۲. اولویت یافتن رویکردهای غیرمستقیم نسبت به رویکردهای مستقیم؛
۳. اولویت بخشی به ابزارها و سازوکارهای فرهنگی و علمی با رویکردی یک‌جانبه.

۶-۶. ساختار تمرکزگرا و شبکه‌ای دیپلماسی علم و فناوری فرانسه

به‌طور کلی نظام برنامه‌ریزی علم و فناوری در فرانسه مأموریت‌گرا و تمرکزگراست و به‌طور سنتی، فناوری و نوآوری در این کشور متکی به اهداف دولت مرکزی است و در چهارچوب

برنامه‌هایی با عنوان گزندز انجام و اجرا می‌شده است. طی این فرایند، میان بخش‌های دولتی و خصوصی فعال در حیطه‌های گوناگون علمی، روابطی شکل می‌گیرد که پس از چندی بر اثر گذشت زمان و خاصیت انباشتی موجود در سازه‌ها و رویه‌های سیاستی، به پدید آمدن «شبکه»‌هایی از روابط و مناسبات می‌انجامد. تعدد و گستره این شبکه‌ها در دیپلماسی علم و فناوری فرانسه چشمگیر است و هماهنگی آن‌ها در سطوح گوناگون (به‌ویژه هماهنگی دو بخش کلان خصوصی و دولتی) قابل تأمل است.

۶-۷. حاکمیت هم‌گرایی و منطقه‌گرایی بر دیپلماسی علم و فناوری فرانسه

فرانسه با اتخاذ تصمیمی عقلانی و رضایت‌آمیز در بخش علمی (در تعامل با بخش‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی و...) دست به فعالیت مشترک می‌کند و سپس با ملاحظه نتایج تدریجی مثبت این همکاری، حوزه عمل و تصمیم‌گیری خود را گسترش می‌بخشد (نصری مشکینی، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر، فرانسه در سند ۲۰۱۳ تصریح کرده است که یکی از اموری که این کشور را ملزم به کار بست دیپلماسی علم و فناوری می‌کند، سیاست پرهیز از زور و زورآزمایی در تعامل با دیگر کشورهاست. به عبارت دیگر این کشور با استفاده از دیپلماسی علم و فناوری توانسته است سیاست نفوذ را جایگزین زورمندی کند. این تغییر نگاه از سیاست‌های استعماری و قلدرمآبانه به سیاست‌های نرم را می‌توان نتیجه غلبه هم‌گرایی بر سیاست خارجی این کشور دانست (سبحانی‌فر، ۱۳۸۳). رویکرد مهم دیگر عبارت است از منطقه‌گرایی یا به عبارت دقیق‌تر، منطقه‌گرایی فرهنگی. تأکید فرانسه بر لزوم شکل‌گیری «حوزه تحقیقات اروپا» را می‌توان در همین راستا توجیه و تحلیل کرد.

۶-۸. دیپلماسی علم و فناوری فرانسه، بازوی قوی قدرت نرم و هوشمند

فرانسه یکی از کشورهای است که به‌خوبی از نقش قدرت‌آفرین دیپلماسی علم و فناوری آگاه است و از آن برای افزایش قدرت نرم خود نیز بهره می‌برد، تا جایی که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند این کشور با توجه به معیارهای جهانی، رتبه نخست را در دستیابی به قدرت نرم داراست.^۱

۱. برگرفته از fa.euronews.com/2017/07/20/top30-soft-power-in-the-world-france-leads، آخرین بازبینی: ۳ شهریور ۹۸.

کشور فرانسه از قدرتمندترین بازیگران عرصه دیپلماسی علم و فناوری است. ناظران بر این باورند که هدف از این اقدامات، دستیابی به نفوذ دیپلماتیک از رهگذر نقش آفرینی نخبگان دیگر کشورها و وابسته‌سازی آنان به این کشور است (زمانی و دیگران، ۱۳۹۳).

۹-۶. چالش‌های دیپلماسی علم و فناوری و نحوه تقابل فرانسه با آن‌ها

این‌طور که از بررسی عملکرد فرانسه در عرصه دیپلماسی علم و فناوری برمی‌آید، این کشور به‌خوبی توانسته است اولاً چالش‌های حوزه دیپلماسی علم و فناوری را شناسایی و پیش‌بینی کند؛ ثانیاً، از وقوعشان پیشگیری کند یا در صورت وقوع، به‌خوبی آن‌ها را مدیریت و برطرف کند.

سه مورد از چالش‌های مهم دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه عبارت‌اند از:

۱. فقدان یا کمبود ارتباط و هماهنگی میان سیاست‌گذاری علم و فناوری و سیاست خارجی؛

۲. نبود یا کمبود نگاه بلندمدت؛

۳. وجود برخی حساسیت‌های سیاسی و فقدان سازوکارهای اعتمادسازی.

۱۰-۶. دیپلماسی علم و فناوری فرانسه و ارتقای ساحت ملی

یکی دیگر از وجوه تمایزبخش در دیپلماسی علم و فناوری فرانسه تأکید مضاعف بر ارتقای ساحت ملی یا آن چیزی است که با عنوان «برندینگ ملی» از آن یاد می‌شود. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، فرانسه با سرمایه‌گذاری قوی در برندینگ ملی (به‌ویژه از سال ۲۰۰۷ و با تغییرات و اصلاحات پدیدآمده در سیاست خارجی) توانسته است به‌ویژه در عرصه‌های علمی به کشوری خوش‌نام و پرافتخار تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، متن شاخص‌ترین سند موجود درباره دیپلماسی علم و فناوری فرانسه (سند ۲۰۱۳) با روش تحلیل مضمون بررسی شد. در مرحله نخست، مجموعاً ۱۳۰ گزاره از متن سند استخراج شد که درنهایت در قالب ۲۱۷ مفهوم اولیه (۴۴ مفهوم، بدون احتساب موارد تکرار) خلاصه‌سازی صورت گرفت. در مرحله دوم، مجموع ۲۱۷ مفهوم اولیه در قالب ۸ مفهوم اولیه خلاصه شد. در مرحله سوم، ۸ مفهوم اولیه به چهار مضمون پایه تقلیل یافت و بالاخره در مرحله چهارم خلاصه‌سازی مضامین پایه در قالب دو مضمون محوری صورت گرفت:

۱. مؤلفه‌های بینشی و گرایشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه؛
 ۲. مؤلفه‌های کنشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه.
- بر همین اساس، دو مؤلفه زیر به‌عنوان مؤلفه‌های بینشی و گرایشی دیپلماسی علم و فناوری در فرانسه معرفی شد:
۱. اصالت‌بخشی به مخاطبان و تأکید بر هم‌گرایی با الزام به شناخت تفاوت‌ها و به‌رسمیت‌شناختن آن‌ها؛
 ۲. تقویت اثربخشی دیپلماسی علم و فناوری از طریق مدیریت بازنمایی.
- دو مؤلفه دیگر نیز عنوان مؤلفه‌های کنشی را به خود گرفتند:
۱. تعیین و کاربست سیاست‌های حمایتی، بازخوردی و نظارتی متناسب در راستای بهیمنگی؛
 ۲. سازمان‌دهی و عملکرد فراگیر و یکپارچه.

پیشنهاد‌های پژوهش

الف) پیشنهاد‌های عملیاتی

- با رصد و بررسی دیپلماسی علم و فناوری فرانسه سه ایده عملیاتی برای کشور ما قابل طرح است.
۱. طراحی سازوکارهایی برای برقراری ارتباط فراگیر و پایدار میان وزارت امور خارجه و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
 ۲. تمرکز بر مخاطب‌شناسی و اولویت‌بندی مخاطبان در دیپلماسی علم و فناوری؛
 ۳. برنامه‌ریزی برای ارتقای ساحت ملی با توجه به مزیت‌های رقابتی بالفعل.

ب) پیشنهاد‌های پژوهشی

- با اجرای هر پژوهشی ظرفیت‌های تازه‌ای برای کندوکاو در همان حوزه و حوزه‌های مجاور آن کشف می‌شود. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنا نیست و طی آن، برخی پیشنهادها یا ایده‌های پژوهشی به شرح زیر به دست آمده است:
۱. سنخ‌شناسی رفتار فرانسه در عرصه دیپلماسی علم و فناوری؛
 ۲. کژکارکردهای دیپلماسی علم و فناوری فرانسه؛
 ۳. ارزیابی عملکرد فرانسه در حوزه زبان‌آموزی و امکان‌سنجی مشابه‌سازی.

فهرست منابع

- بشیر، حسن (۱۳۹۵). *دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- بنیادی نائینی، علی؛ صدوق، سید محمود (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی علم و فناوری»، *مطالعات قدرت نرم*، ۱۷ (۷)، صص ۸۴-۶۰.
- تسلیمی، محمدسعید؛ نوروزی، خلیل؛ تارویردی‌زاده، وحید (۱۳۹۶). «ارائه چهارچوب توسعه دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قابلیت‌های دانشگاه‌های علوم انسانی، نمونه مطالعه: دانشگاه امام صادق(ع)»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۱۴ (۶)، صص ۱۷۶-۱۵۹.
- خاکی، غلام‌رضا (۱۳۷۸). *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*، تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *دانش سیاسی*، ۲ (۱)، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). «ضرورت و الزامات منطقه‌گرایی در تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *نگرش راهبردی*، ۸ (۸۷)، صص ۸۸-۵۷.
- دیویس، لوید اسپنسر؛ پتمن، رابرت جی (۱۳۹۶). *دیپلماسی علم: روزی نو یا صبحی کاذب؟ مترجمان: جواد مشایخ، عفت نوروزی، و سعیده صارمی*، تهران: رسا.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ هاجری، مهدی؛ حمیدی، مهدی (۱۳۹۴). «تجربه دیپلماسی علم و فناوری در دنیا کاوشی در نهادها، اولویت‌ها و اقدام‌های چند کشور منتخب»، *سیاست‌نامه علم و فناوری*، ۱۰ (۵)، صص ۸۳-۶۳.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ ثنائی، مهدی (۱۳۹۲). «دیپلماسی علم و فناوری: چهارچوبی نظری و پیشنهادهایی عملی»، *رهیافت*، ۵۴ (۱)، صص ۶۶-۴۵.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ هاجری، مهدی (۱۳۹۶). «ارائه چهارچوبی برای توسعه دیپلماسی علم و فناوری کشور به روش دلفی فازی»، *سیاست علم و فناوری*، ۳۵ (۹)، صص ۱۷-۱.
- روفینی، پیر (۱۳۹۶). *علم و دیپلماسی، ترجمه سید مهدی قائمی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.

زارعی نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰). «استعمار فرانسه (بخش دوم)»، درس‌هایی از مکتب اسلام، ۶۰۱ (۵۱)، صص ۵۳-۶۲.

زمانی، سید حسام؛ حسینی، سید محمدحسین؛ اسدالهی، سروش (۱۳۹۳). «تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی بر قدرت نرم فرانسه»، سیاست خارجی، ۱۰۹ (۲۸)، صص ۳۸۳-۴۰۳.

سبحانی فر، محمدجواد (۱۳۸۳). «تأثیر عوامل همگرایی و واگرایی در روابط دو کشور ایران و عربستان»، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۶ (۱۸)، صص ۸۳-۱۱۰.

صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۹۶ الف). «دیپلماسی علم و فناوری: راهبردی نو در توسعه کشورهای اسلامی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲۳ (۶)، صص ۱۹۳-۲۱۵.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، پنجم (۲)، پیاپی ۱۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱). «نظریه سازه‌نگاری متعارف و پژوهش در روابط بین‌الملل و استلزامات پژوهشی»، پژوهش سیاست نظری، ۰ (۱۲)، صص ۱-۲۰.

میرعمادی، طاهره (۱۳۹۷). «مقدمه‌ای بر دیپلماسی علم و فناوری»، تهران: وزارت امور خارجه.

میرفخرائی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عربی خلیج فارس (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۷). «مؤلفه‌ها و موانع همگرایی در منطقه خلیج فارس»، مطالعات خاورمیانه، (۱۶).

نوازی، بهرام؛ کاظمی، مهرا؛ پورمند، امیر (۱۳۹۳). نکات کلیدی تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان و ستفالی تا امروز، تهران: نشر تیسرا.

The French Ministry of Foreign Affairs (2013). *Science Diplomacy for France*, Paris: Directorate-General of Global Affairs, Development and Partnerships - Mobility and Attractiveness Policy Directorate.

The Royal Society; & AAAs (2010). *New Frontiers in Science Diplomacy*, London: AAAS.

UNESCO (2019). *L'UNESCO ET LA RÉPUBLIQUE FRANÇAISE : DONNÉES ET REPÈRES ESSENTIELS*. France: UNESCO.


Research Paper




The Role of Digital Diplomacy in Advancing the Goals of the Palestinian People in the Gaza War*

 10.22034/CDRJ.2025.493493.1034**Mohammad Razmgah**

Master's Graduate in Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.
mohammad.razmgah@iribu.ac.ir

 0009-0006-6290-4883**Kamal Akbari**

Associate Professor, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran (Correspondence Author)
Kamal.akbari@iribu.ac.ir

 0000-0002-9045-9477

ABSTRACT

This study examines the role of digital diplomacy in supporting the Palestinian people during the Gaza war (Operation Al-Aqsa Storm) and identifies the innovative strategies employed by Palestinian activists to counter the soft and hard power of the Israeli regime. Focusing on the Palestinian resistance movement, the research utilizes thematic analysis and data collection through interviews with 10 experts in international relations, media activists, and staff members of the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB). The findings reveal that digital diplomacy has not only been effective in raising global awareness but has also influenced decision-making at the international policymaking level. Specifically, the innovative use of social platforms in organizing international campaigns and spreading human rights narratives has significantly contributed to the success of this diplomacy. Based on the interviews, 80% of participants believe that spreading human narratives through social platforms has been the most influential tool in garnering international support. Additionally, the development of digital infrastructure, particularly in occupied areas, has been identified as one of the most significant challenges. Over 75% of interviewees emphasize the importance of strengthening this infrastructure for the success of digital diplomacy. The results indicate that digital diplomacy can have a significant impact on supporting the Palestinian people through the development of digital infrastructure, strengthening digital resistance networks, enhancing media and digital literacy, and raising public awareness. These factors are considered essential components of the research, and their implementation could significantly enhance the effectiveness of digital diplomacy.



Received: 14/12/2024
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Digital Diplomacy,
Social Media,
Palestinian
Resistance, Gaza
Conflict, Soft Power,
International
Solidarity.



*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

نقش دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف مردم فلسطین در جنگ غزه*



10.22034/CDRJ.2025.493493.1034

محمد رزمگاه

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران

mohammad.razmgah@iribu.ac.ir

0009-0006-6290-4883

کمال اکبری

دانشیار، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Kamal.akbari@iribu.ac.ir

0000-0002-9045-9477



چکیده

این پژوهش به بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در حمایت از مردم فلسطین در جریان جنگ غزه (طوفان الاقصی) می‌پردازد و به شناسایی استراتژی‌های نوین فعالان فلسطینی برای مقابله با قدرت نرم و سخت رژیم صهیونیستی می‌پردازد. با تمرکز بر جنبش مقاومت فلسطین، این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه با ده تن از کارشناسان روابط بین‌الملل، فعالان رسانه‌ای و کارکنان سازمان صداوسیما انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال نه تنها در افزایش آگاهی جهانی مؤثر بوده، بلکه بر تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در سطح بین‌المللی نیز تأثیرگذار است. به‌ویژه استفاده نوآورانه از پلتفرم‌های اجتماعی در سازمان‌دهی کمپین‌های بین‌المللی و انتشار روایت‌های انسانی، به موفقیت این دیپلماسی کمک شایانی کرده است. بر اساس مصاحبه‌ها، ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان معتقدند انتشار روایت‌های انسانی از طریق پلتفرم‌های اجتماعی، تأثیرگذارترین ابزار در جلب حمایت‌های بین‌المللی بوده است. همچنین توسعه زیرساخت‌های دیجیتال به‌ویژه در مناطق تحت اشغال یکی از مهم‌ترین چالش‌ها شناسایی شده است. بیش از ۷۵ درصد مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت تقویت این زیرساخت‌ها در موفقیت دیپلماسی دیجیتال تأکید کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال می‌تواند از طریق توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال، ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال و افزایش آگاهی عمومی تأثیرات قابل توجهی در حمایت از مردم فلسطین داشته باشد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

واژگان کلیدی:

دیپلماسی دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، همبستگی بین‌المللی، مقاومت فلسطین، قدرت نرم.



* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

دیپلماسی دیجیتال در سال‌های اخیر ابزاری مؤثر و حیاتی در روابط بین‌المللی شناخته شده است. این ابزار به‌ویژه در مناطقی که کانال‌های دیپلماتیک سنتی به دلایلی محدود یا بی‌اثر هستند، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است (Aouragh, 2011). در زمینه جنگ غزه، پلتفرم‌های دیجیتال به‌طور خاص به مردم فلسطین این امکان را داده‌اند تا روایت خود را به جهان منتقل کنند، حمایت‌های بین‌المللی را جلب کنند و روایت‌های غالب رسانه‌ای را به چالش بکشند. با توجه به اهمیت فزاینده دیپلماسی دیجیتال، پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه دیپلماسی دیجیتال در جنگ غزه به مردم فلسطین کمک کرده است تا اهداف خود را پیش ببرند و روایت‌های غالب رسانه‌ای را به چالش کشند؟ در این راستا، هدف اصلی پژوهش بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در تقویت صدای مردم فلسطین در عرصه جهانی، با تأکید بر نقش این ابزارها در جریان «طوفان الاقصی» و تحلیل تأثیر آن در بازسازی روایت‌ها و جلب حمایت‌های بین‌المللی است.

در دنیای ارتباطات جهانی امروز، پلتفرم‌های دیجیتال فرصت‌های بی‌نظیری را برای گروه‌های حاشیه‌ای فراهم می‌کنند تا مستقیم با افکار عمومی جهانی ارتباط برقرار کنند و تأثیرگذار باشند. مردم فلسطین با استفاده از این ابزارها در جنگ غزه توانسته‌اند از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و از آن برای تقویت اهداف سیاسی و اجتماعی خود بهره‌برداری کنند. تحقیق حاضر با توجه به شکاف‌های موجود در ادبیات علمی در این زمینه، به‌ویژه در حوزه تاکتیک‌های ارتباطی دیجیتال توسط بازیگران غیردولتی، به تحلیل نقشی می‌پردازد که دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف مردم فلسطین ایفا کرده است. درحالی‌که بیشتر مطالعات موجود بر استراتژی‌های دیپلماسی دیجیتال در سطح دولتی متمرکز شده‌اند، این پژوهش توجه خاصی به نقش رسانه‌های دیجیتال در درگیری‌های طولانی‌مدت و تأثیر آن بر سیاست‌های عمومی و حمایت جهانی دارد. نوآوری این پژوهش در رویکرد جامع آن به دیپلماسی دیجیتال نهفته است. با ترکیب

نظریه‌های ارتباطات، علوم سیاسی و مطالعات رسانه‌های دیجیتال، این پژوهش به دنبال ارائه چهارچوب جامعی برای درک نحوه استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال به عنوان ابزارهای استراتژیک در ارتباطات سیاسی و وکالت بین‌المللی است. به‌طور خاص، این پژوهش با تمرکز بر جنبش مقاومت فلسطین «طوفان الاقصی»، به بررسی چگونگی استفاده از دیپلماسی دیجیتال برای مقابله با قدرت نرم و سخت رژیم صهیونیستی می‌پردازد. با استفاده از تحلیل گفتمان و شبکه‌های اجتماعی، این پژوهش به شناسایی استراتژی‌های جدیدی پرداخته است که توسط فعالان فلسطینی برای ایجاد همبستگی جهانی و تحت فشار قرار دادن دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شود. این رویکرد بین‌رشته‌ای و تمرکز بر یک مورد مطالعاتی خاص، به این پژوهش امکان می‌دهد تا به درک عمیق‌تری از پتانسیل‌های دیپلماسی دیجیتال در ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در مناطق درگیری دست یابد. این تحقیق به بررسی چگونگی استفاده گروه‌های حاشیه‌ای، به‌ویژه فلسطینی‌ها، از پلتفرم‌های دیجیتال برای تقویت صدای خود، مقابله با سانسور و برقراری ارتباط با جهان خارج می‌پردازد. با بررسی داده‌های تجربی و تحلیل‌های دقیق، هدف این پژوهش روشن ساختن ابعاد مختلف دیپلماسی دیجیتال در شرایط بحرانی و درگیری‌های طولانی‌مدت است. مقاله حاضر از پنج بخش اصلی تشکیل شده است. پس از این مقدمه، بخش دوم به مبانی نظری دیپلماسی دیجیتال اختصاص دارد، بخش سوم به رویکرد روش‌شناختی می‌پردازد، بخش چهارم تحلیل داده‌های تجربی و یافته‌ها را ارائه می‌دهد و بخش پایانی نتیجه‌گیری‌های انتقادی و توصیه‌هایی برای تحقیقات آینده و ارتباطات دیجیتال استراتژیک را مطرح خواهد کرد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به تحلیل ابعاد مختلف دیپلماسی دیجیتال، از جمله استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای تقویت روابط بین‌المللی و قدرت نرم کشورها پرداخته‌اند. این مطالعات چالش‌ها و فرصت‌هایی را که دیپلماسی دیجیتال در تعاملات بین‌المللی و مدیریت بحران‌ها به همراه دارد بررسی کرده‌اند. در این بخش تلاش داریم به‌مرور و تحلیل مهم‌ترین پژوهش‌های

انجام شده در این حوزه بردازیم تا ابعاد مختلف این پدیده نوین عرصه روابط بین‌الملل، به‌ویژه در زمینه‌های حساس و بحرانی، بهتر شناخته شود.

تقوی رضانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال ابزاری برای توانمندسازی دولت‌ها: تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران»، به نقش رسانه‌های نوین در ارتقای قدرت نرم و جایگاه بین‌المللی ایران پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش دلفی و دیمتل و با رویکرد ترکیبی، راهبردهایی برای بهبود دیپلماسی دیجیتال ایران ارائه کرده است. نتایج نشان می‌دهد رسانه‌های نوین به‌عنوان واسطه‌ای کامل می‌توانند قدرت را به دیپلماسی انتقال دهند و از طریق ارتباطات آنلاین و عملیات روانی، فرصت‌هایی را برای تقویت دیپلماسی عمومی فراهم آورند. این مطالعه همچنین شاخص‌هایی مانند تعامل با مردم و رفع ابهامات از طریق رسانه‌ها را به‌عنوان اولویت‌های دیپلماسی دیجیتال پیشنهاد می‌کند.

زمانیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال امریکا، بریتانیا، چین و روسیه»، به بررسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی این کشورها پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی از مهم‌ترین ابزارهای پیوند دیپلماسی و فناوری در دنیای معاصر هستند.

امین فرد (۱۴۰۰) در مقاله «راهبردهای ارتقای دیپلماسی دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام»، به تحلیل راهبردهای دیپلماسی دیجیتال ایران پس از برجام پرداخته است. این تحقیق که با استفاده از روش دلفی و بهره‌گیری از نظرات نخبگان حوزه‌های ارتباطات بین‌الملل و مطالعات امنیتی انجام شده است، نشان می‌دهد راهبردهای رقابتی مناسب‌ترین راهبردها برای ارتقای دیپلماسی دیجیتال ایران در دوران پسابرجام هستند.

المصطفی (Almustafa, 2024) در مقاله «قیام دیجیتال: فعال‌سازی فلسطینی‌ها در دوران استعمار سایبری» به بررسی فعال‌سازی دیجیتال فلسطینی‌ها در دوران استعمار سایبری پرداخته است و هدف آن تحلیل نقش بسترهای دیجیتال در مقابله با اشغالگری اسرائیل و چالش‌های مرتبط با این فناوری‌هاست. روش تحقیق شامل تحلیل محتوا، مطالعات موردی و مصاحبه با

فعالان فلسطینی به منظور بررسی تأثیرات مثبت و منفی رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین در مبارزات سیاسی فلسطینی‌ها بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد فضاهاى دیجیتال به فلسطینی‌ها کمک کرده‌اند موانع فیزیکی و سیاسی را پشت سر بگذارند و در شکل‌دهی به درک جهانی از مبارزاتشان نقش داشته باشند، اما با خطرات نظارت و محدودیت‌های سایبری مواجه‌اند که همچنان چالش‌های زیادی برایشان ایجاد می‌کند.

فاسینو و همکاران (Fasinu & et.al., 2024) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال در عصر رسانه‌های اجتماعی: چالش‌ها و فرصت‌ها برای ارتباطات بحران» به تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر ارتباطات بحران در دیپلماسی پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش‌شناسی ترکیبی شامل مصاحبه با دیپلمات‌ها، تحلیل محتوای رسانه‌های اجتماعی و مطالعات موردی بحران‌های بین‌المللی، فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی دیجیتال را شناسایی کرده است. نتایج نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال می‌تواند ارتباطات را ارتقا دهد و شفافیت و همکاری بین‌المللی را افزایش دهد، اما در عین حال چالش‌هایی مانند اطلاعات نادرست و تشدید تنش‌ها را به همراه دارد.

ایگلینگ (Eggeling, 2023) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال» به بررسی تغییرات دیپلماسی سنتی ناشی از فناوری‌های دیجیتال پرداخته است. این تحقیق با استفاده از تحلیل محتوای اسنادی به تأثیر دیجیتال شدن دیپلماسی بر جنبه‌های مختلف آن از جمله مذاکره و گزارش‌دهی اشاره دارد. همچنین به بحث‌های انتقادی در مورد مزایا و معایب دیپلماسی دیجیتال، از جمله شفافیت و تأثیر رسانه‌های اجتماعی در بحران‌ها، پرداخته و بر ضرورت تطبیق دیپلمات‌ها با شرایط دیجیتال تأکید می‌کند.

با مرور پیشینه پژوهش‌های موجود در زمینه دیپلماسی دیجیتال می‌توان گفت بسیاری از تحقیقات به‌طور کلی به بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در کشورهای مختلف یا در زمینه روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. برخی نیز به‌طور خاص به دیپلماسی دیجیتال در فلسطین اشاره داشته‌اند، اما آنچه تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، تمرکز ویژه‌اش بر تأثیر دیپلماسی دیجیتال در

جریان طوفان الاقصی و جنگ غزه است. درحالی‌که بیشتر مطالعات پیشین به بررسی ابزارها و روش‌های کلی دیپلماسی دیجیتال و تأثیر آن بر مبارزات سیاسی فلسطینی‌ها پرداخته‌اند، تحقیق حاضر به‌طور خاص به نقش رسانه‌های دیجیتال در بازتاب و گفتمان‌سازی مقاومت فلسطینی‌ها و تقویت همبستگی جهانی در این بحران می‌پردازد. همچنین درحالی‌که دیگر پژوهش‌ها به تأثیرات عمومی رسانه‌های اجتماعی در مبارزات فلسطینی‌ها توجه کرده‌اند، تحقیق حاضر به‌طور دقیق‌تر به بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در هدایت افکار عمومی و مدیریت بحران در یک دوره خاص، یعنی طوفان الاقصی، پرداخته است. این رویکرد خاص و تمرکز دقیق بر بحرانی مشخص، تحقیق حاضر را از دیگر مطالعات موجود متمایز می‌کند.

۲. چهارچوب نظری

در این بخش، چهارچوب نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و نظریه‌های کلیدی برای تحلیل نقش دیپلماسی دیجیتال در جنگ غزه و تأثیر آن بر تغییر و چالش کشیدن روایت‌های غالب رسانه‌ای معرفی می‌شود. این پژوهش از دو نظریه بنیادین «جامعه شبکه‌ای» اثر مانوئل کاستلز و «سرمایه اجتماعی» از پیر بوردیو بهره می‌برد که هر دو نقش مهمی در تحلیل کاربرد فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند.

۲-۱. نظریه جامعه شبکه‌ای

مانوئل کاستلز در نظریه جامعه شبکه‌ای، اهمیت فضای دیجیتال و نقش شبکه‌های اجتماعی در تغییر شکل ارتباطات اجتماعی را برجسته می‌کند. وی معتقد است روابط اجتماعی در عصر حاضر به‌طور فزاینده‌ای از طریق شبکه‌های رسانه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند و این شبکه‌ها نه تنها جایگزین ارتباطات سنتی شده‌اند، بلکه بستری برای تعاملات جدید با تأکید بر سرعت، گستردگی، و فرامکانی بودن ایجاد کرده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۸). در بحران‌هایی همچون جنگ غزه «طوفان الاقصی»، این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه فلسطینیان توانسته‌اند با استفاده از این شبکه‌ها، روایت‌های جدیدی خلق کنند و روایت‌های غالب رسانه‌ای را که

عمدتاً توسط قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرند، به چالش بکشند. فضای دیجیتال امکان برقراری ارتباط با جهان را بدون محدودیت‌های زمانی و مکانی فراهم کرده و به مردم فلسطین فرصت داده تا پیام‌ها و تجربه‌های خود را در سطح جهانی به اشتراک بگذارند. این تحولات، قدرت‌های رسانه‌ای سنتی را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است.

۲-۲. نظریه سرمایه اجتماعی

پیر بورديو در نظریه سرمایه اجتماعی بر تأثیر رسانه‌ها در تقویت اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی تأکید دارد. سرمایه اجتماعی در این نظریه به معنای مجموعه‌ای از منابع و پیوندهایی است که از طریق روابط اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی به دست می‌آید و می‌تواند در سازمان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی و تقویت همبستگی جمعی نقشی اساسی ایفا کند (جعفری‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۴۸). در این تحقیق، نقش شبکه‌های اجتماعی همچون ابزاری برای تقویت سرمایه اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است. در بحران غزه «طوفان الاقصی»، این شبکه‌ها مانند بستری برای گسترش پیام‌ها، جذب حمایت‌های بین‌المللی و ایجاد ارتباطات جهانی عمل کرده‌اند. بدین ترتیب، دیپلماسی دیجیتال توانسته است از طریق تقویت سرمایه اجتماعی، قدرت نرم مردم فلسطین را افزایش دهد و انسجام بیشتری میان آنان ایجاد کند.

۲-۳. دیپلماسی دیجیتال

دیپلماسی یکی از ابزارهای اساسی در تحقق منافع ملی هر کشور است و از طریق آن می‌تواند تصویری از خود در سطح جهانی به نمایش بگذارد. دیپلماسی که فرایندی سیاسی به شمار می‌آید، طبق تعریف جی. آر. بریج، به فعالیت‌های سیاسی‌ای گفته می‌شود که بازیگران مختلف برای دستیابی به اهداف خود و دفاع از منافعشان انجام می‌دهند. در این راستا، دیپلماسی ذاتاً پویاست، چراکه با توجه به شیوه‌ای که هر بازیگر از آن استفاده می‌کند، همواره در حال تغییر و انطباق است (Berridge, 2010). دیپلماسی دیجیتال به مفهومی اشاره دارد که شامل استفاده از فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در چهارچوب دیپلماسی بین‌المللی است. این مفهوم مجموعه‌ای از راهبردها و شیوه‌هایی را دربرمی‌گیرد که توسط کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای برقراری

ارتباط، همکاری و تأثیرگذاری بر افکار عمومی، چه در سطح داخلی و چه در عرصه جهانی، به کار گرفته می‌شود. در دنیایی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال پیشرفت است، دیپلماسی دیجیتال به ابزاری کلیدی برای مقابله با چالش‌های جهانی و تقویت روابط دوجانبه و چندجانبه میان کشورها تبدیل شده است (Setyadi & Sani, 2024).

دیپلماسی دیجیتال ویژگی‌های متعددی دارد که از میان آن‌ها سه مورد زیر را می‌توان متناسب با بحثی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، بیان کرد:

۱. فرامکانی و فرازمانی: «مقصود از این ویژگی آن است که برخلاف سایر مدل‌های دیپلماسی، دیپلماسی دیجیتال به زمان یا مکان خاص محدود نمی‌شود. این ویژگی باعث می‌شود مردم در سطحی جهانی به برقراری ارتباطاتی گسترده با یکدیگر بپردازد» (Green, 2022).

۲. عدم اتکا به دولت - ملت: «شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم کرده‌اند که بازیگران غیردولتی نیز در دیپلماسی ایفای نقش کنند. این ابزارها به مردم اجازه می‌دهند بدون نیاز به ساختارهای رسمی دولتی، روایت‌ها و پیام‌های خود را مستقیم به جهان منتقل کنند» (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

۳. رهبرسازی در شبکه‌های اجتماعی: «رسانه‌های اجتماعی بستری برای ظهور رهبران جدید فراهم کرده‌اند. این رهبران که غالباً از میان افراد عادی جامعه برخاسته‌اند، می‌توانند توجه رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی را به خود جلب کنند» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۱۸).

ترکیب نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و نظریه سرمایه اجتماعی بورديو، چهارچوبی جامع برای درک نقش دیپلماسی دیجیتال در بحران‌هایی نظیر جنگ غزه فراهم می‌آورد. نظریه جامعه شبکه‌ای بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی در تغییر روابط اجتماعی و ساختارهای قدرت تأکید دارد. در بحران‌هایی مانند جنگ غزه این نظریه نشان می‌دهد که چگونه مردم فلسطین با استفاده از شبکه‌های دیجیتال توانسته‌اند روایت‌های غالب رسانه‌ای را به چالش کشیده و فعالیت‌های خود را سازمان‌دهی کنند. از سوی دیگر، نظریه سرمایه اجتماعی بورديو نقش شبکه‌های دیجیتال را در تقویت اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی در سطح جهانی برجسته

می‌کند. این شبکه‌ها همچون ابزارهای مؤثری برای مشارکت عمومی و اعمال فشار بر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی عمل کرده‌اند.

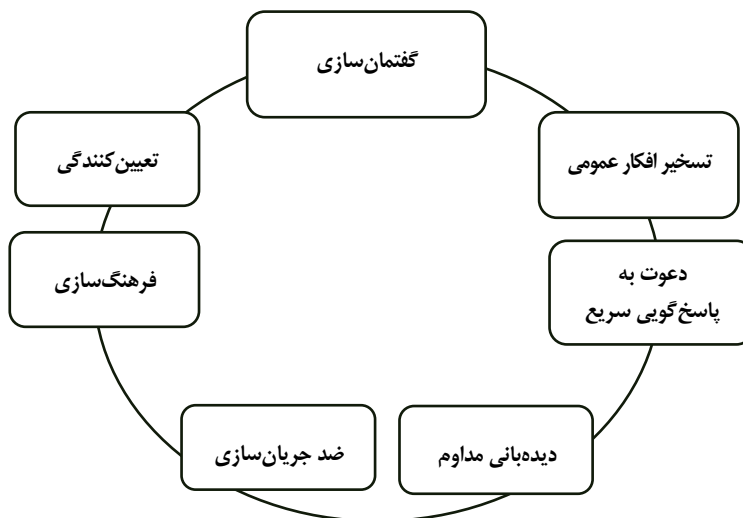
دیپلماسی دیجیتال با ویژگی‌هایی همچون فرامکانی و فرازمانی بودن، عدم وابستگی به دولت - ملت‌ها و امکان ایجاد رهبر در شبکه‌های اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در بحران‌هایی مانند جنگ غزه یافته است. این پژوهش به تحلیل نحوه استفاده مردم فلسطین از این ابزارها برای به چالش کشیدن قدرت نرم و سخت رژیم صهیونیستی و جلب همبستگی جهانی پرداخته و تلاش می‌کند چهارچوب نظری جامعی برای درک پتانسیل‌های دیپلماسی دیجیتال در پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی ارائه دهد؛ از این رو، ترکیب این دو نظریه درک عمیق‌تری از نقش فناوری‌های دیجیتال در بازسازی روایت‌ها و ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در مناطق درگیری فراهم می‌آورد.

۴-۲. ظرفیت رسانه‌های نوین

ظرفیت رسانه‌ای به میزان اطلاعات و محتوایی که یک رسانه قادر به انتقال، ذخیره، پردازش و انتشار آن است گفته می‌شود. این ظرفیت می‌تواند به صورت فیزیکی - مثل فضای ذخیره‌سازی یا پهنای باند - یا به صورت اطلاعاتی - مثل تعداد کاربرانی که محتوا را مشاهده می‌کنند - مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال، ظرفیت یک شبکه اجتماعی ممکن است بر اساس تعداد کاربران فعال، حجم داده‌های مشترک شده، سرعت انتقال داده و قابلیت انتشار محتوا تعیین شود. این ظرفیت می‌تواند تعیین‌کننده موفقیت یا شکست یک رسانه باشد، زیرا اگر ظرفیت کافی برای پشتیبانی از تقاضا و نیاز کاربران وجود نداشته باشد، ممکن است رسانه مورد علاقه کاربران جذب نشود یا محتوای آن به خوبی ارائه نشود.

ظرفیت‌های رسانه‌های نوین نیز با توجه به تحولاتی که در ادامه مطرح خواهد شد (با توجه به موضوع تحقیق)، تغییر جدی یافته است. در حقیقت، این ظرفیت به یک ظرفیت هیبریدی تبدیل شده است که عناصر و محورهای مختلفی را در خود جای می‌دهد. جهان آینده با این ظرفیت‌های جدید، تحولات گسترده‌ای خواهد یافت که با قرن‌های گذشته

به شدت متفاوت خواهد بود. نمودار شماره ۱ به اختصار مهم‌ترین ظرفیت‌های جدید رسانه‌های نوین را بیان می‌کند (بشیر، ۱۳۹۷: ۶۴).



نمودار شماره ۱. ظرفیت‌های رسانه‌های نوین (بشیر، ۱۳۹۷: ۶۴)

رسانه‌های نوین امروزه وعده اعطای حق مشارکت سیاسی جهانی را از طریق «دسترسی» به مردم می‌دهند؛ مفهومی که در آن پروژه‌های ظرفیت دموکراتیک در حال بازآفرینی و بازطراحی هستند (Coleman, 2010; Hansen, 2004) و شکاف‌های سیاسی و اقتصادی به تدریج به شکاف‌های دیجیتال تبدیل می‌شوند. تلاش‌های انسان‌دوستانه برای کاهش نابرابری‌های مزمن بین شمال و جنوب، در پروژه گسترش زیرساخت‌های فناوری دیجیتال در سراسر جهان، به امیدواری جدیدی تبدیل شده است. دسترسی به جدیدترین فناوری‌های رسانه‌ای معیاری برای تعیین اینکه فردی کنشگر در تاریخ است یا صرفاً تماشاگری بی‌صدا، در نظر گرفته می‌شود و بدین ترتیب مشخص می‌کند آیا کسی در حال زندگی در زمان حال است یا در گذشته (Mazzarella, 2010).

این مفهوم از رسانه‌های نوین به شدت با تصورات دموکراتیک لیبرالی پیوند خورده است و نقش ایدئولوژیکی ایفا می‌کند که عمیقاً تحت تأثیر مفاهیم جامعه مدنی و عرصه عمومی است. در حقیقت، تفاوت‌های استفاده از اصطلاحات «رسانه‌های اجتماعی» و «رسانه‌های نوین» بازتاب

تمایزهای بنیادینی است که میان این دو مفهوم وجود دارد. از یک سو، رسانه‌های اجتماعی مانند جامعه مدنی همچون فضایی برای مشارکت‌های اجتماعی خارج از محدوده قدرت دولتی شناخته می‌شوند؛ فضایی که به‌عنوان مکانی برای فعالیت و رهایی فردی ایدئال به نظر می‌رسد و در آن روابط اجتماعی و اقتصادی بدون محدودیت و نظارت انجام می‌شود. همان‌طور که در بازار سرمایه‌داری که این فضا از آن نشئت می‌گیرد، ارزش بر اساس شیوه‌های مبادله آزاد تعیین می‌شود. از سوی دیگر، رسانه‌های نوین عرصه‌ای را برای ایجاد یک فضای عمومی فراهم می‌آورند که در آن شهروندان می‌توانند بدون در نظر گرفتن شکاف‌های مالی و قدرت، با یکدیگر روبه‌رو شوند و از طریق کنش‌های خود در این فضا، آگاهی و تأثیر سیاسی‌شان را اعمال کنند. رسانه‌های نوین به مردم این امکان را می‌دهند تا مستقیم در نهادهایی که شرایط زندگی آن‌ها را شکل می‌دهند، مشارکت کنند و توانایی‌هایی را که رسانه‌های قدیمی نتوانسته‌اند به آن دست پیدا کنند، تحقق بخشند (Coleman, 2010; Aouragh, 2011).

۵-۲. نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فلسطین در دیپلماسی دیجیتال

استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط حماس نمونه بارزی از دیپلماسی دیجیتال و شبکه‌ای است. این گروه با بهره‌گیری از پلتفرم‌هایی همچون توئیتر، فیس‌بوک و یوتیوب توانسته پیام‌های خود را به‌صورت گسترده منتشر کرده و حمایت‌های بین‌المللی را جلب کند. این رویکرد هوشمندانه به حماس کمک کرده است تا نه تنها در سطح داخلی بلکه در عرصه بین‌المللی نیز تأثیرگذار باشد و اهداف خود را پیش ببرد (Al-Rawi, 2021). در عصر دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی نقش حیاتی در دیپلماسی دیجیتال ایفا می‌کنند. پلتفرم‌هایی مانند فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب ابزارهای قدرتمند انتشار اطلاعات و ایجاد همبستگی بین‌المللی شناخته می‌شوند. مطالعات نشان داده‌اند رسانه‌های اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری در جلب حمایت‌های بین‌المللی ایفا کنند. چنان‌که جوزف نای (Nye, 2004) اشاره کرده است، قدرت نرم و دیپلماسی عمومی می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی تقویت شوند.

پلتفرم‌های ویدئویی نیز در دیپلماسی دیجیتال جایگاه ویژه‌ای دارند. محتوای بصری مانند

ویدئوهای مستند و کلیپ‌های کوتاه، به دلیل قدرت احساسی و تأثیرگذاری بالا، توانسته‌اند مخاطبان جهانی را به خود جلب کرده و آگاهی عمومی را افزایش دهند. تحقیقات هانکوک و همکاران (Hancock & et.al., 2016) نشان می‌دهد ویدئوهای کوتاه در پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب و فیس‌بوک می‌توانند به سرعت توجه جهانی را جلب کرده و حمایت‌های بین‌المللی را افزایش دهند. برای مثال، ویدئوهایی که وضعیت مردم غزه را به تصویر می‌کشند، تأثیر قابل توجهی بر نگرش‌های عمومی داشته و توجه بسیاری از مخاطبان جهانی را جلب کرده‌اند (Giddens, 2017). علاوه بر این، فلسطین خود گفتمانی جامع شناخته می‌شود؛ سرزمینی که نه تنها یک ملت و تاریخ، بلکه هویت و جامعه‌ای کامل را نمایندگی می‌کند. این گفتمان که به دلیل تحولات قرن بیستم و بیست‌ویکم شکل گرفته، تمامی آنچه را درباره فلسطین در طول تاریخ رخ داده است، تداعی می‌کند. فهم این گفتمان و گفتمان‌سازی پیرامون آن، از مهم‌ترین اقدامات برای ارتقای مسئله فلسطین در ذهن جامعه جهانی است.

رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های داخلی فلسطین، نقش کلیدی در تبیین این گفتمان ایفا می‌کنند. بازنگری در ظرفیت‌های رسانه‌های نوین و استفاده از رویکردهای فرهنگی برای سازگاری گفتمانی با جوامع مختلف، گام مهمی در جهت تقویت دیپلماسی دیجیتال فلسطین است. همان‌طور که بشیر (۱۳۹۷) اشاره کرده است، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و استفاده از مفهوم «سازگاری گفتمانی» می‌تواند تأثیرگذاری رسانه‌ها را در گسترش آگاهی عمومی افزایش دهد؛ بنابراین، مسئله فلسطین فراتر از چالشی سیاسی یا اجتماعی، به گفتمانی جهانی تبدیل شده است که نیازمند رویکردهای فرهنگی و فهم‌محور در رسانه‌هاست. رسانه‌های نوین با تمرکز بر این رویکرد می‌توانند در ایجاد آگاهی و همبستگی بین‌المللی نقشی بی‌بدیل ایفا کنند.

۶-۲. اختلاف‌های داخلی فلسطین و تأثیر آن بر دیپلماسی دیجیتال

درگیری داخلی بین حماس و فتح به‌طور قابل توجهی بر دیپلماسی دیجیتال در فلسطین تأثیر می‌گذارد و روایت‌ها و ادراکات عمومی را در سیستم‌عامل‌های رسانه‌های اجتماعی شکل می‌دهد. این رقابت نه تنها بر چشم‌انداز سیاسی تأثیر می‌گذارد بلکه نحوه درگیر شدن هر جناح در دیپلماسی

دیجیتال را نیز تغییر می‌دهد و بر تصویر بین‌المللی و تلاش‌های ارتباطی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در ابتدا باید گفت که حماس، نام یک سازمان اسلام‌گرای سیاسی - نظامی فلسطینی است و دولت خودگردان یا جنبش فتح، سازمانی فلسطینی است که با عنوان جنبش آزادی‌بخش خلق فلسطین شناخته می‌شود. پس از توافقات یک‌جانبه برای تشکیل دو کشور مستقل، رژیم صهیونیستی و فلسطین، در توافقاتی اسلو و استقرار تشکیلات خودگردان در سرزمین‌های باقی‌مانده فلسطین، جنبش حماس توانست پس از پیروزی در انتخابات سراسری سال ۲۰۰۶ میلادی، به‌طور رسمی وارد صحنه سیاسی فلسطین شود و مجلس و دولت را در اختیار گیرد. در این انتخابات، حماس توانست رقیب جدی خود، یعنی جنبش فتح را پشت سر بگذارد (سبزیان موسی‌آبادی و مظفری، ۱۳۸۸: ۳۴). این پیروزی سبب ایجاد شکافی عمیق میان دو جنبش فتح و حماس شد که به شکل‌گیری استراتژی‌های متفاوتی انجامید. فتح در پی همکاری با نهادهای غربی است، درحالی‌که حماس اغلب سازمانی تروریستی شناخته می‌شود (Bartal, 2023). این وضعیت موجب تقسیم فلسطین به دو نهاد سیاسی مجزا با برنامه‌های متضاد شده است، به‌طوری‌که فتح کنترل کرانه باختری و حماس حکومت غزه را در دست دارند. این دوگانگی در حکمرانی مانع از شکل‌گیری یک حکمرانی و نمایندگی یکپارچه برای فلسطینیان شده است (Alamsyah & et.al., 2024).

اختلاف میان حماس به رهبری اسماعیل هنیه و جنبش فتح به رهبری محمود عباس درباره نحوه برخورد یا تعامل با رژیم صهیونیستی، امریکا و توافقات‌نامه‌های صلح، سبب ایجاد گسست و شکاف میان دو گروه بزرگ و تأثیرگذار سیاسی جامعه فلسطین شد. این اختلاف‌ها تا درگیری‌های مسلحانه و شورش‌های خیابانی نیز کشیده شد. هرچند با انعقاد «توافق مکه» اندکی آرامش حاکم شد، اما دامنه اختلاف‌ها بسیار وسیع بود. حمایت گسترده کشورهای محافظه‌کار عربی مانند مصر، اردن، عربستان سعودی، کشورهای اروپایی، امریکا و حتی رژیم صهیونیستی از محمود عباس و مخالفت با جنبش حماس، سبب تشدید اختلاف‌ها می‌شد و این امر امکان

بهره‌برداری به بهترین نحو را به تل‌آویو داد (سبزیان موسی‌آبادی و مظفری، ۱۳۸۸: ۳۴). در این راستا، هر گروه از رسانه‌های اجتماعی برای تبلیغ روایت‌های خود تلاش می‌کنند. حماس بر مقاومت در برابر اشغال اسرائیل تمرکز می‌کند و اغلب اقدامات خود را واکنش مشروع به ظلم تعریف می‌کند (Amer, 2024). پلتفرم‌های دیجیتال مانند میدان نبردی برای شکل‌دهی به ادراک‌های بین‌المللی عمل می‌کنند. حماس از توییتر برای برجسته کردن روایت مقاومت خود استفاده می‌کند، درحالی‌که فتح تلاش می‌کند تصویر معتدل‌تری ارائه دهد. هر دو جناح از رسانه‌های اجتماعی برای تعامل با مخاطبان جهانی استفاده می‌کنند و با انتشار پیام‌های گردآوری‌شده و محتوای بصری، بر افکار عمومی و روابط دیپلماتیک تأثیر می‌گذارند (Yarchi, 2024)؛ با این حال، درگیری‌های داخلی ممکن است مانع از تلاش‌های مؤثر در دیپلماسی دیجیتال شود، زیرا رقابت میان روایت‌های جناح‌های مختلف می‌تواند سبب سردرگمی مخاطبان بین‌المللی شود و صدای فلسطینیان را در گفتمان جهانی تضعیف کند. این تفرقه‌افکنی، مسیر پیگیری یک استراتژی دیپلماتیک منسجم و هماهنگ را پیچیده و دشوار می‌سازد.

۷-۲. ارتباط تحولات رسانه‌ای با نقش دیپلماسی دیجیتال در جنگ غزه

عملیات «طوفان الاقصی» که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس آغاز شد، نه تنها تأثیرات عمیقی بر میدان جنگ داشت، بلکه موجب تحولاتی در گفتمان رسانه‌ای و دیپلماسی دیجیتال پیرامون مناقشه اسرائیل و فلسطین شد. دیپلماسی دیجیتال، به‌ویژه از طریق رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین، توانسته است نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف مردم فلسطین ایفا کند و روایت‌های مختلف از جنگ غزه را مدیریت و هدایت کند. این تحولات رسانه‌ای و نقش‌آفرینی‌های دیپلماسی دیجیتال به نقطه‌عطفی در نحوه درک جهانی این مناقشه تبدیل شده‌اند.

رسانه‌های بین‌المللی با توجه به رویکردهای سیاسی و جغرافیایی خود، روایت‌های متناقضی از مناقشه اسرائیل و فلسطین ارائه می‌دهند. الجزیره، با تمرکز بر دیدگاه فلسطینیان، مبارزه‌های آن‌ها را در برابر بی‌عدالتی به تصویر می‌کشد و بر جنبه‌های انسانی و مقاومت در

برابر اشغالگری تأکید دارد. در مقابل، رسانه‌های غربی نظیر واشینگتن‌پست و سی‌ان‌ان اغلب روایت‌هایی را بازتاب می‌دهند که از دریچه امنیت و نظم به موضوع می‌نگرند و حق اسرائیل برای دفاع از خود را برجسته می‌کنند. این تضادهای رسانه‌ای نه تنها بازتاب‌دهنده تفاوت‌های سیاسی و فرهنگی است، بلکه بر نحوه درک جهانی از این مناقشه تأثیر عمیقی می‌گذارد و فهم عمومی را از بحران پیچیده‌تر می‌سازد (Qasem & Hussien, 2018; Warshagha & et.al., 2024). در این راستا، هر دو رسانه الجزیره و واشینگتن‌پست از زبان عاطفی استفاده می‌کنند که نه تنها موجب تقویت تضادها و تفاوت‌های روایتی میان آن‌ها می‌شود، بلکه به جای ایجاد فضایی برای گفت‌وگوهای سازنده و آموزنده، احساسات عمومی را برانگیخته و باعث پیچیده‌تر شدن اختلاف‌های اجتماعی می‌شود (Warshagha & et. al., 2024).

در این میان، دیپلماسی دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی در تقویت یا تغییر این روایت‌ها ایفا کرده‌اند. از طریق این پلتفرم‌ها، فلسطینیان توانستند دیدگاه خود را به صورت گسترده‌ای در سطح جهانی منتشر کنند و روایت‌های انسانی و مقاومت خود را به تصویر بکشند. شبکه‌های اجتماعی نه تنها فضای جدیدی برای تبادل اطلاعات فراهم کرده‌اند، بلکه امکان پاسخگویی به روایت‌های متضاد رسانه‌های غربی را نیز فراهم ساخته‌اند؛ به ویژه در زمانی که رسانه‌های غربی تلاش دارند تهدیدها علیه اسرائیل را برجسته کنند. در تأیید این مطلب، به گزارش مشرق نیوز و به نقل از کانال تلگرامی شامات آمده است: عملیات «طوفان الاقصی» نشان داد رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال چگونه می‌توانند بر روایت درگیری‌های نظامی تأثیرگذار باشند. از سوی حماس، رسانه‌های اجتماعی همچون ابزاری برای دور زدن رسانه‌های سنتی و انتقال مستقیم دیدگاه‌ها و تجربه‌های فلسطینی‌ها به کار گرفته شدند. حساب‌های کاربری در توئیتر و دیگر پلتفرم‌ها با اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدئوهای زنده از صحنه نبرد، روایتی از مقاومت فلسطینی و ظلم تحت اشغال اسرائیل ارائه کردند که موجب برانگیختن همبستگی جهانی با فلسطین شد.

در مقابل، رژیم صهیونیستی تلاش کرد از رسانه‌های اجتماعی برای مدیریت روایت خود استفاده کند و اقدامات نظامی را به‌عنوان ضرورتی برای تأمین امنیت ملی توجیه کند؛ با این حال، سیل انبوه تصاویر منفی از غزه این تلاش‌ها را با چالش روبه‌رو کرد و به انتقاد داخلی و بین‌المللی منجر شد. همچنین شکست‌های اطلاعاتی اسرائیل به سرعت از طریق رسانه‌های اجتماعی منتشر شد و روایتی از آسیب‌پذیری و سردرگمی میان صفوف اسرائیلی‌ها ایجاد کرد که برتری نظامی اسرائیل را تضعیف ساخت. در مجموع، رسانه‌های اجتماعی نقش تحول‌آفرینی در شکل‌دهی به روایت‌های مختلف از این عملیات ایفا کردند؛ به‌ویژه از طریق ارتباط مستقیم، روزنامه‌نگاری شهروندی و انتشار سریع اطلاعات که تأثیر زیادی بر درک عمومی و گفتمان بین‌المللی در مورد این درگیری داشت.

در نهایت، عملیات «طوفان الاقصی» نشان‌دهنده قدرت رسانه‌های دیجیتال در پیشبرد اهداف انسانی و سیاسی در سطح جهانی است. این رسانه‌ها با استفاده از زبان‌های عاطفی و استراتژیک خود، به شکل قابل توجهی بر حمایت‌های بین‌المللی از مردم فلسطین افزودند و به همین دلیل دیپلماسی دیجیتال باید در تحلیل‌های آتی این بحران به‌طور جدی‌تر مورد توجه قرار گیرد.

۸-۲. کنشگری منطقه‌ای و حمایت از فلسطین

فعالیت‌های منطقه‌ای در یمن و حمایت از فلسطین به‌طور عمیقی در هم تنیده شده‌اند و منعکس‌کننده مضامینی گسترده‌تر از ضدیت با استعمار و مقاومت در برابر اقتدارگرایی هستند. در جهان عرب، به‌ویژه در یمن، کنشگری‌های مرتبط با فلسطین همچون بستری برجسته برای ابراز سیاسی عمل کرده و حس مسئولیت سیاسی و شهروندی را میان فعالان تقویت می‌کنند. این نوع فعالیت‌ها علاوه بر تمرکز بر مسائل فلسطینی، به نقد رژیم‌های اقتدارگرای محلی نیز می‌پردازند و تأثیرات عمیقی بر جامعه مدنی می‌گذارند (El Kurd, 2022). طوفان الاقصی نقطه عطف مهمی در مبارزه‌های مداوم فلسطینیان است که به‌طور عمیقی با تاریخچه حمایت یمن از مقاومت فلسطین

پیوند خورده است. این هم‌گرایی، پویایی در حال تحول سیاست‌های منطقه‌ای و نقش فزاینده کنشگری دیجیتال را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد چگونه تعاملات محلی و بین‌المللی، روایت‌های مرتبط با مسجدالاقصی و مسائل گسترده‌تر فلسطین را شکل می‌دهند و تقویت می‌کنند. مشارکت یمن در درگیری‌های عربی - اسرائیلی نمایانگر تعهد گسترده‌تر منطقه‌ای به اهداف فلسطینی است؛ به‌ویژه در دوره‌های بحرانی مانند جنگ اکتبر (Al-Qousi, 2024).

علاوه بر یمن، ایران یکی از بازیگران اصلی منطقه‌ای است که با حمایت نظامی، مالی و دیپلماتیک از گروه‌های فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی، نقش مهمی در تقویت مقاومت ایفا کرده است. ایدئولوژی انقلابی ایران به‌طور صریح وجود اسرائیل را رد کرده و بر حمایت از فلسطین همچون وظیفه‌ای مذهبی و سیاسی تأکید می‌کند.

در لبنان، حزب‌الله با تجربه‌های نظامی و سیاسی خود، همکاری نزدیکی با گروه‌های فلسطینی دارد و بارها بر ضرورت ایجاد جبهه متحد مقاومت تأکید کرده است. این گروه با بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک خود در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی، به یکی از مؤثرترین بازیگران غیردولتی در حمایت از فلسطین تبدیل شده است. کوهن (Cohen, 2016) در این رابطه بیان می‌دارد، حزب‌الله از یک نیروی مقاومت لبنانی به یک بازیگر غیردولتی مسلح منطقه‌ای تبدیل شده است و به‌طور فعال در درگیری‌های فراتر از لبنان، به‌ویژه در سوریه، مشارکت می‌کند. این تغییر به حزب‌الله امکان داده است تا از هویت فرقه‌ای خود بهره‌برداری کرده و توانمندی‌های نظامی و نفوذ منطقه‌ای‌اش را تقویت کند.

از سوی دیگر، کشورهایمانند قطر و ترکیه نقش‌های متفاوتی در حمایت از فلسطین ایفا می‌کنند. قطر با ارائه کمک‌های بشردوستانه و میزبانی از رهبران حماس، بستر دیپلماتیک مهمی برای مقاومت ایجاد کرده است. ترکیه نیز با اتخاذ مواضع قاطع در حمایت از مردم فلسطین، در عرصه دیپلماسی فعال است و تلاش کرده است تا از طریق سیاست خارجی خود بر افکار

عمومی جهان تأثیر بگذارد. این تنوع در کنشگری‌های منطقه‌ای، از یمن و ایران تا لبنان و قطر و البته سوریه تا پیش از سقوط دولت بشار اسد نشان‌دهنده چندگانگی رویکردها و استراتژی‌های موجود برای حمایت از فلسطین است؛ با این حال، این فعالیت‌ها با چالش‌هایی نیز همراه‌اند، از جمله فشارهای بین‌المللی، سرکوب از سوی رژیم‌های حاکم و تحولات سریع در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه. برای موفقیت در تقویت مقاومت فلسطین، ضروری است این کنشگری‌ها در چهارچوبی هماهنگ و انعطاف‌پذیر قرار گیرند.

۹-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی انجام شده است که برای درک رفتارهای انسانی و بسترهای اجتماعی و فرهنگی طراحی شده است. هدف اصلی پژوهش کیفی درک عمیق پدیده‌ها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آن‌هاست. این روش، برخلاف روش‌های کمی، بر تحلیل تجربه‌های انسانی در زمینه‌ای مشخص تأکید دارد و می‌تواند بر اساس رویکردهای اثبات‌گرایی، تفسیری یا انتقادی انجام شود (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۴).

جامعه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ده نفر از کارشناسان برجسته با مدارک تحصیلی در رشته‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، فعالان بین‌المللی در حوزه تبلیغ و آگاهی‌بخشی درباره مسئله فلسطین و کارکنان حرفه‌ای سازمان صداوسیما با تجربه گسترده در زمینه اطلاع‌رسانی و رسانه بودند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با این مشارکت‌کنندگان جمع‌آوری شد. انتخاب این ترکیب متنوع از مشارکت‌کنندگان با هدف دستیابی به دیدگاه‌های جامع و چندبعدی درباره نقش دیپلماسی دیجیتال در حمایت از مردم فلسطین در جنگ غزه صورت گرفت و غنای علمی و تحلیلی تحقیق را تقویت کرد.

تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) انجام شده است. این روش یکی از رایج‌ترین تکنیک‌های تحلیل داده‌های کیفی در علوم اجتماعی به شمار می‌رود. تحلیل

تم شامل شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها (تم‌ها)ی موجود در داده‌هاست. این روش داده‌ها را در حداقل سطح سازمان‌دهی می‌کند و در سطح پیشرفته‌تر، به تفسیر جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش می‌پردازد (Braun & Clarke, 2006: 79). در این راستا، مصاحبه‌گر با طرح پرسش‌هایی مرتبط، داده‌های تجربی را از مشارکت‌کنندگان استخراج می‌کند (Roulson, 2001: 280).

دربارۀ اعتبار و اعتماد به نتایج پژوهش، ازل بیبی در کتاب *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* بیان می‌کند اعتبار به این معناست که ابزار تجربی به کاررفته تا چه اندازه توانسته است مفهوم مورد بررسی را دقیقاً اندازه‌گیری کند (بیبی، ۱۳۹۳: ۳۳۵). در این پژوهش، تمام مراحل تحقیق، از جمله طرح مسئله، نظریه‌پردازی، انتخاب مشارکت‌کنندگان و گردآوری داده‌ها، بر اساس اصول تحقیق کیفی انجام شده است. هدف اصلی، دستیابی به درکی عمیق از واقعیت موضوع پژوهش و ارائه نتایجی معتبر بود. برای افزایش اعتبار و اعتماد به نتایج پژوهش، یافته‌های اولیه و مضامین استخراج‌شده پس از تحلیل، توسط پژوهشگران همکار و متخصصان آشنا با موضوع بازبینی شدند. این بازبینی‌ها با هدف شناسایی و اصلاح هرگونه تفسیر نادرست یا برداشت جانب‌دارانه انجام گرفت. افزون بر این، تطبیق نتایج با مبانی نظری و ادبیات مرتبط، انسجام علمی و روایی پژوهش را تقویت کرد. این اقدامات، دقت و شفافیت تحقیق را بهبود بخشیده و اعتمادپذیری نتایج را تضمین کرد.

۳. یافته‌های تحقیق

استفاده از فناوری‌های دیجیتال در عرصه دیپلماسی امروزه به‌عنوان یک ابزار قدرتمند واقعیت‌پذیری و پیشبرد اهداف سیاسی و انسانی جوامع مختلف مطرح است. این تحقیق نقش دیپلماسی دیجیتال را در جنگ غزه و تأثیر آن بر زندگی مردم فلسطین بررسی می‌کند. یافته‌ها مبتنی بر تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با کارشناسان است و مفاهیم و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های دیپلماسی دیجیتال و تأثیر آن بر حمایت از مردم فلسطین

مضامین پایه (کد اولیه)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
طراحی و پیاده‌سازی پلتفرم‌های بومی ارتقای ظرفیت‌های مقابله با محتوای ضد فلسطینی	ایجاد پلتفرم‌های بومی فلسطینی	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال
پیاده‌سازی سیستم‌های امنیت سایبری آموزشی آگاهی‌بخشی امنیتی	تقویت امنیت دیجیتال	
ایجاد روابط همکاری با شرکت‌های بین‌المللی فناوری مشاوره برای تقویت زیرساخت‌ها	تقویت ظرفیت‌های فناورانه با شراکت‌های بین‌المللی	
ساخت شبکه‌های مقاوم در بحران‌ها افزایش دسترسی به اینترنت در مناطق محروم	توسعه شبکه‌های ارتباطی مقاوم	
گسترش فعالیت در پلتفرم‌های جهانی برگزاری کمپین‌های دیجیتال ایجاد رهبران دیجیتال	حضور فعال در رسانه‌های اجتماعی	تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال
به‌کارگیری بلاک‌چین توسعه اپلیکیشن‌های اطلاع‌رسانی	استفاده از فناوری‌های نوین	
ایجاد وب‌سایت‌های خبری مقاومتی استفاده از فناوری‌های نوین برای راستی‌آزمایی اطلاعات	استفاده از فضای سایبری برای تقویت گروه‌های مقاومت	
تعاملات دیجیتال با نهادهای خارجی برگزاری کمپین‌های جلب حمایت همکاری‌های فراملی و غیردولتی	همکاری‌های بین‌المللی	
ضعف فناوری اطلاعات در مناطق فلسطینی محدودیت‌های سانسور جهانی	محدودیت‌های زیرساختی	ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال
اختلاف‌های سیاسی میان گروه‌های فلسطینی دوگانگی روایت‌ها	تنش‌های داخلی	
شناسایی و تحلیل الگوهای انتشار پروپاگاندا ایجاد پروتکل‌های شفاف و مقاومتی برای مقابله با اطلاعات مخرب	مقابله با پروپاگاندا	
آموزش مهارت‌های رسانه‌ای و مقابله با تهدیدهای سایبری برگزاری کارگاه‌های آموزشی	کمبود مهارت‌های دیجیتال	

مضامین پایه (کد اولیه)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
بهبود زیرساخت‌های تحقیقاتی استانداردسازی استانداردهای تحقیقاتی	ارتقای ظرفیت‌های پژوهشی	بهبود شبکه‌های علمی مؤثر و پایدار
برنامه‌های تبادل علمی برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی	شبکه‌سازی علمی بین‌المللی	
تخصیص بورسیه‌های تحصیلی پشتیبانی از پروژه‌های مرتبط	حمایت از پژوهشگران و دانشجویان فلسطینی	
راه‌اندازی مراکز مشترک پروژه‌های پژوهشی مشترک همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی	ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک بین‌المللی	
تولید محتوای تأثیرگذار دربارهٔ عملیات طوفان الاقصی جلب مشارکت کاربران در کمپین‌های دیجیتال مربوط به عملیات طوفان الاقصی فرامکانی و فرازمانی بودن رسانه‌های اجتماعی	استفاده از رسانه‌های اجتماعی	تأثیر دیپلماسی دیجیتال بر آگاهی عمومی
استفاده از روایت‌های شاهدان عینی از عملیات طوفان الاقصی تولید محتوای احساسی و مستند در رسانه‌ها	روایت‌های انسانی	
شبکه‌سازی رسانه‌های حامی ترویج اخبار مقاومتی	تقویت همکاری‌های رسانه‌های	
اجرای برنامه‌های آموزشی کمپین‌های اطلاع‌رسانی منطقه‌ای	آموزش و آگاهی‌بخشی	

۳-۱. توسعهٔ زیرساخت‌های دیجیتال

در سیاست بین‌الملل، توسعهٔ زیرساخت‌های دیجیتال عاملی کلیدی در قدرت نرم شناخته می‌شود. در مناقشهٔ فلسطین، ایجاد پلتفرم‌های بومی فلسطینی برای مقابله با روایت‌های متخاصم ضروری است. همچنین تقویت امنیت دیجیتال و توانمندی‌های فنی کاربران در مقابله با تهدیدهای سایبری اهمیت دارد. مشارکت‌های بین‌المللی و همکاری‌های فنی نیز راهی برای

انتقال دانش و تجربه‌های پیشرفته فراهم می‌آورد و توسعه شبکه‌های ارتباطی مقاوم که پایه‌ای برای فعالیت‌ها و دسترسی عادلانه به خدمات دیجیتال باشد، مدل جامع و پایداری را برای زیرساخت‌های دیجیتال تأمین می‌کند.

۲-۳. تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال

در عصر انقلاب اطلاعات، رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین به ابزاری کلیدی برای شکل‌دهی به افکار عمومی و مقابله با روایت‌های متخاصم تبدیل شده‌اند. استفاده از فضای سایبری برای تقویت گروه‌های مقاومت، از طریق وب‌سایت‌های خبری مقاومتی و راستی‌آزمایی اطلاعات، انسجام و هماهنگی نیروهای مقاومت را تقویت می‌کند. همچنین کمپین‌های دیجیتال و همکاری‌های بین‌المللی شبکه‌ای جهانی از حامیان مقاومت ایجاد می‌کند. این اقدامات در یک ساختار منسجم، الگویی نوین از مقاومت دیجیتال را بر اساس قدرت نرم، شبکه‌سازی و فناوری‌های پیشرفته شکل می‌دهند.

۳-۳. ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال

در جامعه فلسطین، چالش‌های زیادی در مسیر ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال وجود دارد، از جمله ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، محدودیت‌های دسترسی به اینترنت و سانسور جهانی. اختلاف‌های سیاسی میان گروه‌های فلسطینی و دوگانگی روایت‌ها نیز بر کیفیت اطلاع‌رسانی تأثیر منفی دارد. برای مقابله با این مشکلات، شناسایی الگوهای پروپاگاندا و ایجاد پروتکل‌های شفاف ضروری است. همچنین کمبود مهارت‌های دیجیتال باید از طریق آموزش‌های رسانه‌ای و برگزاری کارگاه‌ها برطرف شود. این آموزش‌ها باید بر مقابله با تهدیدهای سایبری و تقویت تحلیل محتوای رسانه‌ای تمرکز داشته باشند. همکاری نهادهای مدنی و آموزشی می‌تواند به توسعه برنامه‌های کاربردی کمک کند و تفکر انتقادی را در مواجهه با محتوای رسانه‌ای تقویت کند.

۴-۳. بهبود شبکه‌های علمی مؤثر و پایدار

بهبود شبکه‌های علمی مؤثر و پایدار در جامعه فلسطین نیازمند ارتقای ظرفیت‌های پژوهشی و بهبود زیرساخت‌های تحقیقاتی است. استانداردهای روش‌های پژوهشی و شبکه‌سازی علمی بین‌المللی از طریق برنامه‌های تبادل علمی و کنفرانس‌ها می‌تواند ارتباطات علمی را تقویت کند. حمایت از پژوهشگران فلسطینی از طریق بورسیه‌ها و پشتیبانی از پروژه‌های پژوهشی، نقش مهمی در توسعه این شبکه‌ها دارد. ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک و پروژه‌های پژوهشی بین‌المللی به تقویت همکاری‌های علمی بین‌المللی کمک می‌کند. تداوم این شبکه‌ها نیازمند همکاری نزدیک دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نهادهای بین‌المللی است تا ظرفیت‌های علمی فلسطین را توسعه دهد.

۵-۳. تأثیر دیپلماسی دیجیتال بر آگاهی عمومی

دیپلماسی دیجیتال در عصر کنونی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی به ابزاری قدرتمند تبدیل شده است. رسانه‌های اجتماعی با ویژگی‌های فرامکانی و فرازمانی خود، امکان انتشار سریع اطلاعات و تولید محتوای تأثیرگذار درباره عملیات طوفان الاقصی را فراهم می‌آورند. مشارکت کاربران در کمپین‌های دیجیتال، استفاده از شهادت شاهدان عینی و تولید محتوای احساسی و مستند تأثیر زیادی بر افکار عمومی دارد. شبکه‌سازی رسانه‌های حامی و ترویج اخبار مقاومتی به تقویت همکاری‌های رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی جهانی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال نقشی کلیدی در حمایت از مردم فلسطین در جریان جنگ غزه و «طوفان الاقصی» ایفا کرده است. با استفاده از فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، فعالان فلسطینی توانسته‌اند روایت‌های انسانی و عاطفی خود را به‌طور گسترده در سطح جهانی منتشر کنند و توجه افکار عمومی و حمایت‌های بین‌المللی را جلب کنند. یافته‌های

حاصل از مصاحبه با کارشناسان و فعالان نشان می‌دهد ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان بر تأثیرگذاری روایت‌های انسانی از طریق پلتفرم‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند. این روایت‌ها، با به چالش کشیدن روایت‌های غالب رسانه‌ای، توانسته‌اند همبستگی جهانی و فشار بر سیاست‌گذاران و سازمان‌های بین‌المللی را افزایش دهند. علاوه بر این، بیش از ۷۵ درصد مشارکت‌کنندگان بر ضرورت تقویت زیرساخت‌های دیجیتال برای بهبود عملکرد دیپلماسی دیجیتال در مناطق اشغال‌شده تأکید کرده‌اند. ضعف در این زمینه، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها شناخته شده است.

در مقایسه با تحقیقات پیشین، پژوهش حاضر نشان داده است تأثیر دیپلماسی دیجیتال فراتر از آن چیزی است که قبلاً تصور می‌شد. برخلاف بسیاری از مطالعات که بر محدودیت‌های دیپلماسی دیجیتال در مناطق درگیر تأکید داشته‌اند، این تحقیق به‌طور تجربی نشان داد حتی در شرایط محدودیت شدید، روایت‌های انسانی می‌توانند فضای جدیدی را برای بسیج افکار عمومی و افزایش فشار بر نهادهای بین‌المللی ایجاد کنند. همچنین، برخلاف دیدگاه برخی تحقیقات که دیپلماسی دیجیتال را بیشتر ابزاری تاکتیکی می‌بینند، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت راهبردی آن در گفتمان‌سازی و شکل‌دهی به مقاومت مردمی تأکید دارد. به‌علاوه، دیپلماسی دیجیتال با ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال، تقویت شبکه‌های مقاومت دیجیتال و بهبود شبکه‌های علمی پایدار، می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی را برای سازمان‌دهی مقاومت فلسطینی‌ها و جلب حمایت‌های بین‌المللی فراهم کند. ویژگی‌های منحصر به فرد دیپلماسی دیجیتال، همچون فرازمانی و فرامکانی بودن، امکان رهبرسازی در شبکه‌های اجتماعی و قدرت در گفتمان‌سازی، به فعالان فلسطینی این فرصت را داده است تا به‌صورت مؤثرتری اهداف انسانی و سیاسی خود را دنبال کنند. به‌طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد دیپلماسی دیجیتال، فراتر از یک ابزار ارتباطی، به ابزاری استراتژیک برای پیشبرد اهداف انسانی و مقاومت در برابر قدرت نرم و سخت تبدیل شده است که تأثیرات آن نه تنها در افزایش آگاهی

عمومی، بلکه در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی نیز قابل مشاهده است و به همین دلیل، توجه جدی‌تر به این حوزه در تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های آتی ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. اول، دسترسی محدود به داده‌ها و تحلیل‌های میدانی در مناطق درگیر به دلیل مسائل امنیتی و سیاسی، امکان بررسی جزئیات را کاهش داده بود؛ دوم، وابستگی به منابع آنلاین و شبکه‌های اجتماعی ممکن است موجب سوگیری اطلاعات شود؛ سوم، انتخاب مشارکت‌کنندگان متخصص در چهارچوب جغرافیایی محدود، قابلیت انتقال نتایج را کاهش می‌دهد. این محدودیت‌ها ممکن است بر دقت یافته‌ها تأثیر بگذارند و نیاز به تحقیقات بیشتر با روش‌های ترکیبی و گسترده‌تر را ضروری می‌سازند.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. تقویت زیرساخت‌های دیجیتال: برای افزایش تأثیر دیپلماسی دیجیتال در مناطق بحران‌زده مانند غزه، تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، فراهم‌سازی اینترنت پرسرعت و ایجاد پلتفرم‌های امن ضروری است. این اقدامات می‌توانند دسترسی به اطلاعات و بهره‌وری دیپلماسی دیجیتال را بهبود بخشند.

۲. آموزش استفاده از رسانه‌های دیجیتال: برگزاری برنامه‌های آموزشی برای فعالان رسانه‌ای و سیاست‌گذاران فلسطینی در زمینه تولید محتوا، استراتژی‌های ارتباطی و مقابله با سانسور، به بهبود گفتمان‌سازی و جلب حمایت‌های بین‌المللی کمک می‌کند.

۳. تقویت همبستگی بین‌المللی: راه‌اندازی کمپین‌های دیجیتال و شبکه‌های جهانی می‌تواند حمایت‌های بین‌المللی را از حقوق فلسطینی‌ها مانند «حق بازگشت» و «آزادی فلسطین» تقویت کند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی نقش دیپلماسی دیجیتال در بحران‌های انسانی: تحقیق درباره تأثیر پیام‌های دیجیتال در جلب حمایت‌های بین‌المللی و تقویت همبستگی جهانی در بحران‌هایی مانند جنگ غزه؛
۲. مطالعه تأثیر سانسور بر دیپلماسی دیجیتال: تحلیل محدودیت‌های دیجیتال و سانسور بر توانمندی دیپلماسی دیجیتال و استراتژی‌های مقابله با این محدودیت‌ها در مناطق بحران‌زده.

فهرست منابع

- امین فرد، احمد (۱۴۰۰). «راهبردهای ارتقای دیپلماسی دیجیتال جمهوری اسلامی ایران در دوران پساجام»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۸-۱.
- بی، ارل. (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه رضا فاضل. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات سمت.
- بشیر، حسن (۱۳۹۷). «دیپلماسی گفتمانی فلسطین و ظرفیت‌های نوین رسانه‌ای»، فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین، سال اول، شماره نخست، تابستان ۱۳۹۷، صص ۷۷-۵۴.
- تقوی رضوانی، فاطمه؛ سلطانی‌فر، محمد؛ حسینی دانا، حمیدرضا؛ درزبان رستمی، حسن (۱۴۰۲). «دیپلماسی دیجیتال ابزاری برای توانمندسازی دولت‌ها: تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌های راهبردی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، صص ۲۶۸-۲۱۹.
- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۸۹). «رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی با سرمایه اجتماعی سرپرستان خانوار در شهر خورموج»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۶۹-۱۴۸.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۶). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. انتشارات صفار، اشرافی.
- زمانیان، معصومه؛ شریفی، سید مهدی؛ شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ نرگسیان، عباس (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال امریکا، بریتانیا، چین و روسیه»، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، سال هفتم، شماره اول، صص ۴۴-۱۱.
- سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا؛ مظفری، هانیه (۱۳۸۸)، «اهداف و پیامدهای جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه غزه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره دوم، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، صص ۵۶-۲۷.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ قرائتی، علیرضا؛ کربلایی حاجی اوغلی، حسن (۱۳۹۳). «دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال نهم، شماره بیست و چهارم، بهار ۱۳۹۳، صص ۹۹-۸۹.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). *قدرت ارتباطات*، ترجمه محمد آذری نجف‌آبادی، تهران: دفتر نشر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سید مهدی، (۱۳۸۹). «نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی»، چاپ اول، تهران: همشهری.

Alamsyah, A., Wijaya Muharam, A., & Puteri Ramadhani, D. (2024). "Polarized narratives in digital spaces: A social network examination of the Gaza conflict", *International Conference on Data Science and Its Applications (ICoDSA)*.

Almustafa, A. (2024). "Digital uprising: Palestinian activism in the cyber colonial era", *FWU Journal of Social Sciences*, Vol. 18, No.3, Fall.

Al-Qousi, D. S. S. A. (2024). "The role of the Palestinian resistance in invoking Yemeni military thought to strike Israeli strategies in the Southern Red Sea 1971-1973", *Journal of the Faculty of Education*.

Al-Rawi, H. (2021). "The Role of Social Networks in Hamas' Success." *Middle Eastern Studies Journal*.

Amer, M. (2024). "Critical multimodal discourse analysis: A case of a Palestinian movement". *An-Najah University Journal for Research, B (Humanities)*, 38 (1), Article 7.

Aouragh, M. (2011). *Palestine Online: Transnationalism, the Internet and the Construction of Identity*. I. B. Tauris.

Bartal, S. (2023). "The internal war between Hamas vs. Fatah. Daxiyangguo", *Instituto Superior de Ciencias Sociais e Políticas*, 89-110.

Berridge, G. R. (2010). *Diplomacy: Theory and Practice*, (2nd ed). Palgrave.

Braun, Virginia; Clarke, Victoria. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, No.3, pp. 77-101.

Cohen, D. (2016). *From resistance to regional involvement: Hezbollah's changing role amid the Syrian civil war*. Brandeis University.

Coleman, G. (2010). "Ethnographic Approaches to Digital Media", *Annual Review of Anthropology*, 39, pp. 487-505.

Eggeling, K. A. (2023). *Digital Diplomacy*. In Oxford Research Encyclopedia of International Studies.

El Kurd, D. (2022). "Gateway to dissent: The role of pro-Palestine activism in opposition to authoritarianism", *Democratization*, 29 (7), pp. 1230-1248.

Fasinu, E. S., Smith, J. D., & Johnson, M. R. (2024). "Digital diplomacy in the age of social media: Challenges and opportunities for crisis communication", *African Journal of Social Sciences and Humanities*, 7 (3), pp. 24-38.

Giddens, A. (2017). "The Role of Visual Media in Political Campaigns", *Global Media Journal*, Vol. 8, No. 1, Spring.

Green, J.A. (2022), "The Rise of Twiplomacy and the Making of Customary International Law on Social Media", *Chinese Journal of International Law*, 21(1), pp. 1-53.

Hancock, J., Smith, P., Turner, L., & Johnson, S. (2016). "The impact of short videos on public

- awareness and engagement”, *International Journal of Communication Studies*, 28 (4), pp. 215-230.
- Hansen, M. B. N. (2004). *New Philosophy for New Media*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Mazzarella, W. (2010). “The Myth of the Multitude, or, Who’s Afraid of the Crowd?”. *Critical Inquiry*, 36 (4), pp. 697-727.
- Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, PublicAffairs.
- Qasem, A., & Hussein, A. (2018). “Law and Order” vs. “Injustice and Defiance”: Al Jazeera and CNN framing of the 2017 Temple Mount/Al Aqsa Mosque crisis”, *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 9 (1), pp. 25-34.
- Roulston, K. (2001). “Data analysis and ‘theorizing as ideology’”, *Qualitative Research*, 1 (3), pp. 279-302.
- Setyadi, Z. P., & Sani, A. (2024). “Analisis sistem diplomasi digital pada website Indonesia Youth Foundation dengan metode Importance Performance Analysis”, *Jurnal Publikasi Sistem Informasi dan Manajemen Bisnis (JUPSIM)*, 3 (1), pp. 147-155.
- Warshagha, A. Z., Ang, P. S., & Huan, C. (2024). “Comparative framing of the Palestinian-Israeli conflict in newspapers: An analysis of affect”, *GEMA Online Journal of Language Studies*, 24 (3), pp. 112-130.
- Yarchi, M. (2024). *Digital Diplomacy During Wars and Conflicts*, In Oxford University Press, pp. 619-636.



The Zionist Regime's Cultural Diplomacy Strategies in Normalizing Relations with the United Arab Emirates^{1*}



10.22034/CDRJ.2025.499199.1037

Mohammad Javad Ghasemian Nick

PhD Student of Future Studies, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Researcher, Institute for Security and Development Studies, Tehran, Iran
m.ghasemian@isu.ac.ir



0009-0003-5720-8347

Mohammad Hossein Shoa'ee

Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Correspondence Author)
shoaee@isu.ac.ir



0000-0001-9701-3585

ABSTRACT

The Zionist regime is engaged in identity and legitimacy issues among the people and countries of the West Asian region and uses all means to solve them, and normalizing relations is one of the main options for resolving this crisis. If this process extends from the government space to the people, this relationship will be sustainable. Therefore, the Zionist regime has taken steps using cultural diplomacy to create a way to penetrate the region and Iran in addition to creating strong allies. This research, which was conducted using the method of document study and semi-structured interviews with expert figures until saturation was reached and in the data processing stage, using the content analysis method, seeks to examine the tools and components of the Zionist regime's cultural diplomacy in the issue of normalizing relations with the UAE in order to identify the ways of its cultural influence in different countries. The findings were obtained in the form of 30 organizing themes and 6 overarching themes: "Public Diplomacy, Tools and Components", "Requirements and Backgrounds for Normalizing Relations with the Zionist Regime", "Normalizing Relations with the Islamic Republic of Iran (Making Enemies)", "The Importance of the West Asian Region, Especially the UAE (Making the Groundwork)", "Key Players", and "The Perspective of the Zionist Regime's Relations with the West Asian Region", each of which was described in detail in accordance with the research questions.



CC BY NC SA

Received: 11/01/2025
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Cultural Diplomacy,
Zionist regime,
United Arab
Emirates,
Normalization of
Relations.

1. This paper is an excerpt from the thesis titled "The Zionist Regime's Cultural Diplomacy in the West Asian Region; Emphasis on the Emirates and the Process of Normalizing Relations" and was defended under the guidance of Mohammad Hossein Shoa'ee at the Faculty of Islamic Studies, Culture and Communications, Imam Sadiq University (AS) on 2023/1/10.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی^{*۱}



10.22034/CDRJ.2025.499199.1037

محمدجواد قاسمیان نیک

دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)، پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، تهران، ایران

m.ghasemian@isu.ac.ir

0009-0003-5720-8347

محمدحسین شعاعی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mshshoae1392@gmail.com

0000-0001-9701-3585



چکیده

رژیم صهیونیستی، درگیر مسائل هویتی و مشروعیت‌یابی در بین مردم و کشورهای منطقه غرب آسیا بوده و برای حل آن از تمامی ابزارها استفاده می‌کند و عادی‌سازی روابط، از گزینه‌های اصلی در حل این بحران است. اگر این فرآیند از فضای دولتی به مردم تسری یابد، این ارتباط پایدار خواهد بود؛ ازاین‌رو رژیم صهیونیستی با استفاده از دیپلماسی فرهنگی می‌کوشد علاوه بر ایجاد متحدان قوی، راه نفوذی به منطقه و ایران ایجاد کند. این پژوهش که با روش مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با شخصیت‌های خبره تا رسیدن به اشباع اجرا و در مرحله پردازش داده، با روش تحلیل مضمون انجام شده است، در پی بررسی ابزارها و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در موضوع عادی‌سازی روابط با کشور امارات بوده تا راه‌های نفوذ فرهنگی آن را به کشورهای مختلف بررسی کند. یافته‌ها در قالب ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر «دیپلماسی عمومی، ابزارها و مؤلفه‌ها»، «دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی»، «عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران»، «اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات (بسترسازی)»، «بازیگران کلیدی» و «چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا» حاصل شد که شرح و تفصیل هرکدام متناسب با پرسش‌های پژوهش بیان شد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲



واژگان کلیدی:

دیپلماسی فرهنگی، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، عادی‌سازی روابط.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ای با عنوان «دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا؛ با تأکید بر امارات و فرایند عادی‌سازی روابط» با راهنمایی محمدحسین شعاعی است که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ در دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) دفاع شده است.
* مطالب مندرج در فصلنامه «مبانی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است» و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس نامشروع خود (۱۴ می ۱۹۴۸) تاکنون به‌عنوان کشوری استکباری، متخاصم و متجاوز در منطقه غرب آسیا شناخته می‌شود. این هویت صهیونیستی، سال‌های متمادی در اذهان مردم منطقه نقش بسته است، اما با شروع فرایند عادی‌سازی روابط با برخی کشورهای عربی به‌ویژه امارات، در حال تغییر، بازسازی و بهسازی است؛ فرایندی که طی آن، کشورهای مسلمان عربی و یا کشورهایی که این رژیم را به رسمیت نمی‌شناختند، به‌مرور از مواضع قبلی خود پایین آمده و رژیم صهیونیستی را کشوری مستقل قلمداد می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در سخنانی درباره علت تشکیل این حکومت جعلی می‌فرماید: «هدف اصلی و نزدیک غربی‌ها از ایجاد دولت صهیونیست، بنای یک پایگاه حضور و نفوذ دائمی برای خود در غرب آسیا برای دخالت، تحمیل و تسلط بر کشورها و دولت‌های منطقه بود» (<https://khl.ink/f/45665>). این هدف صرفاً با نمایش ابزارهای پیشرفته نظامی و افزایش مراودات اقتصادی انجام‌پذیر نیست؛ بلکه برجیدن بذر نفرت از رژیم صهیونیستی از ذهن مردم به‌ویژه جوانان و نسل آینده، نیازمند استفاده از روش‌های مختلف نفوذ در اذهان و افکار مردم منطقه است. پس از برآورده شدن این هدف، رژیم صهیونیستی به‌سهولت می‌تواند با همراه کردن دیگر کشورهای منطقه غرب آسیا، به مقابله تمدنی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی با دشمن دیرینه خود یعنی جمهوری اسلامی پردازد. براین اساس، استفاده از دیپلماسی فرهنگی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای این امر از سوی رژیم صهیونیستی، مورد انتظار است.

دیپلماسی عمومی در رژیم صهیونیستی، سیاستی است که از سال ۱۹۶۹ میلادی در زمان تصدی‌گری گلد/مئیر^۱ بر کرسی نخست‌وزیری این رژیم با مفهومی به نام هسبارا^۲ آغاز شد و پس طی فرازونشیب‌هایی، اکنون نیز با قوت بسیار بیشتری درحال فعالیت است، تاجایی‌که اکنون یک شورا و قرارگاه عالی با همین عنوان در ساختار دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی وجود دارد تا این موضوع را به‌صورت جدی و با هزینه‌ای هنگفت پیش ببرد.

1. Golda Meir
2. Hasbara

هدف اولیه و اصلی آن‌ها هرچه بیشتر تحت تأثیر قرار دادن یهودیان و ترغیب آنان به پذیرش ایده صهیونیسم و مهاجرت به فلسطین (آهوپی و متین‌جاوید، ۱۳۹۲: ۱۸۵) بوده که اکنون و پس از گذشت سال‌ها، این هدف دچار تحولاتی شده است و به دنبال ایجاد یک نفوذ دائمی در کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای منطقه غرب آسیاست.

در ادبیات دیپلماسی فرهنگی بازیگر مردمی - دولتی با بهره‌گیری از برخی ابزارها و روش‌های اقناعی از طریق رسانه‌های سنتی و جدید، صنایع فرهنگی مثل صنعت گردشگری، فعالیت‌های اجتماعی انسان‌دوستانه و غیره (جی هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۳۲۱) بر اذهان و نگرش‌ها و رفتار ملت و مردم به‌ویژه جوانان و نسل جدید، تأثیر گذاشته و دولت منافع مدنظر خود را به صورت تلویحی کسب می‌کند. در اینجا از یک سو با در نظر گرفتن رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر دولتی و از سوی دیگر مردم غرب آسیا که اکثراً در مقابل پمپاژهای خبری مغرضانه رسانه‌های غربی علیه گفتمان مقاومت قرار دارند، پازل دیپلماسی فرهنگی تکمیل شده و رژیم صهیونیستی می‌تواند با استفاده از ابزارهای مختلف فرهنگ در عرصه بین‌الملل، هدف خود را در دسترس دیده و به آن نزدیک شود.

همان‌طور که بیان شد، اصلی‌ترین راهکار در این مسیر استفاده از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی است. ابزارهایی چون گردشگری، غذا، رسانه، گفت‌وگوهای دینی، ارتباطات دانشگاهی، ورزش و فناوری. این موارد به‌خودی‌خود می‌توانند بر نگرش مردم تأثیر آنی و لحظه‌ای داشته باشند (مثل رسانه) و برخی دیگر (مثل غذا) به‌مرور و در صورت استمرار، به عمق اذهان مردم نفوذ می‌کند.

در هر صورت در رهگذر کم‌رنگ شدن آرمان فلسطین و استحاله اصول اصیل اسلامی مثل «مقاومت اسلامی» و جایگزین کردن آن با مفاهیمی چون هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان مختلف با یکدیگر و تبدیل اسلام فعال و مجاهد به اسلام‌های رحمانی، جایگاه و نقش رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا ارتقا و رشد خواهد یافت و در نهایت این نفوذ فرهنگی، به مقاصد راهبردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود نزدیک‌تر می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با

استفاده از چهارچوب نظری دیپلماسی فرهنگی به بررسی مفهوم، سابقه، روش‌ها، ابزار و راهکارهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی پردازد و به این پرسش پاسخ دهد که دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی از چه مؤلفه‌ها و راهبردهایی تشکیل شده است.

۱. مبانی مفهومی دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی را می‌توان تلاش بازیگر برای مدیریت محیط بین‌المللی به وسیله شناساندن منابع و دستاوردهای فرهنگی خود به خارج یا تسهیل انتقال آن‌ها به خارج تعریف کرد. این کار اغلب با مبادلات هم‌پوشانی دارد و اغلب کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (کال، ۱۳۹۰: ۲۰).

دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهایی است که با استفاده از آن یک کشور دیده‌شدن خود را در صحنه جهانی افزایش می‌دهد و نفوذ سیاسی و اقتصادی به دست می‌آورد. یک کشور با جلب توجه به فرهنگ‌ها، سنت‌ها، سبک زندگی و از طریق ترویج صادرات به‌گونه‌ای که سبب جذابیت آن برای سایر ملت‌ها و گروه‌های منطقه‌ای شود، این کار را انجام می‌دهد. این دستاورد با استفاده از مأموریت‌های فرهنگی از طریق آموزش و تربیت، با تأکید بر هنر، ورزش و رسانه انجام می‌شود (جی هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۳۲۶).

اگرچه هیچ تعریف یا توافقی بر سر مفهوم دیپلماسی فرهنگی وجود ندارد، اما می‌توان آن را مهم‌ترین روشی دانست که کشورها ارزش‌های فرهنگی - سیاسی خود را به‌واسطه آن در سایر نقاط جهان ترویج می‌دهند. انگاره اصلی دیپلماسی فرهنگی این است که به مردم فرصت دهد تا به فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف دسترسی داشته باشند و در این روش به بهبود درک متقابل و گفت‌وگو دست یابند. دیپلماسی فرهنگی توسط طیف وسیعی از بازیگران از جمله دولت‌های ملی، نهادهای دولتی و بخش خصوصی و جامعه مدنی انجام می‌شود (چاکر ابورتی، ۱۳۹۹: ۴۸).

دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. ممکن است پیشبرد منافع ملی با به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی نتواند جایگزین سایر ابزارها همانند ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی شود، اما می‌تواند مکمل آن‌ها باشد (اسفندیاری و صادقی، ۱۳۹۶: ۳۷).

صالحی امیری و محمدی نیز دیپلماسی فرهنگی را حوزه‌ای از دیپلماسی نوین دانسته‌اند که سعی در ایجاد و توسعه روابط با کشورهای خارجی از طریق ابزارهایی چون فرهنگ، هنر و آموزش دارد (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

۱-۱. ویژگی‌های دیپلماسی فرهنگی

شناخت مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دیپلماسی فرهنگی ما را در فهم بهتر گستره این مفهوم یاری خواهد کرد. اشنایدر هفت ویژگی شاخص را برای دیپلماسی فرهنگی برشمرده است:

- دیپلماسی فرهنگی خیابانی دوطرفه است؛
- دیپلماسی فرهنگی در طولانی مدت عمل می‌کند؛
- دیپلماسی فرهنگی برای سیاست‌های غیرمردمی کارساز نیست؛
- دیپلماسی فرهنگی می‌تواند میان مردمان و فرهنگ‌های مختلف تفاهم را افزایش دهد؛
- دیپلماسی فرهنگی را نمی‌توان به شکل دقیق اندازه‌گیری کرد. این دیپلماسی تحولی کیفی و نه کمی میان ملت‌ها و افراد ایجاد می‌کند؛
- دیپلماسی فرهنگی زمانی تأثیرگذار است که در جهت منافع کشور یا منطقه باشد؛
- دیپلماسی فرهنگی باید سازنده، انعطاف‌پذیر و موقعیت‌شناس باشد (Schneider, 2006: 196؛ به نقل از شهبازی، ۱۳۹۹).

۱-۲. قلمروها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی

پژوهشگران مختلف بسته به نوع تعریفشان از فرهنگ و دیپلماسی، قلمروهای متعددی را برای دیپلماسی فرهنگی در نظر گرفته‌اند. اگر قرارداد کنیم فرهنگ یک جامعه و کشور از ابعادی نظیر، تاریخ، مذهب، نژاد، ادبیات، تفریحات، نظام اقتصادی، نظام علم و علم‌آموزی، اطلاعات و نظام حکمرانی مشتمل شده است، آنگاه می‌توان دیپلماسی فرهنگی را به شعبه‌هایی نظیر دیپلماسی زبانی، دیپلماسی نژادی، دیپلماسی دینی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی آموزشی، دیپلماسی تاریخی و دیپلماسی رسانه‌ای تقسیم کرد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

۲. پیشینه پژوهش

مرتضی قانون (۱۳۸۱) به بررسی علل و انگیزه‌های مؤثر در تحکیم و گسترش روابط بین ایران و رژیم صهیونیستی پیش از انقلاب اسلامی و در زمان پهلوی دوم پرداخته است. در پژوهشی دیگر ردپای حضور رژیم صهیونیستی در سال‌های نزدیک‌تر در کشورهای عربی توسط امین مصطفی (۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفته است تا ردپای حضور این رژیم در کشورهای اسلامی - عربی و خیانت‌های پشت‌پرده آن به آرمان فلسطین را برملا سازد. نقش و اهمیت جمهوری اسلامی ایران در بحث نفوذ بسیار بالاست. به همین دلیل بابایی (۱۳۹۷) و احمدی (۱۳۹۷) پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود را به این موضوع اختصاص دادند تا ریشه نفوذ رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. آهویی و متین‌جاوید (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نام «اهداف، اولویت‌ها و مخاطبان دیپلماسی عمومی اسرائیل» و شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با نام «درآمدی بر دیپلماسی عمومی اسرائیل به صورت موردی و جزئی» دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی یا به عبارت دیگر هسبارا را مورد کنکاش قرار داده‌اند تا علاوه بر مشخص شدن راهکارهای این رژیم، نقاط قوت و ضعف این راهبرد را بررسی کنند.

در مقاله بسیار مهم «دیپلماسی عمومی نوین و سیاست خارجی اسرائیل» اثر ایتان گیلپوا (۱۳۸۷) پژوهشگر سرشناس اسرائیلی امریکایی با نگاهی دیگر به مطالب یادشده، دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی را از داخل مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهد. مقاله‌ای دیگر توسط ملکی و محمدزاده (۱۳۹۹) حاضر شده که بر اساس نظریه نوواقع‌گرایی پدیده عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب را مورد کنکاش قرار داده است. پژوهش‌های دیگری مثل علی‌کرمی و شریعتی (۱۳۹۳) و شفیعی سروستانی و همکاران (۱۳۹۴) به عوامل مؤثر ولی جزئی در مبحث دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های دیگری همچون گوهری مقدم و همکاران (۱۴۰۱) که پژوهشی مهم روی شبکه اجتماعی توییتر بوده است، موضوع عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات مورد بررسی قرار گرفته، اما به

دلایل انجام این کار و همچنین ربط و نسبت این اقدامات به دیپلماسی فرهنگی اشاره‌ای نشده است. در مجموع باید گفت، پژوهشی که ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی را مورد بررسی دقیق علمی قرار دهد، یافت نشد؛ از این رو پژوهشگر برای رسیدن به پرسش پژوهش، نوآورانه سعی در طی طریق می‌کند.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش در مرحله گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و علاوه بر آن، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با شخصیت‌های مطلع از موضوع رژیم صهیونیستی تا رسیدن به اشباع و کفایت نظری است. در مرحله پردازش داده نیز تحلیل مضمون مصاحبه‌ها صورت پذیرفته است.

۴. گردآوری داده‌ها

۴-۱. روش مطالعه کتابخانه‌ای

مطالعات کتابخانه‌ای هرچند در گذشته نوعی روش تحقیق به حساب می‌آمده، اما امروزه بیشتر در گردآوری اطلاعات پیرامون تاریخچه موضوع مورد پژوهش به کار گرفته می‌شود. روش پژوهش اسنادی، هم به منزله روشی تام و هم تکنیکی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های نظری در جامعه‌شناسی، خواسته یا ناخواسته، از روش اسنادی بهره می‌برند. چنین روشی می‌تواند تکنیک‌های لازم را برای بررسی پیشینه پژوهش‌ها فراهم آورد (ببی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

۴-۲. روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته

در قسمت دوم و اصلی این تحقیق نیز از روش مصاحبه برای گردآوری اطلاعات اصلی استفاده شده است. در میان فنون جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی، مصاحبه رایج‌ترین

شکل جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی است که اغلب منبع اصلی مورد نیاز در داده‌های کیفی برای فهم پدیده‌های مورد مطالعه است. یکی از پرکاربردترین تکنیک‌های گردآوری اطلاعات به‌ویژه در ایران مصاحبه است. در این شیوه از مصاحبه، تعداد پرسش‌های نیمه‌باز و پرسش‌های باز در مقایسه با مصاحبه سازمان‌یافته بیشتر است و مصاحبه‌گر در هدایت فرایند مصاحبه از آزادی عمل بیشتری برخوردار است و در مواردی که توضیح پاسخ‌گو را کافی نداند این اختیار را دارد که از پاسخ‌گو توضیح بیشتری بخواهد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۹۰: ۷۲). در این پژوهش با مصاحبه از یازده نفر از افراد خبره، مطلع و آشنا به موضوعات رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، دیپلماسی فرهنگی و عمومی به اشباع نظری رسیده‌ایم. پرسش‌های مصاحبه و فهرست مصاحبه‌شوندگان به شرح ذیل است.

جدول شماره ۱. پرسش‌های مصاحبه

ردیف	پرسش‌ها
۱	تاریخچه دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی چیست؟
۲	دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در سیاست‌های منطقه‌ای از چه جایگاهی برخوردار است؟
۳	هدف رژیم صهیونیستی از تقویت روابط فرهنگی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس چیست؟
۴	چرا رژیم صهیونیستی از دیپلماسی فرهنگی استفاده می‌کند؟
۵	ابزارهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در موضوع عادی‌سازی روابط با امارات متحد عربی کدام‌اند؟
۶	آیا این تحولات در روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای خلیج فارس می‌تواند به تحولات بزرگ‌تر در منطقه غرب آسیا یا جهان اسلام منجر شود؟
۷	چرا دیپلماسی دینی و فرهنگی بین رژیم صهیونیستی و امارات مهم است؟
۸	عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات چه تأثیری بر معادلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته و خواهد داشت؟
۹	عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات چه تأثیری بر منطقه غرب آسیا داشته و خواهد داشت؟
۱۰	فرایند عادی‌سازی روابط چرا و چگونه صورت می‌گیرد؟ نقش دیپلماسی فرهنگی در این بین چیست؟

جدول شماره ۲. مصاحبه شوندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	معرفی اجمالی (سمت/تخصص)
۱	محسن ارتضایی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۲	محمد محمدی	کارشناس ارشد مسائل امنیت ملی و سیاست خارجی
۳	سلیمان رضوی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی و فلسطین
۴	احمد قانع	عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و نماینده مقام معظم رهبری در سال ۲۰۲۱ در دبی
۵	جعفر رضوی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل فلسطین
۶	بردیا عطاران	دکترای فرهنگ و ارتباطات و کارشناس مسائل دیپلماسی عمومی و منطقه خلیج فارس
۷	ابوالفضل بابایی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۸	علی محمدی	کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی و منطقه شامات
۹	محمد محسن فاضلی	کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۱۰	حسین محمدی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۱۱	وحید مردانه	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل فلسطین

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱. روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود و برخلاف سایر روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا و روش تحلیلی پدیدارشناسی تفسیری، به چهارچوب نظری خاصی وابسته نیست می‌توان و از آن در چهارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد (Braun & Clarke, 2006)؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر از این روش برای تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد.

در این روش، محقق کدها را بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و علائم، شاخص‌ها و شواهدی را که با این نظریه حمایت می‌شوند، می‌شناسد و کدگذاری می‌کند. کدهای مرتبط با هر مضمون نیز از فرضیه‌ها و مؤلفه‌های نظریه مورد نظر استخراج می‌شود. بررسی ادبیات نظری، درک مناسبی برای شناخت مضامین فراهم می‌کند. کدهایی را که سایر پژوهشگران به کار برده‌اند و نتایج تحقیقات آن‌ها، به توسعه کدها در روش مبتنی بر تحقیقات گذشته، مستقیماً

کمک می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

به‌طور کلی و ناظر به مراحل تحلیل مضمون ارائه‌شده توسط براون و کلارک (۲۰۰۶) می‌توان گفت تحلیل مضمون شامل مراحل شش‌گانه زیر است:

ارتباط با متن، کدگذاری، شناخت مضامین سازمان‌دهنده، رسم شبکه مضامین فراگیر، تحلیل مضامین فراگیر، و تدوین نهایی و تحلیل گزارش (Braun & Clarke, 2006).

۶. یافته‌های پژوهش

مبتنی بر روش تحلیل مضمون، ابتدا فرایند کدگذاری مصاحبه‌ها به‌صورت کامل انجام شد و پس از آن توضیحات لازم پیرامون هر مرحله از کدگذاری و تفصیل مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر به‌دست‌آمده بیان شد.

■ کدگذاری توصیفی و تفسیری

نخستین مرحله از فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون، کدگذاری توصیفی است. در این مرحله ابتدا تمامی مصاحبه‌ها به‌صورت متنی پیاده شده و پس از آن، ۲۹۷ کد اولیه استخراج شد و در مرحله دوم، با کنار هم قرار دادن موارد مرتبط و دسته‌بندی کدهای اولیه، در مجموع ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد.^۱

■ یکپارچه‌سازی مضامین فراگیر

در گام پایانی فرایند تحلیل داده‌ها، ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده مرحله قبل در قالب شش مضمون فراگیر دسته‌بندی شد تا بدین‌سان مراحل روش تحلیل مضمون طی شده باشد. جدول شماره ۱ نمایانگر مرحله یکپارچه‌سازی و ایجاد مضامین فراگیر است.

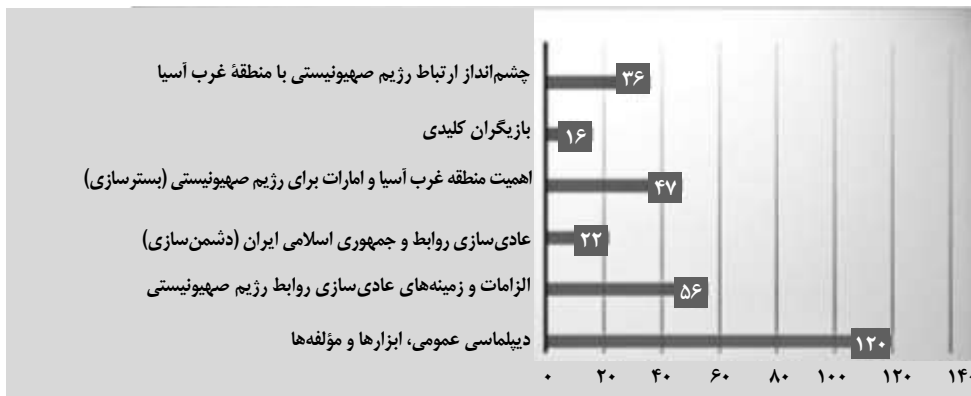
۱. این موارد به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، در جدول پیوست نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳. مضامین سازمان دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	ردیف
ابزارها و مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی	مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی	۱
	دیپلماسی دینی	
	دیپلماسی علم و فناوری	
	دیپلماسی ورزشی	
	دیپلماسی رسانه‌ای	
	دیپلماسی گردشگری	
	دیپلماسی غذایی	
	نقش شرکت‌های خصوصی و سمن‌ها	
دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی	نفوذ امنیتی	۲
	دلایل عادی‌سازی روابط	
	وجهه منفی مردمی	
	کاهش پیگیری آرمان فلسطین / مشروعیت‌یابی	
	بهبود برند و تصویر	
قبح‌زدایی		
عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران	نقش و اقدامات جمهوری اسلامی ایران	۳
	تأثیر مستقیم بر جمهوری اسلامی ایران	
اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات برای رژیم صهیونیستی (بسترسازی)	اهمیت منطقه غرب آسیا	۴
	الگوسازی امارات	
	ضعف‌های ساختاری امارات	
	فرصت‌های حضور در امارات	
	قراردادهای تجاری و اقتصادی	
	مراودات نظامی و تسلیحاتی	
اهمیت منطقه خلیج فارس		
بازیگران کلیدی	نقش و اقدامات ایالات متحده آمریکا	۵
	نقش و اهمیت عربستان سعودی	
چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا	حل‌کننده بحران و نیازها	۶

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	ردیف
	قوت بالا در علم و فناوری	
	تاریخچه دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی	
	پایداری ارتباط رژیم صهیونیستی با امارات	

نمودار شماره ۱ حاکی از این است که بیشتر پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه مؤلفه‌ها و ابزار دیپلماسی عمومی بوده که به صورت غیرمستقیم و ملموس بیانگر این نکته است که رژیم صهیونیستی از دیپلماسی فرهنگی برای اقدام در زمینه عادی‌سازی روابط بهره برده است. در ادامه به بررسی و تحلیل تمامی مضامین فراگیر پرداخته خواهد شد.



نمودار شماره ۱. فراوانی کدهای احصاشده ناظر به مضامین فراگیر

۱-۶. تحلیل یافته‌های پژوهش

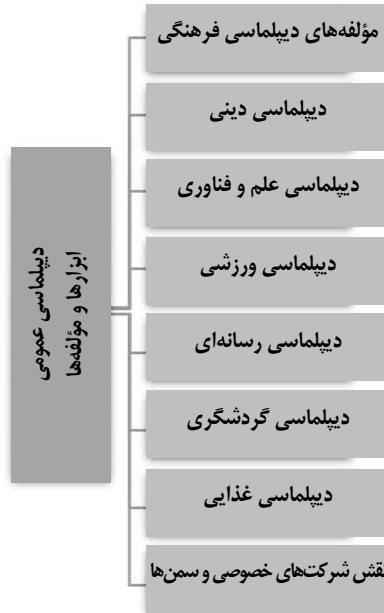
۱-۶-۱. دیپلماسی عمومی

با بیش از صد کد، فراگیرترین و اصلی‌ترین پاسخ مصاحبه‌شوندگان در این مضمون قرار گرفته است. نکته قابل اهمیت دیگر است که پرسش اصلی پژوهش نیز بر این مدار بوده و به دنبال این است که مؤلفه‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی را برشماری کند. از این مضمون می‌توان به چند نکته اصلی پی برد. ابتدا اینکه دیپلماسی فرهنگی از ابزارهای متعددی از جمله دیپلماسی دینی، دیپلماسی علم و فناوری، دیپلماسی گردشگری و غیره تشکیل شده و

رژیم صهیونیستی ناظر به هر کدام از طریق برنامه‌هایی جداگانه در حال فعالیت است. تمامی این اقدامات به واسطه اینکه مستقیم با مردم سروکار دارد، هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی یعنی مردمی‌سازی سیاست‌های کلان را انجام می‌دهد.

در کل باید گفت، مؤلفه به معنای اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده یک کل است که در اینجا کل دیپلماسی فرهنگی و اجزای آن همان اهداف ماهوی ثمرات استفاده از آن است. مواردی همچون اینکه دیپلماسی فرهنگی سبب نفوذ برنامه و سیاست حکومت به آحاد مردم جامعه هدف برای ایجاد پذیرش اجتماعی، اصلاح کلیشه‌های ذهنی، تغییر ذائقه و ایجاد تماس فرهنگی دو مردم یا عامل رسیدن بیشینه به منافع ملی، تأثیر غیرمستقیم و مستمر بر سیاست‌های جامعه هدف است.

فهم خروجی و ثمرات نهایی سیاست دیپلماسی عمومی و فرهنگی یک کشور، نیاز به فهم ساختار مجری آن و همچنین بستر مورد استفاده و بهره‌برداری است. در زمینه توافق آبراهام بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی، این نکته بسیار حائز اهمیت است که ابتدا برنامه غایی این رژیم برای برقراری و پیاده‌سازی دیپلماسی فرهنگی در مورد امارات چه بوده و چرا این کشور انتخاب شده است؟ با استفاده از نظرات کارشناسان این نتیجه حاصل شد که رژیم صهیونیستی برای هدف غایی نفوذ در بین خود مردم امارات است که این اقدام را انجام می‌دهد، زیرا اولین کشور در حاشیه خلیج فارس، مسلمان و عربی است که با رژیم صهیونیستی صلح گرم امضا کرده و خواهان افزایش مراودات در زمینه‌های مختلف است.



نمودار شماره ۲. مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی

۲-۱-۶. دیپلماسی دینی

یکی از اصلی‌ترین دلایل حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و به‌ویژه امارات متحده عربی، ایجاد ارتباطات دینی با مسلمانان است. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که با ایجاد این ارتباط به‌مرور در ذهن نخبگان مذهبی جوامع اسلامی که اغلب در مناسبات سیاسی و اجتماعی بسیار تأثیرگذارند، نفوذ کرده و بذر این نکته را که یهودیت راستین همین صهیونیسم و رژیم صهیونیستی است، در ذهن و افکار ایشان کاشته شود. این نفوذ فکری در نهایت به این نتیجه می‌انجامد که رژیم صهیونیستی نظامی برپاشده بر اساس دین الهی یهودیت بوده و دارای مشروعیت است. این هدف از طریق اقداماتی مانند برپایی مجدد کنیسه، حضور خاخام‌های یهودی صهیونیست در کشور امارات صورت گرفته است که دربردارنده ثمرات زیادی برای رژیم صهیونیستی بوده است.

۳-۱-۶. دیپلماسی علم و فناوری

از اصلی‌ترین نقاط قوت و تکیه‌گاه‌های اصلی رژیم صهیونیستی در زمینه دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی علم و فناوری است، چراکه یکی از سرآمدان این عرصه در منطقه و حتی در برخی موضوعات در جهان است. قوت بالای علم و فناوری رژیم صهیونیستی سبب شده تا دانشگاه‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌ها و حتی وزارتخانه‌های رژیم و امارات متحده عربی مراودات خود را آغاز کنند و به ثمر بنشانند؛ از ایجاد بسترهای مناسب همکاری علمی، پژوهشی و تحقیقاتی گرفته تا امضای مبادلات ساخت تجهیزات جدید مبتنی بر علوم هایتک و سطح بالا. رژیم می‌کوشد در نهایت این نکته را بین مردم و حاضران کشور اثبات کند که رژیم صهیونیستی به دنبال نابودی شما نیست، بلکه تمام تلاش خود را برای ارتقای سلامت، بهداشت و امنیت غذایی شما انجام می‌دهد. این ثمره بسیار مهم است، چراکه سبب تغییر ذائقه و نگرش مردم نسبت به رژیم صهیونیستی می‌شود.

۴-۱-۶. دیپلماسی ورزشی

با توجه به ذات ورزش که مبتنی بر مردم است، رژیم صهیونیستی از این طریق به دنبال ایجاد ارتباط بین مردم خود و امارات و در ادامه مردم دیگر جوامع اسلامی است. اهتزاز پرچم رژیم صهیونیستی در مسابقات ورزشی و پخش سرود این رژیم از اتفاق‌هایی است که ظاهراً اهمیت بالایی ندارد، اما زمینه‌ساز تماس فرهنگی مردم امارات و دیگر کشورهای اسلامی مانند قطر با رژیم صهیونیستی شده و در نهایت برپایی مسابقات بین‌المللی ورزشی مشترک، حضور نمایندگانی از این رژیم در مسابقات مختلف در کشورهای اسلامی و در نهایت دستیابی به هدف به رسمیت شناختن این رژیم را از جانب مردم امارات و دیگر کشورهای منطقه سبب می‌شود.

۵-۱-۶. دیپلماسی رسانه‌ای

رژیم صهیونیستی با در دست داشتن ابزار دیپلماسی رسانه‌ای توسط شبکه‌های اجتماعی کاربرمحور به‌ویژه توئیتر، خبرگزاری‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی قدرتمند، دائماً در بر ذهن مردم جهان و امارات این تأثیر را گذاشته است که رژیم صهیونیستی با حضور در امارات به دنبال

افزایش مراودات به‌منظور برپایی و ایجاد صلح در منطقه است.

ابزارهای دیگر مانند ساختن مستند، برنامه‌های تلویزیونی، ایجاد شبکه تلویزیونی مستقل در امارات یا حتی ساختن فیلم و سریال در امارات نیز در حال استفاده از سوی رژیم صهیونیستی است تا از این طریق نیز با پمپاژ نکات مثبت از خود، پایداری‌اش را در امارات تقویت کرده و راه حضور در سایر کشورها را نیز باز کند.

۶-۱-۶. دیپلماسی گردشگری

از نخستین و مهم‌ترین اتفاق‌هایی که با پیمان آبراهام بین رژیم صهیونیستی و امارات صورت گرفت، باز شدن خط مستقیم پرواز تل‌آویو - دبی و لغو ویزای گردشگری برای طرفین بود. این اتفاق را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد؛ نخست اینکه راه حضور تجار و گردشگران اسرائیلی در امارات باز شد و نکته مهم بعدی این بود دیگر رژیم می‌توانست از آسمان امارات و دبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع ارتباطی (هاب) منطقه غرب آسیا و خلیج فارس برای سفرهای خود بهره ببرد. تاحدی که در پیش‌بینی‌های مسئولان ذی‌ربط، تا سال ۲۰۳۰ بیش از نیمی از ساکنان رژیم صهیونیستی از امارات دیدن می‌کنند. این حضور و افزایش تماس فرهنگی سبب ارتباطات بین‌مردمی شده و دیگر ارتباط با فردی از رژیم صهیونیستی در کشورهای اسلامی عمل قبیحی قلمداد نخواهد شد.

نکته قابل ذکر و اتفاق مهم دیگری که در سال ۲۰۲۱ رخ داد، نخستین حضور رژیم صهیونیستی در نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ دبی بود. این حضور و مشارکت به‌وضوح از نخستین گام‌های پیمان طرفینی برای معرفی رژیم صهیونیستی به‌عنوان کشوری حامل پیام صلح به جهانیان به‌ویژه گردشگران مسلمان حاضر در نمایشگاه بود.

۶-۱-۷. دیپلماسی غذایی

دیپلماسی غذایی به‌خودی‌خود عامل انتقال فرهنگ و سبک زندگی طرفینی است؛ یعنی با حضور یک غذا یا طرز تهیه آن از سرزمین‌های اشغالی و یا تأکید بر اصول «کوشر»، استاندارد غذایی

یهودیان، راه حضور و ارتباط فرهنگی مردم باز شده است. این موضوع افزون بر مراودات بالای گردشگری رژیم صهیونیستی با امارات، ضریب نفوذ را چندین برابر کرده و به‌مرور راه حضور و سکونت دائمی یهودیان صهیونیست در امارات و سایر کشورها را هموار می‌کند.

۲-۶. نقش شرکت‌های خصوصی و سمن‌ها

نمی‌توان نقش سمن‌ها و شرکت‌های خصوصی در دیپلماسی فرهنگی را به‌عنوان ابزاری قدرتمند انکار کرد. اگر حضور هر کدام از شرکت‌های تجاری خصوصی مانند مجموعه‌ها و شرکت‌هایی از رژیم صهیونیستی را که معمولاً توسط افسران سابق نظامی و امنیتی اداره می‌شوند، در امارات دنبال کنیم، به این نکته خواهیم رسید که آن‌ها می‌توانند مستقیم عامل رژیم صهیونیستی یا هر کشور دیگری باشند. این موضوع سبب می‌شود با استفاده از ابزار ارتباط مردمی خود (ارتباط با سایر شرکت‌های خصوصی و مجموعه‌های مردم‌نهاد) راه انتقال هدف کشور مبدأ را طی کنند؛ یعنی می‌توان سیاست اعلامی یک کشور و حاکمیت را به‌راحتی از طریق سیاست‌های اعمالی شرکتی مهم و تأثیرگذار به انجام رساند.

۳-۶. دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی

ذات عادی‌سازی روابط بین دو کشور، امری سیاسی و در جهت پیشینه‌سازی منافع ملی آن کشور است، اما وقتی کشوری از دیپلماسی فرهنگی برای این موضوع بهره می‌برد دنبال آن است تا علاوه بر پایدارسازی پیمان فی‌مابین، نفوذی هم بین مردم کشور مقابل داشته باشد تا ارتباطات مردمی را در کنار ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک دنبال کند. حال اگر رژیم صهیونیستی را یک طرف فرایند عادی‌سازی روابط از طریق دیپلماسی فرهنگی در نظر بگیریم، چند هدف دیگر افزون بر موارد اشاره‌شده قابل بیان است که در ادامه به این موارد خواهیم پرداخت.



نمودار شماره ۳. دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی

۱-۳-۶. نفوذ امنیتی

ذات برخاسته از نظامی‌گری و تأکید همیشگی بر دستگاه‌های امنیتی - نظامی توسط رژیم صهیونیستی، ردپای امنیتی - اطلاعاتی را ناظر بر هر اقدامی نشان می‌دهد. حال اگر این تعامل در منطقه غرب آسیا با آن همه رخدادها و ذات امنیتی باشد، این اماره تقویت شده و می‌توان آن را اثبات کرد. اگر قرار باشد اهداف اصلی پروژه حضور رژیم صهیونیستی در امارات و قرارداد آبراهام را بررسی کنیم، نمی‌توانیم از بحث نفوذ امنیتی این رژیم در جوامع اسلامی غافل شویم.

۲-۳-۶. دلایل عادی‌سازی روابط

عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات، عامل رهایی از انزوای راهبردی در منطقه است؛ یعنی رژیم صهیونیستی با ایجاد تصویری جدید از خود با حضور و تعامل کامل با یک کشور اسلامی و ایجاد تفاهم راهبردی در غرب آسیا، دیگر کشورهای منطقه را به سمت خود دعوت می‌کند تا با ایجاد این تفاهم، مواهب سرشاری را به‌ویژه در حوزه اقتصادی برایشان

سرازیر کند. برای نمونه، با حضور در منطقه خلیج فارس به‌عنوان شاه‌راه تجارت انرژی دنیا و با در دست داشتن دست بالا در سطح فناوری، می‌تواند بازار کشتیرانی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و منافع اقتصادی زیادی را برای خود به ارمغان آورد.

از دیگر عوامل اساسی تفاهم آبراهام و کل فرایند عادی‌سازی روابط، حفظ کیان و بالابردن امنیت برای رژیم صهیونیستی است. با این اتفاق علاوه بر گسترش هم‌پیمانان خود، تهدیدهای نظامی مقابل خود را به سمت کمینه میل می‌دهد؛ چراکه با ایجاد تفاهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای عربی و منطقه غرب آسیا از ائتلاف ایشان با جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با خود جلوگیری کرده و امنیت مرزهایش را افزایش می‌دهد.

۳-۳-۶. وجهه منفی مردمی

با توجه به ذات اشغالگری و تجاوزمآبانه رژیم صهیونیستی این نکته بدیهی است که بین مردم منطقه جایگاه و وجهه مناسب و مثبتی نداشته باشد. اگر بگوییم که یکی از اصلی‌ترین دلایل رژیم برای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی، تلاش جهت شکستن این وجهه در اذهان مردم منطقه است، نکته گزافی نیست.

۴-۳-۶. کاهش پیگیری آرمان فلسطین

آرمان آزادی قدس شریف و سکونت دوباره مردم فلسطین در اراضی اشغالی، هدفی است که توسط تمامی مردمان و حکام منطقه که با رژیم از طرفی سر عناد دارند و آن را به‌عنوان متجاوز در تمام صحنه‌های بین‌المللی معرفی می‌کنند و به رزمندگان جبهه مقابل آن کمک‌های مختلفی می‌کنند، دنبال می‌شود. اگر این رژیم بتواند با عادی‌سازی روابط با سایر کشورها به نحوی از گسترش و پیگیری این آرمان جلوگیری کند، علاوه بر کسب منفعت امنیتی یعنی کاهش تهاجمات گروه‌های مخالف به اراضی اشغالی، به‌مرور و پس از گذشت سالیان و تغییر نسل در آن کشور، این هدف و آرمان را از ذهن مردم پاک‌سازی می‌کند.

۵-۳-۶. مشروعیت‌یابی

شاید اصلی‌ترین دلیل رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی این است که برای خود مشروعیت ایجاد کند. وقتی کشوری که در مناسبات رسمی بین‌المللی

حضور دارد، رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد، به‌مرور این مشروعیت و رسمیت را به تمام دنیا تعمیم داده و رژیم را همچون یک دولت به دنیا معرفی می‌کند.

۶-۳-۶. قبح‌زدایی

رژیم صهیونیستی به‌دنبال این بود که پس از ارتباط با یک کشور اسلامی، آن را کاملاً در تمامی جوانب منتشر و اعلام کند ارتباط با اسرائیل اتفاق منفی و قبیحی نیست و شما نیز می‌توانید با این اتفاق مواهب زیادی کسب کنید. امارات به‌عنوان یک کشور اسلامی، نخستین دولتی بود که تن به صلح گرم و تفاهم همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی داد. امارات تابوی ارتباط مستقیم با رژیم صهیونیستی را شکست و این دلیلی است که رژیم می‌تواند آن کشور را یکی از اصلی‌ترین خروجی‌های ارتباطی برای خود بداند.

۶-۳-۷. بهبود برند و تصویر

تصویر و برند ملی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا بسیار نامناسب بوده است و از راهکارها و برنامه‌های مختلفی برای بهبود این تصویر استفاده می‌کند؛ چراکه نامناسب بودن تصویر یک کشور در اذهان مردم، در ادامهٔ تعامل و ارتباطشان بسیار تأثیر می‌گذارد. این تأثیر در نهایت حتی سبب جلوگیری از ارتباط سیاسی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای دیگر می‌شود، اما عادی‌سازی روابط از طریق دیپلماسی فرهنگی این امکان را به رژیم می‌دهد تا درعین‌حالی که از موهبت‌های جاری عادی‌سازی روابط بهره می‌برد، به‌مرور با نمایش نکات مثبت و نقاط قوت خود برای مردم آن جامعه، تصویر خود را تغییر داده و برند ملی‌اش را بهبود ببخشد.

۶-۴. عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران (دشمن‌سازی)

بررسی نظام تأثیرات و تأثرات عادی‌سازی روابط بین امارات و رژیم صهیونیستی بر جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف این پژوهش بوده و با توجه به اینکه در پرسش‌های اصلی پژوهش به‌صورت مستقیم به موضوع ایران اشاره‌ای نشده، ولی با توجه به اهمیت موضوع، حین مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان پرسشی در این زمینه پرسیده شد و به‌طورکلی می‌توان بیان گفت ایران در جهت مقابله با این اتفاق، اقدام مثبتی انجام نداده و باید هرچه سریع‌تر در این مسیر اقدام کند و اثرات زیان‌بار این تفاهم برای جمهوری اسلامی ایران بسیار بالاست.

۱-۴-۶. نقش و اقدامات جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران بیش از ده سال است که در امارات متحده عربی رایزن فرهنگی مستقر نداشته و تمام مراودات از سوی سفارتخانه و کنسولگری ایران انجام می‌پذیرد. این امر از آن جهت اهمیت دارد که رژیم صهیونیستی از همین خلأ ارتباط فرهنگی بین دو کشور بهره برده و به مرور طی مدت حدود دوازده سال در امارات و به‌ویژه شهر دبی نفوذ کرده است.

پس از غفلت و انفعال طولانی مدت و عدم فعالیت بهنگام و مناسب، جمهوری اسلامی باید با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی سعی در انجام و پیگیری اقداماتی در جهت ختنی‌سازی این حضور کند؛ یعنی با ایجاد ائتلاف در منطقه و تأکید بر اصول مورد اتفاق نظر در منطقه، از حضور و نفوذ بیش از حد رژیم صهیونیستی جلوگیری کند و با پیگیری‌های سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی از گسترش اقدامات و تعاملات رژیم در امارات جلوگیری کند.

۲-۴-۶. تأثیر مستقیم بر جمهوری اسلامی ایران

نزدیکی جغرافیایی ایران و امارات و هم‌مرزی دو کشور دلیل بسیار مناسبی برای حضور رژیم صهیونیستی در امارات است. اگر این توافقات ادامه پیدا کند، رسماً مرزهای امنیتی ایران در معرض تهدید مستقیم قرار می‌گیرد، چراکه این رژیم از هر اقدامی برای نفوذ به ایران بهره می‌جوید و به‌راحتی با تربیت جاسوسانی بر تمام مناسبات ایران با منطقه اثر خواهد گذاشت و حتی از آنان برای نفوذ در ایران استفاده خواهد کرد.

۵-۶. اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات برای رژیم صهیونیستی (بسترسازی)

ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین پاسخ به این پرسش که چرا رژیم صهیونیستی اقدام به برقراری عادی‌سازی روابط در حاشیه خلیج فارس را از امارات آغاز کرده این است که به‌دنبال حضور خود در منطقه و همچنین حضور در همسایگی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن خود است. با بررسی و مذاقه نهایی دلایل اهمیت این منطقه برای رژیم صهیونیستی بیان شده است که در ادامه بررسی خواهد شد.



نمودار شماره ۴. اهمیت منطقه غرب آسیا به ویژه امارات برای رژیم صهیونیستی (بستر سازی)

۱-۵-۶. اهمیت منطقه غرب آسیا

در این منطقه چهره‌های تأثیرگذار دیگری مانند عربستان و ترکیه نیز وجود دارند که به مرور و با ایجاد ارتباط دائمی با یک کشور (امارات متحده عربی) می‌توان در دیگر کشورها هم حضور داشت و مقدمات ارتباط دائمی و عادی‌سازی روابط با ایشان در آینده را فراهم ساخت. رژیم صهیونیستی همیشه با ترسی نسبت به این منطقه اقدامات خود را آغاز می‌کند، یعنی به صورت کلی و با توجه به سبقت ارتباط و جنگ‌های صورت گرفته و همچنین نقش بی‌بدیل ایران در منطقه، از قدم‌های بعدی خود در منطقه بسیار وحشت دارد. به همین دلیل با نفوذ به یک کشور، حضور اطلاعاتی خود را در منطقه با قدرت مضاعفی ادامه داده و با تکیه بر توان اطلاعاتی خود بسترهای مناسبی را برای عادی‌سازی یا حتی تغییر در کل منطقه پیگیری خواهد کرد.

۲-۵-۶. الگوسازی امارات

به جرئت می‌توان اذعان کرد امارات بستر و الگوی بسیار مناسبی برای آغاز حضور در منطقه بوده است، چراکه رژیم می‌تواند از بسترهای قوی اقتصادی این کشور در ارتباط با سایر

کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی استفاده کند و سیاست عادی‌سازی روابط خود را از همین طریق به گوش تمام منطقه برساند.

۳-۵-۶. ضعف‌های ساختاری امارات

رژیم صهیونیستی در حال استفاده از اماراتی است که جمعیت بومی آن نهایتاً ۳۰ درصد کل جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. این جامعه بومی به شدت گوش‌به‌فرمان و در خدمت حاکمان هستند و از ایشان توقع پیگیری و تمرکز بر آرمان فلسطین نمی‌رود. این دو موضوع بستر حضور پایدار را برای رژیم رقم می‌زند. علاوه بر این، وضعیت چندفرهنگ‌گرایی که در این کشور به‌واسطه حضور حدود هفتاد درصد مهاجر فراهم آمده است، این امکان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد تا خیال آسوده‌تری داشته باشد.

۴-۵-۶. فرصت‌های حضور در امارات

بستر فرهنگی مناسب امارات برای حضور یهودیان و سایر ادیان و همچنین ارتباط قدمت‌دار بین امارات و یهودیان، از اصلی‌ترین فرصت‌هایی است که رژیم صهیونیستی در امارات پیگیری می‌کند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که امارات در دهه اخیر بسیار مشتاق ارتباط گسترده در زمینه‌های مختلف با دنیاست، چراکه با تغییر ادبیات حاکمه خود به سمت سرمایه‌داری، به دنبال رشد روزافزون و فزاینده ارتباطات اقتصادی با کشورهای مختلف است و این دقیقاً فرصت مناسبی برای حضور رژیم صهیونیستی به نمایندگی از کل غرب ایدئولوژیک در امارات است.

نکته مهم بعدی درباره امارات، نقش اتصال‌دهنده آن برای ارتباط آینده این رژیم با کشورهای دیگر است. امارات می‌تواند برای رژیم صهیونیستی نقش سرپل را بازی کند؛ سرپل ارتباط با کشورهای آسیایی، کشورهای اسلامی، کشورهای منطقه و حتی کشورهای آفریقایی، زیرا ارتباط امارات با کشورهای آفریقایی بسیار بالاست و حجم تجارت بینشان این مدعا را اثبات می‌کند.

۵-۵-۶. قراردادهای تجاری و اقتصادی

رژیم صهیونیستی قطعاً از فرصت قراردادهای تجاری که با حضور در امارات می‌تواند کسب کند غافل نبوده است. همچنین نباید از قوت بالای خود رژیم صهیونیستی نیز در این زمینه غافل بود؛ یعنی این تعامل سود طرفین را به دنبال خواهد داشت. برای مثال رژیم صهیونیستی

به دنبال این است تا آرزوی امارات را برای تبدیل دوبی به عنوان قطب تجارت جهانی با حضور شرکت‌های قدرتمند خود و همچنین پیش افتادن از هم‌پیمانان خود برآورده سازد.

۶-۵-۶. مراودات نظامی و تسلیحاتی

با توجه به نزدیکی به ایران و همچنین تشنگی همیشگی امارات برای به دست آوردن تسلیحات نوین، این فرصت برای رژیم وجود دارد تا نفوذ خود را در تمام شئون امارات به سمت پیشینه سوق دهد، چراکه اماکن نظامی و ارتباطات نظامی به صورت عادی در اختیار کشور دیگری قرار نمی‌گیرد، اما با تحویل دادن تسلیحاتی همچون هواپیما یا اقدام به ساخت موشک در این کشور توسط رژیم صهیونیستی، این امید را پیدا می‌کند که بتواند در زمان مقتضی و احتمالی نبرد با ایران بهره‌مندی لازم را کسب کند.

۶-۵-۷. اهمیت منطقه خلیج فارس

خلیج فارس به خودی خود اهمیت بسیار بالایی برای تمام کشورها دارد، چراکه شاهراه تجارت انرژی دنیا قلمداد می‌شود. اهمیت خلیج فارس و منطقه، فرصت بسیار مناسبی است تا رژیم صهیونیستی بتواند از مواهب موجود به نحو مطلوبی بهره‌مند شده و از آن به عنوان سکویی در جهت رشد تعاملات خود بهره‌برد، اما اهمیت بعدی این منطقه حضور و تسلط راهبردی ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز است. این موضوع علاوه بر بُعد سیاسی و اقتصادی، بُعد امنیتی نیز دارد، زیرا دو دشمن مستقیم و رودررو کنار مرزهای یکدیگر حضور دارند؛ از این رو برای رژیم صهیونیستی فرصتی بسیار مهم و کارا به شمار می‌آید.

۶-۶. بازیگران کلیدی

رژیم صهیونیستی و امارات برای ایجاد تفاهم آبراهام در ابتدای امر از میانجی قدرتمندی به نام ایالات متحده آمریکا بهره می‌بردند، تا جایی که در بسیاری از منابع، این پیمان را سه‌جانبه می‌خوانند. نقش آمریکا در برقراری این ارتباط بسیار مهم و مؤثر است و حتی می‌توان پیش‌بینی کرد در آینده نزدیک - متأسفانه - بازیگر اصلی‌ای که می‌تواند به عنوان حلقه وصل در برنامه‌های این رژیم عمل کند، عربستان سعودی یا حتی ایالات متحده آمریکا خواهد بود و به نظر می‌رسد رژیم با مساعدسازی فضای تعامل و اعطای امتیازات مختلف این مهم را به ثمر

می‌رساند. دولت دونالد ترامپ در قرارداد آبراهام نقش محوری ایفا کرد و احتمالاً در دولت بعدی او نیز این سیاست دنبال خواهد شد.

۱-۶-۶. نقش و اقدامات ایالات متحده آمریکا

پس از اینکه در دولت جرج بوش، نقشه غرب آسیا (خاورمیانه) جدید رونمایی شد، نشانه‌هایی از آینده مناسبات رژیم صهیونیستی به‌عنوان محور با کشورهای این منطقه دیده شد. با توجه به حضور لابی یهودی صهیونیسم در دولت آمریکا، این کشور در اعطای کمک‌های همه‌جانبه به این رژیم بسیار فعال بوده و سال‌های سال به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حامی آن حضور تمام‌قد داشته است.

در موضوع عادی‌سازی روابط با امارات، آمریکا در ابتدای امر و به‌ظاهر نقش محلل و میانجی را بازی می‌کرد، اما پس از چندی مشخص شد با اهرم فشارهایی که در اختیار دارد، از مسببان اصلی این توافق است و حتی در این بین، قول‌های مساعدی برای پا گرفتن این قرارداد مثل فروختن جنگنده F35، به امارات داده است.

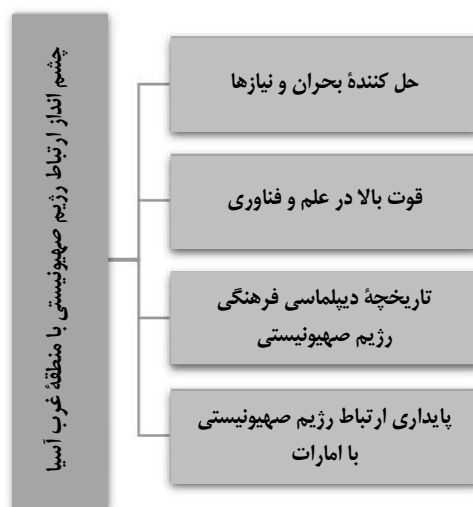
۲-۶-۶. نقش و اهمیت عربستان سعودی

عربستان سعودی بازیگری کلیدی در منطقه و جهان اسلام است. اگر از عربستان به‌عنوان کشوری یاد شود که چنانچه اقدامی در زمینه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی انجام دهد، سایر کشورهای ضعیف منطقه مانند قطر، عمان و کویت نیز دومین‌وار به این سمت کشیده می‌شوند، گرافه‌گویی نشده است. با توجه به برخی شواهد، اقدامات رژیم برای عادی‌سازی روابط با عربستان زودتر از امارات آغاز شده است، اما با توجه به اهمیت قوت پیمان، پروژه ابتدا با امارات و بحرین به‌عنوان کشورهای مهمی که به‌صورت کلی اهمیت پایین‌تری نسبت به عربستان دارند، آغاز شد. در حال حاضر ایجاد تعامل و ارتباط نهایی بین عربستان و رژیم صهیونیستی دور از انتظار نبوده و احتمال می‌رود در آینده شاهد آن باشیم.

۷-۶. چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا

صحبت درباره آینده بدون در نظر گرفتن اصلی‌ترین روندها و بررسی تاریخچه آن قابل اعتماد نبوده و پیشگویی‌ای بیش نیست. در زمینه آینده احتمالی از ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه

غرب آسیا، به‌ویژه امارات متحده عربی، می‌توان به دو مسیری که این رژیم در سیاست‌هایش پیش گرفته است نظر داشت: تقویت قوت علم و فناوری و تأکید و تأثیرگذاری بر بحران‌ها و نیازهای جوامع. رژیم با افزایش قوت علمی می‌تواند تا سال‌های سال از کشورها و ملت‌های دیگر منطقه پیشی بگیرد و با تمرکز بر حل بحران‌ها درک درستی را از منطقه برای خود ایجاد کند و از این طریق در پی دستیابی به اهداف خود در منطقه بحران‌خیز غرب آسیا برآید.



نمودار شماره ۵. چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا

۱-۷-۶. حل‌کننده بحران و نیازها

رژیم صهیونیستی به‌دنبال آن است که خود را حل‌کننده بحران‌ها و برطرف‌کننده نیازهای کشورهای منطقه نشان دهد. بحران‌ها و نیازها مستقیم با خود جوامع و مردم سروکار دارد. اگر رژیم بتواند نیازی فوری مانند احیای زمین‌های کشاورزی به‌منظور ایجاد یا بهبود امنیت غذایی مردم امارات را پاسخ دهد، مستقیم با مردم منطقه ارتباط برقرار کرده و به‌مرور در ذهن و ذائقه ایشان حک می‌شود که این رژیم صهیونیستی بود که نیاز ما را برطرف کرد. برای مثال، اکنون در امارات پزشکان متعددی از رژیم صهیونیستی حضور پیدا کرده‌اند و توافق‌های گسترده‌ای برای تقویت این علم و نیاز مردم صورت گرفته است. این یعنی رژیم به‌دنبال نفوذ در اذهان مردم در لحظات حساس و مهم زندگی‌شان است و در نهایت یعنی پیگیری مردم برای حضور مستمر رژیم صهیونیستی از

حکومت‌های خود که قطعاً احتمال ارتباط یا حفظ ارتباط را بالاتر خواهد برد.

۲-۷-۶. قوت بالا در علم و فناوری

یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های رژیم صهیونیستی، تمرکز بر دیپلماسی علم و فناوری است. این تمرکز به صورت اتفاقی و بدون در نظر داشتن زمینه آن یعنی بالا بودن قوت در علم و فناوری نیست. کشورهای که در منطقه حضور دارند - مانند عربستان - توانایی رسیدن به علوم سطح بالا و مهم مثل انرژی هسته‌ای را ندارند و حاضرند برای رسیدن به آن دست به هر کاری بزنند. رژیم صهیونیستی با تمرکز بر دیپلماسی علم و فناوری و رسانش آن به تمام جهان از طریق برگزاری کنفرانس‌ها یا ثبت جهانی اختراعات، قدرت خود را به رخ منطقه می‌کشد و منطقه برای رفع نیازهای خود به ارتباط با رژیم به عنوان گزینه‌ای اساسی می‌اندیشد.

۳-۷-۶. تاریخچه دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی

پس از سال ۲۰۰۰ و به‌ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان تلاش رژیم برای استفاده از دیپلماسی فرهنگی بسیار زیادتر از سابق شده است که به تغییر رویه در ارتباط‌گیری با کشورهای دنیا به‌ویژه منطقه برمی‌گردد. این دیپلماسی در ابتدا در مورد کشورهای مسلمان همسایه موفق نبوده است، ولی در ادامه مثل همین مثال امارات، موفقیت‌های بزرگی کسب کرده است؛ با این حال، در مورد کشورهای غیرمسلمان حاضر در منطقه، مثل کشورهای اروپایی یا آفریقایی، موفقیت‌هایی زیادی داشته که سبب ایجاد اتحادهایی با برخی از ایشان شده است.

۴-۷-۶. پایداری ارتباط رژیم صهیونیستی با امارات

جامعه ساکن در امارات به‌هیچ‌وجه یک‌دست یا با اکثریت قالب در بافت فرهنگی نیست. با توجه به این نکته، جامعه مدنی ضد جریان صهیونیست در این کشور حضور و فعالیت چندانی ندارد و حاکی از این مدعاست که استمرار ارتباط و تعامل رژیم صهیونیستی در امارات با معارض مردمی همراه نخواهد شد، زیرا علاوه بر سست بودن جامعه مدنی، رژیم صهیونیستی از ابزار مردمی‌سازی سیاست‌های خود یعنی دیپلماسی فرهنگی بهره‌جسته و به‌مرور بر مردم کشور تأثیر مستقیم گذاشته است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در راستای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی انجام شده است. رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس با چالش‌های اساسی در زمینه هویت و مشروعیت در منطقه غرب آسیا روبه‌رو بوده و تلاش کرده است تا از طریق عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، به‌ویژه امارات متحده عربی، بر این چالش‌ها غلبه کند. هدف اصلی این رژیم، نفوذ در افکار عمومی منطقه، زدودن تصویر منفی از خود و ایجاد همگرایی با کشورهای عربی است تا از این طریق، اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را پیش ببرد. به عبارت دیگر، رژیم صهیونیستی به دنبال مشروعیت‌یابی در میان مردم منطقه و تثبیت حضور و نفوذ خود میان جوامع مسلمان است و برای دستیابی به این هدف، از تمامی ابزارهای ممکن بهره می‌برد که دیپلماسی فرهنگی، از جمله مهم‌ترین آن‌هاست.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی شامل مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شده است. برای گردآوری داده‌های کیفی، با یازده نفر از خبرگان و مطلعان از موضوع مصاحبه به عمل آمد. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و منجر به شناسایی ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر زیر شد:

۱. دیپلماسی عمومی، ابزارها و مؤلفه‌ها: رژیم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف خود در منطقه از طیف گسترده‌ای از ابزارهای دیپلماسی عمومی بهره می‌برد. این ابزارها شامل دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی علمی و فناوری و سایر اشکال ارتباط با افکار عمومی منطقه است. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند با استفاده از این ابزارها، تصویر مثبتی از خود ارائه داده و زمینه را برای پذیرش و همکاری از سوی کشورهای منطقه فراهم آورد.

۲. دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی با چالش‌های اساسی در زمینه هویت و مشروعیت در منطقه غرب آسیا روبه‌روست. این رژیم تلاش می‌کند از طریق عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، به‌ویژه امارات متحده عربی، بر این چالش‌ها غلبه کند و جایگاه خود را در منطقه تثبیت کند. به عبارت دیگر، عادی‌سازی روابط، راهبردی کلیدی برای رژیم صهیونیستی در جهت کسب مشروعیت و پذیرش منطقه‌ای است.

۳. عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران: یکی از اهداف رژیم صهیونیستی از

عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، ایجاد اجماع منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران است. این رژیم می‌کوشد با ترسیم چهره‌ای منفی از ایران، کشورهای عربی را به سمت خود جذب کرده و از این طریق، نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود سازد.

۴. اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات: منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی، منابع انرژی غنی و تحولات سیاسی پیچیده، از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی برخوردار است. در این میان، امارات متحده عربی به‌عنوان بازیگری کلیدی در منطقه، نقش مهمی در محاسبات رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند. این رژیم می‌کوشد با تقویت روابط خود با امارات، زمینه را برای حضور و نفوذ بیشتر در منطقه فراهم کند.

۵. بازیگران کلیدی: فرایند عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، تحت تأثیر عوامل و بازیگران گوناگونی قرار دارد. علاوه بر دولت‌ها، بازیگران غیردولتی مانند رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های ذی‌نفوذ نیز در این فرایند نقش ایفا می‌کنند. شناخت این بازیگران و تحلیل نقش آن‌ها، برای درک پویایی‌های عادی‌سازی روابط ضروری است.

۶. چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا: عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، پیامدهای گوناگونی برای آینده غرب آسیا به‌دنبال خواهد داشت. این پیامدها می‌تواند شامل تغییر در توازن قدرت منطقه‌ای، افزایش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی و تحولات فرهنگی و اجتماعی باشد. تحلیل این پیامدها برای پیش‌بینی تحولات آینده منطقه حائز اهمیت است.

به‌طور خلاصه، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی با استفاده از راهبردهای دیپلماسی فرهنگی و عمومی، به‌دنبال عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، به‌ویژه امارات متحده عربی و مشروعیت بخشیدن به حضور خود در منطقه است. این رژیم با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون می‌کوشد در افکار عمومی منطقه نفوذ کرده و زمینه را برای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیشتر فراهم آورد. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به ابعاد فرهنگی در تحلیل تحولات سیاسی منطقه و ضرورت اتخاذ رویکردهای هوشمندانه برای مقابله با راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی تأکید می‌کند.

فهرست منابع

- آهوپی، مهدی؛ متین‌جاوید، مهدی (۱۳۹۲). «اهداف، اولویت‌ها و مخاطبان دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره اول، مسلسل ۵۹، بهار، صص ۲۰۴-۱۸۳.
- احمدی، مسعود (۱۳۹۷). راهبردهای جنگ روانی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: کیهان.
- اسفندیاری، احمد؛ صادقی، سیدصاحب (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه (مطالعه موردی ایران)، تهران: خبرگزاری فارس.
- بابایی، ابوالفضل (۱۳۹۷). دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- بی، ارل (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری - عملی)، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- جی. هورن، برایان؛ تومالین، باری (۱۴۰۰). ارتباطات میان‌فرهنگی: نظریه و کاربرد، ترجمه: محمدحسین شعاعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- چاکر ابورتی، کیشور (۱۳۹۹). واژه‌نامه توصیفی دیپلماسی فرهنگی، ترجمه سمیه آزادی و آزاده مهرپویان، تهران: مجد.
- شفیعی سروسستانی، فاطمه؛ ایزدی، فؤاد؛ عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی در قبال آمریکا از منظر شبکه و روایت»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان، صص ۱۳۸-۱۱۱.
- شهبازی، مجید (۱۳۹۹). نقش آموزش مجازی در توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی دانشگاه مجازی المصطفی (ص)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن (۱۳۸۹). «درآمدی بر دیپلماسی عمومی اسرائیل»، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی و امریکاشناسی، ۱۱ (۴)، صص ۵۰-۲۵.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و نوری، حامد (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی، تهران: وزارت خارجه. ب
- صالحی امیری، سید رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.

- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- علی کرمی، فریبا؛ شریعتی، محمدتقی (۱۳۹۳). «دیپلماسی علمی اسرائیل و بحران مشروعیت»، *مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی و امریکاشناسی*، سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار، صص ۹۲-۶۷.
- قانون، مرتضی (۱۳۸۱). *دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان*، تهران: انتشارات طبرستان.
- کال، نیکلاس جی (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی قبل از گولین در کتاب مرجع دیپلماسی عمومی*، ترجمه روح‌الله طالب‌آرانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- گوهری مقدم، ابوذر؛ افضل‌ی، سید عرفان‌الدین؛ جهانبازی گوجانی، رضا؛ تمدن، امیررضا (۱۴۰۱). «توثیق‌دیپلماسی امارات متحده عربی درباره عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی»، *پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل*، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۱۱-۸۷.
- گیلبوآ، ایوان (۱۳۸۸). *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مصطفی، امین (۱۳۸۸). *دیپلماسی پنهان اسرائیل در کشورهای عربی*، تهران: ابتکار دانش.
- ملکی، محمدرضا؛ محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹). «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷ (۳)، صص ۶۴-۴۵.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Journal Qualitative Research in Psychology*, Vol.3, Issue 2, pp: 77-101.
- Schneider, C. P. (2006). "Cultural diplomacy: Hard to define, but you'd know it if you saw it", *The Brown journal of world affairs*, 13 (1), pp. 191-203.

Research Paper



An Analysis of the Capacities of the Jurisprudential Principle of Ta'lif al-Qulub for Enhancing Cultural Diplomacy with Emphasis on Verse 60 of Surah al-Tawbah*

Mahdi Shoushtari

Faculty Member of Shahid Mahallati College, Qom, Iran (Correspondence Author)
mahdishoshtari@chmail.ir



10.22034/CDRJ.2025.505383.1039



0000-0002-9372-5355

Gholamreza khoshneyat

Faculty Member of Shahid Mahallati College, Qom, Iran
r_khoshneyat@yahoo.com



0000-0003-1019-5019

ABSTRACT

The jurisprudential principle of Ta'lif al-Qulub-which refers to winning hearts and affirming faith through allocating a share of zakat-plays a significant role in fostering social and cultural bonds. Rooted in verse 60 of Surah al-Tawbah and various narrations, this principle was employed by the Prophet of Islam and the infallible Imams to promote cooperation and reinforce Islamic unity. A historical review reveals that Ta'lif al-Qulub has served as a vital tool in spreading Islamic culture and strengthening socio-cultural ties between Muslims and non-Muslims. It holds great potential as an effective instrument in Islamic cultural diplomacy and foreign policy. By promoting collaboration and support from other nations and peoples through constructive engagement, this principle can contribute to stronger diplomatic relationships. Nevertheless, its implementation faces jurisprudential and legal challenges, including diverse interpretations and potential contradictions. To enhance the practical application of this principle, recommendations such as drafting specific laws and regulations, establishing specialized institutions, and promoting international cooperation are proposed. The findings of this study indicate that the jurisprudential principle of Ta'lif al-Qulub has multifaceted capacities. It can be used as an effective means to strengthen international relations and positive inter-community interactions, promote shared human values, reinforce national and religious identity, and foster peace and peaceful coexistence. Utilizing this principle may help reduce cultural and social tensions and increase constructive engagement.



Received: 08/02/2025
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Jurisprudential Principle, Ta'lif al-Qulub, Cultural Diplomacy, Applied Jurisprudence (Fiqh-e Madaaf).



*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

تحلیل ظرفیت‌های قاعده فقهی تألیف قلوب در ارتقای دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر آیه ۶۰ سوره توبه*



10.22034/CDRJ.2025.505383.1039

مهدی شوشتری

دانشیار دانشکده شهید محلاتی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mahdishoshitari@chmail.ir

0000-0002-9372-5355

غلامرضا خوش‌نیت

استادیار دانشکده شهید محلاتی قم، قم، ایران

r_khoshneyat@yahoo.com

0000-0003-1019-5019

چکیده

قاعده فقهی تألیف قلوب به معنای جلب همکاری و تثبیت ایمان افراد از طریق اعطای سهمی از زکات است و نقش مهمی در ایجاد پیوندهای اجتماعی و فرهنگی دارد. این قاعده بر اساس آیه ۶۰ سوره توبه و روایت‌های مختلف بنیان‌گذاری شده و توسط پیامبر اسلام و امامان معصوم برای جلب همکاری و تقویت وحدت اسلامی استفاده می‌شده است. این قاعده که از ابزارهای مهم ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین مسلمانان و غیرمسلمانان بوده است، می‌تواند همچون ابزاری مؤثر در دیپلماسی فرهنگی و سیاست‌های خارجی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. این قاعده با جلب همکاری و حمایت دیگر کشورها و ملت‌ها از طریق تعاملات مثبت به ایجاد پیوندهای دیپلماتیک قوی‌تر کمک می‌کند؛ با این حال، اجرای این قاعده با چالش‌های فقهی و حقوقی مواجه است و تفسیرهای مختلف و تضادهای احتمالی می‌تواند اجرای آن را دشوار کند. برای تقویت اجرای قاعده، پیشنهادهای عملی مانند تدوین قوانین و مقررات، ایجاد نهادهای تخصصی و همکاری‌های بین‌المللی مطرح شده است و این قاعده می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای تقویت روابط بین‌المللی و تعاملات مثبت بین جوامع مختلف، ترویج ارزش‌های مشترک انسانی، تقویت هویت ملی و دینی، و ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد. همچنین با استفاده از این قاعده می‌توان به کاهش اختلاف‌های فرهنگی و اجتماعی و افزایش تعاملات مثبت پرداخت.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

واژگان کلیدی:
قاعده فقهی، تألیف
قلوب، دیپلماسی
فرهنگی.

* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

قاعده تألیف قلوب بر پایه استناد به قرآن و سنت پیامبر اسلام بنیان‌گذاری شده است. پیامبر اکرم (ص) با استفاده از این قاعده، بسیاری از سران قبایل و افراد بانفوذ را جلب و به اسلام نزدیک کرد که نمونه‌هایی از آن در جنگ حنین و دیگر رویدادهای تاریخی آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۵۴۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۸/۳۴۳-۳۴۰).

قاعده فقهی تألیف قلوب یکی از مهم‌ترین قواعدی است که در فقه اسلامی به آن اشاره شده است و نقش بسیاری در جلب و تثبیت ایمان افراد دارد. این قاعده با توجه به آیاتی از قرآن کریم و روایت‌های مختلف، به‌ویژه در سوره توبه آیه ۶۰ (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ صدقات فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان و کارگزاران و آنان که باید [به‌خاطر تمایل به اسلام] قلوبشان را به دست آورد، و برای بردگان و بدهکاران و در راه خدا و در راه‌ماندگان است؛ فریضه‌ای از سوی خداست و خدا دانا و حکیم است.) مطرح شده است و بر اساس آن، گروهی از مردم، اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان، به‌منظور جلب همکاری و تقویت پیوندهای اجتماعی و دینی، سهمی از صدقات دریافت می‌کنند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲/۱۷۵).

یکی از مهم‌ترین ابعاد قاعده تألیف قلوب، تأثیر آن بر دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی به معنای استفاده از ابزارهای فرهنگی و هنری برای ایجاد و تقویت روابط بین‌المللی و تعاملات مثبت بین جوامع مختلف است. در این زمینه، تألیف قلوب می‌تواند همچون ابزاری مؤثر برای ارتقای دیپلماسی فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد. از منظر تاریخی، این قاعده تأثیر بسزایی در تقویت و گسترش اسلام در جامعه عربی داشته است. پیامبر اسلام با تألیف قلوب افراد مختلف، از جمله ابوسفیان بن حرب و صفوان بن امیه، توانست پیوندهای اجتماعی و فرهنگی را تقویت کند و اسلام را میان قبایل مختلف گسترش دهد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۱۲/۱۷۵).

۳۴۳/۸-۳۴۴). تألیف قلوب نه تنها در جلب افراد به اسلام مؤثر بود، بلکه در تثبیت ایمان افراد نیز نقش بسزایی داشت. امامان معصوم نیز پس از پیامبر اسلام، با استفاده از این قاعده، تلاش کردند ایمان تازه‌مسلمانان را تقویت کنند و آنان را در مسیر درست هدایت کنند (محقق سبزواری، ۱۳۴۷ ق: ۴۵۴/۲).

این مقاله ضمن انجام پژوهش کتابخانه‌ای از منابع دست‌اول فقه امامیه به بررسی دقیق‌تر ظرفیت‌های قاعده تألیف قلوب و تأثیر آن بر دیپلماسی فرهنگی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از این قاعده برای ارتقای روابط بین‌المللی و تعاملات مثبت بین جوامع استفاده کرد. با استناد به منابع معتبر و تحلیل‌های علمی، این مقاله به دنبال ارائه راهکارهایی برای استفاده بهینه از قاعده تألیف قلوب در دیپلماسی فرهنگی است.

۱. مفهوم‌شناسی دیپلماسی فرهنگی و جایگاه قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم

دیپلماسی فرهنگی به فرایندی اشاره دارد که در آن دولت‌ها از ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و ویژگی‌های فرهنگی خود استفاده می‌کنند تا بر افکار عمومی و رفتار سایر کشورها تأثیر بگذارند. این مفهوم به‌عنوان ابزاری نرم و مؤثر، از طریق به نمایش گذاشتن نمادهای فرهنگی، جذابیتی در افکار عمومی مردم کشورهای دیگر ایجاد می‌کند که به نفوذ و اثرگذاری بر سیاست‌ها و روابط بین‌المللی می‌انجامد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

مطابق تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی شامل تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر، سنت‌ها و اعتقادات با هدف تقویت تفاهم و همکاری متقابل میان ملت‌هاست (Cummins, 2003: 3). این فرایند با تکیه بر قدرت نرم روابط کشورها را بهبود می‌بخشد. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به کمک نهادهای مدنی و بازیگران غیردولتی حوزه تأثیرگذاری خود را گسترش داده و از ظرفیت‌های جهانی برای تعاملات مثبت بهره‌برداری کند (Papaioannou & Siourounis, 2006: 943).

دیپلماسی فرهنگی، به‌ویژه در چهارچوب سیاست خارجی، می‌تواند با استفاده از عناصر فرهنگی موجب تقویت روابط میان کشورها و ارتقای سطح همکاری‌ها شود. این ابزار به دلیل

عاری بودن از لحن خصمانه و آمرانه جذابیت بیشتری دارد و در اثرگذاری بر ضمیر ناخودآگاه جوامع مقصد نقش مؤثری ایفا می‌کند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۳۵).

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تبیین و ترویج مؤلفه‌ها و ارزش‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی تلاش دارد تصویر واقعی و مثبت از کشور را به دیگر ملت‌ها ارائه دهد. این دیپلماسی با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و تمدنی به منظور ارتقای فهم متقابل و دستیابی به توافقی‌های فرهنگی میان ملت‌ها عمل می‌کند (ازدردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۸). همچنین با استفاده از روش‌های خلاقانه و انعطاف‌پذیر، دیپلماسی فرهنگی ایران می‌تواند جایگاه خود را در نظام بین‌المللی تقویت کرده و به توسعه منافع ملی کمک کند (کشاوری، ۱۳۹۹: ۷۷).

قاعده فقهی مؤلفه قلبی به گروهی از افراد اشاره دارد که برای جلب همکاری و تثبیت ایمان آن‌ها سهمی از زکات دریافت می‌کنند. واژه مؤلفه از ریشه «الف» به معنای انس و الفت می‌آید (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۹/۱۳۶) و در فقه به معنای جلب محبت و همکاری افراد است. این واژه در قرآن کریم و روایات به معنای جلب همکاری و تثبیت ایمان به کار رفته است (علامه حلی، ۱۴۱۹ ق: ۲/۳۸۸-۳۸۷). قاعده فقهی مؤلفه قلبی به معنای تألیف قلوب و جلب همکاری و تثبیت ایمان افراد است که با اعطای سهمی از زکات به آن‌ها صورت می‌گیرد. همچنین به افرادی اشاره دارد که خدا را واحد می‌دانند و از عبادت غیر خدا روی گردانده‌اند، ولی هنوز درک کاملی از رسالت پیامبر ندارند. این افراد از زکات برای آموزش و تألیف قلب‌ها بهره می‌برند تا ایمانشان تقویت شود و با اسلام بیشتر آشنا شوند (مغنیه، ۱۴۲۱-الف، ق، ۷۸/۲). البته برخی دیگر معتقدند این قاعده به کفار اختصاص دارد (قمی روحانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۴۰/۷). همچنین دیدگاه‌هایی معتقدند این قاعده به مسلمانان ضعیف‌الایمان و منافقان اختصاص دارد (قمی روحانی، ۱۴۱۸ ق: ۷/۲۴۱). بسیاری از فقها نیز معتقدند مفهوم «المؤلفه قلبی» به افراد مختلفی از جمله کافران و مسلمانان ضعیف‌الایمان تعلق می‌گیرد (سبحانی،

۱۴۲۴ق، ۲/۱۱۵). هدف اصلی این قاعده تقویت ایمان، ایجاد پیوندهای اجتماعی و دینی و تشویق به همکاری در جهاد و دفاع از اسلام است. این قاعده در فقه اسلامی یکی از راه‌های ایجاد تفاهم و همکاری بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه محسوب می‌شود.

۱-۱. تألیف قلوب در آیات

در قرآن کریم و در آیات متعددی به تألیف قلوب اشاره شده است. خداوند متعال در سوره انفال آیات ۶۲ و ۶۳ می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ آفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ أَنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ ... او بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند ساخت و میان دل‌های آنان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌های آنان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ چراکه او توانای حکیم است». خداوند متعال در این آیه به تألیف قلوب بین مؤمنان اشاره دارد که از جانب خودش صورت گرفته است، همچنین در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید». خداوند در این آیه نیز به نعمت برادری اشاره کرده است که از راه تألیف قلوب به دست می‌آید.

در سوره توبه، آیه ۶۰ «مؤلفة قلوبهم» به کسانی اطلاق شده است که مستحق دریافت زکات‌اند: «أَنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ صدقات تنها به فقیران و بینوایان و متصدیان گردآوری و پخش آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در راه آزادی بردگان و وام‌داران و در راه خدا و به درراه‌مانده، اختصاص دارد. [این] فریضه‌ای از جانب خداست و خدا دانای حکیم است».

۲-۱. تألیف قلوب در روایات

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ جَمِيعاً عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ قَوْمٌ وَحَدُّوا اللَّهَ وَخَلَعُوا عِبَادَةَ مَنْ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَمْ تَدْخُلِ الْمَعْرِفَةَ قُلُوبُهُمْ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَتَأَلَّفُهُمْ وَيَعْرِفُهُمْ لَكَيْمًا يَعْرِفُوا وَيَعْلَمُهُمْ» (كلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۴۱۰). «المؤلفة قلوبهم» در این مورد به کفار اشاره ندارد، بلکه به مسلمانان ضعیف‌العقیده‌ای بازمی‌گردد که هنوز در ایمان خود به‌طور کامل تثبیت نشده بودند. پیامبر اکرم(ص) با حکمت و سیاست، از طریق حمایت‌های مالی و توجه ویژه به این افراد، تلاش می‌کرد دل‌های آنان را به اسلام نزدیک‌تر و ایمانشان را تقویت کند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ، قَالَ: «هُمْ قَوْمٌ وَحَدُّوا اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ خَلَعُوا عِبَادَةَ مَنْ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ شَهِدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ شَكَّاكَ فِي بَعْضِ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ فَأَمَرَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - نَبِيَّهُ أَنْ يَتَأَلَّفَهُمْ بِالْمَالِ وَ الْعَطَاءِ لِكَيْ يَحْسِنَ إِسْلَامَهُمْ وَ يَثْبُتُوا عَلَى دِينِهِمُ الَّذِي دَخَلُوا فِيهِ وَ أَقْرَأُوهُ بِهِ» (كلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۴۱۱) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: مَا كَانَتْ الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ قَطُّ أَكْثَرَ مِنْهُمْ الْيَوْمَ وَ هُمْ قَوْمٌ وَحَدُّوا اللَّهَ وَ خَرَجُوا مِنَ الشَّرْكِ وَ لَمْ تَدْخُلِ مَعْرِفَةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ قُلُوبُهُمْ وَ مَا جَاءَ بِهِ فَتَأَلَّفَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَ تَأَلَّفَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ لَكَيْمًا يَعْرِفُوا» (كلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۴۱۲). این نکته بسیار جالب و تأمل‌برانگیز است که تألیف قلوب در اسلام، حتی شامل افراد ضعیف‌العقیده نیز می‌شود. این تأکید بر رحمت و سیاست رسول اکرم(ص) در جلب نظر افرادی است که ممکن است همچنان در برخی باورها دچار تردید باشند. چنین رویکردی باعث می‌شد تا این افراد به مرور زمان با تعالیم اسلام بیشتر آشنا شوند و ارتباط عمیق‌تر و پایدارتری با این دین پیدا کنند.

عَلَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ لَمْ يَكُونُوا قَطُّ أَكْثَرَ مِنْهُمْ أَلْيَوْمَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۱۱/۲). سخن امام باقر(ع) مبنی بر بیشتر بودن تعداد این افراد در زمان ایشان نسبت به گذشته، بر این حقیقت دلالت دارد که این سیاست حکیمانه در جلب نظر و تقویت ایمان مردم، جزو اصول پایدار در مدیریت جامعه اسلامی بوده است.

عَلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ، قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: يَا إِسْحَاقُ، كَمْ تَرَى أَهْلَ هَذِهِ الْآيَةِ: (فَإِنْ أَعْطَوْا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ)؟ قَالَ: ثُمَّ قَالَ: هُمْ أَكْثَرُ مِنْ ثُلُثِي النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۱۲/۲). این نکته بسیار مهم و قابل توجه است که آیه ۵۸ سوره توبه با تفسیری که از امام صادق(ع) نقل شده، به گستره وسیع مستحقان صدقات اشاره می‌کند. این آیه، منافقان را یکی از گروه‌هایی معرفی می‌کند که شامل این حکم می‌شوند. همچنین، مفهوم نفاق در قرآن به معنایی گسترده‌تر تعبیر شده است که نه تنها نفاق سیاسی و عقیدتی را شامل می‌شود، بلکه حتی افرادی با ایمان ضعیف نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

پیامبر(ص) می‌فرماید: «خِيَارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ؛ بَهْتَرِينَ شِمَا از لِحَاطِ اخْتِلَافِي كِسَانِي أَنْدَ كِهَ انْسَ وَ الْفَتَّ اِيْجَادِ مِي كِنْدَ وَ بَا دِيْگِرَانِ الْفَتَّ مِي گِيْرِنْدَ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۴۵۱/۸). حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَ يَأْلَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ خَوْشِ بَه حَالِ كَسِي كِهَ بَا مَرْدَمِ انْسَ وَ الْفَتَّ مِي گِيْرَدَ وَ مَرْدَمِ هَمِ بَرِ اطَاعَتِ از خَدَاوَنْدَ بَا او الْفَتَّ مِي گِيْرِنْدَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۶/۷۸).

یکی از مثال‌های برجسته تاریخی از کاربرد این قاعده، جنگ حنین است. در این جنگ، پیامبر اسلام با استفاده از قاعده مؤلفه قلوبهم، سران قبایل و افراد بانفوذی چون ابوسفیان بن حرب و عیینه بن حصین را جلب کرد تا به ارتش مسلمانان بپیوندند. مصداق این حکم قرآنی را در جریان تقسیم غنایم حنین پس از فتح مکه، می‌توان مشاهده کرد. پس از فتح مکه،

پیامبر(ص) به همراه لشکریان خود برای مقابله با قبیلهٔ هوازن که با همکاری قبایل دیگر از جمله ثقیف، علیه اسلام تدارک نبرد دیده بودند، راهی وادی حنین شد. مسلمانان با مدد الهی در این نبرد پیروز شدند و بیشترین غنیمت را از این جنگ به دست آوردند (ابن هشام، ۱۳۴۸: ۲۹۳/۲-۲۹۱). پیامبر در تقسیم غنائم، به اشراف و بزرگانی که تازه مسلمان شده بودند و مشرکانی که به حضرت کمک کرده بودند، بیش از دیگران عطا فرمود تا سبب جلب خاطر ایشان و قبیله و فامیلشان شود و بدین وسیله دل‌های ایشان را به دست آورد. از جمله این افراد می‌توان به ابوسفیان بن حرب، معاویه بن ابوسفیان، حکیم بن حزام، حارث بن حارث بن کلدۀ، حارث بن هشام، سهیل بن عمرو، حویطب بن عبدالعزی، علاء بن جاریة، عیینة بن حصن، اقرع بن حابس، مالک بن عوف، و صفوان بن امیه اشاره کرد که به هر کدامشان صد شتر، و به مخرمه بن نوفل، عمیر بن وهب جمحی، هشام بن عمرو، سعید بن یربوع، عدی بن قیس، و عباس بن مرداس کمتر از صد شتر داد؛ لذا این افراد به مؤلفهٔ قلوبهم یعنی دل‌به‌دست‌آوردگان معروف شدند (ابن هشام، ۱۳۴۸: ۲ / ۳۱۵-۳۱۴). این اقدام‌ها باعث تقویت جبههٔ مسلمانان و پیروزی در این جنگ شد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۵۴۰).

بخشش‌های حضرت رسول(ص) به اشراف قریش، برای جلب دل‌های آن‌ها به اسلام، باعث حرف‌وحدیث‌هایی میان انصار شد. آن‌ها وقتی دیدند پیامبر(ص) از غنائم به مردم قریش پرداخت کرد اعتراض کردند. حضرت پس از آگاهی از ناراحتی انصار آنان را دعوت و برایشان سخنرانی کرد و فرمود: «ای گروه انصار! به سبب اندک چیزی از دنیا آزاده‌دل شده‌اید که قلوب افرادی را با آن الفت دادم تا مسلمان شوند و شما را به اسلامتان سپرده‌ام؟ مگر راضی نیستید که مردم، گوسفند و شتر ببرند و شما پیغمبر را پیش خود ببرید؟ به خدایی که جان محمد به فرمان اوست، اگر هجرت نبود، من یکی از انصار بودم...». انصار که از سخنان خویش پشیمان شده بودند، گفتند: «ای رسول خدا(ص) ما بسیار خوشنودیم که شما همراه ما و بهرهٔ ما باشید». پیامبر(ص) فرمود: «خدایا! انصار و فرزندان انصار و فرزندان فرزندان ایشان را رحمت فرمای» (طبری، ۱۳۷۵: ۳/۱۲۱۷).

در دوران امام علی(ع) نیز این قاعده به کار گرفته می‌شد و ایشان با استفاده از این قاعده توانست برخی از مخالفان و افراد بانفوذ را به سمت خود جلب کرده و از توانمندی‌های آن‌ها در جهت تقویت حکومت اسلامی بهره‌برداری کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۷/۱۲-۱۷۵). یکی از موارد دیگر استفاده از این قاعده در زمان امام حسن(ع) بود. امام حسن و امام حسین(ع) با استفاده از این قاعده توانستند برخی سران قبایل و افراد بانفوذ را به سمت خود جلب کند و از توانمندی‌های آن‌ها در جهت تثبیت حکومت اسلامی و ایجاد همبستگی بهره ببرند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۷/۱۲).

۲. تحلیل ظرفیت‌های قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم در دیپلماسی فرهنگی

۲-۱. ظرفیت‌های فقهی و حقوقی

در زمینه مسائل حقوقی، قاعده مؤلفه قلوبهم می‌تواند ابزار مؤثری برای حل و فصل اختلاف‌ها باشد. با استفاده از این قاعد، می‌توان به طرف‌های مختلف در یک نزاع کمک کرد تا از طریق گفت‌وگو و مصالحه به توافق برسند و از ایجاد اختلاف‌های بیشتر جلوگیری کنند (محقق سبزواری، ۱۳۹۷ق: ۲/۴۵۵).

یکی از ابعاد مهم قاعده مؤلفه قلوبهم در مسائل حقوقی، تأثیر آن بر تحکیم مبانی حقوق بشر است. این قاعده با تأکید بر عدالت، انصاف و رحمت می‌تواند به تقویت مبانی حقوق بشر و ایجاد شرایط بهتر برای تحقق حقوق و آزادی‌های افراد کمک کند. با استفاده از این قاعده می‌توان به حمایت از حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت عدالت اجتماعی پرداخت (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۲/۳۸۸-۳۸۷).

یکی دیگر از کاربردهای عملی قاعده مؤلفه قلوبهم در دیپلماسی فرهنگی جلب همکاری و حمایت از تازه‌مسلمانان و افرادی است که به تازگی به اسلام گرویده‌اند. با استفاده از این قاعده می‌توان به این افراد کمک کرد تا ایمان خود را تقویت کنند و در جامعه اسلامی جایگاه مناسبی پیدا کنند. این اقدام‌ها به تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین مسلمانان و غیرمسلمانان کمک می‌کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۷/۱۲).

قاعده مؤلفه قلوبهم می‌تواند نقش مؤثری در تسهیل فرایندهای حقوقی و فقهی داشته باشد و به‌طور خاص، تأثیر این قاعده بر تقویت عدالت اجتماعی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، قابل توجه است. علامه حلی بر اهمیت اجرای این قاعده در کاهش شکاف‌های اجتماعی و ایجاد انسجام تأکید دارد (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۳۸۸/۲). همچنین بر مبنای بیانات محقق سبزواری، استفاده از این قاعده ابزاری عملی برای پیشگیری از تنش‌ها و درگیری‌ها میان گروه‌های مختلف جامعه است (محقق سبزواری، ۱۲۴۷ق: ۴۵۵/۲).

در نهایت، قاعده مؤلفه قلوبهم می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر در حل و فصل اختلاف‌ها و ایجاد عدالت اجتماعی در جوامع مختلف مورد استفاده باشد. با استفاده از این قاعده می‌توان به تقویت مبانی حقوق بشر و تحقق حقوق و آزادی‌های افراد کمک کرد و از ایجاد تبعیض‌ها و نابرابری‌ها جلوگیری کرد. این قاعده یکی از اصول اساسی فقه اسلامی است که می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی و ایجاد تعاملات مثبت بین جوامع مختلف کمک کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۷/۱۲-۱۷۵).

۲-۲. ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی

یکی از نقش‌های مهم قاعده مؤلفه قلوبهم در ترویج فرهنگ اسلامی، ایجاد پیوندهای اجتماعی و فرهنگی قوی بین مسلمانان و تازه‌مسلمانان است. با استفاده از این قاعده می‌توان به تازه‌مسلمانان کمک کرد با اصول و ارزش‌های اسلامی آشنا شوند و در جامعه اسلامی جایگاه مناسبی پیدا کنند. این اقدام‌ها به تثبیت ایمان و تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند (محقق سبزواری، ۱۲۴۷ق: ۴۵۵/۲). نظرات فقها درباره نقش «المؤلفه قلوبهم» در جهاد و دفاع نشان می‌دهد که چگونه این قاعده می‌تواند در زمینه‌های مدرن مانند سیاست‌های فرهنگی و دیپلماسی کاربرد داشته باشد (سبحانی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۴/۲-۱۰۹).

ترویج فرهنگ اسلامی از جنبه‌های کلیدی استفاده از قاعده مؤلفه قلوبهم است. با توجه به نظرات محقق سبزواری، این قاعده می‌تواند در تقویت پیوندهای اجتماعی بین تازه‌مسلمانان و

سایر اعضای جامعه اسلامی نقش بسزایی ایفا کند (محقق سبزواری، ۱۳۴۷ق: ۲/۴۵۵). علاوه بر این، از بیانات سبزواری این‌گونه برداشت می‌شود که از این ظرفیت‌ها می‌توان در سیاست‌های مدرن دیپلماسی فرهنگی بهره گرفت تا ارتباط بین ملت‌ها تقویت شود (محقق سبزواری، ۱۳۴۷ق: ۲/۱۰۹).

به‌منظور تقویت ظرفیت‌های فرهنگی قاعده تألیف قلوب، پیشنهاد می‌شود سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی متناسب با این قاعده فقهی و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوای دیجیتال، تصویر مثبتی از فرهنگ ایرانی - اسلامی ارائه دهد. این اقدام می‌تواند به مقابله با تبلیغات منفی و ترویج ارزش‌های فرهنگی ایران کمک کند (صالحی امیری؛ محمدی، ۱۳۸۹: ۷۰). همچنین ارائه بورسیه تحصیلی به دانشجویان مستعد و نیازمند، هم به رشد فردی آنان کمک می‌کند و هم سبب جذب آنان به جامعه‌ای اخلاق‌محور می‌شود.

۲-۳. ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک

قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم نه‌تنها در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، بلکه در حوزه سیاست‌های خارجی اسلامی نیز تأثیر بسزایی دارد. این قاعده ابزار مؤثری برای جلب همکاری و تثبیت روابط بین‌المللی است که می‌تواند به تقویت سیاست‌های خارجی اسلامی و ایجاد پیوندهای دیپلماتیک قوی‌تر کمک کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲/۱۷۷).

یکی از تأثیرات مهم قاعده مؤلفه قلوبهم بر سیاست‌های خارجی اسلامی، جلب حمایت و همکاری دیگر کشورها و ملت‌ها از طریق استفاده از ابزارهای فرهنگی و اجتماعی است. با استفاده از این قاعده می‌توان به تقویت روابط بین‌المللی و ایجاد تعاملات مثبت بین کشورها پرداخت و از طریق جلب همکاری و حمایت، پیوندهای دیپلماتیک قوی‌تری ایجاد کرد (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۲/۳۸۸-۳۸۷).

قاعده مؤلفه قلوبهم، همان‌طور که بحرانی اشاره می‌کند، ابزاری استراتژیک برای جلب حمایت کشورهای دیگر و تقویت تعاملات بین‌المللی است (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲/۱۷۷). این

رویکرد می‌تواند به تقویت سیاست خارجی اسلامی و ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل میان ملت‌ها کمک کند. همچنین بیانات علامه حلی تأکید می‌کند استفاده از این قاعده در جلب همکاری بین‌المللی، به توسعه دیپلماسی فرهنگی و تعامل مثبت میان جوامع مختلف می‌انجامد (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۳۸۷/۲).

در راستای استفاده بهینه از ظرفیت‌های فراوان قاعده تألیف قلوب، وزارت امور خارجه می‌تواند با ایجاد دفاتر فرهنگی در سفارتخانه‌ها و تقویت همکاری با نهادهای بین‌المللی، نقش مؤثرتری در ترویج دیپلماسی فرهنگی ایفا کند. این دفاتر می‌توانند ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های این قاعده مانند پلی ارتباطی میان فرهنگ ایران و سایر کشورها عمل کنند و به تقویت روابط دیپلماتیک یاری رسانند.

۳. تحلیل کاربردهای عملی قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم در دیپلماسی فرهنگی

۳-۱. ترویج ارزش‌های مشترک انسانی

قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم نقش مهمی در ترویج صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز دارد. با استفاده از این قاعده، می‌توان به جلب همکاری و تثبیت ایمان افراد پرداخت و از طریق تعاملات مثبت، به ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز کمک کرد. این قاعده یکی از ابزارهای مؤثر در ایجاد تفاهم و همکاری بین افراد و گروه‌های مختلف محسوب می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۳۸۸/۲-۳۸۷).

یکی از نقش‌های مهم قاعده مؤلفه قلوبهم در ترویج ارزش‌های مشترک انسانی، تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین مسلمانان و غیرمسلمانان است. با استفاده از این قاعده، می‌توان به تقویت تعاملات مثبت و همکاری‌های سازنده بین افراد و گروه‌های مختلف پرداخت و از ایجاد اختلاف‌ها و درگیری‌ها جلوگیری کرد (محقق سبزواری، ۱۴۱۷ق: ۴۵۴/۲). برای مثال پس از زلزله‌ها یا سیل‌ها، کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان از طریق ارائه مواد غذایی، پناهگاه موقت و حمایت مالی نمونه دیگر از این اصل است. این اقدامات، همدلی و انسجام در بین افراد و جوامع را افزایش می‌دهد. پروژه‌هایی مانند «صندوق‌های قرض‌الحسنه» که به افراد

نیازمند وام بدون بهره ارائه می‌دهند، نمونه‌ای از حمایت‌های مادی است که موجب تقویت روابط اجتماعی و ایجاد دلگرمی در جامعه می‌شود.

بر اساس قاعده تألیف قلوب و در راستای تقویت دیپلماسی فرهنگی در این حوزه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند با برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری در کشورهای هدف، زمینه تعاملات فرهنگی و تقویت روابط بین‌المللی را فراهم کند. همچنین ایجاد برنامه‌های آموزشی مشترک با کشورهای دیگر می‌تواند به تبادل فرهنگی و ارتقای دیپلماسی فرهنگی یاری دهد (صالحی امیری؛ محمدی، ۱۳۸۹: ۷۱).

۲-۳. تقویت هویت ملی و دینی

قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم نقش بسیار مهمی در تقویت هویت ملی و دینی مسلمانان دارد. با استفاده از این قاعده، می‌توان به حفاظت از هویت اسلامی در تعاملات بین‌المللی پرداخت و از طریق تعاملات مثبت، هویت دینی را تقویت کرد. این قاعده یکی از ابزارهای مؤثر برای حفظ و تقویت هویت ملی و دینی در جوامع اسلامی به شمار می‌آید (محقق سبزواری، ۱۳۴۷ق: ۴۵۴/۲).

یکی از کاربردهای مهم قاعده مؤلفه قلوبهم در معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی به دیگر جوامع، استفاده از آن در روابط بین‌المللی است. با استفاده از این قاعده، می‌توان به معرفی ارزش‌ها و اصول اسلامی به دیگر جوامع پرداخت و از طریق تعاملات مثبت، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی را به دیگران شناساند (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۳۸۷-۳۸۸/۲).

تحلیل نقش قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم در تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده ظرفیت بالای این قاعده در ایجاد پیوندهای اجتماعی و فرهنگی ملی و دینی است. همان‌گونه که مغنیه اشاره می‌کند، مؤلفه قلوبهم از طریق جلب محبت و همکاری گروه‌های مختلف به تقویت ایمان و انسجام اجتماعی کمک می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۱-ب، ق: ۷۸). این قاعده وقتی در تعاملات فرهنگی با سایر کشورها به کار گرفته شود می‌تواند به توسعه ارزش‌های

مشترک انسانی و تعاملات مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها منجر شود (سبحانی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۵). همان‌طور که نظریه‌پردازانی چون «نای» بر اهمیت دیپلماسی نرم تأکید دارند، قاعده مؤلفه قلبیهم می‌تواند ابزار قدرتمندی برای جلب حمایت فرهنگی و کاهش تنش‌های بین‌المللی باشد (Nye, 2004: 7). این قاعده در زمینه تعامل با ملت‌های دیگر، با ارائه چهره‌ای رحمانی و ارزش‌محور از اسلام، به بهبود برند ملی و تقویت دیپلماسی نرم ایران کمک شایانی می‌کند.

۴. چالش‌ها و راهکارها

قاعده فقهی مؤلفه قلبیهم، به‌رغم ظرفیت‌های گسترده‌ای که دارد، با چالش‌های فقهی و حقوقی مختلفی مواجه است. یکی از چالش‌های اصلی در اجرای این قاعده، تفسیرهای مختلف و متنوع از آن است که می‌تواند منجر به اختلاف‌نظرهای فقهی بین علما شود. این اختلاف‌نظرها می‌تواند در کاربرد عملی قاعده تأثیرگذار باشد و اجرای آن را پیچیده کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۷/۱۲).

اختلاف‌نظرها بین مذاهب اسلامی در مورد بقای حکم مؤلفه قلبیهم یکی از چالش‌های اصلی در اجرای این قاعده است. برخی از علما معتقدند این حکم با گذشت زمان منسوخ شده است؛ درحالی‌که دیگران بر بقای این حکم و ضرورت اجرای آن تأکید دارند. این تضادها می‌تواند اجرای قاعده را پیچیده کند (مغنیه، ۱۴۲۱-ب، ق: ۱۸۰/۱). رفع این تضادها نیازمند اجماع بین فقها و تدوین قوانین شفاف است. با برگزاری نشست‌های علمی می‌توان به تفسیرهای مشترک دست یافت و اجرایی شدن این قاعده را تسهیل کرد.

از دیگر چالش‌های فقهی و حقوقی، تضادها و تناقض‌های احتمالی در اجرای قاعده مؤلفه قلبیهم است. برای مثال ممکن است در برخی موارد اجرای این قاعده با اصول دیگر فقهی همچون تولی و تبری تضاد داشته باشد. این تضادها می‌تواند اجرای قاعده را دشوار و پیچیده کند و نیاز به تبیین و رفع آن‌ها از سوی علما دارد.

برای تقویت اجرای قاعده مؤلفه قلبیهم و رفع چالش‌های فقهی و حقوقی می‌توان از راهکارهای فقهی و حقوقی مختلف استفاده کرد. یکی از این راهکارها، ایجاد اجماع و توافق

بین علما در تفسیر و کاربرد قاعده است. با برگزاری نشست‌ها و جلسه‌های علمی می‌توان به توافق در مورد تفسیر و کاربرد قاعده رسید و اجرای آن را آسان‌تر کرد.

یکی از چالش‌های اساسی در دیپلماسی فرهنگی ایران، بی‌اعتمادی تاریخی میان ایران و کشورهای همسایه است. این بی‌اعتمادی که پس از انقلاب اسلامی تشدید شده است، مانعی جدی در تعاملات فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود. برای رفع این چالش، قاعده فقهی تألیف قلوب می‌تواند راهکارهای مؤثری ارائه دهد؛ از جمله این راهکارها برنامه‌های فرهنگی مشترک و تقویت گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی است (اسدی، ۱۳۹۵: ۱۰).

ایدئولوژیک شدن فرهنگ ایران پس از انقلاب اسلامی و نگرانی کشورهای همسایه از صدور انقلاب باعث شده است فرهنگ ایرانی تهدیدی سیاسی - امنیتی تلقی شود. این موضوع نیازمند بازتعریف سیاست‌های فرهنگی ایران و تمرکز بر ارزش‌های مشترک انسانی و فرهنگی مستفاد از قاعده فقهی تألیف قلوب است تا از ایران‌هراسی جلوگیری شود.

راهکار دیگر برای تقویت اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم، تدوین قوانین و مقررات مربوط به اجرای این قاعده است. با تدوین و ابلاغ قوانین مشخص و شفاف، می‌توان به اجرایی کردن این قاعده پرداخت و از ایجاد تضادها و تناقض‌های احتمالی جلوگیری کرد. این قوانین می‌توانند همچون راهنمایی برای قضات و مسئولان قضایی در اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم عمل کنند.

بهربرداری از ظرفیت‌های قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم نیازمند ایجاد نهادها و سازمان‌های تخصصی برای اجرای این قاعده است. این نهادها می‌توانند با همکاری علما و کارشناسان فقهی به اجرایی کردن قاعده مؤلفه قلوبهم بپردازند و از ظرفیت‌های آن در زمینه‌های مختلف استفاده کنند.

تأسیس نهادهای آموزشی و پژوهشی نیز می‌تواند به تقویت اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم کمک کند. با برگزاری دوره‌های آموزشی و پژوهشی می‌توان به آموزش و تربیت نیروهای متخصص در زمینه اجرای این قاعده پرداخت و از طریق پژوهش‌های علمی به بهبود و تقویت اجرای آن کمک کرد.

ایجاد همکاری‌های بین‌المللی نیز می‌تواند به تقویت اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم کمک کند. با ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی و تبادل تجربه‌ها و دانش می‌توان به بهبود و تقویت اجرای این قاعده پرداخت و از ظرفیت‌های آن در روابط بین‌المللی بهره‌برداری کرد. یکی دیگر از راهکارهای فقهی و حقوقی برای تقویت اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی است. با ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی می‌توان به پایش و کنترل اجرای قاعده پرداخت و از اجرای صحیح و مؤثر آن اطمینان حاصل کرد. این سیستم‌ها می‌توانند همچون ابزارهایی برای بهبود و تقویت اجرای قاعده عمل کنند. ترویج فرهنگ همکاری و تعامل نیز می‌تواند به تقویت اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم کمک کند. با ترویج فرهنگ همکاری و تعامل بین افراد و گروه‌های مختلف می‌توان به ایجاد تعاملات مثبت و سازنده پرداخت و از ظرفیت‌های قاعده مؤلفه قلوبهم در ایجاد پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بهره‌برداری کرد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، به بررسی قاعده فقهی «تألیف قلوب» و ظرفیت‌های آن در دیپلماسی فرهنگی پرداخته شد و پس از مفهوم‌شناسی قاعده، پیشینه تاریخی و ظرفیت‌های فقهی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دیپلماتیک این قاعده مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین نقش این قاعده در ترویج ارزش‌های مشترک انسانی، تقویت هویت ملی و دینی و راهکارهای فقهی و حقوقی تقویت اجرای آن نیز بررسی شد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم دارای ظرفیت‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف است. این قاعده می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر در تقویت روابط بین‌المللی و تعاملات مثبت بین جوامع مختلف باشد. همچنین این قاعده نقش مهمی در ترویج ارزش‌های مشترک انسانی، تقویت هویت ملی و دینی و ایجاد صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دارد. با استفاده از این قاعده می‌توان به کاهش اختلاف‌های فرهنگی و اجتماعی و افزایش تعاملات مثبت پرداخت.

برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های قاعده فقهی مؤلفه قلوبهم، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی راهکارهای عملی و اجرایی در تقویت اجرای این قاعده بپردازند. همچنین، تحلیل‌های عمیق‌تری در زمینه تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و دیپلماتیک این قاعده و نحوه استفاده از آن در روابط بین‌المللی مورد نیاز است. پژوهش‌های آینده می‌توانند به تبیین نقش این قاعده در تقویت همبستگی و وحدت اسلامی و ایجاد پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین جوامع مختلف نیز بپردازند.

به‌طور کلی، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی چالش‌ها و تضادهای احتمالی در اجرای قاعده مؤلفه قلوبهم و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آن‌ها بپردازند. با انجام این پژوهش‌ها، می‌توان به بهبود و تقویت اجرای این قاعده پرداخت و از ظرفیت‌های آن در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، بيروت: دار الفکر.
- ابن هشام، عبدالملك (۱۳۴۸). *زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام*، ترجمه: سید هاشم رضوی محلاتی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سید رضا؛ سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۶). «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال هجدهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۲-۶۷.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «سیاست خارجی تهاجمی و سیاست داخلی عربستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۸ (۱)، فرودین، صص ۱۶-۹.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق). *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خانی، علیرضا (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *فصلنامه دانش سیاسی*، ۶ (۲)، پاییز و زمستان، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ ق). *الزکاة فی الشریعة اسلامیة الغراء*، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- صالحی امیری، سید رضا، محمدی، سعید (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*، تهران: ققنوس.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد: مجمع البحوث اسلامیة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق). *نهایة الأحكام فی معرفته الأحكام*، قم: آل‌البيت.
- قمی روحانی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲ ق). *فقه الصادق علیه السلام*، قم: دار‌الکتاب.
- قمی روحانی، سید محمدحسین (۱۴۱۸ ق). *المرتقی الی الفقه الارقی*، تهران: الجلیل للتحقیقات الثقافیه.
- کشاوری، محسن (۱۳۹۹). *واکاوی سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه؛ رهیافت ساختاری - محتوایی*،

تهران: امتداد دانش

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق). *ذخیره المعاد فی شرح إرشاد*، قم: آل‌البيت.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱- ب، ق). *الفقه علی المذاهب الخمسة*، بیروت: دار التیار الجديد.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱- الف، ق). *فقه إمام الصادق*، قم: دار المفید.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*، قم: آل‌البيت (علیه‌السلام).
- Cummings, M. C. (2003). *Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey*. Washington DC: Center for Arts and Culture.
- Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. PublicAffairs.
- Papaioannou, E.; Portes, R. & Siourounis, G. (2006). "Optimal currency shares in international reserves: The impact of the euro and the prospects for the dollar", *Journal of the Japanese and International Economies*, Vol.20, Issue.4, December, pp. 508-547.

Mirror of Knowledge and Experience: Introduction and Criticism of Books, Views, and Cultural Experiences

Books are the cornerstone of scientific progress and the written memory of human civilization. In the era of information explosion and the spread of social networks, it is more than ever necessary to identify and introduce valuable and innovative works that expand the boundaries of knowledge in the field of cultural diplomacy, intercultural communication, and culture and communication in general, especially in the applied fields of image-building and branding. The section “Mirror of Knowledge and Experience: Introduction and Criticism of Books, Views, and Cultural Experiences” in the quarterly journal “Cultural Diplomacy Research” has been created with the aim of playing this vital role. In these pages, we will introduce and analytically criticize the latest publications, reference works, worthy translations, and reread classic books in the fundamental and comprehensive field of “cultural diplomacy,” as well as introduce cultural and operational experiences, especially from cultural advisors and representatives of the Islamic Republic of Iran in various countries. We hope that these selections will not only be a source of information about developments in the field, but also an incentive for deeper study, more fruitful scientific discussions, and even encourage researchers to write new works.

This is a place for:

- Introducing intellectual innovations in the form of books.
- Rereading important works and experiences of cultural diplomacy with a contemporary and practical perspective.
- Criticizing and reviewing new publications in the field of cultural diplomacy to assess their credibility and usefulness.
- Identifying and introducing important thinkers, approaches, and theories in the field of cultural diplomacy, and the experience of various countries in this field.

Of course, it should be emphasized that the introductions in this section will not be a mere report, but rather an attempt to clarify the angles of importance of each book or cultural experience for the scientific community in the field of cultural diplomacy in general, with an analytical perspective.

We invite professors, researchers, and experts to contribute to the richness of this section by submitting introductions and reviews of famous and important books in this field, writing about their cultural experiences, especially in different countries, and proposing practical perspectives on the theories and approaches of cultural diplomacy.

Dr. Hassan Bashir
Editor-in-Chief

آینه دانش و تجربه:

معرفی و نقد کتاب‌ها، دیدگاه‌ها و تجربه‌های فرهنگی

کتاب، سنگ بنای پیشرفت علمی و حافظهٔ مکتوب تمدن بشری است. در عصر انفجار اطلاعات و گسترش شبکه‌های اجتماعی، شناسایی و معرفی آثار ارزشمند و نوآورانه که مرزهای دانش را در حوزهٔ دیپلماسی فرهنگی، ارتباطات میان‌فرهنگی و به‌طور کلی فرهنگ و ارتباطات به‌ویژه در حوزه‌های کاربردی و وجهه‌سازی و برندسازی گسترش می‌دهند، بیش از پیش ضروری می‌نماید. بخش «آینهٔ دانش و تجربه: معرفی و نقد کتاب‌ها، دیدگاه‌ها و تجربه‌های فرهنگی» در «پژوهش‌نامه دیپلماسی فرهنگی»، با هدف ایفای این نقش حیاتی ایجاد شده است. در این صفحات، به معرفی و نقد تحلیلی تازه‌ترین انتشارات، آثار مرجع، ترجمه‌های شایسته و کتاب‌های کلاسیک بازخوانی شده در حوزهٔ اساسی و جامع «دیپلماسی فرهنگی» و نیز معرفی تجربه‌های فرهنگی و عملیاتی به‌ویژه از سوی رایزنان فرهنگی و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف خواهیم پرداخت. امیدواریم این گزیده‌ها، نه تنها منبعی برای آگاهی از تحولات این حوزه باشد، بلکه انگیزه‌ای را برای مطالعهٔ عمیق‌تر، گفت‌وگوهای علمی پربارتر و حتی ترغیب پژوهشگران به تألیف آثار نو فراهم آورد.

اینجا محلی است برای:

- معرفی نوآوری‌های فکری در قالب کتاب؛
 - بازخوانی آثار و تجربه‌های مهم دیپلماسی فرهنگی با نگاهی امروزی و کاربردی؛
 - نقد و بررسی انتشارات جدید در حوزهٔ دیپلماسی فرهنگی برای سنجش اعتبار و سودمندی آن‌ها؛
 - شناسایی و معرفی اندیشمندان، رویکردها و نظریه‌های مهم حوزهٔ دیپلماسی فرهنگی و تجربهٔ کشورهای مختلف در این زمینه.
- البته باید تأکید کرد معرفی‌های این بخش صرفاً گزارشی نخواهد بود، بلکه تلاش می‌کند با نگاهی تحلیلی، زوایای اهمیت هر کتاب یا تجربهٔ فرهنگی را برای جامعهٔ علمی حوزهٔ دیپلماسی فرهنگی به‌طور عام روشن سازد.
- از اساتید، پژوهشگران و صاحب‌نظران دعوت می‌کنیم با ارسال معرفی و نقد کتاب‌های معروف و مهم این حوزه، نگارش تجربه‌های فرهنگی خود به‌ویژه در کشورهای مختلف و طرح دیدگاه‌های کاربردی، نظریه‌ها و رویکردهای دیپلماسی فرهنگی در غنای این بخش سهم شوند.

دکتر حسن بشیر


سردبیر

Introducing the Eastern Culture Book Series by an Eastern Thinker

Dr. Ali Mohammad Sabeghi

Former Cultural Attaché of the Islamic Republic of Iran in China, Tehran, Iran

amsabeghi1959@gmail.com

 ID: 000-0003-7141-4147

Introduction


The Eastern worldview and the Western worldview are fundamentally different in many areas, and this difference in perspective has been quite effective and evident in the development of the fundamentals of culture, spirituality, and social behavior of the people of these two parts of the world. A group of Eastern thinkers believe that Western culture, due to its one-sided view in the past century or two, has reached a dead end and has confronted human society with various cultural challenges and social and environmental crises, and the only way to save humanity is to reconcile with nature and adopt Eastern culture as a model. Professor Ji Xianlin is one of this group of thinkers who, through his education in the West (Germany) and extensive studies of Eastern culture, has interesting ideas in this field. He was awarded an honorary doctorate from the University of Tehran in 1998 for his extensive services in introducing Iranian culture and civilization to China. He was also the founder of the Institute for Oriental Culture Studies and the Chair of Persian Language Teaching at Peking University, and has trained many students and Persian scholars. In the introduction to the books published by the Institute for Oriental Culture Studies, Ji Xianlin accurately explained his view on the superiority of Eastern culture over the West and presented an interesting theory. Therefore, I found it necessary to translate this introduction, which follows along with his scientific and research biography, in order to familiarize Iranian researchers with the views of this learned professor.

معرفی سلسله کتاب‌های فرهنگ شرق از یک اندیشمند شرقی

دکتر علی محمد سابقی

رايزن فرهنگي اسبق جمهوري اسلامي ايران در چين

amsabeghi1959@gmail.com

 0000-0003-7141-4147

مقدمه

جهان‌بینی شرق با جهان‌بینی غرب، در بسیاری از زمینه‌ها تفاوت اساسی دارند و این تفاوت در دیدگاه، تکوین بن‌مایه‌های فرهنگ، روحیات و رفتار اجتماعی مردمان این دو بخش از جهان نیز کاملاً اثرگذار بوده و مشهود است. گروهی از اندیشمندان شرقی معتقدند، فرهنگ غرب به دلیل یک‌جانبه‌نگری‌اش در یکی دو قرن گذشته، به بن‌بست رسیده و جامعه بشری را با چالش‌های گوناگون فرهنگی و بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی مواجه ساخته است و تنها راه نجات بشر آشتی با طبیعت و الگوپذیری از فرهنگ شرق است.

پروفسور جی شیان‌لین^۱ یکی از اندیشمندانی است که به‌واسطه تحصیل در غرب (آلمان) و مطالعات گسترده پیرامون فرهنگ شرق، نظریه‌های جالبی در این زمینه دارد. وی در سال ۱۳۷۷ به‌خاطر خدمات گسترده‌ای که در معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی در چین داشته است، نائل به کسب دکترای افتخاری از دانشگاه تهران شده است. همچنین بنیان‌گذار مؤسسه مطالعاتی فرهنگ شرق و کرسی آموزش زبان فارسی در دانشگاه پکن بوده و شاگردان و فارسی‌دانان بسیاری را تربیت کرده است. جی شیان‌لین، در مقدمه‌ای که بر کتاب‌های منتشره از سوی مؤسسه مطالعات فرهنگ شرق نگاشته، دیدگاه خود نسبت به برتری فرهنگ شرق به غرب را به‌درستی تشریح کرده و نظریه جالبی ارائه کرده است؛ از این‌رو لازم دیدم برای آشنایی پژوهشگران ایرانی با دیدگاه‌های این استاد فرهیخته، این مقدمه را ترجمه کنم که همراه با زندگی‌نامه علمی - پژوهشی ایشان در آینده می‌آید.

1. Ji Xianlin

زندگی‌نامه پروفسور جی شیان لین، شرق‌شناس و شخصیت علمی مشهور چین



پروفسور جی شیان لین در ششم اوت سال ۱۹۱۱ (سال سقوط سلسله امپراتوری چین) در استان شندونگ^۱ به دنیا آمد. وی پس از گذراندن دوران تحصیلی تا مقطع دیپلم در زادگاه خود، در نوزده سالگی وارد دانشگاه چینگ خوا^۲ در رشته ادبیات خارجی شد و پس از دریافت لیسانس در سال ۱۹۳۵ جهت ادامه تحصیل عازم آلمان شده و در دانشگاه گوتینگن^۳ در رشته زبان‌های باستانی همچون سانسکریت، توچاریان و پالی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۴۱ موفق به اخذ دکتری در این رشته شد. پروفسور جی در سال ۱۹۴۶ به چین بازگشت و به‌عنوان استاد در دانشگاه پکن مشغول به تدریس شد و دانشکده زبان‌های شرقی را تأسیس و از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۳ این دانشکده را مدیریت کرد. وی در سال ۱۹۷۸ به معاونت دانشگاه پکن برگزیده شد و مسئولیت‌های مختلفی را در فرهنگستان‌های علوم و فرهنگستان علوم اجتماعی چین عهده‌دار بود. تأسیس، هدایت و حمایت از مؤسسه پژوهش‌های فرهنگ شرق، از کارهای ماندگار وی به شمار می‌رود.

در دوران انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶) همراه با سایر اساتید و فرهیختگان چینی از

1. Shandong
2. Tsing Hua
3. Gottingen

سوی گاردهای سرخ مائو، مورد بیشترین آزار و اذیت و ضرب و شتم و انفصال از خدمت قرار گرفت و به مدت بیست سال به عنوان نگهبان درب همان دانشکده‌ای که استادش بود گمارده شد. وی در این مدت به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران، به ترجمه «حماسه رامایانا»ی هندی از زبان اصلی سانسکریت به چینی به صورت شعر مشغول بود و خطر زیادی را در این زمینه به جان خرید. پس از پایان انقلاب فرهنگی از جی شیان لین اعاده حیثیت شد و بار دیگر به عنوان استاد در دانشکده زبان‌های شرقی به تدریس اشتغال یافت.

وی که به دوازده زبان باستانی و معاصر مسلط بود، شخصیت بزرگ علمی و شرق‌شناس مشهور چینی، هندشناس، زبان‌شناس، خط‌شناس و تاریخ‌دان شناخته شده و از وی تاکنون ۲۴ جلد کتاب و بیش از دویست مقاله علمی منتشر شده است. *ون جیابائو* نخست‌وزیر اسبق چین، از وی به عنوان پروفیسور ملی و ذخیره گران‌بهای علمی کشور چین یاد کرده است و در فرهنگستان علوم چین، مؤسسه و رشته جی شیان لین‌شناسی دایر شده است.

پروفیسور جی شیان لین در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۹ در سن ۹۸ سالگی از دنیا رفت. من افتخار این را داشتم که در دور نخست مأموریتم در چین، همراه با مرحوم پروفیسور *جان خونین* استاد زبان فارسی دانشگاه پکن، با ایشان در منزلشان ملاقات کردم و یک دوره از ترجمه چینی شاهکارهای ادبیات فارسی با عنوان «گنجینه شاهکارهای ادبیات فارسی» در ۱۸ جلد را تقدیمشان کردم. در دور دوم مأموریت در چین نیز توانستم در مراسم وداع با جسد آن مرحوم که در سالن بزرگ دانشگاه پکن برگزار شده بود، حضور یابم و به آن بزرگ‌مرد علم و پشتکار ادای احترام کنم.



مقدمهٔ پروفیسور جی شیان لین (نوشته شده در سال ۱۹۹۶) برای «سلسله کتاب‌های فرهنگ شرق» که در آن برتری و اصالت فرهنگ شرق را نسبت به فرهنگ غرب تشریح کرده‌اند، در ادامه می‌آید:

نظریهٔ پروفیسور جی شیان لین، شرق‌شناس بزرگ چینی پیرامون تکثر فرهنگی و مزیت فرهنگ شرق

ما در اواخر قرن بیستم قرار گرفته‌ایم. اصطلاح «قرن» و «اواخر قرن» همچون اصطلاح بهار، تابستان، پاییز و زمستان که به‌طور طبیعی به وقوع می‌پیوندد، منظم و تغییرناپذیر نیست و در واقع ساختگی و مصنوعی است. پیش از عیسی (ع) «قرن» از کجا آغاز می‌شد؟ پیش از او «اول و آخر قرن» از کجا می‌آمد؟ حقیقت خیلی ساده و قابل فهم است، ولی کلمهٔ «قرن» خود تأثیرگذار است. در «اواخر قرن پیش» یعنی اواخر قرن نوزدهم، در چهارچوب ایدئولوژی ادبی و هنری غرب، پدیده‌های عجیبی به وجود آمد و حتی واژهٔ «بیماری قرن» رایج شد. این واقعیتی است که همه می‌دانند و قابل مناقشه و مشاجره نیست، اما «اواخر قرن» کنونی چگونه است؟

به نظرم استثنایی است. در بسیاری از کشورها و مناطق جهان از لحاظ سیاسی تغییرات فاحشی به وجود آمده است و این کار مایهٔ تعجب است. چهارچوب ایدئولوژی و افکار نیز آرام نیست. مباحثه و مشاجره دربارهٔ فرهنگ و تمدن نیز برجسته شده است. در سایر زمان‌ها هم انسان‌ها به موضوعات فرهنگی بی‌توجه نبوده‌اند، ولی فرصت اندک بوده و بحث‌ها این قدر

شدید نبوده است، ولی در اواخر این قرن، انسان‌ها بسیار حساس شده و گویا ناگهان بیدار شده‌اند. از این جهت علاقه محافل ادبی و دانشمندان کشورهای شرق و غرب نسبت به بحث فرهنگ یک‌باره تشدید شده است. تعداد مقاله‌ها و کنفرانس‌ها ناگهان افزایش یافته است و اختلاف نظر مانند رودخانه‌ای خروشان، سیل‌آسا و گوناگون و پیچیده شده است و به اصطلاح «موج فرهنگ» شکل گرفته است. اگرچه من میل ندارم در این «موج فرهنگی» با جریان آب حرکت کنم، ولی در واقع وارد این موج شده‌ام. اگر نظریه‌های خود را ابراز نکنم، احساس می‌کنم گویا استخوان ماهی در گلویم گیر کرده است. از این جهت در کنفرانس‌ها و در قالب مقاله‌ها حرف‌های پوچ و بی‌معنی می‌زنم و بارها دیدگاهم را درباره فرهنگ، به‌ویژه روابط فرهنگ شرق و غرب، نقش و موقعیت فرهنگ شرق در قرن جدید و آینده بیان می‌کنم که این بیانات واکنش‌های مختلفی در پی داشته است.



برای توضیح مطلب در اینجا نظریاتم را درباره فرهنگ و موضوعات مربوط به آن به‌طور خلاصه بیان می‌کنم. به عقیده من، در تاریخ چندهزارساله بشر، ملت‌ها و کشورها، بزرگ و

کوچک، با سابقه طولانی و کوتاه‌مدت، خدماتی در زمینه فرهنگ ارائه داده‌اند. این خدمات از نظر مقیاس، کیفیت، موضوع، میزان اثرگذاری، عمق و مدت متفاوت بوده است، ولی همه بخشی از این خدمات را برعهده داشته‌اند. گنجینه فرهنگ بشر توسط ملیت‌ها و کشورهای جهان مشترکاً ساخته شده است. اگر بخواهیم از اصطلاحی ظریف و لطیف استفاده کنیم، آن را «پلورالیسم فرهنگی» می‌نامند. این دیدگاه که جهان را تنها یک ملت خلق کرده است، گفته فاشیست‌هاست و نمی‌توانیم آن را بپذیریم.

فرهنگ ویژگی برجسته‌ای دارد و آن این است که به‌محض پدیدار شدن فوراً در خارج از حوزه ایجادشده اشاعه می‌یابد و به قول ما مبادلات فرهنگی انجام می‌شود. فرهنگ هیچ‌گاه به‌طور فردی در یک قله قرار نمی‌گیرد و خود را مافوق دیگران نمی‌داند و خود را منزوی نمی‌سازد. فرهنگ در «جامعه جهانی» مستقر است. فرهنگ بدون توجه به رنگ پوست سفید و سیاه مردم، همه‌جا پخش شده و اشاعه می‌یابد. فرهنگ‌ها هرچند با هم تفاوت زیادی دارند و هریک ویژگی‌های خاص خود را دارند، ولی می‌توانند با هم سیستم ویژه‌ای را تشکیل دهند. فرهنگ‌هایی که ویژگی آن‌ها با هم یکسان و شبیه یا نزدیک باشند، یک نظام را تشکیل می‌دهند. به نظر من، با توجه به نقاط مشترک فرهنگ‌ها، می‌توان فرهنگ‌های گوناگون را به چهار گروه تقسیم کرد: گروه فرهنگ چین؛ گروه فرهنگ هند؛ گروه فرهنگ عربی - اسلامی؛ و گروه فرهنگ اروپا و آمریکا که از یونان و رم قدیم تا به امروز امتداد داشته است. اگر معیار را گسترده‌تر بگیریم می‌توان فرهنگ‌های بشری را به دو گروه بزرگ فرهنگی تقسیم کرد: گروه نخست «گروه فرهنگی شرق» و گروه دوم «گروه فرهنگی غرب» را تشکیل می‌دهند.

بشر تاکنون فرهنگ بزرگ واحدی که فراگیر باشد خلق نکرده است. دو سیستم بزرگ فرهنگ شرق و غرب دارای وجوه اشتراک و افتراق هستند. وجوه مشترک آن‌ها در این است که همه «فرهنگ» هستند. تفاوتشان نیز خیلی واضح و روشن است. به نظر من، ریشه تفاوت اساسی آن‌ها در تفاوت در شیوه تفکرشان نهفته است. شرق طرفدار جمع‌بندی و غرب طرفدار تحلیل است. اگر دقیق‌تر بررسی کنیم، می‌توان دریافت که این تفاوت همه‌جا

مشهود است، هم در علوم فرهنگی و اجتماعی بشر و هم در علوم نظری. این نظریه من موجب مشاجره‌های زیادی شده است. بعضی این عقیده را قبول ندارند، برخی با آن مخالفت می‌ورزند و گروهی هم میل دارند با من در این زمینه به بحث بنشینند. احساس می‌کنم تعداد اشخاصی که با فرهنگ شرق و غرب آشنایی زیادی دارند بسیار اندک است و درباره آن‌ها پژوهش عمیقی نشده است. عده‌ای حتی با افکار من آشنا نیستند، ولی دوست دارند در این مورد بحث کنند.

شاید عده‌ای فکر می‌کنند عقیده تفاوت فرهنگ‌های شرق و غرب زائیده دوران جدید و معاصر است، ولی واقعیت این‌گونه نیست. آقای علی مظاهری ایران‌شناس فرانسوی (ایرانی ساکن فرانسه) در کتاب بزرگ «جاده ابریشم»^۱ بسیاری از اختراعات و ابتکارات چین را معرفی کرده است؛ اختراعاتی که حتی خود ما هم از بسیاری از آن‌ها اطلاعی نداریم. من تنها چند جمله از گفته‌های فارس‌ها و عرب‌ها درباره فرهنگ چین و یونان را در اینجا نقل می‌کنم:

مظاهری به نقل از گفته‌های دوران سلسله ساسانی (۶۴۰-۲۲۶ میلادی) می‌گوید: یونانیان غیر از تئوری‌سازی هیچ کار دیگری نکردند. آن‌ها هیچ فنی ارائه نکردند. چینی‌ها برخلاف آن‌ها همه تکنولوژی‌ها را پدید آوردند، ولی هیچ تئوری علمی‌ای ندارند (صفحه ۳۲۹).

جمله آخر ایشان با حقیقت مطابقت ندارد و چین تئوری نیز دارد. این جمله بدان معنی است که به گفته هگل، چین فلسفه ندارد. این حرف کاملاً ناشیانه است که در آن کتاب هم آمده است.

اینجاست که می‌توانیم اهمیت این جمله را که «یونانی‌ها تنها یک چشم دارند ولی چینی‌ها دو چشم دارند» به‌خوبی درک کنیم. من معتقدم جمله یک چشم و دو چشم داشتن یونانی‌ها و چینی‌ها بدون شک از آیین مانوی سرچشمه گرفته است. به غیر از چینی‌ها که با دو چشم اشیا را مشاهده می‌کنند و یونانیان که با یک چشم می‌بینند، سایر ملت‌ها هم کور نیستند (صفحه ۳۲۹).

تکرار این سخنان بدین علت نیست که بگویم خارجی‌ها، چینی‌ها را تحسین و تمجید

می‌کنند که دارای دو چشم هستند و ما هم از خود راضی شده و مغرور و خودپسند شویم. بلکه مایلم بگویم از مدت‌ها پیش در منطقه فارس و عرب، این نوع گفته‌ها وجود داشته است و نمی‌توانیم دقت و عمق دیدگاهشان را ستایش نکنیم. آن‌ها به نکته مهمی اشاره کرده‌اند. من این گفته را که چین تئوری ندارد قبول ندارم، ولی با سایر گفته‌هایش موافقم. در دنیای آن زمان واقعاً تنها چین و یونان دارای فرهنگی برجسته و درخشان بودند.

مسئله‌ای که به شدت مرا تحت تأثیر قرار داده این است که همان‌گونه که در گفته‌های فارس‌ها و عرب‌ها هم مشاهده می‌شود تقسیم‌بندی فرهنگ‌های شرق و غرب، در زمان قدیم هم وجود داشته، اگر چه این تقسیم‌بندی در حال حاضر شدیدتر شده است. از سوی دیگر مایه خشنودی من است که تقسیم‌بندی فرهنگ‌های شرق و غرب ابتکار من نیست و «خارجی‌ها» هم در زمان‌های گذشته و پیش از من به این موضوع اشاره کرده‌اند.

روش تفکر شرق و غرب زیربنای فرهنگ شرق و غرب را ساخته است. سخنان فارس‌ها و عرب‌ها در زمان قدیم نیز کاملاً نظر من را تأیید می‌کنند. تحلیل موجب ظهور تئوری شده و جمع‌بندی به وجود آمدن تکنولوژی را سبب شده است.

در حال حاضر، یونان قدیم آن تک‌چشم خود را نیز بسته است. کشورهای اروپایی فرهنگ درخشان یونان باستان را تداوم بخشیده و پیش برده‌اند و حالا نور فرهنگ اروپا به تمام جهان می‌تابد. پس از انقلاب صنعتی، روش اروپا تمام جهان را فرا گرفت. اروپاییان و امریکایی‌ها از پیروزی خود سرمست شده و خود را پسر آسمان معرفی کرده و گفتند شاید آن‌ها سه چشم دارند، ولی تاریخ را کاملاً فراموش کرده‌اند و بحران‌های کنونی را پیش‌بینی نکرده‌اند؛ اما چینی‌ها برای مدتی طولانی به دلایل مختلف داخلی و خارجی تقریباً هر دو چشم خود را بسته بودند. فرهنگ درخشان باستانی چین بارها با خطر مواجه شد. چین در گذشته متکبر و خودبزرگ‌بین شده بود و پس از حمله توپخانه‌های قوی و کشتی‌های سنگین غرب وحشت‌زده شد و زیر پای امپریالیست‌های غربی به زانو درآمد، ولی اکنون کمی بیدار شده و برای نیرومند ساختن کشور سخت تلاش می‌کند.

من از واقعیت تاریخی فوق‌الذکر به این نتیجه می‌رسم که در طول تاریخ پنج‌هزارساله تغییر فرهنگ‌های شرق و غرب همچون ضرب‌المثل «سی سال کنار شرق رودخانه و سی سال کنار غرب رودخانه» دچار تغییرات بوده است. من عقیده دارم این دو کلمه یک واقعیت را بیان می‌کند. فلسفه باستان چین طرف‌دار تحول و تغییر بود، آیین بودا هم طرف‌دار تغییرپذیری است، حتی دیالکتیک هم عقیده دارد همه چیز در طول زمان در حال تغییر است. تحول طبیعت و جامعه و قلب بشر، همه صحت این دو جمله را تأیید می‌کنند و زیربنای دیدگاه من همین دو جمله است.

در آغاز کتاب «جنگ‌های سه کشور» به‌روشنی آمده است: «پیرامون اوضاع جهان می‌توان گفت، پس از تقسیم و تجزیه طولانی‌مدت، وحدت و الحاق اجتناب‌ناپذیر است و پس از وحدت و الحاق طولانی‌مدت نیز تقسیم و تجزیه حتمی است». این مطلب همان حقیقت ساده را بیان می‌کند: مگر غیر از این است؟ اما هم در شرق و هم در غرب عده‌ای این حقیقت ساده را قبول ندارند. به‌ویژه در غرب تعداد زیادی آگاهانه یا ناآگاهانه معتقدند فرهنگ درخشان غرب می‌تواند برای همیشه و به‌طور دائم پایدار مانده و تداوم یابد. در چین هم پیروان این عقیده زیادند، ولی نمی‌دانند که فرهنگ نیز مانند همه اشیای دیگر جهان نمی‌تواند پایدار باشد و روند همیشگی تولد، رشد، پختگی و سپس پژمردگی و نابودی را طی می‌کند.

اسپنگلر^۱ در کتاب «زوال غرب» دوران هر فرهنگ را به چهار مرحله تقسیم می‌کند: جوانی، رشد، پختگی، پژمردگی. هرچند روش استنباط و مدارک ارائه‌شده توسط وی کم‌وبیش دارای رنگ ایدئالیسم ذهنی است، ولی روی هم‌رفته این خردمندی و مآل‌اندیشی را داشت و شجاعانه ابراز کرده که در تاریخ جهان، هر فرهنگ زنده و فعالی بالاخره روزی زوال خواهد یافت. ضمن احترام به دیدگاه ایشان، عیب نظریه در این است که او ماهیت فرهنگ شرق و غرب، روابط و مبادلات بین آن‌ها را نشناخته است (ن.ک: «زوال غرب»؛ مجموعه دوجلدی ترجمه‌شده توسط چی شی رونگ، اداره نشریات شانگ وو^۲).

1. Spengler's Decline of the West
2. Shang Wu

در دنیای غرب، توینبی^۱ نظریات اسپنگلر را ادامه داده و معتقد بود فرهنگ‌ها - وی آن را تمدن نام گذاشته - همه از نظام روند رشد تا نابودی پیروی می‌کنند. وی تمدن‌های تاریخ بشری را به ۲۱ نوع و گاهی به ۲۴ نوع تقسیم کرده است. این نظریه‌ها در اثر جاودان دوازده‌جلدی وی «پژوهش‌های تاریخی» (۱۹۶۱-۱۹۳۴) بیان شده است. وی از اسپنگلر عاقل‌تر بود، چون در بحث پیرامون فرهنگ شرق هم شرکت کرد و در دهه هفتاد، در گفت‌وگو با چی تیان د زوه^۲، شخصیت فعال اجتماعی ژاپنی، نظریات خود را بیشتر تشریح کرد و به فرهنگ شرق امید بست (ن.ک: «چشم‌اندازی به قرن ۲۱»، نشریات فرهنگ بین‌المللی، ۱۹۸۵).

معتقد نیستم که نظریات اسپنگلر و امثالهم صد درصد درست است، ولی در دوران حاکمیت تاریکی و جهل در جهان، به‌ویژه در اروپا و آمریکا، آن‌ها پرتوی از نور عقل و دانش خود را نشان دادند. از این جهت سزاوار تحسین و تمجیدند و به عقیده من، نظریاتشان تقریباً درست است. در تکمیل گفته‌های فارس‌ها و عرب‌های باستانی میل دارم بگویم تک‌چشم یونانی‌ها و نسل‌های بعدی آن‌ها به تدریج به دو چشم تبدیل شد، ولی هر چیزی که از حد بگذرد، نتیجه‌اش برعکس خواهد شد. در حال حاضر چشم‌های آن‌ها به بسته شدن نزدیک است و دو چشم چینی‌ها که برای مدتی بسته شده بود، اینک در حال باز شدن است.

اکثر قریب‌به‌اتفاق اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها که چشمان خود را بسته‌اند، هیچ‌گاه با شرق آشنایی نداشته‌اند و هیچ‌امیدی هم به آشنایی با شرق ندارند. من بارها شنیده‌ام که هنوز هم در غرب کسانی بر این باورند که چینی‌ها همچنان پایبند بسته و گیسو می‌بافند، تریاک کشیده و زنان صیغه‌ای دارند. در شرایطی که کره زمین هر روز کوچک‌تر می‌شود و اطلاعات گسترده‌تر شده و با انفجار اطلاعات مواجهیم، تعجب‌انگیز است که روشنفکران غربی این‌قدر نادان و جاهل باشند، ولی چین برخلاف آن‌هاست. چینی‌ها تقریباً از همه چیز اروپا و آمریکا تمجید و استقبال کرده و عامه مردم برای به دست آوردن آن تلاش و تقلا می‌کنند. برخی حتی برای نام‌گذاری خود یا مغازه‌هایشان رنگ‌وبوی خارجی را برمی‌گزینند و حتی روی محصولات

1. Arnold Joseph Toynbee
2. Qi Tian Da Zuo

چینی هم نام خارجی می‌گذارند تا مشتری جلب کنند. میهن‌پرستان چینی از این وضعیت ناراحت‌اند و نسبت به این سبک از رفتار و بیگانه‌پرستی هشدار می‌دهند، ولی از طرفی هم «یگانه شدن دوگانه» مفید است. سون زی^۱، استراتژیست بزرگ چین باستان، می‌گوید: «اگر دشمن خود را بشناسید، در صد صحنه با او می‌جنگید و با خطر شکست روبه‌رو نمی‌شوید». اکنون ما تقریباً غرب را مانند کف دستمان می‌شناسیم، ولی آشنایی غرب با شرق همان‌گونه که در بالا گفته شد، بسیار اندک و ناچیز است و بسیار روشن است که در آینده در صورت وقوع یک حادثه، کدام طرف در شرایط مناسب و موضع بهتری قرار خواهد داشت؟

آقای لوشون^۲ درباره فرهنگ غرب، طرف‌دار نظریه «وارد کردن» بود. این نظریه هنوز هم از مد نیفتاده است. در گذشته ما چیزهایی را از خارج وارد می‌کردیم و همچنان هم کالاها را وارد می‌کنیم. در صورتی‌که این کار بیش از حد نباشد و تفاله و آشغال به غرب صادر نکنیم اشکال ندارد. آن‌ها فرهنگ شرق را قبول کنند یا نه، ما حتماً باید فرهنگ خود را صادر کنیم. در کتاب «سرود لطافت»^۳ آمده است: «اگر کسی به من هلو بدهد، من به او آلو سیاه می‌دهم». فرهنگ غرب فوایدی برای جامعه بشری داشته است. ما چینی‌ها و شرقی‌ها ملتی هستیم که در پاسخ به مهربانی و محبت دیگران راهی می‌یابیم و هرگز هدایای آن‌ها را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم.

باید توجه داشته باشیم که چه چیزی به آن‌ها می‌دهیم و چه کالایی صادر می‌کنیم، کالاهای فرستاده‌شده چکیده فرهنگ شرق است. باید چیزهای مناسب برای حل بحران فرهنگی غرب به آن کشورها صادر کنیم. عمده‌ترین بحران‌ها عبارت‌اند از: آلودگی محیط‌زیست، آلودگی هوا، تخریب لایه ازن، عدم تعادل در عادات و سبک زندگی، از بین رفتن گونه‌های خاصی از جانوران و گیاهان، انفجار جمعیت، افزایش بیماری‌های جدید، کمبود منابع آب شرب و غیره اگر این بحران‌ها اصلاح نشوند، آینده بشریت در معرض خطر خواهد بود. منبع این بحران‌ها با طرز تفکر غرب مبنی بر تجزیه و تحلیل ارتباط دارد. غرب معتقد است طبیعت باید پیوسته

1. Sun Zee
2. Lu Shun
3. The Book of the Song of Tenderness

نیازهای زیستی بشر را تأمین کند و شعار «غلبه بر طبیعت» را مطرح می‌کند. آسمان یا «طبیعت» نیز در واکنش به این طرز تفکر، بشر را مجازات می‌کند و در نتیجه این مجازات بحران‌های فوق بروز می‌کنند.

به نظر من، راه‌حل این مشکل‌ها تغییر مسیر زندگی بشر و رها کردن بدی و بازگشت به نیکی است. فقط فرهنگ شرق می‌تواند این کار مهم را انجام دهد. روش فکری فرهنگ شرق جمع‌بندی است که در فلسفه به «وحدت آسمان و بشر» می‌انجامد.

«کتیبه غرب» به قلم جانگ زای، برجسته‌ترین مقاله‌ای است که «اندیشه وحدت آسمان و بشر» را تشریح می‌کند. در آن مقاله آمده است: «آسمان پدر است و زمین مادر و ما فرزندان خرد هستیم که در طبیعت زیست می‌کنیم و از این جهت بدن ما تابع آسمان و زمین است و هویت ما توسط آسمان و زمین تعیین می‌شود. همه مردمان جهان هم‌وطن ما هستند و آسمان و زمین چیزهایی را به ما اعطا می‌کند». اندیشه یکی بودن آسمان و زمین و انسان در فلسفه هند هم همین معنی را دارد و به‌طور کلی، فرهنگ شرق طرفدار آن است که انسان با طبیعت دوست باشد نه دشمن و نمی‌توان شعار «غلبه بر طبیعت» را به کار بست. تنها در صورت آشنایی با طبیعت و دوست داشتن طبیعت است که به دست آوردن پوشاک، خوراک، مسکن، وسیله حمل‌ونقل و همه نیازهای بشری از طبیعت امکان‌پذیر می‌شود و تنها در این صورت است که آینده بشریت تأمین می‌شود.

آنچه ما به غرب صادر می‌کنیم چکیده‌ای از فرهنگ ماست. این موضوع مهمی در دکترین صادراتی ماست. اگر به غرب «آلو سیاه» بفرستیم، آیا غرب آن را می‌پذیرد؟ در واقع ما تاکنون به‌طور رسمی و گسترده به چنین کاری اقدام نکرده‌ایم، حتی خود ما شرقی‌ها، از جمله چینی‌ها نمی‌دانند و اعتراف هم نمی‌کنند که ما چنین گنجینه‌ای داریم. ما کورکورانه به دنبال غرب می‌گردیم و همچنان با طبیعت در حال جنگ هستیم و لذا با همان بحران‌ها مواجهیم. اکنون در کشورهای جهان هم از لحاظ انگیزه و هم از نظر فلسفی تعداد افرادی که به بحران‌های فوق

توجه کرده و سعی می‌کنند حلشان کنند، روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

در شماره سال جاری مجله «اطلاعات اقتصادی ژاپن»^۱ مقاله‌ای به قلم گائو مورن شینگ^۲ آمده است، نقطه کلیدی پژوهش علمی در قرن بیست‌ویکم «استراتژی زیست بشر» است. می‌توان گفت این نظریه حاکی از دوراندیشی است و باید مورد تحسین و تمجید قرار گیرد. اینک مقاله‌هایی که از وحشت افزایش جمعیت فریاد می‌زنند و سخنانی که از بروز بیماری‌های جدید ابراز نگرانی می‌کنند و شعارهایی که به انسان هشدار می‌دهند باید به موضوع عدم تعادل در عادت‌ها و سبک زندگی موجودات و آلودگی محیط‌زیست توجه شود، تقریباً هر روز در معرض دید و شنید است. هرچه عاقلانه فکر شود از تاریکی آینده بشر کاسته می‌شود. تمام مردم جهان - حتی من پیرمرد نودساله - نیز از این روند خوشحال شده و پایکوبی می‌کنیم.

خلاصه سخنم این است که «تنها فرهنگ شرق می‌تواند بشریت را نجات دهد». این عنوان سخنرانی کوتاه من در سمیناری بین‌المللی بود. هنوز قرن جدید نرسیده و تابلویی روی آن آویخته نشده و نوشته روی آن معلوم نیست. هرچند کسانی هستند که مدعی‌اند از آینده‌نگری عالی‌ای برخوردارند و چیزهایی را از دور می‌بینند، ولی مقابل این لوح چوبی که هنوز آویزان نشده است، همگی نزدیک‌بین هستیم. ما از غرب انتقاد می‌کنیم که با فرهنگ شرق آشنا نیست و با شرق و چین آشنایی ندارد. مگر خود ما با همه چیز شرق آشنا هستیم؟ صادقانه باید گفت خود ما چینی‌ها نیز با چین و شرق آشنایی کامل نداریم. تنها راه‌حل این مشکل، آشنایی و آموزش و مطالعه است، ولی آموزش و مطالعه هم نیاز به اسناد و مدارک و کتاب دارد. اگر وجود هم داشته باشد بیشتر متعصبانه است و عینی نیست. البته وضعیت کشورهای شرق با هم متفاوت است و میزان کتاب‌های چاپ‌شده در این کشورها نیز تفاوت دارد، ولی به‌طورکلی بسیار اندک است. بعضی از کشورهای کوچک واقعاً هیچ کتابی برای معرفی فرهنگ خود ندارند. گروهی از کشورهای شرق تقریباً مورد آشنایی دیگران قرار نگرفته و موجودیت آن‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. آن‌ها تصویر مبهمی دارند که گاهی ظاهر می‌شود و گاهی از بین

1. Japan Economic Information
2. Gao Morensheng

می‌رود. این نیز یک تراژدی بی‌صدا برای شرق است. به همین علت بود که پیشنهاد کردیم «سلسله کتاب‌های فرهنگ شرق» تألیف و تدوین شود.

هرچند وضعیت کنونی ما نسبت به گذشته تاریخی بهتر و بنای ما محکم‌تر نیست، ولی به قوه ابتکار خود اعتماد داریم و قصد داریم برای برگرداندن جریان سیل با تمام توان بکوشیم. ما هرگز غرق سخنان توخالی نمی‌شویم. نیازهای مردم جهان و مردم شرق و چین قوه محرکه ماست. آشنایی متقابل بین مردمان شرق و غرب امید و آرزوی ماست و در پی آن هستیم که مردمان شرق و غرب سال‌به‌سال عاقل‌تر شوند. ما سه گروه سالخورده‌گان، میان‌سالان و جوانان دست‌به‌دست هم داده‌ایم تا با تألیف و تدوین، آثار فرهنگ شرق را به سطح عالی برسانیم و امیدواریم از طریق این فعالیت‌ها هم سطح پژوهش چین درباره فرهنگ شرق ارتقا یابد و هم بتوانیم تعدادی افراد با استعداد و متخصص تربیت کنیم و در نتیجه با یک تیر دو نشان بزنیم.

ما با نظریه «اروپامحوری»^۱ مخالفیم، با تبعیض نژادی هم مخالفیم، اما طرفدار دکترین «شرق محوری»^۲ هم نیستیم. اگر فکر می‌کنیم در قرن بیست‌ویک فرهنگ شرق در مقام نخست قرار خواهد گرفت، آن هم ناشی از پیش‌بینی ما درباره روند تاریخ است، نه ناشی از اعتقاد به دکترین خاصی. بر اساس این نظریه، ما با ده‌ها کشور شرقی به‌صورت مساوی و بدون قائل شدن تفاوتی بینشان رودررو می‌شویم. هر کشور بزرگ یا کوچک، پرجمعیت یا کم‌جمعیت، با سابقه تاریخی طولانی یا کوتاه، با موقعیت مهم یا غیرمهم، با همه مساوی و بدون تفاوت برخورد می‌کنیم و هرگز درصدد بالا بردن یا پایین آوردن ارزش و جایگاه آن‌ها نیستیم و نسبت به آن‌ها تبعیض قائل نمی‌شویم.

روی هم‌رفته کشورها با هم تفاوت دارند و میزان اسناد و مدارک مربوط به آن‌ها هم از لحاظ حجم با هم متفاوت است. نمی‌توانیم آن‌ها را یکی کنیم. بعضی از کشورها در «سلسله کتب فرهنگ شرق» موضوعات بیشتری دارند و برخی کمتر. این سبک علمی و واقع‌بینانه است و به تبعیض ارتباطی ندارد. ما صمیمانه ابراز امیدواری می‌کنیم که در قرن بیست‌ویکم،

1. Eurocentric
2. East Axial

هر دو چشم چین هرچه بیشتر باز شود و روشن و خردمند و مآل‌اندیش باشد. یک چشم غرب هم به دو چشم تبدیل و به همان اندازه باز و بلکه بیشتر باز شود و روشن و خردمند و مآل‌اندیش شود. همه ملت‌های جهان از دو چشم برخوردارند و چشمان آن‌ها هم بیشتر باز شود و روشن و خردمند و مآل‌اندیش باشند. ما باید از نقاط قوت دیگران درس بگیریم و سعی کنیم آشنایی بیشتری با یکدیگر پیدا کنیم و به‌طورقطع معتقدیم تنها در این صورت بشر می‌تواند هرچه بیشتر آشنایی متقابل داشته باشد، صلح دائمی جهان را برقرار کند و زندگی بشر روزبه‌روز بهتر شود. انجام این کار هرچند نیاز به زمانی طولانی دارد، ولی آن روز سرانجام خواهد رسید که همه با هم وارد دوران صلح و سعادت شده و با هم به قلمرو هماهنگی بزرگ وارد شویم.

منبع: مقدمه «سلسله کتاب‌های فرهنگ شرق»، ۲۰ مارس ۱۹۹۶.

Contents

The Appropriate Strategy for the Cultural Industries of the Islamic Republic of Iran in Cultural Diplomacy Using the SWOT Matrix 7

Zeinab Zein al-Dini, Mohammad Vejdani, Farzaneh Chavashbashi

Analysis of the Function of Cultural Diplomacy in Enhancing Iran's Position among Public Opinion in the Persian Gulf region; Opportunities and Challenges 37

Masoud Nikravesh, Mohammad Ali Ghamami

Science and Technology Diplomacy in France..... 79

Mohammadreza Dehshiri, Seyyed Mohammadhossein Mirfakhraei

The Role of Digital Diplomacy in Advancing the Goals of the Palestinian People in the Gaza War 113

Mohammad Razmgah, Kamal Akbari

The Zionist Regime's Cultural Diplomacy Strategies in Normalizing Relations with the United Arab Emirates..... 143

Mohammad Javad Ghasemian Nick, Mohammad Hossein Shoa'ee

An Analysis of the Capacities of the Jurisprudential Principle of Ta'lif al-Qulub for Enhancing Cultural Diplomacy with Emphasis on Verse 60 of Surah al-Tawbah..... 175

Mahdi Shoushtari, Gholamreza khoshneyat

Mirror of Knowledge and Experience: Introduction and Criticism of Books, Views, and Cultural Experiences..... 195

Hassan Bashir

Introducing the Eastern Culture Book Series by an Eastern Thinker 197

Ali Mohammad Sabeghi

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Cultural Diplomacy Research Journal

Quarterly Journal

Vol. 2, No. 6, Summer 2025

Proprietor: Islamic Culture and Communication Organization

Al-Hoda Publications

Director in Charge: Reza Maleki

Editor-in-Chief: Hassan Bashir

Manager Editorial: Mohammad Hossein Shoa'ee

Executive Manager: Maryam Fakhri

Editorial Board (In Alphabetical Order):

Amirbahram Arabahmadi

Associate Professor, Department of West Asia and Africa, Faculty of World Studies, University of Tehran
(Field of world studies)

Hassan Bashir

Professor of the Department of Communication and Media, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication,
Imam Sadiq University (AS) (Field of International Communication and Intercultural Communication)

Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi

Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University (Field of International Relations)

Mohammad Reza Dehshiri

Professor of Political Sciences, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs
(Field of International Relations)

Foad Izadi

Associate Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran (Field of Public Diplomacy)

Mohsen Khandan (Alviri)

Professor and Head of History Department of Baqir al-Olum (AS) University (Field of History and
Civilization Studies)

Kharim khanmohammadi

Professor of Culture and Communications, Department of Cultural Studies and Communications, Baqir al-
Olum (AS) University

Ali Asghar Kia

Professor of Communication, Allameh Tabataba'i University (Field of Communication)

Ahmad Pakatchi

Associated Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies (Field of Quranic Sciences and Linguistics)

Omid Ali Masoudi

Professor of Social Communication Sciences at Soore University (Field of Social Communication)

Executive Council

Executive Secretary: Mohammad Sadigh Biglari

Cover Designer: Seyed Mohsen Hosseini

Layout Designer: Somayyeh Siah Posht

Copy Editor and Translation: Journal Office

Mailing Address: Shahid Soleimani Highway, in front of the Northern Door of Tehran
Mosque, Imam Khomeini Complex, Islamic Culture and Communication
Organization, Tehran, Iran

PO Box: 3516/15815 Tel: +9821-88153338 & +982188153395 Fax: +982188843279

website: <https://cdrj.icro.ir> Email: culturaldiplomacy2024@gmail.com

ISSN: 3060-5741/Print Run: 2000000 R